



فصلنامه تخصصی سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی / پاییز ۱۳۹۴ / ۱۰۸ صفحه
برای ناشران، پدیدآورندگان، معلمان، مدیران مدارس، اولیا و کارشناسان آموزشی و پرورشی

ویژه‌دوازدهمین جشنواره
کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد

ویژه کتاب‌های قرآنی



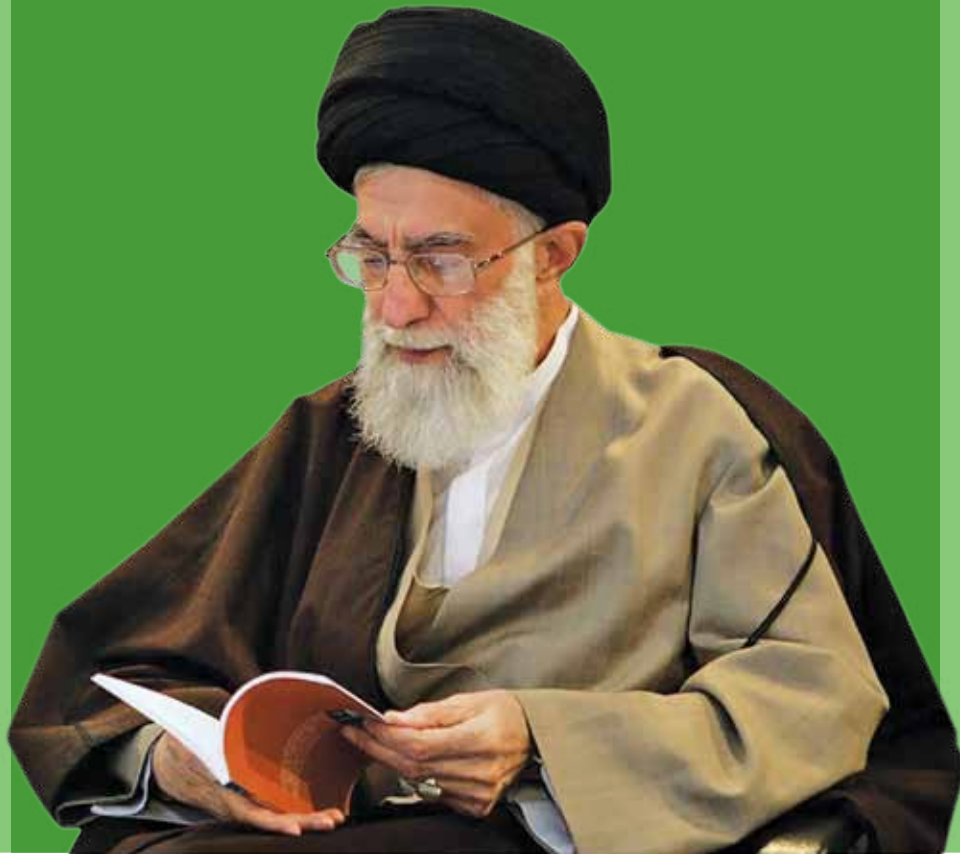
مهوریت‌زدایی از قرآن
سه‌م قرآن در سب‌زندگی
چه چیزی آموزش قرآن نیست؟



قرآن به ما همه چیز را تعلیم داده است؛ قرآن را باید
آموخت، قرآن را باید فهمید، قرآن را مثل نوشیدنی گوارا و
مقوی باید نوشید و زندگی خود را با آن با طراوت و سرشار
از نیرو و عزت کرد.

مقام معظم رهبری

۸۳/۶/۲۶





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

جوانه

۴۹

پاییز ۱۳۹۴ / ۱۰۸ صفحه
فصلنامه تخصصی سامان‌دهی
منابع آموزشی و تربیتی

مدیر مسئول: محمد ناصری
سردبیر: فریبا کیا
شورای برنامه‌ریزی:
بهروز رضایی
دکتر محمود معافی
علاء نوری
مدیر داخلی: معصومه شجاعی
ویراستار: جعفر ربانی
طراح گرافیک: عبدالحمید سیامک‌نژاد
کاریکاتورست: سعید رزاقی
عکاس:
رضا بهرامی
اعظم لاریجانی

نشانی پستی دفتر مجله:
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۲۵۸۵

تلفن: ۸۸۸۳۹۱۶۶
دورنما: ۸۸۳۰۶۰۷۱
پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۱۸

ROSHDMAG
وبگاه: samanketab.roshdmag.ir
پیام‌نگار: javaneh@roshdmag.ir

۴ یادداشت سردبیر

فرصتی برای بازنگری داشته‌ها و شناسایی نیازهای قرآنی/ فریبا کیا

۶ گفت‌وگو

مهیجوریت‌زدایی از قرآن (حجت‌الاسلام دکتر محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی)/ نصرالله دادار
ضرورت تفکیک وظایف نهادهای قرآنی (حجت‌الاسلام محمدرضا حشمتی، معاون قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)/ نصرالله دادار

۱۳ مقاله

قصه‌های بیداری (تأملی در قصص قرآن کریم) / حبیب یوسف‌زاده

۱۶ گفت‌وگو

سهم قرآن در سبب زندگی (گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین سیدجواد بهشتی؛ مشاور امور قرآنی، توسعه فرهنگ اقامه نماز و عترت وزیر آموزش و پرورش و سرگروه داوری کتاب‌های تفسیر و ترجمه قرآنی) / محمد دشتی ۱۶ آثار قرآنی مناسب، محصول زیست‌قرآنی است (گفت‌وگو با محمد ناصری دبیر دوازدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد، ویژه کتاب‌های قرآنی) / بهروز رضایی ۲۱ سادگی، اختصار، جذابیت سه ویژگی لازم برای آثار قرآنی است (محمدرضا مسیب‌زاده، مدیر کل قرآن، عترت و نماز وزارت آموزش و پرورش) / سمانه آزاد ۲۴

۲۶ میزگرد

نگاه تربیتی قرآن مغفول مانده است! (در نشست انتظارات و نیازهای آموزش و پرورش از ناشران کتاب‌های قرآنی مطرح شد) / سمانه آزاد

۳۰ گفت‌وگو با نویسندگان

مؤلفان کتاب‌های دینی فضای تفکر و تعقل را در مخاطب ایجاد کنند (گفت‌وگو با دکتر سید محمد دلبری) / اکرم سادات موسوی ۳۰
قصه مهم‌ترین روش برای آموزش مفاهیم قرآنی و دینی به کودکان و نوجوانان است (گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین حسن راستگو) / لیلا محمدی ۳۲ آموزش وقتی جذاب می‌شود که با فهم همراه شود (گفت‌وگو با محمود کریمی مؤلف کتاب «قرآن دانش آموز») / صدیقه رضانژاد ۳۴ آموزش تفکر در قرآن (گفت‌وگو با احمدرضا اخوت، مؤلف کتاب‌های روش‌های تدبیر در قرآن) / اشرف حمیدی ۳۶ روش‌های آسان و کاربردی برای حفظ قرآن (گفت‌وگو با علیرضا شاهشونی مؤلف کتاب «حفظ آسان قرآن») / سودابه درخشنده ۳۸
دین را در قالب‌های شاد به کودک یاد بدهیم (گفت‌وگو با علیرضا افشاری، مؤلف کتاب «قرآن، کودک و سرگرمی») / نجوا اسپوند ۴۰

۴۲ گفت‌وگو با ناشران

مهارت قرآنی زیستن مهم‌تر از مهارت قرائت قرآن است (حجت‌الاسلام علیرضا سبحانی نسب مدیر انتشارات جمال) / سمانه آزاد ۴۲
ادب اسلامی را برای بچه‌ها از قرآن استخراج کردم (خانم دکتر اعظم فعال، مدیر نشر فعال) / صدیقه رضانژاد ۴۶ وقتی جاده باریک می‌شود (گفت‌وگو با عبدالعظیم فریدون، مدیرعامل انتشارات محراب قلم) / سمانه آزاد ۴۸

۵۰ مقاله

چه چیزی آموزش قرآن نیست؟ / رضا نبانی

۵۵ گزارش نامزدهای جشنواره دوازدهم

قلب این کتاب‌ها تندتر می‌تپد / دبیرخانه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی

۵۸ نقد و بررسی کتاب

تطبیق با متن قرآن / دکتر پرویز آزادی ۵۸ حساسیت‌های زبانی و تصویری در قصه‌های قرآن / ناصر نادری ۶۴ کوششی برای تفسیر مختصر قرآن / بهروز رضایی ۶۶ با خدا و خلقت، خلق خدا و خویشتن / فریده نورمحمدی ۶۸ پیوند دین و زندگی / نصرالله دادار ۷۱ قرآن، در آینه شعر / معصومه شجاعی ۷۴

۷۶ گفت‌وگو با داوران جشنواره دوازدهم

سوابق علمی-اجرایی و بیانیه‌های گروه داوران جشنواره دوازدهم

۹۳



فرصتی برای بازنگری داشته‌ها و شناسایی نیازهای قرآنی



فریبا کیا

زمانی که آقای دکتر محمدیان، رئیس محترم سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، پیشنهاد برگزاری دوازدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد را با عنوان «جشنواره کتاب‌های قرآنی» ارائه کرد گمان نمی‌رفت این همه شور و اشتیاق ایجاد کند و با وجود همه کاستی‌ها و نارسایی‌ها، به گردآمدن گنجینه‌ای از کتاب‌ها و فعالیت‌های ارزشمند در حوزه قرآن منجر شود. از این رو، خوشبختانه، با اهتمام ویژه عزیزان همکار مشتاق قرآنی، امروز مجموعه غنی از دانستنی‌های مختلف در حوزه قرآنی را در اختیار داریم. گرچه از سال‌های آغازین پیروزی انقلاب اسلامی تلاش‌هایی برای معرفی ظرفیت‌های عظیم قرآنی برای هدایت زندگی انسان‌ها در آموزش و پرورش انجام گرفته و ناشران و مؤلفان علاقه‌مند نیز آثار بسیاری در این حوزه تولید کرده‌اند، با وجود این به نظر می‌رسد این تلاش‌ها از انسجام کافی برخوردار نبوده و هماهنگی لازم بین آن‌ها به وجود نیامده و توجه شایسته به برخی از موضوعات مهم قرآنی نشده است. از این روست که می‌بینیم برای سنن خاص، به‌ویژه کودک و نوجوان، آن‌چنان‌که شایسته است مطالب مبتنی بر قرآن وجود ندارد. اکنون، دوازدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد با محوریت کتاب‌های قرآنی فرصت‌ذی‌قیمتی ایجاد کرده است تا مجموعه منسجم کارشناسان و مؤلفان قرآنی به بازنگری داشته‌ها بپردازند و برای رفع مهجوریت از این مائده آسمانی بکوشند.

خوشبختانه با بیانیه‌هایی که از سوی هیئت‌های داوری در حوزه‌های مختلف جشنواره از جمله در زمینه مفاهیم و معارف قرآن کریم، قرآن و سبک زندگی، تفسیر و ترجمه قرآن، داستان‌های قرآنی، دانستنی‌ها و لطایف قرآنی و حفظ و آموزش روخوانی قرآن صادر شده، ضعف‌ها و توانایی‌های نظام آموزشی و تربیتی کشور در این حوزه‌ها کم‌وبیش تدوین و شناسایی گردیده است؛ بنابراین اکنون می‌توان با برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تر و هدفمندتر و اهتمام و مشارکت بیشتر نسبت به تکمیل داشته‌ها و رفع نارسایی‌ها اقدام کرد و روزبه‌روز به سطح قابل‌قبولی از حضور مفاهیم و آموزه‌های قرآنی در فضای زندگی و جو آموزشی کشور نزدیک شد.

اکنون با این جشنواره زمینه‌ای فراهم شده که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، به‌عنوان اصلی‌ترین بخش نظام آموزشی و تدوین برنامه‌درسی و آموزش قرآن، ظرفیت نظام غیررسمی و غیردولتی را برای هماهنگی و همراهی خود به محک آزمون درآورد و مؤلفان و برنامه‌ریزان در دفتر تألیف و سایر واحدهای

ذی‌ربط قرآنی با مشارکت ناشران و نویسندگان به آسیب‌شناسی وضعیت موجود بپردازند و برنامه‌های بعدی را در این حوزه با دقت بیشتری طراحی و ترسیم نمایند. جشنواره دوازدهم فرصتی فراهم آورد تا ناشران و مؤلفان و تولیدکنندگان کتاب‌های قرآنی، به انتظارات، نیازها و مطالبات روبه‌ترتیب نظام آموزشی در حوزه قرآن پی ببرند و بتوانند با آگاهی دقیق‌تر برنامه‌های انتشاراتی خود را مطابق با نظر کارشناسان و ذائقه مخاطبان و نیازهای جامعه تنظیم نمایند. همچنین، جشنواره قانونی را ایجاد کرد تا دستگاه‌های مختلف برنامه‌ریزی و اجرایی در حوزه آموزش عمومی قرآن به انسجام و هماهنگی قابل قبول‌تری دست یابند و از اجرای کارهای موازی احتمالی بکاهند و با انباشتگی توانایی‌ها و داشته‌های خود به تراز رفیع‌تری از تلاش‌های هماهنگ دست یابند.

بنابراین امید می‌رود که مخاطبان و مشتاقان اعتلا و ارتقای نظام تربیتی کشور و کسانی که دل به سرفرازی نظام فرهنگی و آموزشی و اجتماعی کشور بر مبنای آموزه‌های وحیانی قرآن بسته‌اند امیدوارتر شوند و به این باور برسند که داعیه‌داران تربیت کشور مصمم به استقرار تربیت مبتنی بر قرآن هستند و خواهان آنند که مفاهیم قرآنی بر اجزا و ارکان نظام ایران اسلامی نمود بارز و اثربخشی داشته باشد. آشنایی بیشتر خانواده‌ها، دانش‌آموزان و معلمان با دستاوردها و ظرفیت‌های عظیم قرآنی در کشور از دیگر ثمرات و دستاوردهای این جشنواره ارزشمند است.

ویژه‌نامه‌ای که تقدیم شما می‌شود محملی است برای نقد و بررسی کتاب‌های راه‌یافته به جشنواره و مجالی برای گفت‌وگو با مؤلفان کتاب‌های قرآنی؛ علاوه بر این با شناسایی نقاط قوت و ضعف و ویژگی‌های برجسته منابع قرآنی، مختصات فرایند تولید و نیازسنجی پدیدآورندگان را برای تدوین محتوای قرآنی مناسب به تصویر می‌کشد.

تقدیر از کتاب‌های شایسته و استاندارد که مراحل مختلف داوری را پشت سر گذاشته‌اند، ضمن تشویق دست‌اندرکاران تولید آن‌ها، جامعه را نیز از وجودشان آگاه می‌سازد و مشتاقان را به سوی آن‌ها هدایت می‌کند.

دستاوردهای معنوی، آموزشی، بین‌المللی، اجتماعی و حرفه‌ای این جشنواره نیز می‌تواند با دقت و جزئیات بیشتری مورد بررسی و مذاقه و تحلیل قرار بگیرد تا زمینه فعالیت‌های بهتر و بیشتری را در آینده فراهم سازد.

امید است این جشنواره حساسیت‌های لازم، تحرک و تحول‌آفرینی قابل ملاحظه‌ای را در بخش‌های مختلف فعالیت‌های قرآنی، از برنامه‌ریزی گرفته تا تألیف، توزیع و حتی مصرف ایجاد کرده و با شناسایی و رفع چالش‌های پیش‌رو توانسته باشد گامی هرچند کوچک در ادای دین به این امانت بزرگ الهی به بشر برداشته و به اعتلای روزافزون شأن و جایگاه قرآن در عرصه و صحنه زندگی مردم کمک کرده باشد. که حافظ فرمود:

صبح خیزی و سلامت طلبی چون حافظ

هرچه کردم همه از دولت قرآن کردم

دکتر محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی:

مهجوریت‌زدایی از قرآن

نگاهی به اهداف جشنواره دوازدهم کتاب‌های رشد

نصرالله دادار

اشاره

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی طی گفت‌وگویی به سؤالات ما پیرامون جشنواره کتاب‌های قرآنی پاسخ گفت. دکتر محمدیان در این گفت‌وگو با بیان این نکته که قرآن در بین ما مهجور است و باید از این کتاب الهی مهجوریت‌زدایی کنیم، افزود: اختصاص یافتن دوازدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی به کتاب‌های قرآنی در راستای همین هدف بوده است. متن این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید:

چون‌آقای دکتر محمدیان! لطفاً بفرمایید چه نیاز و ضرورتی موجب شد که دوره دوازدهم جشنواره به کتاب‌های قرآنی اختصاص دهید.

ضمن تشکر از دفتر انتشارات و بخش سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی آن، که پیشنهاد مرا مورد توجه قرار دادند و این دوره از جشنواره را به کتاب‌های قرآنی اختصاص دادند، من معتقد هستم که قرآن هنوز هم در بین ما مهجور است؛ یعنی ما قرآن را خوب نشناخته‌ایم و نتوانسته‌ایم آن را وارد عرصه زندگی و حیاطمان کنیم. قرآن در حاشیه زندگی ماست. ما با قرآن مأنوسیم، اما بیشتر برای تبرک جستن یا تفأل زدن و استخاره کردن و این‌ها؛ قرآن هنوز به اندازه حقیقت آن در جامعه رواج پیدا نکرده است. البته هر آن‌چه ما امروز از زیست قرآنی داریم و آن مقدار از زندگی ما و نظام ما که صبغه الهی گرفته است، از همان اندک توجهی است که به قرآن داریم در واقع «نمی» از «بیم» قرآن به دامن ما نشسته است؛ ولی کافی نیست. هنوز فضا و جو ما آن قدر قرآنی نشده است که وقتی استنشاق معنوی می‌کنیم، بوی قرآن به مشاممان برسد. بنابراین مهجوریت قرآن باقی است و ما باید کاری برای آن انجام دهیم. به‌رحال اختصاص یافتن جشنواره

دوازدهم به کتاب‌های قرآنی، گامی در این جهت است.

مهجوریت‌های قرآن

چون‌آقای دکتر محمدیان! به نظر شما مهجور بودن قرآن بیشتر در چه لایه‌هایی است؟

مهجوریت قرآن لایه‌های مختلفی دارد. اولین لایه این است که ما به‌عنوان مسلمان، نتوانیم با قرآن همان مسّ یا تماس ابتدایی را داشته باشیم. مسّ ابتدایی هم این است که قرائت یا تلاوت قرآن را بدانیم ولی همین موضوع (تلاوت قرآن) برای ما فراگیر نیست و این لایه اول مهجوریت است. ما هنوز بی‌سواد قرآنی داریم. هنوز بعضی از بزرگ‌سالان وقتی قرآن را می‌بینند، از آن، به نوعی، واژه دارند. چون قرآن را بلد نیستند. کسی هم که از قرآن واژه داشته باشد نمی‌تواند با آن تماس بگیرد. بنابراین ما باید قرآن‌آموزی را عام و فراگیر کنیم. این عیب بزرگی است که کسی مسلمان باشد ولی نتواند حداقل قرآن را تلاوت و قرائت کند. در اینجا تکلیف نظام تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش کشور این است که دانش‌آموزان را در دوره ابتدایی با آموزش روخوانی و روان‌خوانی با قرآن مأنوس کند.

دومین لایه از **مهجوریت** قرآن این است آن‌هایی هم که می‌توانند قرآن را بخوانند، نمی‌توانند قرآن را از نظر مفاهیم و معانی درک کنند.

درست است که خط، لفظ، کتابت و خواندن قرآن نور است و تلاوتش انسان را نورانی می‌کند. اما درک حقیقت قرآن از قرائت بدون تدبیر حاصل نمی‌شود. لذا معصوم (ع) می‌فرماید: «لاخیر فی قرائة لیس فیہ تدبیر». یعنی در قرائت قرآنی که در آن تدبیر نباشد، خیر نیست. اولین ورودی تدبیر هم فهم معانی قرآن است. ما باید بدانیم که دلالت‌های الفاظ قرآن بر چه معانی و مفاهیمی است. باید مفهوم قرآن را بدانیم. ما الان قاریانی داریم که وقتی قرآن

چوایه برای مهجوریت‌زدایی از قرآن چه پیشنهادهایی دارید؟

به نظر من مدیر هر دستگاهی در حوزه خودش باید برای این کار برنامه داشته باشد. ما در حوزه آموزش و پرورش، احساس کرده‌ایم که یک برنامه‌های رسمی باید طراحی کنیم. برنامه‌های رسمی ما هم همان برنامه‌های آموزشی در چارچوب برنامه درسی ملی است. قدم به قدم جلو می‌رویم.

ولی کافی نیست. همچنان که در برنامه درسی، در بسیاری از عناوین دروس و حوزه‌های یادگیری احساس می‌کنیم نیازمند پشتیبانی و حمایت علمی، فرهنگی و آموزشی هستیم، در حوزه یادگیری قرآن چنین احساسی داریم.

شما می‌بینید در حوزه دروس تجربی، ریاضی یا زبان خارجی چقدر بخش خصوصی آمده است و پشتیبانی می‌کند؛ ولی ما در حوزه معارف اسلامی و قرآنی نتوانسته‌ایم از استعدادهای عمومی کشور استفاده کنیم و این‌ها را به صورت هم‌افزا در کنار هم قرار دهیم.

همه ما علاقه‌مند به قرآن هستیم ولی از برنامه‌های همدیگر در این زمینه خبر نداریم. پس به یک هماهنگی نیاز است تا هم‌افزا شویم و از کارهای تکراری، موازی و یا کم‌اثر اجتناب کنیم و این حاصل نمی‌شود مگر اینکه افراد را دعوت و تشویق به همکاری کنیم. این حوزه خیلی نیازمند کار است.

متأسفانه یک کج‌تابی یا بدفهمی هم وجود دارد و آن این است که مردم فکر می‌کنند چون حکومت اسلامی است، هر چه که رنگ و بوی اسلامی دارد، خود حکومت باید متولی آن شود. این برداشت ناصوابی است.

حاکمیت اسلامی در جای خودش یک وظایفی دارد؛ اما آحاد

ملت هم وظیفه دارند. همان‌طور که در نیمه شعبان،

تلاوت می‌کنند، وقف و ابتدایی که می‌کنند درست نیست؛ لحنی هم که به کار می‌برند درست نیست؛ نفس‌گیری‌هایی که می‌کنند، درست نیست. این‌ها به دلیل آن است که معنای آیه‌ای را که می‌خوانند نمی‌فهمند. معانی و مفهوم قرآن برایشان فهم نشده است. پس دستگاه تعلیم و تربیت کشور لازم است حداقل در دوره اول متوسطه، بین آموزش زبان عربی و فهم قرآن پل بزند و از آموزش عربی برای فهمیدن قرآن بهره بگیرد. حداقل انتظار این است که اگر دانش‌آموزان واژگان کم‌بسامد قرآن را بلد نیستند واژگان پر بسامد آن را بلد باشند.

یک مهجوریت دیگر قرآن این است که رفتارهای قرآنی برای ما ملکه نشده است. ما نمی‌دانیم قرآن از ما چگونه زیستنی را می‌خواهد تا همان‌گونه زندگی کنیم. قرآن اساساً کتاب و قانون زندگی است. ما باید زیست قرآنی داشته باشیم. لذا اگر تلاوت و قرائت قرآن می‌کنیم یا داستان‌های قرآن را نشر می‌دهیم و می‌خواهیم لطایف آن را بدانیم، برای این است که براساس قرآن زندگی کنیم. مثلاً وقتی داستان حضرت یوسف (ع) را می‌خوانیم یعنی این که ای جوانان! شما اگر یوسف هم باشید برادر بدخواه دارید. تو را می‌فریبند و برایت چاه می‌کنند. همچنین به پدران و مادران ما یاد می‌دهد که هر تعداد فرزند داشته باشند متوجه باشند که ممکن است بین آن‌ها اختلاف بیفتند و نسبت به همدیگر حسادت بکنند. باید از داستان حضرت یوسف فهمید که حتی در یک نظام فرعون‌ی اگر کارهای شدید، باید امانت را رعایت کنید و اگر جامعه‌ای به شما اعتماد کرد، باید این اعتماد را پاس داشت. نمی‌توان گفت چون نظام فرعون‌ی است، می‌توان دزدی کرد و دروغ گفت. چون آدم‌ها هستند که از نظام‌ها بهره‌مند می‌شوند.

ما شک نداریم که وقتی نظام جمهوری اسلامی آمد، انصافاً قرآن را به صحنه آورد. ما در گذشته قاری و حافظ برجسته قرآن بسیار کم داشتیم؛ اما امروز تعداد کثیری قاری برجسته و حافظ قرآن داریم. ولی عقب‌ماندگی ما در قرآن آن قدر زیاد است که هنوز به حد نصاب لازم نرسیده‌ایم. این است که می‌گوییم از قرآن باید مهجوریت‌زدایی کنیم.

برنامه‌ریزی‌ها مبتنی بر قرآن نیست

اضافه بر این‌ها من معتقدم که اساساً در نظام برنامه‌ریزی کشور قرآن مهجور است و این به سران و برنامه‌ریزان کشور برمی‌گردد. یعنی برنامه‌ریزی‌های آن‌ها مبتنی بر قرآن نیست. در نظام تعلیم و تربیت ما بعد از سی و چند سال، آن هم در سال‌های اخیر، در حد اندکی از قرآن متأثر شده‌ایم. یعنی برنامه‌ریزی درسی ما مبتنی بر قرآن نیست. برنامه‌ریزی اقتصادی و سیاسی ما مبتنی بر قرآن نیست. بله، در جاهایی از قرآن متأثر شده‌ایم ولی الصافی عمل کرده‌ایم؛ در صورتی که در مورد قرآن نباید الصافی عمل شد. باید درهم‌تنیدگی برنامه‌ها ایجاد شود. یعنی وقتی برنامه توسعه یا چشم‌انداز را می‌نویسیم، سطر به سطر آن‌ها مستندهای قرآنی داشته باشد یا حداقل مغایر با قرآن نباشد.

عیب بزرگی است که کسی مسلمان باشد ولی نتواند حداقل قرآن را تلاوت و قرائت کند. در اینجا تکلیف نظام تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش کشور این است که دانش‌آموزان را در دوره ابتدایی با آموزش روخوانی و روان‌خوانی با قرآن مأنوس کند





دولت وظیفه دارد چراغان کند و پرچم بزند خود مردم هم باید کار خودشان را بکنند و ابراز علاقه به حضرت حجت (عج) بکنند و البته این کار را هم می‌کنند. در محرم و عاشورا هم مردم خودشان به میدان می‌آیند. در مورد قرآن هم همین‌طور است ولی نهادهای دولتی هم برای ترویج فرهنگ قرآن سرجای خود وظیفه دارند. بر همین اساس بود که ما به این نتیجه رسیدیم که مخصوصاً در حوزه مسئولیت خودمان کاری بکنیم. این بود که گفتیم ناشران، مؤلفان، نویسندگان و اهل قلم برای آموزش بچه‌هایی که از سن ۵ تا ۱۸ سالگی آموزش و پرورش عهده‌دار آنان است بیایند کار کنند و کمک کنند و این را هم متواضعانه و خاضعانه خواستیم. ما برای نوجوانان و جوانان در زمینه فرهنگ قرآن، آثار بسیار کمی داریم. پس گام اول این است که دیگران را تشویق کنیم تا به میدان بیایند.

گام دوم استانداردسازی است. چون همین کارهایی هم که تاکنون انجام شده، هم از نصاب لازم برخوردار نیست؛ به عبارت دیگر با آن‌چه که در برنامه درسی، آموزشی و تربیتی است همسویی و همخوانی لازم را ندارد. برای این کار نیازمند یک استانداردهایی بودیم که خوشبختانه آن‌ها را تهیه کردیم.

البته در این کار، چون این اولین بار بوده، دوستان قطعاً اغماض‌هایی هم داشته‌اند تا فعلاً بعضی از کتاب‌ها بیاید و ما آن‌ها را بررسی و احیاناً تشویق کنیم و بگوییم امسال این‌ها بهترین‌ها بودند؛ ولی براساس استانداردهای ما باید کارهای بهتری برای آینده تولید شود.

گاهی اوقات کتاب‌هایی به دست من می‌رسد که نگاه می‌کنم و جای تعجب دارد. اخیراً چند کتاب داستانی قرآنی را نگاه می‌کردم. دیدم بخشی از این‌ها نه تنها مستندات قرآنی ندارد، بلکه ریشه در اسرائیلیات دارد. چیزی که ما می‌گوییم و می‌خواهیم باید خودش مبتنی بر قرآن باشد و اگر فضا سازی داستانی می‌کنیم باید با روایات صحیح داستان‌سازی کنیم. اما این‌که فکر کنیم می‌توانیم در خیال‌های خودمان جولان بدهیم و چیزهایی تهیه کنیم که حاصل آن این اسرائیلیات باشد، درست نیست و این‌ها نباید در معارف قرآنی و اسلامی وارد شود. فکر نباید ضعیف و بچه‌گانه باشد. فکر باید بزرگ، توانمند و قوی باشد ولی برای بچه‌ها باشد.

ما متأسفانه در فهم این مسئله در کشور دچار کژتابی هستیم. گاهی فکر می‌کنیم آن‌ها که برای بچه می‌نویسند باید تنک‌مایه و سبک مغز باشند. در حالی که نویسنده کار کودک یا نوجوان باید متخصص باشد. این‌طور نیست که چون کار برای بچه‌هاست، هر کسی می‌تواند این کار را انجام دهد. این فکر غلط را در آموزش و پرورش هم داریم. فکر می‌کنیم هر کس که دیپلم دارد، می‌تواند معلم ابتدایی شود.

حد نصاب قرآنی هم همین‌طور است. آن کس که می‌خواهد

کار قرآنی برای بچه‌ها بکند، باید هم دانش قرآنی داشته باشد و هم بتواند با بچه‌ها هم‌زبانی کند و برای آن‌ها بنویسد. لذا لازم است این استانداردها را داشته باشیم و مشخص کنیم که مثلاً داستان قرآنی یا تفسیر دانش‌آموزی، این شاخص‌ها و ویژگی‌ها و مشخصات را دارد.

چگونه چه پیشنهادی برای ادامه راه جشنواره قرآنی دارید؟

شروع هر کاری خوب است، اما تداوم آن مهم است. این کاری که شما امروز شروع کرده‌اید باید سال‌ها ادامه دهید تا به آن مقصود اصلی برسید. اگر کار را نیمه‌تمام رها کنید، سرمایه‌ها را هدر داده‌اید. ما باید به روزی برسیم که اگر از ما بخواهند صد کتاب قرآنی برای دوره ابتدایی معرفی کنیم، داشته باشیم. البته باید مواظب ابهت و قداست قرآن هم باشیم. چون ما بعضی وقت‌ها با ساده‌سازی کاری می‌کنیم که در حقیقت کم‌ارزش‌سازی اتفاق می‌افتد. نباید این اتفاق رخ دهد. ساده‌سازی غیر از کم‌ارزش‌سازی است. قرآن کتاب مقدس است و باید از قداست آن حفاظت شود.

احساس من این است که می‌توانیم با آغاز این کار در همان مسیری قدم برداریم که مقام معظم رهبری فرمودند: امیدوارم آموزش و پرورش در مهجوریت‌زدایی قرآن کاری بکند کارستان. پس همه برنامه‌های ما باید به سمتی پیش برود که ان‌شاء... در ۱۰ سال آینده در کنار قاریان و حافظان برجسته قرآنی، مدیر در قرآن و مفسر در قرآن داشته باشیم و در کنار این‌ها گنجینه فرهنگی کشورمان هم آکنده از کتاب‌ها و کارهای قرآنی بشود.

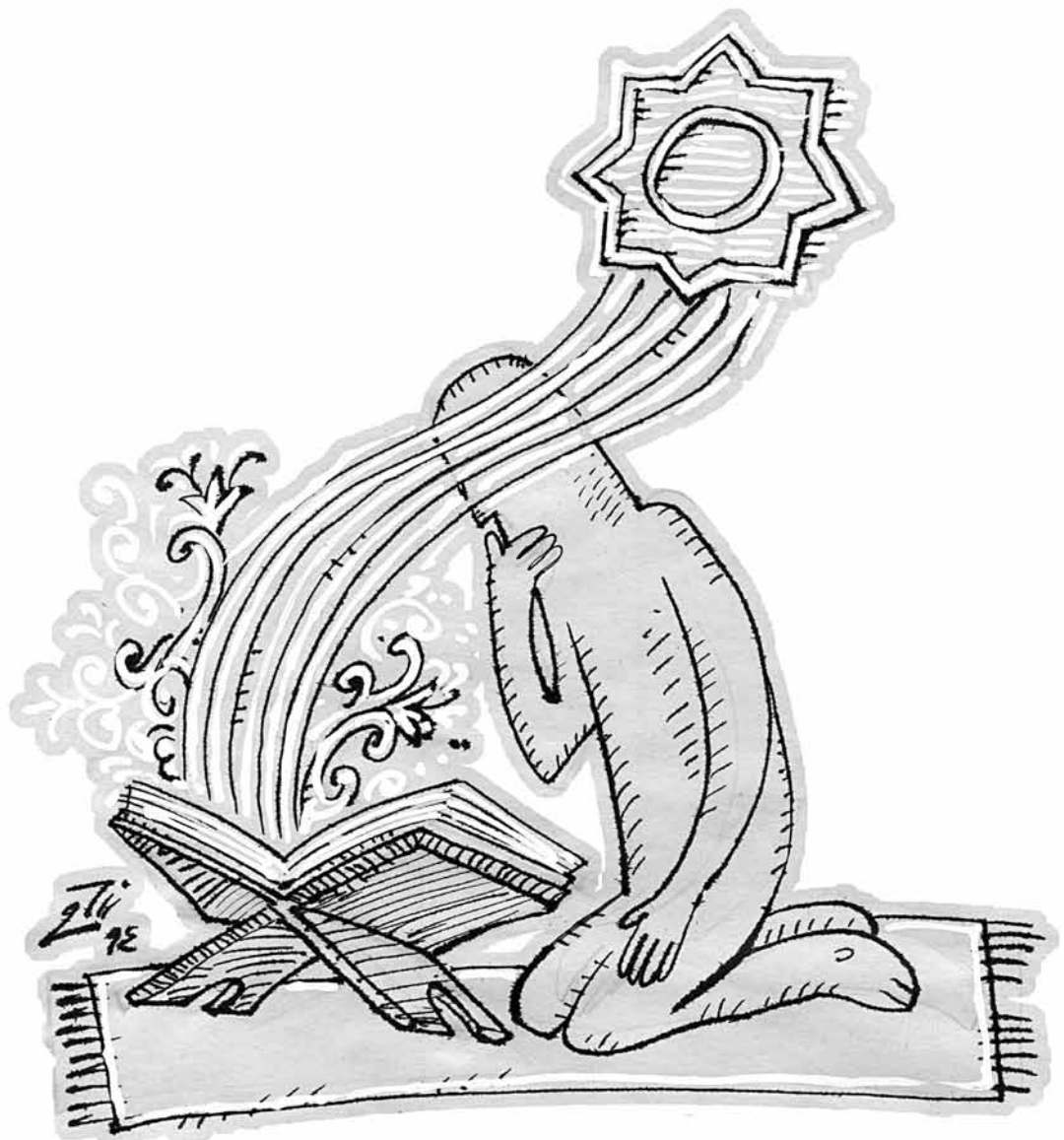
چگونه چه انتظاراتی از ناشران، مؤلفان و نویسندگان کشور در این مسیر دارید؟

احساس من به‌عنوان یک طلبه این است که همه ما مدیون قرآن هستیم؛ مخصوصاً ناشران و نویسندگانی که در حوزه معارف قرآنی و اسلامی کار می‌کنند. به‌ویژه ناشران قم و مشهد باید نسبت به قرآن اهتمام داشته باشند و سعی‌شان این باشد که آثار فخیم و فاخر تولید کنند. من می‌خواهم بگویم تولیدات این ناشران باید به‌گونه‌ای باشد که قابلیت تنه زدن به ناشران برجسته دنیا را داشته باشد. آن‌ها باید ببینند ناشرانی که در اروپا در رابطه انجیل برای بچه‌ها کار می‌کنند چه کار می‌کنند. الگو گرفتن بد نیست. فن و مهارت است. ببینید آن‌ها از چه نوع مطالبی، چه زبانی، چه نقاشی‌هایی، چه خط‌هایی و چه کاغذهایی استفاده می‌کنند. برای خانواده‌ها چه می‌کنند. شما می‌دانید که قرآن بسیار جذاب‌تر از انجیل است. ناشران به‌ویژه ناشران قمی باید همت والای خودشان را نشان دهند. نباید در رابطه با قرآن براساس عرضه و تقاضا عمل کرد که ببینند سود دارد یا نه. سودهای قرآنی را باید برای آخرت‌مان بگذاریم. البته ما هم باید در معاونت سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی و تربیتی، مشاوره

درست است که خط، لفظ، کتابت و خواندن قرآن نور است و تلاوتش انسان را نورانی می‌کند. اما درک حقیقت قرآن از قرائت بدون تدبیر حاصل نمی‌شود

فرمود: «علم ما را یاد بگیرند و به مردم یاد دهند.» بعد هم فرمود: «اگر مردم به زیبایی کلام ما پی ببرند، حتماً از آن پیروی می کنند.» این معلوم می کند که ما در آموزش کلام اهل بیت و معارف اسلامی و قرآنی، باید هم زیبا بگوییم و هم زیبایی ها را نشان بدهیم. اگر شما دیدید در جایی مردم کلام اسلام را پس می زنند، معلوم می شود که ما به خوبی نگفته ایم یا زبان شناس و مخاطب شناس نبوده ایم یا مطلب را خوب بیان نکرده ایم.

رایگان در اختیار ناشران قرآنی قرار دهیم تا بدانند کتاب هایی که در رابطه با قرآن تولید می کنند حائز چه نوع ویژگی ها و استانداردهایی باید باشد. واقعاً اگر ما این کار را خوب انجام دهیم، یک قدم جهادی برداشته ایم. با انجام این کار جامعه از گزند آسیب ها و آفت ها بیمه می شود. حضرت رضا (ع) فرمود: «خدا رحمت کند کسی که امر ما را احیا کند.» از حضرت پرسیدند احیای امر شما به چه چیز است؟



حجت الاسلام محمدرضا حشمتی، معاون قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



ضرورت تفکیک وظایف نهادهای قرآنی

نصرت الله دادار

از منویات قرآن را توانسته‌اند معرفی کنند، ولی هنوز نتوانسته‌اند همه حقیقت قرآن را معرفی کنند.

چرا شما در گذشته هم گفته بودید که بخشی از فعالیت‌های قرآنی فرهنگ‌ساز نیستند. منظور تان چه نوع فعالیت‌هایی است و کدام یک از آن‌ها باید کنار گذاشته شود؟

الان خیلی از مسابقاتی که در حوزه قرآن برگزار می‌شود زیادی و تکراری است. هر سازمانی فکر می‌کند برای ترویج فرهنگ قرآن تنها راه این است که مسابقه برگزار کند. چون این آسان‌ترین کار است در حالی که انجام کارهای دیگر مثل تولید فیلم، داستان و ... در حوزه قرآن بسیار سخت است. انجام کارهایی مانند کارهای استاد فرشچیان، سخت است. بنابراین ما فقط سراغ کارهای آسان می‌رویم. مثلاً جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های متعدد و همزمان برگزار می‌کنیم که در آخر خروجی ندارد و رسوب نمی‌دهد و فرهنگ‌ساز نمی‌شود. البته یکی از همین نمایشگاه‌ها هم نمایشگاه قرآن در رمضان است و کار خود ماست که تکراری شده است. حتی برخی از آموزش‌ها هم تکراری است.

این‌ها نشان می‌دهد که فعالیت‌های ما درست نیست. زمانه با ظهور انواع رسانه‌های جدید تغییر کرده است. ولی ما در انتخاب رسانه دقت زیادی نمی‌کنیم، تقریباً ۱۰ سال است که میزان عمر رسانه خطابه و سخنرانی کم و از تأثیر آن‌ها کاسته شده است. الان رسانه‌های هنری و مجازی بهتر عمل می‌کنند و باید آن‌ها را جایگزین کنیم و این کار را هم نمی‌توان به صورت دستوری انجام داد. ما باید نیرو تربیت کنیم.

چرا وزارت ارشاد در زمینه استفاده از رسانه‌های جدید چه فعالیت‌هایی کرده است؟
ما تولید نمونه فیلم‌های کوتاه را در حوزه‌های اخلاقی و قرآنی

حجت الاسلام محمدرضا حشمتی، معاون قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در گفت‌وگو با رشد جوانه، به مناسبت برگزاری جشنواره کتاب‌های قرآنی، با بیان اینکه شورای عالی انقلاب فرهنگی باید وظایف نهادهای ۱۸ گانه قرآنی را روشن و تفکیک کند، گفت: ما در حوزه دانش قرآنی پیشرفت‌هایی داشته‌ایم، ولی در توسعه رفتار قرآنی در جامعه، کاملاً ناموفق بوده‌ایم. ما باید در شأن قرآن کارهای بزرگی می‌کردیم ولی نکردیم. وی افزود: «یکی از راه‌های مهم توسعه فرهنگ قرآنی در جامعه این است که نخست مسئولان و افراد انقلابی رفتار و گفتار قرآنی داشته باشند.»

متن کامل گفت‌وگو با آقای محمدرضا حشمتی را در ادامه می‌خوانید.

چرا ارزیابی شما از توسعه فرهنگ قرآنی در جامعه، به خصوص در زندگی مردم چیست؟

قرآن یک کتاب منحصر به فرد است. همه کتاب‌های دنیا حاصل قلم بشر است. اما قرآن بیان خداست برای انسان که از طریق وحی بر پیامبرش نازل فرموده است. وقتی به کارنامه ۳۷ ساله انقلاب اسلامی نگاه می‌کنیم می‌بینیم، طی این مدت، ما باید در شأن این کتاب الهی کارهای بزرگی می‌کردیم که متأسفانه نکردیم.

البته فعالیت‌های قرآنی زیادی کرده‌ایم، ولی این کارها با نشر فرهنگ قرآنی در جامعه متفاوت است. باید دقت داشته باشیم که برخی از فعالیت‌هایی که انجام می‌شود، از بین می‌رود و آثار آن باقی نمی‌ماند، اما برخی از فعالیت‌ها فرهنگ سازند و ما از این نوع فعالیت‌های فرهنگ‌ساز کم داشته‌ایم.

اکنون هم نهادهای مختلفی در جمهوری اسلامی ایران در حوزه قرآن مسئولیت دارند و کارهای بسیاری نیز انجام می‌دهند که باید از آن‌ها تشکر کرد، اما به نظر می‌رسد آن‌ها تنها بخشی

و بازی‌های رایانه‌ای، برای نمونه درباره زندگی حضرت سلیمان نبی(ع) شروع کرده‌ایم. همچنین در حوزه ادبیات داستانی برای برخی از مؤسسات قرآنی فراخوان داده‌ایم و آن‌ها هم استقبال کرده‌اند. برگزاری یک جشنواره درباره زندگی حضرت محمد(ص) را هم در دستور کار داریم و دنبال می‌کنیم. البته می‌دانید که وزارت ارشاد بیشتر مدل‌سازی می‌کند و نمی‌تواند بگوید خودش خیلی کار کرده است.

نکته دیگر که باید به آن اشاره کنم این است که تعطیل کردن کارهای رایج هم سخت است از این جهت بهتر است این کارها را به مرور زمان کمتر انجام داد و پول‌ها را خرج حوزه‌های جدید کرد.

یکی دیگر از کارهایی که ما انجام داده‌ایم، تشکیل یک شورای کودک و نوجوان است که کار اول آن‌ها آسیب‌شناسی در زمینه آموزش قرآن است. البته این کار هم به مربی، هم به متن و هم به روش نیاز دارد.

چوبه به جز فعالیت‌هایی که خودتان در حوزه برنامه‌ریزی و جهت دادن به مؤسسات قرآنی و مساعد کردن زمینه انجام می‌دهید، چه اقدامات تازه‌ای می‌خواهید انجام دهید؟

کار اصلی ما برنامه‌ریزی و جهت دادن به فعالیت‌های قرآنی است. حدود دوهزار مؤسسه قرآنی با ما در ارتباطند و کار می‌کنند. این مؤسسات نیروهایی دارند که فراخوان‌های ما به دستشان می‌رسد، ولی اول باید روشن شود که ما چه می‌خواهیم تولید کنیم و گرنه دوباره دچار روزمرگی می‌شویم. ما خودمان به آن معنا تولید نداریم بلکه همان‌طور که گفتیم بیشتر کارهای مان در حوزه الگوسازی است.

چوبه بعد از فراخوانی که ما برای جشنواره منتشر کردیم، ناشران حدود ۴۰۰ کتاب قرآنی برای ما فرستادند که ۲۱۴ عنوان آن مناسب دانش‌آموزان و معلمان بود. از این تعداد بخش کمی سهم دانش‌آموزان و مختص حوزه کودک و نوجوان بود. آیا تاکنون برنامه‌ای داشته‌اید که مؤسسات قرآنی را برای تولید منابع مناسب کودکان تشویق کنید؟

یکی از مشکلات جدی در حوزه قرآن این است که رویکرد بسیاری از فعالان این حوزه، به سوی ادبیات جدید و نوین نیست و رغبت کمتری به ادبیات جدید از خود نشان می‌دهند. فعالان حوزه قرآنی بیشتر کارهایشان را در حوزه به اصطلاح سنتی دنبال می‌کنند و بیشتر با ادبیات دینی گذشته کار تولید می‌کنند. در صورتی که این ادبیات جدید است که می‌تواند ما را به سوی اهدافی که شما مدنظر دارید، نزدیک کند. الان کارهای بزرگی در حوزه تفسیر قرآن انجام می‌شود، ولی ادبیات آن‌ها بیشتر ادبیات حوزه‌ای است، لذا برای نوجوانان و جوانان مناسب نیست، بنابراین لازم است افرادی جلو بیایند و ادبیات این کارها

را متحول کنند. ما نیازمند کسانی هستیم که بتوانند حرف‌های بزرگان را با ادبیات نوین ارائه دهند. ما از این نوع افراد حمایت می‌کنیم و آثارشان را چاپ می‌کنیم.

ما از این نوع قراردادهای حوزه‌های مختلف می‌بندیم و مواردی هم هست که در دستور کار داریم. همچنین تعدادی از آثار کسانی را که در این زمینه کار کرده‌اند می‌خریم. توجه داشته باشیم که قرآن تنها برای اشخاص متدین و مسلمان نیست، خاص همه انسان‌هاست. ما از همه ناشرانی که در این زمینه فعالیت دارند حمایت می‌کنیم.

فعالیت‌های قرآنی زیادی کرده‌ایم، ولی این کارها با نشر فرهنگ قرآنی در جامعه متفاوت است. برخی از فعالیت‌ها فرهنگ سازند و ما از این نوع فعالیت‌های فرهنگ‌ساز کم داشته‌ایم

چوبه آیا شما تاکنون بررسی یا آسیب‌شناسی کرده‌اید که چرا قرآن وارد زندگی مردم یا مسئولان کشور نشده است؟

ضروری می‌دانم ابتدا به دو مقوله اشاره کنم: یکی مقوله دانش و دیگری مقوله رفتار. دانش را می‌توان با روش‌های موجود انتقال داد اما رفتار و تربیت قرآنی این‌طور نیست. تغییر رفتار روش خاص خودش را می‌خواهد. ما در زمینه انتقال دانش ضعف

نداریم و می‌توانیم دانش قرآنی را به افراد منتقل کنیم ولی دانش به تنهایی رفتارساز نیست. برای تربیت و تغییر رفتار به چند شاخص مؤثر باید توجه کرد.

۱. باورهای جامعه نسبت به قرآن و اینکه قرآن کتاب خداست.
۲. رفتار و گفتار مسئولان و انقلابی‌ها که می‌گویند ما قرآن را در رفتار و گفتارمان پیاده می‌کنیم. زیرا به میزان که رفتار قرآنی باشد، فرهنگ قرآن هم در جامعه توسعه پیدا می‌کند.

۳. توسعه فرهنگ قرآنی نیازمند یک نظام تربیتی خاص است. این کارها همه مکمل هم هستند و می‌توانند رفتار جامعه را اصلاح کنند.

چوبه در یکی از گفت‌وگوهایتان

اشاره کرده بودید به این نکته

که برای تربیت مربی

برنامه دارید: در این

زمینه چه اقداماتی

کرده‌اید؟

بیشتر برنامه‌ها





در خود مؤسسات قرآنی انجام می‌شود و ما تنها مدل‌سازی می‌کنیم. معاونت قرآنی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فقط یکی از نهادهای ۱۸ گانه قرآنی است که گوشه‌ای از کارها به آن سپرده شده است. متأسفانه در این نهادها اتفاق آراء نیست که بتوان از همه ظرفیت‌ها تا حداکثر بهره‌برداری کرد.

جشنواره کتاب‌های قرآنی از نوع دانش و دانایی است و باید پی‌گیری کند که ارتباط بین مؤلف و مخاطب خوب برقرار شود و کتاب‌ها به‌دست مخاطبان برسد. همچنین کتاب‌ها را نقد کند و به آن‌ها جایزه هم بدهد.

چرا ناشران قرآنی چه وظایفی در این زمینه دارند؟

اکثر ناشران دینی و قرآنی الان با مشکل روبه‌رو هستند. چون کتاب‌های دینی با ادبیات نوین تألیف نمی‌شود که آن‌ها چاپ کنند. مشکل این است که مؤلفان و نویسندگانی که در این زمینه کار می‌کنند، ادبیاتشان قدیمی است و ناشر نمی‌تواند از آن‌ها استفاده کند. چرا کتاب هری پاتر به چاپ چندم می‌رسد؟ چون زبان نسل جدید را خوب فهمیده است.

ما نتوانسته‌ایم در حوزه قرآن کتاب‌هایی در سطوح هری پاتر بنویسیم و تولید کنیم. الان کتاب‌هایی که در این حوزه می‌خریم و به خانه می‌آوریم، حتی بچه‌ها به آن‌ها نگاه هم نمی‌کنند. ما اگر توانستیم کتابی تولید کنیم که بچه کتاب درسی‌اش را کنار بگذارد و آن را بخواند، موفق خواهیم بود. شاید یکی از مشکلات هم این است که کتاب‌هایی در این حوزه تولید می‌شود که ارگان‌ها می‌خرند و خرید و توزیع آن‌ها هم مشخص نیست. بنابراین ما باید در حوزه کتاب‌های قرآنی سرمایه‌گذاری‌های جدیدی هم از نظر اقتصادی و هم از نظر محتوایی داشته باشیم.

چرا پیشنهادی برای افزایش بهره‌وری نهادهای ۱۸ گانه قرآنی دارید؟

تفکیک وظایف نهادهای ۱۸ گانه قرآنی مهم‌ترین کاری است که می‌توان برای بالا رفتن کارایی این نهادها انجام داد و این کار را هم باید شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای توسعه قرآن انجام دهند. الان موازی‌کاری در نهادهای قرآنی داریم و موازی‌کاری موجب می‌شود که هیچ‌کس مسئولیت کارها را نپذیرد.

من معتقدم که با تعارف نمی‌توان کارهای قرآنی را پیش برد. خود قرآن به پیغمبر نهیب می‌زند که با تو تعارف نداریم و باید کارت را درست انجام دهی، در حوزه قرآن هم باید این کار را کرد. تفکیک کارها باعث از دست دادن کار هیچ‌کس نمی‌شود. الان برخی از مؤسسات قرآنی مربوط به حوزه بین‌الملل هستند، ولی برای آن‌ها هم شرح وظایف تعیین نکرده‌ایم.

چرا پیامی برای جشنواره کتاب‌های قرآنی دارید؟





قصه‌های بیداری

تأملی در قصص قرآن کریم

حبیب یوسف زاده

عظیم براده‌های ذوق و ادب مؤمنان و مسلمانان را با آسمان و ملکوت هم‌راستا کرده است. تا جایی که اغلب آثار بزرگان ادب فارسی را نیز می‌توان، در یک نگاه کلی، ترجمان قرآن به حساب آورد؛ برای مثال عبدالرحمان جامی در وصف مولوی و کتاب مثنوی او می‌گوید:

من چه گویم وصف آن عالی جناب؟
نیست پیغمبر ولی دارد کتاب
مثنوی معنوی مولوی
هست قرآن در زبان پهلوی

تأثیر مثنوی از کلام وحی فراتر از دایره مضمون و اقتباس معانی رفته بلکه در ساختار و نحوه تدوین و روایت نیز تا حدی به آن شبیه شده است. همچنین است آثار بسیاری دیگر از مفاخر ادب و عرفان ایران زمین از سعدی، حافظ و عطار گرفته تا نظامی، صائب و بیدل. رمز ماندگاری و ادامه حیات این آثار گران قدر در طول قرون و اعصار نیز این است که همه آن‌ها چون اطفال شیرخوار از ام‌الکتاب تغذیه کرده و نشو و نما یافته‌اند.

مهم‌ترین دلیل ذکر احوال پیشینیان در قالب قصه و مثل همان‌طور که گفته شد عبرت‌آموزی و اجتناب از، به اصطلاح، دوباره اختراع کردن چرخ است. مولا علی، علیه‌السلام، در اهمیت این معنی، یعنی عبرت‌آموزی، خطاب به فرزندش امام‌حسن، علیه‌السلام، می‌فرماید: «فرزندم، اگر چه روزگاری به درازی عمر پیشینیانم بر من نگذشته است اما چندان در کار ایشان

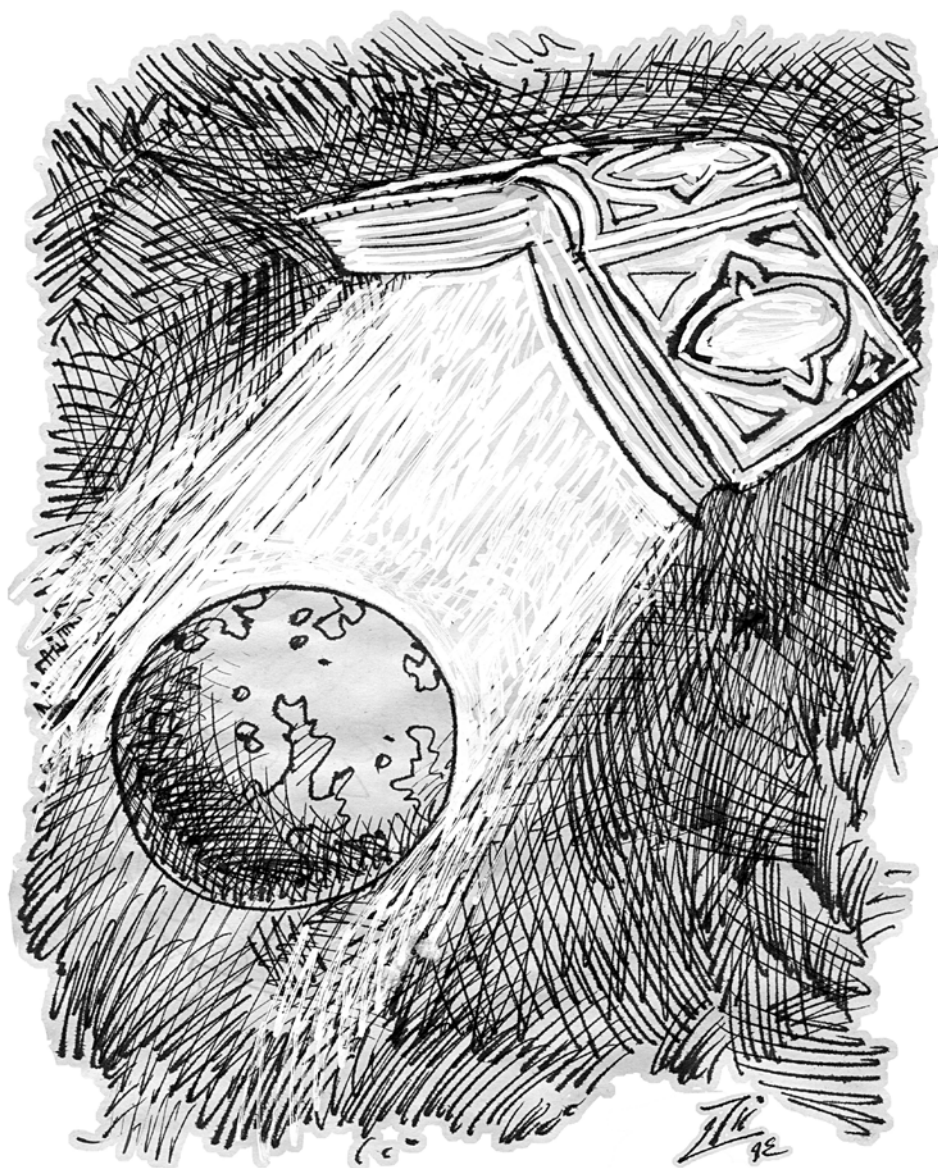
در قرآن کریم نزدیک به ۲۶۰ قصه، به معنای قرآنی این کلمه، وجود دارد. که در هر یک، به تفصیل یا ایجاز، به شرح واقعه‌ای تاریخی پرداخته است تا حقایق ضروری را برای ابنای بشر در تمامی دوران‌ها بیان نماید. کثرت قصه‌های قرآنی و اختصاص یافتن سوره‌های از قرآن به نام «قصص» نشان‌دهنده اهمیت قصه در انتقال این حقایق است. در همین راستا، یکی از ویژگی‌های مهم بیان قرآنی، روشنی مضامین و سادگی بیان است؛ به‌طوری که عالی‌ترین مفاهیم را با زبانی شیوا و به دور از پیچیدگی‌های کلامی به بشر عرضه می‌کند و در جاهای مختلفی این ویژگی مهم را مورد تأکید قرار می‌دهد، از جمله در آیات زیر:

وَلَقَدْ بَيَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدْرِكٍ (قمر: ۱۷)

ما قرآن را برای پندآموزی آسان ساخته‌ایم، آیا پند آموزنده‌ای هست؟

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيَّ عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا (کهف: ۱)
سپاس و ستایش از آن خداوندی است که این کتاب را بر بنده خویش نازل کرده و هیچ کژی در آن ننهاده است.

بی‌شک این روشنی و دور بودن از کژی و اعوجاج به سهیم چشمگیر قصه و مثل در این معجزه جاوید برمی‌گردد؛ به‌طوری که هر کسی با هر درجه از رشد و کمال می‌تواند خوشه‌ای از این مزرع نورانیت برچیند و با آن فروغی بر زندگی خویش بتاباند. از عصر نزول قرآن تا امروز، حوزه تأثیر این قصه‌ها و سرگذشت‌نامه‌ها چنان قوی بوده که مانند یک میدان مغناطیسی



سهل و ممتنع؛ یعنی در نگاه اول ساده به نظر می‌آید اما همین که قدم در راه می‌نهی، غوامض آن آشکار می‌شود. آموزه‌های ذوبتون قرآنی همچون سلسله جبال هستند که به محض صعود فرد به یک قله، چشم‌اندازی از قله‌ای رفیع‌تر در منظر او رخ می‌نماید؛ و در خصوص قرآن، این ارتفاع پلکانی معانی تا قاف ملکوت امتداد می‌یابد. بی‌گمان بهترین شیوه بازآفرینی قصه‌ها و مثل‌های قرآنی بهره‌گیری از شیوه‌های خود قرآن در این مقوله است. یعنی برای بازگویی هنرمندانه قصه‌های قرآنی، غیر از توجه به ظاهر ماجراها و سرگذشت‌های قرآنی، باید در شیوه روایت آن‌ها نیز دقت نماییم. از جمله، پاره‌ای از ملاحظاتی که باید در نظر گرفته شوند، عبارت‌اند از:

نگریسته‌ام و در اخبارشان اندیشیده‌ام و در آثارشان سیر کرده‌ام که خود همچون یکی از آنان شده‌ام، بلکه چندان بر امورشان آگاهی یافته‌ام که گویی با نخستین آن‌ها تا پسینشان زیسته‌ام.» به بیان دیگر، قرآن و قصه‌ها و سرگذشت‌های مورد اشاره آن، مانند رودی پیوسته جاری است که فرزندان بشر تا قیامت می‌توانند روح خود را در آن شست‌وشو دهند. اگر چه در قرآن کریم معانی بلند «نازل» شده‌اند و فتیله پیچیدگی کلام در آن حتی‌المقدور پایین کشیده شده است تا مناسب فهم بشر شود، اما این اشارات رفیع برای ارائه به کودکان و نوجوانان باز هم باید ساده‌تر شوند. اینجاست که بار سنگین امانت به دوش نویسندگان و پدیدآورندگان ادبیات کودکان و نوجوانان می‌افتد که کاری است

- در گزارش‌ها و قصه‌های قرآنی همه اجزای قصه به‌طور خطی و متوالی روایت نشده‌اند، بلکه تنها قسمت‌های مهم یا آنچه به اصطلاح «ارزش خبری» داشته، به ایجاز روایت شده است. این ایجاز‌گویی می‌تواند الگوی مناسبی برای نویسندگان و اقتباس‌کنندگان از آیات قرآن باشد. مرحوم علامه طباطبایی صاحب‌المیزان - در این باره که چرا قرآن جزئیات داستان‌ها را نقل نمی‌کند، می‌فرماید: «قرآن کریم کتاب دعوت و هدایت است و در این رسالت و هدفی که دارد، یک قدم راه را به طرف چیزهای دیگر از قبیل تاریخ یا رشته‌های دیگر کج نمی‌نماید زیرا هدف قرآن تعلیم تاریخ و مسلکش رمان‌نویسی نیست.»

- قصه‌های قرآنی، پیام‌محورند؛ یعنی در آن‌ها اصالت با پیام یا محتوی است و نه با ظرف یا پیمانه. از این رو پیام قصه‌ها لزوماً در انتهای آن‌ها نیست. در بسیاری موارد قرآن ماجرابی را در اوج آن فرو می‌گذارد تا پیامی مهم را به مخاطبان برساند. به‌عنوان نمونه در سوره کهف، بعد از شرحی مفصل در مورد اصحاب کهف و بعد از اینکه نحوه بیداری آنان و آشکار شدن جایگاهشان را بیان می‌کند، یک‌دفعه در آیه‌های ۲۳ و ۲۴ خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «و هرگز درباره هیچ کاری مگو که من فردا آن را انجام خواهم داد، مگر آنکه خدا بخواهد...» یعنی هرگز انتظار نداشته باشید که حوادث روزگار طبق انتظارات شما رقم بخورد. چه بسا اراده و مشیت الهی طور دیگری اقتضا کند؛ مثل جوانان این قصه که از دست ستمگران زمانه خود به غار گریخته بودند، اما سیصد سال بعد در عصری بیدار شدند که دیگر اثری از آن ستمگران نبود و مردم می‌خواستند بالای آن غار مسجد بسازند!

- قصه‌ها و مثل‌های قرآن از نظر بهره‌گیری از عناصر داستانی و سبک روایت نیز درخور تأمل‌اند. گاهی در ابتدای یک قصه چکیده و فشرده‌ای از کل آن بدون مقدمه می‌آید تا نخست حس کنجکاوی و اشتیاق مخاطب برانگیخته شود، سپس به شرح جزئیات می‌پردازد، چنان‌که در سوره قصص، در بیان قصه حضرت موسی و فرعون، در آغاز با جملاتی کوتاه و موجز به عملکرد ظالمانه فرعون از جمله گردنکشی او در زمین و کشتن فرزندان پسر قوم بنی‌اسرائیل و باقی‌گذارن دختران آن‌ها اشاره می‌کند و بعد شرح حوادث را پی می‌گیرد.

همچنین تأمل در نحوه استفاده از عناصری همچون توصیف، شخصیت‌پردازی، کشش و جاذبه، تعلیق و غافلگیری در ساختار قصه‌های قرآن می‌تواند پیام‌های روشنی برای اهل قلم داشته باشد. برای مثال در قصه حضرت ابراهیم، علیه‌السلام، در سوره انبیاء می‌بینیم که آن حضرت پس از شکستن بت‌ها تبر را به گردن بت بزرگ می‌اندازد و به بت‌پرستان می‌گوید حقیقت را از او بپرسید! باز خواست‌کنندگان سرافکننده اعتراف می‌کنند که این‌ها قادر به حرف‌زدن نیستند. در اینجا این توقع در خواننده به‌وجود می‌آید که بت‌پرستان به عجز بت‌ها واقف شده‌اند و ابراهیم را مجازات نخواهند کرد. اما ناگهان شرایط غیرمنتظره‌ای به‌وجود می‌آورند و مجازاتی برایش تعیین می‌کنند که ابراهیم فکرش را هم نمی‌کرد. سوزانده‌شدن در آتش! سپس وقتی ابراهیم را در

کوهی از آتش می‌اندازند، خواننده کار را تمام شده می‌داند، اما ناگهان ندای «یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم» و سرد شدن آتش مخاطب را شگفت‌زده می‌کند.

- نکته دیگری که نباید از آن غافل شد، نحوه بیان قرآن در صحنه‌هایی است که نشانه‌هایی از خشونت با خود دارند و یا توصیف امیال جنسی و شهیدایی و دلدادگی‌اند. برای مثال در توصیف انداختن حضرت یوسف، علیه‌السلام، در چاه به دست برادرانش، که برای او بسیار ناباورانه بود، خبری از به اصطلاح «پیاز داغ» داستان‌پردازانه برای تحت‌تأثیر قرار دادن عواطف و ایجاد رقت در مخاطب دیده نمی‌شود. بلکه تصویری آرام، متین و بدون کشش عصبی و بدون تغییر لحظه به لحظه حالات دو طرف ارائه می‌شود. در این تصویر که تکان‌دهنده‌ترین حالات و صحنه‌ها را روایت می‌کند، برادرانی قوی و خشن که حسادت، عواطف انسانی‌شان را کور کرده و به گرگ درنده تبدیلشان ساخته است، در فضایی مخوف بر سر چاهی عمیق، برادر کوچک خود را لخت می‌کنند

تا پیرانش را به خون حیوانی آغشته کنند و آن را به‌عنوان شاهدهی بر دریده شدن یوسف توسط گرگ برای پدر ببرند. یوسف در وحشت و شگفتی، التماس می‌کند، دامن برادران را می‌چسبد، ضجه می‌زند، برادران را یکایک صدا می‌زند و... اما قرآن با متانت سعی می‌کند، در حین روایت به اشاعه شر و باطل نپردازد.

نمونه‌های دیگر چنین ملاحظاتی را می‌توان در صحنه تمنای وقیحانه زلیخا از یوسف مشاهده کرد یا برعکس در صحنه دیدار و آشنایی نجیبانه دختران حضرت شعیب با حضرت موسی، علیه‌السلام، که طی آن صحنه‌هایی رمانتیک و عاشقانه، اما بر زمینه‌ای از عفت و حیا نشان داده می‌شود.

البته کنکاش در نحوه داستان‌پردازی و ابعاد مختلف قصص قرآنی در این مجال اندک نمی‌گنجد. آنچه اهمیت دارد این است که مترجمان معانی بلند قرآن برای کودکان، باید قبل از هر چیز با نگاهی هر چه دقیق‌تر به تک‌تک قصه‌های قرآن و تفکر در ابعاد مختلف آن‌ها، تصاویری به دور از کژوی و اعوجاج برای مخاطبان خود فراهم نمایند. تصاویری که بتواند به جان کودکانمان عمق و معنا ببخشد و اشتیاق آن‌ها را برای انس با قرآن برانگیزد.

بی‌سبب نیست که بخش قابل توجهی از قرآن در قالب قصه و سرگذشت بیان شده است. بنابر این جا دارد نویسندگان و ناشران محترم با دورخیز بیشتری در عرصه قصه‌های قرآنی وارد شوند و از این قالب تأثیرگذار برای انتقال مفاهیم و پایه‌گذاری ارزش‌ها و مبانی عقیدتی و اخلاقی به فرزندانمان حداکثر بهره را ببرند. ان‌شاء...!

بی‌سبب نیست که بخش قابل توجهی از قرآن در قالب قصه و سرگذشت بیان شده است. بنابر این جا دارد نویسندگان و ناشران محترم با دورخیز بیشتری در عرصه قصه‌های قرآنی وارد شوند و از این قالب تأثیرگذار برای انتقال مفاهیم و پایه‌گذاری ارزش‌ها و مبانی عقیدتی و اخلاقی به فرزندانمان حداکثر بهره را ببرند



گفت و گو با حجت الاسلام و المسلمین سید جواد بهشتی؛ مشاور امور قرآنی، توسعه فرهنگ اقامه نماز و عترت وزیر آموزش و پرورش و سرگروه داوری کتاب‌های تفسیر و ترجمه قرآنی

سهم قرآن در سبب زندگی

محمد دشتی

چیز دیگری است. تمسک قرآن را بوسیدن و چاپ کردن با کاغذ گلاسه و برطاقچه گذاشتن نیست.

تمسک یعنی به قرآن مراجعه کنیم و برای زندگی از آن برنامه بگیریم. تمسک عمل به متن و بیان قرآن است. تمسک به اهل بیت هم همین‌طور است. اگر قرار باشد فقط در مراسم شادی و عزا به این بزرگان توجه کنیم کفایت نخواهد کرد و آن تمسک واقعی مورد نظر پیامبر(ص) حاصل نمی‌شود.

آموزش و پرورش از همان سال‌های اول انقلاب قرآن را نماد تربیت دینی قرار داد و تشکیلاتی را هم برای این کتاب شریف به وجود آورد. البته قرآن قبل از انقلاب هم در مدارس بود، اما بعد از انقلاب با نگاه جدید، متون جدید و اسلوب تازه‌ای مورد نظر قرار گرفت.

به هر حال، اکنون که بیش از ۳۷ سال از انقلاب می‌گذرد، ما به آن انتظاراتی که خود قرآن، پیامبر، اسلام و انقلاب درباره قرآن از آموزش و پرورش دارند پاسخ نگفته‌ایم. درست است که درس قرآن در هر پایه‌ای وجود دارد، اما به دلیل محدودیت کتاب درسی نمی‌توان همه اهداف را در آن عملی کرد. در حوزه پرورشی هم مسابقات قرآن هست، ولی همه این‌ها را که جمع می‌کنیم و به قول مقام معظم رهبری، وقتی نظری به خروجی‌ها می‌اندازیم، آن چیزی که مورد نظر است در این زمینه حاصل نشده است. وقتی که یک دیپلمه ما به سربازخانه یا دانشگاه می‌رود و یا وارد بازار کار می‌شود، داشته‌های او - تازه اگر آنچه را گفته‌ایم خوب فرا گرفته باشد - همان لایه‌های رویی است، یعنی فقط ممکن است بتواند قرآن را از رو بخواند.

چرا خوب چه باید کرد؟

بله عرض می‌کنم. ما باید از خودمان بپرسیم که در هفته چقدر روی قرآن و محتوای آن فکر می‌کنیم. پاسخ به این سؤال نشان

چرا؟ جناب آقای بهشتی نگاه و نظر حضرت عالی از منظر جایگاهی که در سمت مشاور امور قرآن، توسعه فرهنگ اقامه نماز و عترت وزارت آموزش و پرورش دارید، به مسئله قرآن و متون آموزشی قرآن و مسائل مربوط بدان چیست؟

قرآن کتاب زندگی ماست که از جانب خداوند متعال نازل شده است. مهم‌ترین نقطه قوت این کتاب آسمانی این است که به اصطلاح امروز، سند بالادستی ما مسلمانان است. یعنی هر گروه و فرقه و دسته‌ای از مسلمانان با هر اعتقاد خاصی که ممکن است داشته باشد، در مورد قرآن با دیگر گروه‌ها و فرقه‌ها اشتراک نظر دارد و همه قرآن را قبول دارند. این خودش یک نقطه قوت مهم و اساسی است و می‌تواند محور وحدت و یکپارچگی مسلمانان قرار گیرد.

پیامبر عزیز ما، حضرت ختمی مرتبت، نیز در پایان عمر شریف خود مدام جلساتی را برگزار می‌کرد و به مسلمانان می‌فرمود چیزی می‌خواهم بگویم که فقط مخصوص شما نیست و باید این موضوع سینه به سینه و تا قیامت منتقل شود و ادامه پیدا کند. آن سخن مهم این بود که من از خودم دو میراث مهم به جا می‌گذارم که یکی قرآن و دیگری اهل بیت من است و اگر به این دو تمسک جویند رستگار خواهید شد.

چرا؟ خوب! در همین زمینه تمسک به قرآن، برآورد شما چیست؟ ما تا چه اندازه توانسته‌ایم عملاً به قرآن تمسک بجوئیم؟

بله این سؤال مهمی است. اتفاقاً در همین ارتباط شهید مطهری می‌فرمایند: مشکل ما در این حوزه این است که تمسک واقعی بدین دو گوهر و میراث ارزشمند پیدا نمی‌کنیم. گاه نیز تمسک را به معنای احترام می‌گیریم در حالی که احترام یک چیز و تمسک

می‌دهد علی‌رغم کارهایی که ما انجام می‌دهیم و با اخلاص هم انجام می‌دهیم، در عمل به آن انتظاراتی که در این حوزه وجود دارد نمی‌رسیم.

این نشان می‌دهد که بعد از گذشت ۳۷ سال باید یک کارهایی را انجام دهیم که تا کنون انجام نداده‌ایم. همین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی به‌خصوص بحث و گفت‌وگو از کتاب‌های قرآنی از جمله همین کارهاست که می‌تواند در یک برنامه کلی، جزیی از اقداماتی باشد تا آن نگاه اساسی که باید به قرآن و آموزش قرآن داشته باشیم حاصل شود.

چوبه ۱ در گروه داوری تفسیر و ترجمه کتاب‌های قرآنی، که در دوازدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد مسئولیت آن با شماست، وضع چگونه است؟

در همین حوزه هم خیلی باید کار کنیم. یعنی ما باید معلمان را در این زمینه فعال و به گونه‌ای عمل کنیم که آن‌ها بتوانند در دوران خدمت خود حاصل و برداشت مناسبی در این زمینه داشته باشند. محاسبه آن هم کار خیلی سختی نیست و نشان می‌دهد که اگر ما برنامه داشته باشیم چنین کاری شدنی و عملی و اتفاقاً آسان و خوشایند است.

چوبه ۲ با چنین نگاه مثبت و امیدوارانه‌ای پیشنهاد عملی شما که آن را آسان و خوشایند هم می‌دانید، برای مشارکت فرهنگیان در این امر چیست؟

مصدافی عرض می‌کنم. ببینید! یک فرهنگی به‌طور متوسط ۳۰ سال برای آموزش و پرورش خدمت می‌کند و قرآن کریم هم ۳۰ جزء دارد، حالا چه خوب می‌شد اگر ما این ۳۰ جزء قرآن را که هر جزء آن ۲۰ صفحه است در دستور کار روزانه، هفتگی و ماهانه خود قرار می‌دادیم و آن‌ها را دقیق و با تفسیرش می‌خواندیم و فکر می‌کردیم. اگر این ۲۰ صفحه را بر تعداد ماه‌های سال تقسیم کنیم، هر ماه کم‌تر از دو صفحه می‌شود که کار سختی نیست و اگر برنامه و اهمتامی وجود داشته باشد این کار شدنی و آسان است.

پس این اهتمام باید باشد و این گونه هم نباشد که تا اسم قرآن را می‌آوریم ذهن همه به سوی روخوانی قرآن برود و همه هم آمار بدهیم که مثلاً در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و معاونت پرورشی فلان مقدار آمار و ساعت و برنامه روخوانی و روان‌خوانی داشته‌ایم.

باید توجه داشته باشیم که روخوانی فقط لایه اول قرآن است و این کتاب شریف ۱۰ لایه دارد که رفتن در عمق آن اهتمام و برنامه می‌خواهد. فهم، استماع، برداشت درست، تأثیرپذیری و عمل از جمله این لایه‌های قرآنی هستند.

من بحثی تحت عنوان «انتظارات قرآن از ما مسلمانان» دارم که در آن ۱۰ انتظار را از متن قرآن استخراج کرده‌ام. متأسفانه باید بگویم که ما در همان پله اول مانده‌ایم و تازه در همان پله اول هم مشکل داریم. حال اگر اهتمام کنیم و انشاء... پله اول را

پشت سر بگذاریم، در پله‌های بعدی باید سعی و تلاش بیشتری بکنیم. چون مثلاً در موضوع فهم قرآن، زبان ما عربی نیست ولی وظیفه و برنامه ما یادگرفتن و عمل به قرآن است. در ادامه هم باید در مورد قرآن بیندیشیم و ببینیم که برای زندگی چه برنامه‌ای می‌توانیم از آن استخراج کنیم و مبنای عمل قرار دهیم. برای چنین کار مهمی قرآن باید وارد دستگاه فکری ما مسلمانان شود. و مثلاً اگر می‌خواهیم همسر انتخاب کنیم، شغلی انتخاب کنیم و یا یک موضع سیاسی بگیریم مبنای مرجع ما قرآن باشد و این گونه است که با پیمودن پله‌های بعدی زمینه

تمسک به قرآن در زندگی برای ما به‌عنوان مسلمان و برای آموزش و پرورش به‌عنوان یک سازمان مسئول و سیاست‌گذار فراهم خواهد شد.

چوبه ۳ ممکن است بفرمایید برای چنین اقداماتی دلیل تأکید بزرگان و مسئولان بر توسعه و ترویج و نشر کتاب و کتاب‌خوانی که شما هم بر آن اصرار دارید چیست؟

اگر ما بر کتاب و داشتن کتاب تأکید می‌کنیم دلیلش آن است که کتاب خوب همیشه زمینه کارهای خوب دیگر را هم فراهم می‌آورد. در زمینه کتاب‌های قرآنی

هم این موضوع مصداق دارد، یعنی اگر ما کتاب خوب داشته باشیم، فیلم خوب هم خواهیم داشت.

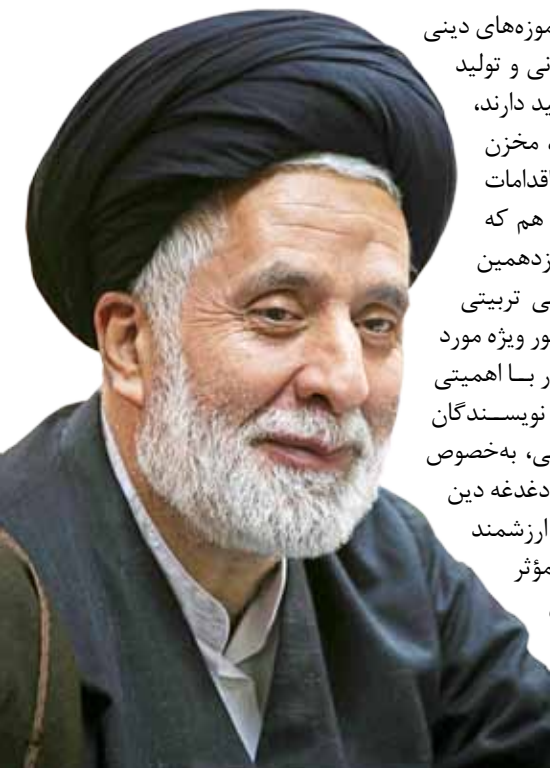
دلیل این هم که رهبران ما و آموزه‌های دینی و اسلامی بر کتاب و کتاب‌خوانی و تولید و انتشار کتاب‌های خوب تأکید دارند، همین معناست که کتاب منبع، مخزن و سرچشمه‌ای برای دیگر اقدامات فرهنگی و سازنده است. این هم که شما و آموزش و پرورش در دوازدهمین

جشنواره کتاب‌های آموزشی تربیتی رشد، کتاب‌های قرآنی را به‌طور ویژه مورد توجه قرار داده‌اید، کار بسیار با اهمیتی است که می‌تواند با همراهی نویسندگان و ناشران کتاب‌های آموزشی، به‌خصوص

کتاب‌های قرآنی، که با داشتن دغدغه دین و ارزش‌های اسلامی بدین حوزه ارزشمند پا گذاشته‌اند، کاری مفید و مؤثر باشد و در همان سیر و چرخه‌ای

که برای تأثیرگذاری بیشتر قرآن بر زندگی مسلمانان بدان اشاره کردیم، مفید و مؤثر واقع شود.

باید توجه داشته باشیم که روخوانی فقط لایه اول قرآن است و این کتاب شریف ۱۰ لایه دارد که رفتن در عمق آن اهتمام و برنامه می‌خواهد. فهم، استماع، برداشت درست، تأثیرپذیری و عمل از جمله این لایه‌های قرآنی هستند





چرا؟ با توجه به نزدیک شدن به زمان برگزاری دوازدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد که با تأکید و توجه خاص بر کتاب‌های قرآنی صورت خواهد گرفت، توصیه شما به نویسندگان و ناشران کتاب‌های قرآنی چیست؟

من در حوزه ناشران و اقداماتی که باید انجام دهند در میزگردی که با حضور مسئولان و دست‌اندرکاران حوزه سامان‌دهی و نیز ناشران کتاب‌های آموزشی و تربیتی در حوزه انتشار کتاب‌های قرآنی، برگزار شد، به بخشی از اقداماتی که ناشران این‌گونه کتاب‌ها باید انجام دهند، اشاراتی داشتم. اینجا هم به برخی موارد دیگر اشاره می‌کنم.

ما باید متناسب با نیاز دو دسته مخاطب، معلمان و دانش‌آموزان، مطالبی را از قرآن استخراج کنیم و در قالب‌های گوناگون و متنوع بدان‌ها بپردازیم. به‌طور مثال در حال حاضر بچه‌های ما سؤالات و گاه شبهاتی دارند که همین موضوع را می‌توان به کمک قرآن و مراجعه به متن آن در دستور کار قرار داد و اگر ناشران ما و آموزش‌وپرورش کنار هم بنشینند، که الحمدلله زمینه‌های چنین اقداماتی فراهم است، می‌توان صدها هزاران کتاب با استفاده از دستورات و آنچه در قرآن بیان شده است، نوشت.

به‌طور مثال در قرآن ۸۸۸ جمله پرسشی وجود دارد، ۱۱ سوره با سؤال شروع می‌شود و ۱۳۰ مورد با واژه‌هایی که مفهوم پرسشگرانه دارند. که همین‌ها بیش از هزار موضوع می‌شود و خود همین می‌تواند یک کتاب تفسیری موضوعی با عنوان پرسش و پرسشگری در قرآن باشد.

خود همین پرسشگری هم با اغراض مختلفی انجام می‌شود که بدان‌ها هم می‌شود پرداخت. برخی سؤال می‌کنند تا

بدانند، برخی می‌پرسند تا شبهه ایجاد کنند، بعضی‌ها می‌خواهند موضوعی را به تمسخر بگیرند و برخی می‌خواهند انکار کنند. همه این موضوعات در قرآن هست و می‌توان به‌طور مفصل بدان پرداخت و درباره آن‌ها نوشت. به‌طور مثال خداوند خودش بدون سانسور گفته است که کفار می‌گویند قیامت در کار نیست و دلیل آن را هم بیان فرموده و بدان پاسخ داده است. این موضوعات و موضوعات مشترک دیگر با محور پرسشگری می‌تواند متن و موضوع کتاب‌های زیادی قرار گیرد و حقایق و شنیدنی‌های زیاد و جذابی را در اختیار معلمان و فرهنگیان و دانش‌آموزان و در مجموع آحاد مردم جامعه و علاقه‌مندان قرار دهد.

چرا؟ شما در صحبت‌های خودتان در آن جلسه اشاره‌ای هم به لزوم انتشار آثاری برای تقویت مهارت‌های

دانش‌آموزان در زندگی و درس و تحصیل داشتید، لطفاً در این زمینه بیشتر توضیح دهید.

بله همین‌طور است. مثلاً موضوع پرداختن به گفت‌وگوهای قرآنی برای چنین هدفی مفید است. در حال حاضر ما دانش‌آموزانی را تربیت می‌کنیم که شهامت و جرئت صحبت کردن ندارند. این درحالی است که موضوعات را می‌فهمند و بلد هم هستند؛ اما چون صحبت کردن و گفت‌وگو را در مدرسه و دبیرستان تمرین نکرده‌اند وقتی وارد دانشگاه و یا جامعه و حتی بازار کار می‌شوند جرئت و جسارت صحبت کردن و بیان نظرات حتی صحیح و درست خود را ندارند. این درحالی است که می‌توان درباره مهارت گفت‌وگو کردن از قرآن استفاده کرد. ما ۲۰۰ گفت‌وگو در قرآن داریم که اگر یک ناشری بیاید و گفت‌وگوهای قرآنی و فقط همین موضوع را در دستور کار خود قرار دهد، می‌تواند صدها کتاب در این زمینه بنویسد و تألیف کند و بازار هم داشته باشد. گذشته از اصل موضوع گفت‌وگو، در این بحث‌ها نکات ارزشمندی در خصوص آداب گفت‌وگو، انواع گفت‌وگو، اهداف گفت‌وگو، مهارت گفت‌وگو و دیگر مسائل مربوط به گفت‌وگو وجود دارد که خودش می‌تواند موضوع کتاب‌های دیگری در این زمینه باشد.

چرا؟ در مورد مسائل روز و سؤالات و ابهاماتی که مخاطبان در این خصوص دارند، چه تصویری دارید؟

قرآن کتاب زندگی است و قطعاً موضوعاتی در خصوص مسائل روز، که هم مورد توجه و هم مورد نیاز مخاطبان است، در قرآن وجود دارد که پرداختن به آن‌ها می‌تواند بسیار جذاب و خواندنی و قابل استفاده باشد.

به‌طور مثال ما در حال حاضر جنگ‌های زیادی در سرتاسر دنیا داریم که باید ببینیم دید و نگاه اسلام در این زمینه چیست؟ مسیحی‌ها مسلمانان را به جنگ‌طلبی، ستیزه‌گری و کشتار متهم می‌کنند، این در حالی است که ما ۳۰۰ آیه در قرآن در خصوص جنگ داریم. در این آیات و سوره‌ها مسائلی درباره اهداف جنگ در اسلام، گزارش جنگ‌هایی مانند بدر، احد، خیبر، جنگ با یهودیان و مشرکین، جنگ با رومی‌ها- اروپای فعلی - و دیگر جوانب جنگ آمده است که می‌تواند ذهن دانش‌آموز و معلم ما را روشن کند و به او قدرت و تفکر و بینش لازم را بدهد تا بتواند مسائل جامعه خود و دنیای پیرامون را تحلیل و تفسیر کند و در مجموع برای نگاه و دیدگاه خود دلایل و استنادات محکم و قابل قبولی داشته باشد.

اگر چنین اتفاقی بیفتد در همین یک مورد، مخاطب ما با ۳۰۰ آیه قرآن و تفسیر و تحلیل آن آشنا شده و مهم‌تر از آن اینکه می‌تواند برای خودش در خصوص طرفداری از جنگ و یا صلح موضع بگیرد و استقلال فکر و اندیشه داشته باشد و با اتکا بر بالاترین و مهم‌ترین سند بالادستی مسلمانان نظر و نگاه خود را بیان کند.

چرا؟ برخی موضوعات مانند گزارش سفر و یا بیان

اگر ما بر کتاب و داشتن کتاب تأکید می‌کنیم دلیلش آن است که کتاب خوب همیشه زمینه کارهای خوب دیگر را هم فراهم می‌آورد. در زمینه کتاب‌های قرآنی هم این موضوع مصداق دارد، یعنی اگر ما کتاب خوب داشته باشیم، فیلم خوب هم خواهیم داشت کتاب منبع، مخزن و سرچشمه‌ای برای دیگر اقدامات فرهنگی و سازنده است

شده است که این خودش می‌تواند محور و موضوع کتاب‌های گوناگونی قرار گیرد.

چرا؟ تصور و پیش‌بینی و افق نگاه شما برای موفقیت و کارآمدی و توجه مخاطبان برای چنین کتاب‌ها و استقبال مخاطبان از آن چیست؟

اجازه بدهید جواب این سؤال را این‌گونه بدهم. شما فرض کنید سال ۱۳۹۵ است و این کتاب با عنوان «نعمت‌ها در قرآن» البته با ادبیاتی جذاب و هنرمندانه منتشر شده است و پیش‌بینی ما این است که وجود کتابی که در بحث گفت‌وگوهای قرآنی منتشر شود دانش‌آموزان را عاشق تولید آن خواهد کرد و مهارت گفت‌وگو در خوانندگان کتاب ۲ نمره افزایش خواهد یافت و مجموعه این کارها و توسعه آن، و ضمناً عمل بدانچه می‌خوانیم و درک می‌کنیم، همان موضوع تمسک به قرآن را محقق خواهد ساخت.

حالا اگر کتاب «سفرها و سفرنامه‌ها در قرآن» تألیف و منتشر شود، و با احتساب اینکه سالانه حدود ۱۰ میلیون نفر از دانش‌آموزان به اردوهای نزدیک، میانه و دور می‌روند - و مثلاً دانش‌آموزی از بندر لنگه به مشهد می‌آید و گاه با توقف و حرکتی که دارند تا ۷۰ ساعت در راه هستند - می‌تواند در داخل ماشین و قطار منبع بسیار ارزشمند و مفید و مؤثری باشد و حتی آنان را تشویق و ترغیب به نوشتن و نوشتن سفرنامه و خاطرات سفر کند که خودش به تنهایی هدف مهم و اثرگذاری است و ضمناً این کتاب به‌طور مستقیم و غیرمستقیم قرآن را در روح و ذهن و

داستان‌های عبرت‌انگیز، معمولاً در میان مخاطبان جوان مشتری بیشتری دارد. در این مورد چه زمینه‌ای در قرآن وجود دارد که می‌تواند مورد توجه و استفاده نویسندگان و ناشران کتاب‌های قرآنی قرار گیرد؟

اتفاقاً یکی از پرخواننده‌ترین کتاب‌هایی که ما از گذشته تا امروز داریم، همین سفرنامه‌هاست که همیشه برای بشر جذابیت داشته و خواندنی است. سفرنامه همیشه نو و تازه است و همواره مخاطبانی دارد که مشتاق‌اند آن را بخوانند. جالب است بدانید که ما در قرآن حدود ۳۳ سفرنامه داریم.

گاهی مربیان از من سؤال می‌کنند که در اردوها برای دانش‌آموزان چه بگوییم؟ پیشنهاد من سفرنامه‌های قرآنی است، چون هم معلم و مربی از قرآن سخن گفته است و هم از موضوعاتی برای بچه‌ها صحبت کرده است که برای آنان جالب و جذاب و شنیدنی است به‌طور مثال سفر حضرت خضر و حضرت موسی می‌تواند برای بچه‌ها خیلی جذاب و شنیدنی باشد.

یا مثلاً توجه به برخی احادیث خود می‌تواند الهام‌بخش باشد. به‌طور مثال در حدیث آمده است که، حضرت موسی نشستند بود که جبرئیل نازل شد و گفت: خدا می‌فرماید مردم را عاشق من کن. حضرت موسی گفت من بلد نیستم. به خدا بگو چه جور این کار را انجام دهم؟ جبرئیل رفت و برگشت و گفت: خداوند فرمود نعمت‌هایم را به بندگانم یادآوری کن، عاشق من خواهند شد. من وقتی این حدیث را خواندم نکته‌ای به نظرم رسید و با حاج آقای قرائتی نشستیم و کل قرآن را خواندیم تا ببینیم اسم چند نعمت در قرآن آمده است. بیش از ۱۰۰۰ نعمت در قرآن نام برده



وجود این مسافر و دانش‌آموز رسوخ دهد و ماندگار کند.

چرا؟ شما در صحبت‌هایتان اشاره‌ای هم به کتاب‌های تفسیر و به خصوص تفسیرهای موضوعی داشتید. در این خصوص کمی بیشتر برای خوانندگان عزیز توضیح دهید.

منظور من از تفسیر و به خصوص تفسیر موضوعی نکاتی است که مورد نیاز دانش‌آموز است. همان‌طور که اشاره کردم موضوعاتی مانند پرسش‌ها، نعمت‌ها، سفرها و گفت‌وگوها و الگوها خیلی در این مورد مهم و شایان توجه هستند.

مربیان و کارشناسان پرورشی اعتقاد دارند انسان به شدت نیازمند الگو است و اتفاقاً قرآن در هر دو زمینه الگوهای بد و الگوهای خوب مصادیق فراوانی را معرفی کرده است. شاید تا حدود ۵۰ نفر در این زمینه در قرآن معرفی شده باشند که در میان آنان، زن، مرد، زمامدار، ثروتمند و بزرگ و کوچک و جوان و نوجوان به چشم می‌خورد. به‌طور مثال حضرت یوسف خود یک الگوست چون ۱۱ یا ۱۳ ساله بود که وارد کوران آن حوادث سخت شد.

یا ۱۲۰ تا مثل و ضرب‌المثل در قرآن است که خودش می‌تواند زمینه انتشار کتاب‌های داستان، نقاشی، ساخت انیمیشن و دیگر کارهای هنری قرار گیرد و بعد هم در دوره متوسطه دوم موضوع تفسیر و تحلیل‌های گوناگون قرار گیرد. اساساً قرآن منبع الهام برای نوشتن کتاب‌های خوب و ماندگار است که ما از آن غافل هستیم.

زمینه دیگر موضوع علم است. همان چیزی که مأموریت آموزش و پرورش است و در قرآن هم بدان پرداخته شده است. این موضوع که اساساً علم از نگاه قرآن چیست و یا در مواردی که بحث علم اسلامی و یا شیمی اسلامی و مسائلی از این دست مطرح می‌شوند باید به این سؤالات که پیرامون مسائل علمی هستند پاسخ علمی داده شود و بهترین جا برای چنین کاری متون مستحکم و مستند قرآن است. طب اسلامی و طبیبی که ابوعلی سینا یاد می‌داد با طبیبی که غرب آموزش می‌دهد فرق دارد. یادگیرنده‌ای که برای فراگرفتن طب به نزد ابوعلی سینا می‌آمد، نماز خوان بود و نماز شب‌خوان از نزد او می‌رفت، اما چگونه می‌شود که فراگیر ما که وارد دانشکده پزشکی می‌شود اگر در پایان تحصیلات نمازخوان باقی مانده باشد، جای شکر دارد. این تفاوت در کجاست؟ این‌ها همه سؤالاتی است که می‌توان در موضوعات علمی با اتکاء بر قرآن بدان‌ها پاسخ داد.

یا در موضوعاتی مانند آداب معلمی و شاگردی که مبتنی بر قرآن باشد، ما کتاب قابل توجهی نداریم و این خود می‌تواند موضوع دیگری برای انتشار کتاب توسط نویسندگان و ناشران باشد.

البته منظورم کار محققانه و نفیسی است که در آن مثلاً ۳۰۰ آیه قرآن مبنای حرف ما باشد.

چرا؟ به‌عنوان سخن پایانی توصیه و سفارش و یا صحبت شما با دست‌اندرکاران طرح سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی و تربیتی و ناشران فعال در حوزه کتاب‌های قرآنی چیست؟

امیدواریم با این حرکتی که آغاز شده است، ناشران کتاب‌های قرآنی هم انگیزه بیشتری پیدا کنند و از این دریچه‌ای که بنده بدان نگریم و بخشی از آن را توضیح دادم و تشریح کردم به موضوع نگاه کنند و ببینند که چه بازار بزرگ و جمعیت کثیری می‌توانند مخاطب و مشتری آثار آنان باشند و با این حرکت همراه شوند. البته که آموزش و پرورش هم باید زمینه‌های بیشتری را فراهم کند و با خرید و پشتیبانی‌های گوناگون از این کتاب‌ها، ناشران را برای انتشار چنین کتاب‌هایی بیش از پیش ترغیب و تشویق کند.

حالا با توجه به همه این موضوعات باید گفت که ناشران آموزشی و به‌خصوص ناشران کتاب‌های قرآنی با این زمینه و توجهی که فراهم آمده است بازار بزرگی را در اختیار دارند که باید از آن بهره ببرند. لازمه چنین کاری هم دعوت و تکریم ناشران و گفت‌وگو و حمایت از آنان است تا با داشتن تصویری درست از نیاز مخاطب به کمک آموزش و پرورش بیایند و در این زمینه با توجه به همان ظرفیتی که به‌خصوص در کتاب آسمانی ما یعنی قرآن وجود دارد، کتاب‌های مورد نظر و نیاز دانش‌آموزان و معلمان و جامعه فرهنگی کشور را تولید کنند.

از سوی دیگر، ناشران هم که چشمشان به دنبال مشتری است باید کالایی را تولید کنند که بتوانند آن را به مشتری بفروشند و رقابت را برای تولید کتاب بهتر و مؤثرتر از یاد نبرند تا اگر صبح درب مغازه را به امید کسب حلال باز می‌کنند با بسته شدن آن در شب با خیالی آرام و کسب درآمد مشروع و حلال و با خیالی راحت و راضی به خانه بروند.

پس ما هم باید کمک کنیم تا ناشر بتواند از این بازار که مشتری ۱۰ تا ۱۴ میلیونی دارد سود خود را به‌دست آورد و توجه داشته باشیم که اگر قرار باشد تنها بر موجودی انبار ناشر افزوده شود کار پیش نخواهد رفت. هر دو سوی این قضیه باید برای موفقیت بیشتر به هم کمک کنند. ما در ایران ناشران بسیار خوبی داریم ولی به‌نظر می‌رسد باید ارتباط خودمان را با ناشران افزایش دهیم چون ارتباط مقطعی و موسمی در این کار جواب نمی‌دهد و نیاز به ارتباط مستمر و مداوم و مؤثر داریم.

در این میان برگزاری مراسمی مانند جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد مورد تأکید است، چون با رسانه‌ای شدن کار و تشویق و تجلیل از کسانی که کارهای برتر و مطابق با برنامه‌های درسی انجام داده‌اند، زمینه اقبال و حضور دیگر ناشران هم در چنین اقدامات لازم و ارزشمندی بیش از پیش فراهم خواهد شد. ان‌شاء...

گفت‌وگو با محمد ناصری دبیر دوازدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد، ویژه کتاب‌های قرآنی

آثار قرآنی مناسب، محصول زیست قرآنی است

بهرورضایی

بفرستند. در دوره‌های عادی، حدود ۶۵۰ ناشر در جشنواره مشارکت می‌کنند و در این جشنواره فقط ۷۷ ناشر مشارکت کرده‌اند. شما وقتی راجع به کتاب کمک‌درسی فراخوان می‌دهید، اینجا پر از کتاب می‌شود؛ اما راجع به قرآن همه ناشران ما کار نکرده‌اند و تولیدشان بسیار کم است.

چرا؟ خب از نظر شما چرا این قدر کم است؟ با آنکه به نظر می‌رسد استقبال مردم از آثار قرآنی هم اندک نیست؛ چرا کم تولید می‌شود؟

به نظر من دلایل مختلفی وجود دارد. یکی این است که ما در جامعه، به ظاهر امور بیشتر از باطن آن‌ها توجه می‌کنیم. شما می‌دانید پس از بعثت رسول خدا(ص)، به فاصله اندکی اقامه نماز بر پیامبر واجب شد. ما مسلمان‌ها راجع به نماز که «قربان کل تقی» است، بیشتر به چه چیزی توجه می‌کنیم؟ بیشتر حواسمان به مخارج حروف و ادای درست حروف است یا حضور قلب در نماز و توجه به بعد معنوی نماز و اینکه وسیله‌ای برای قرب الهی و نزدیکی به خداوند است؟

در تولیدات قرآنی، ما می‌توانیم حدس بزنیم که آثار مربوط به خط و تذهیب و قاب و چاپ نفیس قرآن احتمالاً به مراتب بیشتر از آثار مربوط به محتواست. کسی با خوش‌نویسی قرآن مخالف نیست؛ اشکالی ندارد؛ اما آیا نزول قرآن با این هدف بوده که آن را با زیباترین خط‌ها بنویسیم و با زیباترین شکل تذهیب کنیم یا این بوده که آیات و مفاهیم قرآن در زندگی ما مسلمان‌ها

چرا؟ کتاب‌های قرآنی، در سال‌های گذشته هم، مثل سایر کتاب‌ها، در جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد مورد بررسی قرار می‌گرفت. چه سیاستی موجب شد که جشنواره دوازدهم، مختص کتاب‌های قرآنی بشود؟

من با یک آیه از قرآن شروع می‌کنم: وَ قَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا (فرقان / ۳۰): پیامبر به پروردگار عرض کرد که قوم و امت من قرآن را مهجور قرار دادند. این متن قرآن است. اگر به وصایای پیامبر اکرم(ص) هم توجه کنید، توصیه به قرآن و عترت مهم‌ترین توصیه ایشان است. این قصه پرغصه بی‌توجهی به قرآن، متأسفانه در طول تاریخ وجود داشته است.

ما نقش قرآن در زندگی، دچار ظاهربینی و ظاهر دوستی هستیم. ما ظاهراً زندگی‌هایمان را با قرآن شروع می‌کنیم و اول ازدواج با آینه و شمعدان قرآن می‌بریم؛ مرده‌هایمان را با قرآن بدرقه می‌کنیم؛ وقتی کودکیمان به دنیا می‌آید در گوش او حمد و سوره می‌خوانیم؛ اما قرآن در متن زندگی ما جا ندارد. در اصل قصه، قرآن مهجور است.

خود ما در یازده دوره گذشته جشنواره کتاب‌های رشد، به کتاب‌های قرآنی، با همان چشمی نگاه کرده‌ایم که به بقیه موضوعات؛ یعنی مثل فیزیک و شیمی و دروس دیگر به آن نگاه کرده‌ایم.

البته در شعار ممکن است خیلی از قرآن و مفاهیم قرآنی سخن بگوییم؛ مثلاً در سند تحول بنیادین یا در برنامه درسی ملی بارها به آن تکیه کنیم؛ اما در عالم واقع چه اتفاقی می‌افتد؟ این جرقه باید زودتر از این در ذهن ما می‌زد. اما به حکم اینکه ماهی را هر وقت از آب بگیریم تازه است، حالا رسیده‌ایم به برگزاری مستقل جشنواره قرآنی.

ما فقط کتاب‌های چهار سال را فراخوان داده‌ایم که برایمان



نقش آفرینی کند؟

یک زیبایی وجود دارد و زیبایی قرآن هم صوت نیکوست؛ اما این صوت نیکو و حسن ما را به چه چیزی و چه مفهومی دعوت می‌کند؟ من می‌گویم نویسندگان وقتی رشد می‌کنند که زمینه مناسب در جامعه وجود داشته باشد.

این آیات به فراخور فهم و ذوق و علائق مخاطبین، باید در روزگاران مختلف در دسترس مخاطب قرار گیرد. خصوصاً برای ما فارسی‌زبان‌ها، ترجمه و تفسیر قرآن همواره موضوعیت دارد. قرآن در سطوح مختلف و برای مخاطبان گوناگون باید تبیین شود. پس ما باید راجع به تبیین مفاهیم قرآنی تولیداتی داشته باشیم که متناسب با مخاطب ما در آموزش و پرورش (دانش‌آموزان و همکاران فرهنگی) باشد.

چون‌آه خب، آیا این‌طور به دور نمی‌افتیم؟ بچه‌های ما برای آنکه زیست قرآنی پیدا کنند، باید با قرآن آشنا باشند و بنابراین باید نویسندگانی آن‌ها را با مفاهیم قرآن و سبک زندگی قرآنی آشنا کرده باشند. از سویی می‌فرمایید نویسندگان وقتی تحریک و تشویق به نوشتن می‌شوند و دست به قلم می‌برند که جامعه زیست قرآنی داشته باشد. بالاخره برای وقوع این آشنایی باید از جایی شروع کرد.

چون‌آه با این فرمایش، آیا مقصود شما این است که نویسندگان در نوشتن و خلق آثار قرآنی کم‌کاری می‌کنند؟ اگر این‌طور باشد چه کسی باید نویسندگان را به خلق آثار بیشتر و مناسب‌تر سوق بدهد و تشویق کند؟ یک بخش از اشکال، همین چیزی است که شما می‌گویید. اما باید توجه داشت که نویسنده‌ها جدا از جامعه نیستند؛ آن‌ها قشر فرهیخته‌ای از همین جامعه‌اند. مشکل اصلی این است که در جامعه ما «زیست قرآنی» وجود ندارد تا نویسندگان تولیدات قرآنی داشته باشند. این فضا، فضایی نیست که در آن زندگی قرآنی جریان داشته باشد و رشد و بالندگی جدی صورت بگیرد تا نویسنده هم از آن اثر بپذیرد و بنویسد.

بله بخشی از حرفتان درست است. اما برای آنکه مقصودم را بیان کنم، بگذارید از زاویه دیگری موضوع را طرح کنم. در سال‌های پیش از انقلاب افرادی که در زمینه قرائت و حفظ قرآن فعالیت می‌کردند، خیلی کمتر از سال‌های بعد از انقلاب بودند - من هیئت‌های آن زمان را یادم هست - در انقلاب، تحول و اتفاق خیلی عجیبی افتاد. مسابقات فراوانی پیرامون قرائت و حفظ شکل گرفت. هیئت‌های قرآنی و جلسات گوناگون شکل گرفت؛ نهضتی در این زمینه به وجود آمد که در این نهضت همه به میدان آمدند؛ مدرسه کمک کرد، مسجد کمک کرد و همه کمک کردند و توجه به حفظ، تجوید، لحن و صوت گسترش

بله در حوزه قرآن و صوت و قرائت قرآن، حتماً تلاش‌هایی صورت می‌گیرد. از قرآن بهره‌های فراوانی می‌شود برد. یک بخش لذتی است که از شنیدن قرآن می‌بریم. فرموده‌اند برای هر چیزی



پیدا کرد؛ اما این اتفاق و این نهضت و این توجه هیچ‌گاه در حوزه مفاهیم قرآن اتفاق نیفتاد.

استاد مطهری در جایی می‌فرماید آن قدر که ما - یعنی جامعه روحانیت - به فقه اهمیت می‌دهیم، به قرآن و تفسیر اهمیت نمی‌دهیم. خب جامعه روحانیت، در این قضیه نقش کلیدی دارد. البته معلمان، مربیان، پدران و مادران و دیگران هر کدام سهمی در این میانه دارند. وقتی که بچه‌ها را برای مسابقات حفظ و قرائت می‌برند، آموزش و پرورش حمایت می‌کند، مسجد محل حمایت می‌کند، افراد خانواده و فامیل حمایت می‌کردند، صدا و سیما هم حمایت می‌کرد. آیا شما در حوزه درک مفاهیم قرآنی هم همین حمایت‌ها را می‌توانید مشاهده بکنید؟ ما در این زمینه فقط برنامه «درس‌هایی از قرآن» را داشته‌ایم که در آن آقای قرائتی سعی کرده است مفاهیم قرآنی را در سطح عامه مردم طرح کند. غیر از این هر چه بوده، تخصصی بوده است که مخاطب اندک و خاص دارد.

چوایه ما در کشور شاید دو هزار مؤسسه قرآنی ثبت شده و رسمی داشته باشیم که البته همان‌طور که شما هم اشاره کردید، بیشتر در زمینه قرائت و حفظ و آموزش‌های حضوری و شفاهی فعال‌اند. اما افرادی هستند که لزوماً از صدای خوبی برخوردار نیستند یا حافظه خوبی برای حفظ قرآن ندارند. خب این افراد بخت زیادی برای جذب توسط مؤسسات قرآنی ندارند. احتمالاً برای آشنایی آن‌ها با قرآن باید از مواد و منابع مکتوب استفاده کرد. حالا به نظر شما سهم کدام‌یک از گروه‌های جامعه در تولید مواد و منابع مکتوب قرآنی بیشتر از بقیه است؟

وقتی قرار است یک اتفاق فرهنگی بزرگ از این دست بیفتد، باید همه به سهم خودشان مشارکت کنند. برخی از نهادها و مراکز مانند وزارت ارشاد و آموزش و پرورش و صدا و سیما و روحانیت که نقش تربیت‌کننده را دارند، پیداست که نقش آشکار و بارزی دارند. یک بخشی هم به عهده حوزه نشر و ناشران است که به نظر می‌رسد کمتر به نشر امور قرآنی بها داده‌اند. در مراحل بعد هم خانواده‌ها قرار دارند و کم‌سهم‌ترین افراد و گروه در این میانه خود بچه‌ها هستند. البته مهم‌ترین و اصلی‌ترین گروه هم بچه‌ها هستند.

ما در حوزه عترت هم با این مسئله مواجهیم. ما خیلی چیزها را در سطحی‌ترین شکل خودش به نمایش می‌گذاریم. در قدیم، در مجالس روضه‌خوانی ما موعظه غالب بود و امروزه غلبه با مداحی و ابراز احساسات مذهبی است. در میان این آدم‌های علاقه‌مند به مذهب، حتماً هستند آدم‌هایی که با کتاب انس می‌گیرند. گروهی از این جامعه بزرگ که برای امام حسین عزاداری می‌کنند و سینه می‌زنند می‌خواهند به اطلاعات عمیق‌تری راجع به اهداف امام حسین برسند. یک بخش از این بر عهده حوزه نشر است. حوزه نشر که می‌گویم اعم از نویسنده و ناشر و گرافیکست و همه

عوامل است.

حتماً برخی از آن‌ها می‌خواهند یک قدم از سطح احساسات بالاتر بیایند. اما می‌بینیم در این زمینه‌ها خلأهای زیادی داریم؛ زبان مخاطب را نمی‌شناسیم، کتاب‌سازی خیلی جذابی نداریم و حمایت‌های لازم هم دیده نمی‌شود.

وقتی شما می‌خواهید به یک نفر که علاقه‌مند به خط است یک کتاب نفیس قرآنی هدیه دهید، می‌توانید در بازار چند کتاب مناسب در این زمینه پیدا کنید. اما اگر بخواهید به یک کسی که علاقه‌مند به خواندن داستان و رمان است، قصه قرآنی هدیه کنید، چند قصه قرآنی خوب سراغ دارید؟ اگر در جامعه نشر، آثار متنوع قرآنی تولید شده باشد، ما می‌توانیم به نیازهای افراد مختلف با ذائقه‌های مختلف جواب بدهیم.

متأسفانه ناشران و نویسندگان ما به‌نظر می‌رسد به‌طور جدی به این مقوله فکر نمی‌کنند و به‌طور جدی برای آن برنامه‌ریزی نمی‌کنند و اگر گاهی کاری می‌کنند، تعدادی هستند که برای دل خودشان است.

چوایه شما فرمودید چندین مرکز و نهاد در این کار سهیم‌اند. اما اجازه دهید، ما به سراغ خودمان در معاونت سامان‌دهی بیاییم. ما در این سال‌ها تلاش کرده‌ایم با شناسایی و معرفی کتاب‌های مناسب در کتاب‌نامه‌های رشد، در وبگاه سامان‌کتاب، در مجلات رشد و در انتهای کتاب‌های درسی و معرفی به مؤسسه‌های خرید کتاب، از کتاب‌ها حمایت کنیم. آیا کار دیگری هست که بتوانیم برای ناشران انجام بدهیم تا این کار رونق بگیرد؟

حتماً بیش از این‌ها می‌توانیم به ناشران کمک کنیم. ما در جشنواره کتاب رشد، می‌رسیدیم به اینکه مثلاً در حوزه‌هایی مشکلاتی وجود دارد و برای آن‌ها کارگاه‌هایی را با هدف تبیین برنامه درسی یا تولید کتاب‌های مناسب آموزشی می‌گذاشتیم. ما می‌توانیم آسیب‌های حوزه تولید کتاب‌های قرآنی را شناسایی و دسته‌بندی بکنیم و نتیجه را به ناشران فعال این حوزه، به فراخور سهمی که دارند، انتقال دهیم.

ما می‌توانیم کارگاه‌های آموزشی مختلف بگذاریم برای نویسندگان تا محتوای قرآنی را با تکنیک‌های پیشرفته‌تر بنویسند. می‌توانیم کسانی را که دستی بر قلم دارند، جمع کنیم و از کتاب‌های تولید شده در این حوزه حمایت کنیم. می‌توانیم برای همین هفتاد و چند ناشر کارگاه تولید کتاب‌های قرآنی بگذاریم. می‌توانیم در وهله اول از ناشران آموزش و پرورش شروع کنیم و دور هم جمع شویم و برنامه‌ریزی کنیم برای کارهای قرآنی. البته جسسته و گریخته کارهایی شده است؛ اما زمان آن است که با برنامه‌ریزی حرکت کنیم.

مشکل اصلی این است که در جامعه ما «زیست قرآنی» وجود ندارد تا نویسندگان تولیدات قرآنی داشته باشند

محمد رضا مسیب زاده، مدیر کل قرآن، عترت و نماز وزارت آموزش و پرورش



سادگی، اختصار، جذابیت سه ویژگی لازم برای آثار قرآنی است

سمانه آزاد

زمینه را برای افزایش قدرت انتخاب دانش آموزان آماده ساخت و نباید تنها به چند اثر محدود راضی و خرسند بود.

۹۰۱۶ به نظر شما در آثار قرآنی که برای مخاطبان ۶ تا ۱۸ ساله (دانش آموزان) تولید شده چه کاستی‌هایی قابل مشاهده است؟

عدم شناخت کافی مخاطب توسط بعضی از تولیدکنندگان آثار، تولید آثار تکراری و موازی، بی‌اطلاعی تولیدکنندگان از ضوابط و معیارهای برنامه آموزشی کشور یا ناهمخوانی محتوای آن‌ها با کتب درسی، همچنین توجه صرف به کسب درآمد از آثار تولیدی، می‌تواند از آفات این امر باشد. ضمن اینکه انحصاری کردن تولید آثار برای یک عده خاص نیز می‌تواند موجب آفت شود.

۹۰۱۷ اداره کل قرآن و عترت سازمان آموزش و پرورش، برای تشویق دانش آموزان به مطالعه آثار قرآنی چه برنامه‌هایی دارد؟

برگزاری مسابقات قرآن، عترت و نماز در رشته‌های قرائت، حفظ، مفاهیم، اذان، احکام، انشای نماز، مداحی، نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه از مهم‌ترین اقدامات این اداره کل در حوزه مذکور است.

برای این دوره از مسابقات ۱۲ عنوان کتاب حفظ آیات موضوعی قرآن کریم، متناسب با سنین دانش آموزان، و آیات پرکاربرد برای دانش آموزان تحت عنوان «نورباران» تهیه و تولید شده است؛ ۱۴ عنوان کتاب نیز با موضوع امام‌شناسی تحت عنوان «مصباح‌الهدی» از زندگی و سیره ائمه اطهار سلام... علیهم

۹۰۱۸ وضعیت تولیدات قرآنی برای دانش آموزان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا این منابع با ظرفیت ذهنی و زبانی دانش آموزان تناسب دارند؟

هرگونه اقدام هدفمندی که در راستای نیل به تربیت قرآنی دانش آموزان و فرهنگیان عزیز و آحاد جامعه اسلامی باشد، قطعاً مأجور درگاه حق تعالی خواهد بود. برگزاری جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد که امسال به کتاب‌های قرآنی اختصاص داده شده است، یکی از مصادیق ارزشمند نشر قرآن کریم شمرده می‌شود.

در حال حاضر ضرورت دارد، مرجع و نهادی، کار هدایت و راهبردی تولیدات قرآنی را به عهده بگیرد تا این تولیدات براساس نیازهای روز جامعه خصوصاً نیازهای آموزش و پرورش، به سمت و سوی صحیح خود هدایت شود.

همچنین برخی ضعف‌ها از جمله نبود جامعیت در آثار قرآنی و توجه بیش از حد به بعضی از موضوعات، عدم استفاده از هنر و جذابیت‌های بصری در آثار تولیدی و به روز نبودن محتوای تولید شده نیز قابل مشاهده است. ضمن اینکه توجه به فضاهای مجازی و خصوصاً فناوری اطلاعات، می‌تواند به گسترش موضوعات قرآنی در جامعه یاری برساند.

۹۰۱۹ نقطه مطلوب تولید آثار قرآنی مناسب برای دانش آموزان چیست؟

توجه به سه ویژگی سادگی، اختصار و جذابیت در تولید آثار قرآنی می‌تواند ما را به نقطه مطلوب برساند؛ ضمن اینکه توجه به نیاز مخاطب و ارزیابی مستمر و گرفتن بازخورد می‌تواند به جامعیت کار بیفزاید. در مجموع باید با تعدد آثار و تنوع آن‌ها

ترسیم نقشه راه و اعلام نیازهای واقعی جامعه دانش‌آموزی به ناشران، یک اقدام بسیار پسندیده و اثربخش است. این طرح دقیقاً همان نقش را ایفا می‌کند و موجب می‌شود مؤلفین و ناشرین در پرداختن به موضوعات و مفاهیم آموزشی، برای حفظ همسویی با برنامه درسی، سیاست‌های کلان آموزش و پرورش را مورد توجه بیشتر و دقیق‌تر قرار دهند.

باید خاطرنشان کرد که استفاده از ظرفیت مؤسسات و اتحادیه‌های مردمی می‌تواند توفیقات این امر را مضاعف نماید. دولت و آموزش و پرورش به‌عنوان سیاست‌گذار می‌توانند هدایت اصلی را به عهده بگیرند و نهادهای مردمی این کار زیبا را به ثمر برسانند.

در پایان باید عرض کنم، من به عنوان کسی که سال‌هاست در حوزه قرآن و معارف اسلامی در جامعه دانش‌آموزی انجام وظیفه می‌کنم، مطمئن هستم این جشنواره آثار پرخیز و برکتی را برای بهره‌گیری بهتر و بیشتر دانش‌آموزان و همکاران فرهنگی از تولیدات ناشران محترم خواهد داشت. امیدوارم با همت همکاران عزیزم در دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی این تلاش مقدس تداوم داشته باشد. اما فکر می‌کنم به نسبت زحمات

عزیزان، اطلاع‌رسانی مناسبی انجام نشده و مناسب‌تر است که این کار ارزشمند در وسعت بیشتری تبلیغ می‌شد تا زمینه رشد بیش از پیش از این کار فاخر فراهم می‌گردید.

اجمعین به عنوان بهترین گویای سبک زندگی اسلامی به نگارش درآمده است؛ همچنین متناسب با پایه‌های تحصیلی گوناگون کتاب‌هایی با محور و موضوع نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه تدوین شده است.

اطلاع‌رسانی و انجام تبلیغات مناسب در سطح مدرسه توسط مربیان و مدیران مدارس و معرفی آثار مورد نظر و نیز اهدای جوایز به برگزیدگان این مسابقات از دیگر برنامه‌های این اداره کل است.

چوبه ۹۰۱ برای یکپارچگی و انسجام بخش‌های مختلف آموزش و پرورش در اجرایی شدن برنامه‌های حوزه قرآن چه سیاستی را در پیش گرفته‌اید؟

برنامه فعالیت‌های قرآنی باید براساس اسناد بالادستی تدوین و به حوزه‌های قرآنی ابلاغ شود. تمامی فعالین باید نسبت به اجرای برنامه‌ها به عنوان نقشه راه متعهد شوند و در این مسیر از نگاه بخشی به برنامه و از قشری‌نگری بپرهیزند و اعتبارات نیز متناسب با میزان عمل به مصوبات ابلاغ شده تخصیص یابد.

چوبه ۹۰۲ اداره کل قرآن و عترت سازمان آموزش و پرورش منابع و کتاب‌های مورد نیاز خود را چگونه تأمین می‌کند؟ این کار با کمک گرفتن از کارشناسان و متخصصان داخل و خارج از مجموعه آموزش و پرورش و تشکیل اتاق‌های فکر و همچنین تشکیل کارگروه‌های کارشناسی و تقسیم استان‌های کشور در این کارگروه‌ها و استفاده از ظرفیت ارزشمند استان‌های کشور و خصوصاً بهره‌گیری از ظرفیت علمی حوزه‌های علمیه کشور میسر است.

چوبه ۹۰۳ انتشار کتابنامه رشد از جمله اقدامات دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی است که طی آن کتاب‌های مناسب را به دانش‌آموزان معرفی می‌کنند. تا چه حد از کتابنامه استفاده می‌کنید؟

می‌توان گفت تهیه و انتشار کتابنامه رشد از اقدامات اساسی وزارت آموزش و پرورش و دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی است. این یک ضرورت است که آثار پرشمار تولید شده برای دانش‌آموزان و معلمان، توسط کارشناسان خبره تعلیم و تربیت بررسی شوند و آثاری را که با برنامه درسی دانش‌آموزان همگام هستند، معرفی کنند. اطلاع‌رسانی بیشتر در این زمینه، می‌تواند به بهره‌گیری از این کار شایسته و لازم بیش از پیش یاری برساند. همراهی هر چه بیشتر معاونت‌ها و ادارات کل برای قوام یافتن این کار پسندیده بسیار مؤثر است.

چوبه ۹۰۴ نقش طرح سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی را در هدایت ناشران برای تولید آثار مناسب برای دانش‌آموزان و معلمان چگونه ارزیابی می‌کنید؟

تهیه و انتشار کتابنامه رشد از اقدامات اساسی وزارت آموزش و پرورش و دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی است. این یک ضرورت است که آثار پرشمار تولید شده برای دانش‌آموزان و معلمان، توسط کارشناسان خبره تعلیم و تربیت بررسی شوند و آثاری را که با برنامه درسی دانش‌آموزان همگام هستند، معرفی کنند





در نشست انتظارات و نیازهای آموزش و پرورش از ناشران کتاب‌های قرآنی مطرح شد:

نگاه تربیتی قرآن مغفول مانده است!

گزارشگر: سمانه آزاد

قاریان بزرگ کشور در گسترش و پاسخ‌گویی به سلیقه‌های مختلف جامعه تلاش ارزشمندی کرده‌اند اما این کافی نیست. به نظر می‌رسد در دنیای نشر کتاب‌های قرآنی دچار خلأ‌های اساسی هستیم. از این رو آموزش و پرورش تصمیم گرفته با برگزاری این جشنواره برای حمایت از کتاب‌های این حوزه قدمی بردارد.

حوزه تفسیر، سخت اما مبارک

در ادامه نشست **حجت‌الاسلام سید جواد بهشتی**، مشاور امور قرآنی وزیر آموزش و پرورش گفت: «پیامبر(ص) در رهنمودی به معاذبن جبل کارگزار یمن می‌فرماید: اگر می‌خواهید زندگی سعادت‌مند، مرگی مانند مرگ شهیدان، نجات روز حسرت و

سایه‌بانی در آن روز داغ داشته باشید به فراگیری قرآن بپردازید که بالاترین سخن و سدی در برابر شیطان است و باعث سنگینی میزان خواهد شد.»

سرگروه داوران «حوزه تفسیر، ترجمه و موضوعات قرآنی» به تشریح موضوع «تفسیر قرآن» هم پرداخت و ادامه داد: «در قرآن کریم بارها آمده است که این کتاب «بیان» یعنی روشن است. از سوی دیگر خداوند بارها به پیامبر(ص) فرموده است که باید قرآن را تبیین کرد. این بدان معناست که قرآن کتابی فطری، روان، ساده، معقول و در عین حال نیازمند توضیح بیشتر است. ارائه این توضیحات برعهده پیامبر(ص) و پس از وی به امامان معصوم(ع) و در زمان غیبت برعهده عالمان دین است. ما این توضیحات را

اشاره

دوازدهمین دوره جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد به کتاب‌های قرآنی اختصاص دارد. در حاشیه برگزاری این جشنواره، نشست انتظارات و نیازهای آموزش و پرورش از ناشران کتاب‌های قرآنی برگزار شد. در این نشست حجت‌الاسلام سید جواد بهشتی، مشاور امور قرآن وزیر آموزش و پرورش، مسعود وکیل کارشناس قرآن دفتر تألیف کتاب‌های درسی، ناصر نادری، نویسنده و صاحب نظر ادبیات کودک و نوجوان و جمعی از ناشران دولتی و خصوصی حوزه دینی و قرآنی حضور داشتند و به تحلیل آثار رسیده پرداختند. عدم تنوع در تولید آثار تفسیری برای دانش‌آموزان و ضعف در پرداخت موضوعات قرآنی از جمله موضوعاتی بود که این داوران به آن‌ها اشاره کردند.

در ابتدای این نشست **محمد ناصری**، مدیر کل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی اختصاص این دوره از جشنواره به کتاب‌های قرآنی را نشان‌دهنده اهمیت این حوزه برای آموزش و پرورش توصیف کرد و گفت: «سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی امسال به‌طور ویژه به کتاب‌های قرآنی اختصاص دارد. این موضوع معنای روشنی دارد و نشان‌دهنده عزمی است که آموزش و پرورش برای حمایت بیشتر از کتاب‌های این حوزه جزم کرده است.»

وی افزود: «در این دوره از جشنواره، کتاب‌های قرآنی منتشر شده طی چهار سال گذشته توسط داوران شش گروه بررسی شدند. نتیجه این بررسی‌ها نشان‌دهنده خلأ‌های فراوانی در حوزه کتاب‌های قرآنی است که دوستان ما در بیانیه‌های خود به آن‌ها اشاره خواهند کرد. این موضوع نشان از آن دارد که نوای خوش‌آهنگ و متنوعی که در صوت و قرائت قرآن در جامعه وجود دارد در دنیای کتاب‌های قرآنی نیست. بعد از انقلاب اسلامی

تفسیر می‌نامیم.»

حجت‌الاسلام بهشتی در ادامه به مرور تفسیرهای قرآن طی چهار دهه گذشته پرداخت و گفت: «در دهه ۴۰ شمسی به تدریج «تفسیر المیزان» منتشر شد که فرهنگیان، فرهیختگان و دانشگاهیان زیادی را به خود جذب کرد. در همین دوران تفسیر «پرتوی از قرآن» نوشته آیت‌ا... طالقانی و «تفسیر نوبین» اثر مرحوم محمد تقی شریعتی هم با استقبال روبه‌رو شد. در دو دهه ۵۰ و ۶۰ شمسی هم «تفسیر نمونه» اثر آیت‌ا... مکارم شیرازی درخشید. همچنین «تفسیر الحدیث» آیت‌ا... قرشی در این دوره منتشر شد. در دهه ۷۰ دو تفسیر با سبک و رویکردی جدید منتشر شدند، چون پیام قرآن برای مردم و زندگی امروز را در نظر گرفته بودند. این دو، یکی «تفسیر نور» اثر حجت‌الاسلام قرائتی و دیگری «تفسیر راهنما» اثر آیت‌ا... هاشمی رفسنجانی هستند. «تفسیر تسنیم» اثر آیت‌ا... جوادی آملی هم در دهه ۸۰ منتشر شد. این آثار را می‌توان مهم‌ترین تفسیرهایی دانست که منتشر شده و در دسترس قرار گرفتند. اما مفسران باید برای جمعیت فراوان دانش‌آموزی و فرهنگیان هم آثاری را در نظر بگیرند.»

وی به تحلیل کتاب‌های رسیده به این گروه پرداخت و گفت: «در این بخش حدود ۳۳ عنوان کتاب به دست ما رسیده بود. به نظر می‌رسد در خوش‌بینانه‌ترین حالت ۲۰ درصد از کتاب‌های این حوزه به جشنواره رسیده است. این در حالی است که دست‌اندرکاران برگزاری جشنواره به روش‌های گوناگون با ناشران ارتباط برقرار کردند. از برخی ناشران انتظار نمی‌رفت به این جشنواره به سردی پاسخ دهند. بنابراین داوری ما در این گروه نسبت به همه کتاب‌های منتشر شده طی چهار سال گذشته نیست، بلکه نسبت به تعداد کتاب‌هایی است که به دست ما رسیده است.»

حجت‌الاسلام بهشتی افزود: «مخاطب اکثر این کتاب‌ها دانشجویان کارشناسی یا حتی کارشناسی ارشد رشته‌هایی مانند الهیات یا علوم قرآنی هستند. یعنی محتوا، ساختار و ادبیات کتاب‌ها متناسب با این قشر است. برای مخاطب آموزش‌وپرورش که شامل نزدیک به یک میلیون معلم و حدود ۱۳ میلیون دانش‌آموز می‌شود، در حوزه تفسیر، کتاب زیادی به چشم نمی‌خورد. جمعیت فرهنگی و دانش‌آموزی ما، بیشترین و مؤثرترین مخاطب را تشکیل می‌دهند؛ بیشترین کتاب‌خوان‌ها در میان این قشر هستند. کسانی که آینده‌سازان کشورند از این گروه‌اند ولی ما در این حوزه برای آن‌ها ارمغانی نداریم یا اگر داریم به دست ما نرسیده است.»

مشاور امور قرآنی وزیر آموزش‌وپرورش با اشاره به اهداف دوره‌های مختلف تحصیلی در حوزه یادگیری قرآن افزود: «آموزش‌وپرورش برای دوره‌های تحصیلی اهدافی را مشخص کرده است. در دوره ابتدایی «روخوانی و روان‌خوانی»، در دوره متوسطه اول «آشنایی با مقررات و کلمات پرتکرار و در دوره متوسطه دوم «تدبر» به‌عنوان اهداف شده‌اند. این‌ها موضوعاتی

است که زیاد تکرار شده اما مابه‌ازای خارجی چندانی ندارد در حالی که مخاطب این زمینه میلیونی است. به‌نظر می‌رسد خیزش و جنبشی لازم است تا کتاب‌های حوزه تفسیر برای دانش‌آموزان متنوع شوند به‌طوری که مخاطب قدرت انتخاب داشته باشد. ناشران باید فعالیت خود را در زمینه تفسیر برای دانش‌آموزان آغاز کنند و وارد این دنیای سخت اما مبارک شوند.»

ضعف در پرداخت موضوعات قرآنی



مسعود وکیل سرگروه داوران «حوزه مفاهیم و معارف قرآنی» درباره کتاب‌های رسیده در این حوزه توضیح داد: «به نظر می‌رسد گروه مفاهیم و معارف قرآنی بیشترین کتاب‌های رسیده را در میان گروه‌های دیگر داشت چون موضوع عمومی‌تری بود.

برخی از کتاب‌ها برای معلمان مناسب بودند اما اغلب کتاب‌ها برای استفاده دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم مناسب‌تر بودند.» کارشناس قرآن دفتر تألیف کتاب‌های درسی افزود: «در تولید کتاب، انتخاب مسئله موضوع مهمی است. یعنی باید دقت کنیم برای عموم دانش‌آموزان و دبیران به چه موضوعی در ارتباط با قرآن می‌پردازیم. آثاری که ما در گروه بررسی کردیم، به این موضوع دقت کرده بودند و در انتخاب موضوع خلاقیت و نوآوری داشتند. موضوعات و معارف قرآن موضوعات نام‌آشنایی هستند اما عناوینی که ما به این موضوعات می‌دهیم اهمیت زیادی دارند.»

وکیل با تأکید بر نحوه ارائه و پرداخت موضوعات قرآنی گفت: «با وجود اینکه بسیاری از معارف و موضوعات قرآنی نام‌آشنا هستند اما به‌نظر می‌رسد ما در پرداخت آن‌ها در کتاب‌ها دچار ضعف هستیم. زبان، ادبیات و فرهنگ ارائه مطالب در کتاب‌های قرآنی نباید همان باشد که از رسانه‌های دیگر گوش و چشم ما را پر کرده است. ناشران باید

نویسندگان توانایی را شناسایی کنند که با زبان و فرهنگ جاری زمانه آشنایی داشته و با این درک موضوعات را با ادبیات روز ارائه دهند. در واقع نویسنده باید درک نزدیک و مستقیمی از دریافت جوانان، معلمان و مخاطبان در ارتباط با موضوعات قرآنی داشته باشد. اگر می‌خواهیم کتاب مناسب و جذابی در ارتباط با قرآن تولید کنیم، سابقه و آگاهی در امور دینی گرچه مهم و لازم است اما کافی نیست. نویسنده باید با ادبیات مخاطب امروز آشنایی داشته باشد.»

شیرین‌سازی دین

پیوند نیازهای دانش‌آموزان و معلمان با موضوعات قرآنی موضوع

وکیل: زبان و ادبیات و فرهنگ ارائه مطالب در کتاب‌های قرآنی نباید همان باشد که از رسانه‌های دیگر گوش و چشم ما را پر کرده است



اهمیتش از آن جدا شده تا بتوانیم حق آموزش قرآن را ادا کنیم. زمانی که از آموزش قرآن حرف می‌زنیم ذهن تنها به سمت روخوانی و روان‌خوانی می‌رود که این ظلم به قرآن است. البته قرائت اهمیت بسیار زیادی دارد به طوری که خواننده قرآن باید با آداب خاصی و در اوقات خاصی قرآن را بخواند. نفس خواندن و قرائت قرآن موضوعیت دارد و چه بسا اهمیت قرائت منجر به آماده شدن اذهان برای آموزش عمومی قرآن شده است. اما در آموزش قرآن باید به مهارت‌ها و سایر امور ضروری هم پرداخت. این مهارت‌ها شامل ۵ مهارت و عبارت‌اند از: ۱. قرائت و خواندن قرآن ۲. فهمیدن و درک قرآن: در نگاه دقیق‌تر خواندن و فهمیدن دو روی یک سکه‌اند. یعنی هیچ قرائت و خواندنی از درک معنا خالی نیست. به‌ویژه درباره قرآن درک معنا باید با قرائت همراه باشد. ۳. تدبر در قرآن: در این حوزه باید به این نکته توجه داشت که آیا تدبر در قرآن تنها مختص دانش‌آموزان دوره‌های بالاتر تحصیلی است؟ آیا تدبر و اندیشه در کلام خداوند را نمی‌توان از دوره ابتدایی شروع کرد؟ ما اکنون در دوره ابتدایی بخشی با عنوان «پیام‌های قرآنی» را پیش‌بینی کرده‌ایم. این پیام‌ها زمینه‌ای است که شما ناشران می‌توانید ذیل هر کدام آثاری را تولید کنید. ما به خاطر محدودیت‌های کتاب و کلاس درس گاهی مسائل را به کوتاهی بیان می‌کنیم اما شما می‌توانید همان مسائل را بسط دهید. ۴. حفظ کردن: ما در گذشته برنامه‌ای برای حفظ آیات قرآن - حداقل آیات مشهور - نداشته‌ایم تا به عنوان استشهدات گفت‌وگو بر زبان مان جاری شود. شما می‌توانید در این زمینه هم فعالیت‌های خود را توسعه دهید. ۵. انس با قرآن: انس با قرآن از اهداف و مهارت‌های پایه است. اعتراف می‌کنم که ما در تولید برنامه برای انس مخاطبان با قرآن ناموفق و ضعیف عمل کردیم.



بنابراین در این حوزه هنرمندان و نویسندگان می‌توانند در راستای اهداف برنامه درسی عمل کنند.»
ناصر نادری «سرگروه قاصه‌های قرآنی» نیز به برخی نکاتی که ناشران در تولید آثار خود باید به آن‌ها توجه

دیگری بود که حجت الاسلام بهشتی به آن اشاره کرد. وی در این باره گفت: «نخستین حرف آموزش و پرورش علم است و قرآن هم سرشار از آیاتی در این حوزه است. اگر نگاه تخصصی‌تر داشته باشیم، می‌بینیم که در قرآن ۷۰۰ آیه درباره طبیعت وجود دارد که با معلمان این حوزه ارتباط دارد. از «سبک زندگی قرآنی» هم که چند سالی است مطرح شده از قرآن به عنوان «حیات طیبه» نام می‌برد. برای رسیدن به حیات طیبه، قرآن دستورالعمل‌هایی را صادر کرده که شامل ۱۴۰۰ امر و ۴۰۰ نهی است. مجموعه این امر و نهی‌ها می‌تواند موضوع خوبی برای پرداخت ناشران و نویسندگان باشد.»

سرگروه داوران حوزه تفسیر، ترجمه و موضوعات قرآنی، درباره زمینه‌های فعالیت ناشران افزود: «یکی دیگر از زمینه‌هایی که ناشران می‌توانند در آن فعالیت کنند توجه به آیاتی است که دانش‌آموزان طی سال‌های تحصیلی می‌خوانند. تفسیر این آیات هم برای معلمان و هم برای دانش‌آموزان مفید است. البته باید به لحاظ ساختاری، قالبی و ادبیات آنقدر جذاب باشد که مخاطبان را جذب کند.»

وی تأکید کرد «ما باید برای شیرین‌سازی دین، آثاری را تولید کنیم که سیل دانش‌آموزان را به دنبال خود بکشاند. احادیث و دعاهای بسیاری داریم که در آن‌ها شخص از خداوند می‌خواهد آنچه خدا به آن راضی است در نظرش (مشخص) شود. البته که محتوای قرآن شیرین است و ما باید در انتقال این مفاهیم فعالیت‌هایی داشته باشیم. وقتی از تفسیر شیرین هم حرف می‌زنیم منظور تفسیری نیست که از حوصله مخاطب به دور باشد. بلکه باید جذابیت‌های تفسیری را ارائه کنیم.»

مهارت‌های اساسی آموزش قرآن

در ادامه این نشست، مسعود وکیل به زمینه‌های فعالیت ناشران در راستای توسعه برنامه درسی قرآن اشاره کرد. وی گفت: «آموزش قرآن جزئی از آموزش دینی است که به خاطر میزان

حجت الاسلام بهشتی:
به نظر می‌رسد خیزش و جنبشی لازم است تا کتاب‌های حوزه تفسیر برای دانش‌آموزان متنوع شوند به طوری که مخاطب قدرت انتخاب داشته باشد

کنند اشاره کرد. وی گفت: «ناشران، هم به صورت حضوری و هم مراجعه به سایت دفتر تألیف کتاب‌های درسی، می‌توانند چارچوب‌های نظری در طراحی برنامه درسی را دریافت کنند و در تولید آثار خود آن‌ها را مدنظر داشته باشند. در تولید کتاب، به جز دغدغه محتوایی، ویرایش هم موضوع مهمی است. ویرایش تنها ناظر بر قصه نیست بلکه بر کتاب‌هایی که جنبه محتوایی آن‌ها پرننگ‌تر از شکل روایت است نیز ناظر است. ویرایش علمی در حوزه آثار قرآنی باید در میان ناشران جدی گرفته شود.»

نادری بر کتاب‌سازی آثار هم تأکید کرد و افزود: «به نظر می‌رسد فرم ارائه آثار به لحاظ چاپ، کتاب‌سازی و تصویرسازی قابل نقد است. ناشران باید، در انتخاب تصویرگر، مدیر هنری، ویراستار و حتی ناظر چاپ دقت داشته باشند.»

اولویت نگاه تربیتی قرآن

در ادامه این نشست، برخی ناشران نیز به ارائه تجربه و نظرات خود پرداختند. **زهرا یزدی‌نژاد** مدیر انتشارات **خورشید باران** یکی از علت‌های کم بودن آثار رسیده به جشنواره را محدودیت زمانی کتاب‌ها دانست و گفت: «محدودیت زمانی که برای



کتاب‌های ارسالی در نظر گرفته شده است یکی از دلایلی است که باعث شده تعداد کتاب‌ها کم باشد. به نظر من مفاهیم و معارف قرآنی موضوعی نیست که شامل محدودیت زمانی باشد. با توجه به اینکه فقط کتاب‌های منتشر شده در چهار سال اخیر در این جشنواره بررسی می‌شوند بسیاری از آثار حذف شدند.»

این ناشر آموزش مسائل کاربردی قرآن را اولویت قلمداد کرد و گفت: «نه تنها دانش‌آموزان بلکه ما معلمان هم اطلاعات چندانی راجع به مفاهیم کاربردی قرآنی در زندگی مانند صبر، توکل و قناعت نداریم. بنابراین باید طرحتی را اجرا کنیم که براساس آن ابتدا مفاهیم و آیاتی را که در زندگی کاربرد دارند و ملموس هستند به دانش‌آموزان ارائه دهیم و سپس به سمت تفسیرهای عمیق‌تر حرکت کنیم.»

حجت‌الاسلام دکتر علی‌رضا سبحانی **نسب** مدیر مسئول انتشارات **جمال** نیز در سخنانی به ویژگی‌های کتاب قرآنی موفق اشاره کرد. وی گفت: «مطلبی که در کتاب‌های قرآنی عرضه می‌شوند ناظر بر سه بخش آگاهی‌بخشی، احساس برانگیزی



و ایمان‌افزایی هستند. کتاب‌هایی که این سه جنبه یعنی تأمین اندیشه، باور و عاطفه را همراه هم داشته باشند آثار موفق

هستند. اگر ما قرآن را معجزه‌ای خالد و جاوید می‌دانیم که دستورالعمل همه دوره‌های زندگی ما را پوشش می‌دهد. باید نقش آموزش و پرورش در آموزش آن را بررسی کنیم.»

این ناشر با بیان اینکه آموزش قرآن در دو بخش آموزشی و تربیتی قابل پی‌گیری است افزود: «بخش آموزشی همان مهارت‌هایی است که قبلاً به آن اشاره شد از جمله حفظ، قرائت و تدبر در قرآن. اما بخش تربیتی و زندگی‌ساز قرآن گاهی مورد غفلت قرار می‌گیرد. اگر ما قرآن را به‌عنوان منبع زندگی‌ساز برای همه عمر می‌دانیم، باید ابتدا شیرینی‌های آن و آنچه را که به زندگی خردسال مربوط است ارائه دهیم و سپس به آموزش مهارت‌هایی مانند قرائت و حفظ برسیم. ما مأموریت قاری‌سازی را بر انسان‌سازی و محبوب‌سازی قرآن مقدم کرده‌ایم. در حالی که ما مأموریت داریم ابتدا قرآن را به‌گونه‌ای ارائه دهیم که بچه‌ها عاشق قرآن شوند. در واقع باید به‌گونه‌ای عمل کنیم که قبل از اینکه بچه‌ها گرفتار شبهات در مورد خدا شوند، آن‌ها را عاشق خدا کنیم. قرآن کتاب تربیت انسان است بنابراین هدف در نظام آموزشی باید اولویت بخش‌های تربیتی و ساختن انسان باشد نه قاری.»



سید احمد حسینی مدیرعامل انتشارات **کتاب** نیز با تعریف کتاب کمک‌آموزشی گفت: «ما کتابی را کمک‌آموزشی می‌دانیم که پشتیبان برنامه درسی باشد، به عبارت دیگر موتور یادگیری دانش‌آموز را فعال کند نه آنکه مفاهیم را در حافظه

دانش‌آموز جای دهد. اگر تولیدات ناشران پشتیبان برنامه درسی باشد، فروش خوبی خواهد داشت.»

کار گروهی میان ناشران نیز موضوعی بود که **اعظم فعال**، مدیر نشر **فعال** به آن اشاره کرد: «اگر قرار است خیزش و جهشی در حوزه انتشار کتاب‌های قرآنی داشته باشیم، باید میان ناشران کار تیمی صورت بگیرد و ناشران از تجربه‌های هم استفاده کنند.



ضمن اینکه باید به این نکته توجه کنیم که آموزش‌های ما باید زمینه‌محور باشند.»

در انتهای نشست، ناصر نادری با تأکید بر روابط حرفه‌ای در داوری آثار جشنواره گفت: «ما سعی داریم نگاه علمی، عدالت و روابط حرفه‌ای را در بررسی آثار رسیده به جشنواره رعایت کنیم. امیدواریم در سال‌های بعد شاهد تولید آثار بهتر هم از لحاظ متن و محتوا و هم از لحاظ کتاب‌سازی باشیم. آموزش و پرورش و دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی نیز با آنچه در توان دارد به‌عنوان پشتیبان در خدمت ناشران خواهد بود.»

گفت‌وگو با دکتر سید محمد دلبری



مؤلفان کتاب‌های دینی فضای تفکر و تعقل را در مخاطب ایجاد کنند

اکرم سادات موسوی

خلیل بودن و صاحب قلب سلیم بودن. ممکن است بپرسید چرا در قرآن این قدر از این شخصیت صحبت می‌شود؟ باید گفت در جامعه‌ای که قرآن نازل شد چهار گروه زندگی می‌کردند مسیحی، یهودی، مشرک و حنیف. همه این مذاهب حضرت ابراهیم را از آن خود می‌دانستند، ولی قرآن می‌فرماید: «ما کان ابراهیم یهودیا و لا نصرانیا و لکن کان حنیفا مسلما و ما کان من المشرکین»

چوایه شما در کتابتان، داستان حضرت ابراهیم را به جز قرآن از دو کتاب مقدس تورات و انجیل نیز گرفته‌اید.

چوایه در این نقل قول‌ها دیدید؟

بله من فقط تکیه بر قرآن نکرده‌ام بلکه جایگاه حضرت ابراهیم را در دو کتاب مقدس دیگر هم بررسی کرده‌ام. می‌خواستم بدانم آیا نگاه تورات و انجیل هم به ابراهیم همین گونه است؟ که دیدم یکی از تفاوت‌های قرآن با دو کتاب مقدس دیگر نوع نگاهشان در بیان داستان است. به نظر من نگاه قرآن فقط تربیتی است اما در آن دو کتاب نگاه صرفاً تاریخی است، نه نگاه پیامبرانه و هدایت‌گرانه. این دو کتاب حتی در داستان لوط فقط به بیان رابطه نسبی لوط با ابراهیم می‌پردازند و بحث ایمان در آن جایگاهی ندارد. حتی حضرت ابراهیم به عنوان پیامبر صاحب دعوت مطرح نمی‌شود.

به‌طور مثال نتیجه داستان کشتن پرندگان به امر خداوند توسط حضرت ابراهیم و دوباره زنده شدن آن‌ها، در قرآن، معاد است، ولی در تورات، خداوند به ابراهیم وعده سرزمینی را می‌دهد و برای اطمینان پیدا کردن او موضوع کشتن پرندگان را مطرح می‌سازد.

چوایه نظر شخص شما راجع به فرایند تربیتی چگونه است؟

فرایند تربیت با مربی است ولی در نهایت این اراده متربی است

سید محمد دلبری، دارای مدرک دکترای الهیات در رشته علوم قرآن و حدیث، رئیس گروه قرآن و معارف دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی و همچنین از مؤلفین کتاب‌های دین و زندگی است. به بهانه قرار گرفتن کتاب ایشان «تحلیل دعوت حضرت ابراهیم(ع) در قرآن کریم، با رویکردی تربیتی» در بین نامزدهای گروه داوری مفاهیم و معارف قرآن کریم جشنواره دوازدهم گفت‌وگویی با وی داریم که می‌خوانید.

چوایه با تشکر از اینکه وقت خود را در اختیار ما گذاشتید لطفاً بفرمایید اگر کتاب خودتان را ارزیابی کنید چه امتیازی به آن می‌دهید؟

من هرگز نمی‌توانم کتاب خودم را بی‌طرفانه ارزیابی کنم چون حدود یک سال و نیم روی آن پژوهش کرده‌ام و به خاطر همین یک احساس عاطفی با کتابم دارم؛ با این حال، فکر کنم از نظر ارتباط با برنامه درسی امتیاز زیادی نتوان به آن داد. چون ارتباط دقیقی با برنامه درسی ندارد؛ ولی در مورد خلاقه بودن کتاب، من تاکنون هیچ اثری ندیده‌ام که در آن به داستان حضرت ابراهیم از بعد تربیتی نگاه شده باشد؛ پس به این شاخص می‌توانم امتیاز کامل بدهم. البته کتاب فاقد تصویر است و به نظرم به تصویر هم نیاز ندارد، اما امتیاز به‌روز بودن مطالب را کسب می‌کند.

چوایه به چه دلیل شما دعوت حضرت ابراهیم را به عنوان الگوی تربیتی انتخاب کردید؟

قرآن کریم به هنگام معرفی الگوهای تربیتی صراحتاً از دو شخصیت بزرگوار به عنوان اسوه نام می‌برد، حضرت رسول اکرم(ص) و حضرت ابراهیم(ع)، حالا این پرسش مطرح می‌شود که چرا این دو پیامبر برگزیده شده‌اند؟ در کتاب نیز ذکر کرده‌ام نام حضرت ابراهیم(ع) ۶۹ بار در قرآن آمده است، که در آن‌ها خداوند ۱۸ صفت ایشان را برمی‌شمارد که بعضی از این اوصاف فقط اختصاص به خود حضرت ابراهیم دارد مانند حنیف بودن،

به ائمه ما شخصیتی افسانه‌ای یا خیالی می‌دهد مورد تأیید نیست، تخیل قابل قبول است ولی نباید هدف را خراب کنند.

❓ چه شد کتابتان را برای چاپ به انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) سپردید؟

این کتاب، پایان‌نامه من در دانشگاه امام صادق (ع) بود. سالانه ده‌ها پایان‌نامه به این دانشگاه تحویل داده می‌شود که فقط تعداد اندکی از آن‌ها منتشر می‌شود که این جزو همان‌هاست. تصمیم‌گیری برای چاپ به عهده شورای بررسی پایان‌نامه‌هاست و این شورا رأساً تصمیم به چاپ این کتاب گرفت.

❓ به نظر شما انتقال ارجاعات

(حتی آیه‌ها) به آخر کتاب و همچنین ریز بودن اندازه قلم ضعف این اثر نیست؟

در دانشگاه امام صادق (ع) تصمیم‌گیری درباره ساختار کتاب‌ها توسط همین شورا تعیین می‌شود و در مورد ارجاعات هم استدلالشان این است که این کار موجب می‌شود بین مطالب کتاب فاصله نیفتد و مضمون به‌طور منسجم باقی بماند.

❓ برای بهتر شدن کیفیت کتاب‌های دینی چه اقدام راهبردی انجام داده‌اید؟

با بعضی از ناشران به گفت‌وگو نشسته‌ایم، و برنامه‌درسی را برایشان تبیین و به آن‌ها نیازهای خود را هم اعلام کرده‌ایم. آن‌ها باید در حین تألیف با ما تعامل داشته باشند تا بتوانند کتاب کمک‌درسی و کمک‌آموزشی مورد نیاز ما را تولید کنند. البته تا به حال اندکی از ناشران برنامه‌درسی را در نظر گرفته‌اند، ولی ما امیدواریم با این تعاملات، خلأهای موجود رفع شود.

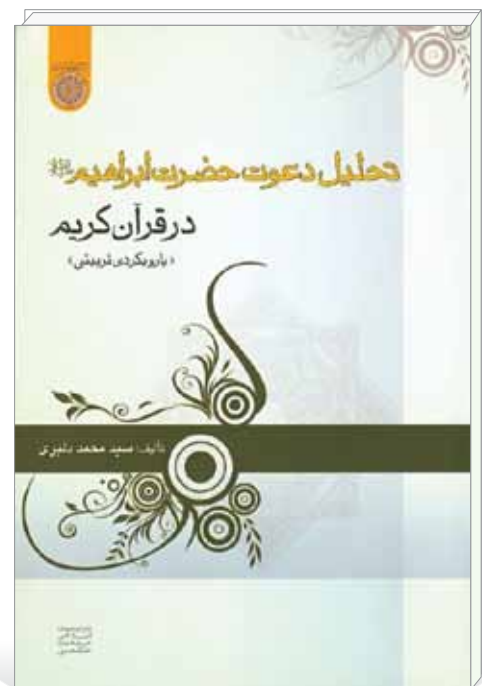
❓ به‌عنوان سخن آخر، توصیه شما به مؤلفان کتاب‌های دینی چیست؟

مهم‌ترین نکته این است که مؤلفان مخاطب را از حیث توجه به نیازها، زبان و ادبیات و ویژگی‌های او در نظر بگیرند، و همچنین برنامه‌درسی را مدنظر قرار دهند، دیگر اینکه فضای تفکر و تعقل را در مخاطب ایجاد کنند. همچنین از منابع معتبر استفاده کنند و در نهایت اینکه اگر برای کودک می‌نویسند دائماً با یک یا چند کودک تعامل داشته باشند. برای کودک بخوانند، تصویرها را به او نشان دهند و از خودش نظرخواهی کنند.

که باید فعال شود. خداوند هم می‌فرماید: ای پیامبر تو نمی‌توانی هر کسی را که دوست داری هدایت کنی (۵۶-قصص) یعنی تا فرد خودش نخواهد، فرایند هدایت اتفاق نمی‌افتد. البته ما باید تلاش کنیم این فرایند ایجاد شود. تربیت محصول فرد نیست. آنچه که در جامعه می‌بینیم به‌عنوان افرادی که تربیت شده‌اند تنها نه محصول پدر است نه مادر نه رسانه، بلکه محصول تمام بخش‌های جامعه است. هر بخشی باید وظایفش را به خوبی انجام دهد، وگرنه فردی کاریکاتوری یا چند شخصیتی تربیت خواهیم کرد که در محیط‌های مختلف رفتارهای متفاوت از خود نشان می‌دهد. یا اینکه به بعضی مسائل دینی حساس می‌شود و به بعضی نه. البته در تربیت کودک ما چیزی ایجاد نمی‌کنیم، چون بحث خدا و رفتارهای نیک جزو فطرت است. ما فقط تثبیت می‌کنیم یا حداقل سعی می‌کنیم این سرشت نیک در مجموعه‌ای از حجاب‌ها قرار نگیرد.

❓ شما جزو ارزیابان دقیق و تقریباً سخت‌گیر ما در حوزه کتاب‌های دینی هستید. این حساسیت شما به چه دلیل است؟

نگاه سازمانی من به کتاب‌هایی که مورد ارزیابی قرار می‌دهم به این صورت است که معتقدم باید کتابی معرفی شود که دانش‌آموز حداقل از نظر صحیح بودن مطالب به آن اطمینان کند. برای نمونه مدتی قبل کتابی برای ارزیابی به من سپرده شد که داستان بسیار خوبی داشت ولی از امام حسین (ع) شخصیتی شکسته، عاجز و خرد شده ساخته بود. خب ما نمی‌توانیم این کتاب‌ها را تأیید کنیم، اگرچه داستان‌پردازی خیلی خوبی داشته باشد. کتابی که





گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین حسن راستگو

قصه مهم‌ترین روش برای آموزش مفاهیم قرآنی و دینی به کودکان و نوجوانان است

لیلا محمدی

چوایه آثاری که در حوزه دین برای کودکان و نوجوانان تألیف و منتشر می‌شود باید دارای چه ویژگی‌هایی باشد تا مخاطبان بهره‌برداری بیشتری از این آثار داشته باشند. در قرآن کریم قصه‌های فراوانی از انبیا و اولیای الهی آمده است، چرا که قصه مهم‌ترین روش برای آموزش مفاهیم قرآنی و دینی به کودکان و نوجوانان است. می‌توان قصه‌های انبیا و بزرگان دین و مردان و زنان نمونه اسلام را به زبانی ساده و شیرین برای بچه‌ها نقل کرد تا آن‌ها با زنان و مردان نمونه اسلام آشنا شوند و با مفاهیم دینی انس بیشتری بگیرند. قرآن مثل‌ها و قصه‌های خوبی در زمینه‌های اجتماعی، اخلاقی و ... دارد که اگر با زبان شیرین برای بچه‌ها نقل شود و یا به صورت کتاب‌های رنگی همراه با عکس‌ها و تصاویر جذاب به چاپ برسد بسیار مؤثر خواهد بود.

چوایه کتاب‌های قرآنی و دینی منتشر شده در حوزه کودک و نوجوان را چطور ارزیابی می‌کنید؟ به نظر شما با نقطه مطلوب چقدر فاصله داریم؟

در حوزه کودک و نوجوان کتاب‌های قرآنی و دینی فراوانی به چاپ رسیده است؛ اما به هر حال نباید به این تعداد آثار اکتفا کنیم؛ چرا که هر زمانی، ادبیات خاص و شرایط و نیازهای زمان خود را می‌طلبد. مرحوم «مصطفی زمانی» یکی از فضایی پر تلاش قم بودند که انتشارات هم داشتند؛ ایشان قبل از انقلاب اسلامی، در یک دوره‌ای داستان‌های انبیا را به همراه تصاویر رنگی برای کودکان به چاپ رساندند که بسیار مورد توجه و استقبال قرار گرفت. از آن زمان تاکنون حدود ۴۰ سال گذشته است و در این ۴۰ سال با توجه به اینکه واژه‌های زیادی وارد ادبیات کودکان و نوجوانان شده و نگرش‌ها و بینش‌ها تغییر کرده است آثار قابل توجهی در این حوزه به چاپ نرسیده است. اگر ما بتوانیم هر ده یا بیست سال این برنامه‌ها را به‌روز و ارائه کنیم خیلی خوب می‌شود.

چوایه در حوزه معرفی انبیای الهی برای کودکان و نوجوانان چقدر کار شده است؟

حجت‌الاسلام والمسلمین حسن راستگو، چهره‌ای آشنا در حوزه کودک و نوجوان است. ولی در دو دهه اخیر در زمینه آموزش مفاهیم قرآنی و دینی به کودکان و نوجوانان گام برداشته و علاوه بر انجام کارهای پژوهشی در این حوزه، برنامه‌های آموزشی متعددی را نیز در صدا و سیما به اجرا درآورده است تا از این طریق کودکان و نوجوانان را بیش از پیش با مفاهیم قرآنی و دینی آشنا کند. در این قسمت به بهانه انتخاب کتاب «بچه‌ها سلام» به‌عنوان نامزد کسب عنوان برتر در دوازدهمین جشنواره کتاب‌های رشد، با این کارشناس به گفت‌وگو پرداخته‌ایم که متن آن را در زیر می‌خوانید:

کتاب «بچه‌ها سلام» که نام شما هم در آن به‌عنوان یکی از همکاران آورده شده است، به تازگی در یکی از گروه‌های داوری دوازدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی - ویژه کتاب‌های قرآنی نامزد کسب عنوان برتر شده است. نقش شما در تولید این کتاب دقیقاً چه بود؟ این کتاب یک کتاب صوتی است و بنده به‌عنوان پژوهشگر در تألیف و آماده‌سازی این کتاب همکاری داشته‌ام.

چوایه آیا مجموعه جدیدی برای کودکان و نوجوانان در دست تألیف یا انتشار دارید؟

حدود دو سال است که تلاش داریم کل جزء ۳۰ قرآن و سوره‌های کوچک را در قالب کتاب صوتی برای کودکان آماده کنیم تا علاقه‌مندان بتوانند از این مجموعه برای یادگیری استفاده کنند. بخشی از پژوهش‌های مربوط به این مجموعه تمام شده و بخش دیگری مانده است که امیدواریم به زودی پژوهش تمامی بخش‌های مربوطه به پایان برسد و این مجموعه آماده بهره‌برداری شود.

آماده‌سازی این مجموعه خیلی زحمت دارد. ما باید بعد از اتمام کار پژوهش، تازه کارهای الکترونیکی و تنظیم و در نهایت انتشار را شروع کنیم. به هر حال سعی می‌کنیم کل جزء ۳۰ قرآن را به صورت کتاب‌های کوچک صوتی آماده کنیم.

به نظر می‌رسد امروز جای سلسله داستان‌های انبیا برای کودکان خالی است؛ به یاد دارم زمانی که در رادیو بودم هر روز صبح برنامه‌ای برای کودکان داشتیم که در یک دوره کامل قصه‌های انبیا را از حضرت آدم(ع) تا پیامبر اکرم(ص) برای کودکان بیان می‌کردم. همچنین در تلویزیون نیز بیش از ۱۵ سال برنامه داشتم که در این سلسله برنامه‌ها نیز قصه‌های انبیا را به صورت اجرای زنده با الهام از اسناد و مدارک معتبر برای مخاطبان کودک و نوجوان نقل می‌کردم.

با توجه به ضرورت آشنایی کودکان و نوجوانان با داستان‌های قرآنی، می‌توانیم با سبک جدید و مدرن و با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای رسانه‌ای این داستان‌ها را برای بچه‌ها نقل کنیم که در این صورت کودکان می‌توانند از هر کجای قصه که بخواهند یک چیز تازه‌ای پیدا کنند و کشف کنند. همچنین می‌توانند برخی موضوعات را به صورت پازل با هم ترکیب کنند و از این آثار و محصولات بهره ببرند. اگر ما از ابزار مدرن برای بیان مفاهیم قرآنی و دینی به کودکان استفاده کنیم بچه‌ها با شادابی و نشاط بیشتری به دنبال مسائل دینی می‌روند و درک بهتری نیز از این مسائل خواهند داشت.

چرا؟ دلیل پایین آمدن میزان تألیف و انتشار کتاب‌های قرآنی و دینی برای کودکان و نوجوانان را چه می‌دانید؟

متأسفانه وضعیت کتاب در جامعه ما به هیچ عنوان مناسب نیست. به نظر می‌رسد کتاب در جامعه ما به سمت یک بیماری مزمن و مرگ پیش می‌رود. زمانی بود که کتاب‌ها در شمارگان صد هزار نسخه به چاپ می‌رسیدند اما الان در نهایت در دو هزار نسخه به چاپ می‌رسند که هزار نسخه آن نیز به چاپخانه بازمی‌گردد. طی سال‌های متمادی فرهنگی مطالعه عوض شده است و به جای مطالعه کتاب، همه به دنبال نرم‌افزارها و سایت‌های اینترنتی می‌روند.

چرا؟ علاوه بر تغییر فرهنگ مطالعه بین مردم، مهم‌ترین مشکل پیش‌روی انتشار کتاب‌های دینی برای کودکان و نوجوانان را چه می‌دانید؟

گاهی مشاهده می‌کنیم که امکانات کمی در اختیار ناشران قرار دارد و به‌ویژه ناشران کتاب‌های قرآنی و دینی با مشکلاتی در زمینه چاپ روبه‌رو هستند. این مسئله باعث می‌شود کمتر در این حوزه وارد شوند. همان‌طور که عده‌ای خیرخواه برای امام حسین(ع) و عاشورا و تاسوعای حسینی(ع) خرج می‌کنند و نذری می‌دهند، می‌توانند نذر چاپ کتاب برای امام حسین(ع) هم داشته باشند و این کتاب‌ها را به صورت رایگان یا نیم بها توزیع کنند؛ در این صورت تیراژ کتاب‌ها بالا می‌رود و خواننده‌ها نیز به‌طور طبیعی بیشتر می‌شوند.

چرا؟ چرا از تعداد مخاطبان کتاب‌ها به‌ویژه کتاب‌های دینی و معارفی کاسته شده است؟

با توجه به پیشرفت جامعه و انتشار نرم‌افزارها و همچنین گسترش فعالیت افراد در فضای مجازی، مخاطبان ترجیح می‌دهند به جای اینکه هزینه گزافی برای تهیه کتاب‌ها بدهند این کتاب‌ها را در فضای مجازی دانلود کرده و یا نرم‌افزار آن‌ها را تهیه کنند؛ زمانی که کسی به‌صورت رایگان و از طریق اینترنت می‌تواند به کتاب‌های مورد نظر خود دست پیدا کند چه دلیلی دارد که پول گزافی را برای خرید کتاب بدهد؟

چرا؟ راهکار شما برای گرایش یافتن کودکان و نوجوانان برای خرید و مطالعه کتاب‌های دینی و قرآنی چیست؟

اگر کتاب‌هایی که به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان به چاپ می‌رسد زیبا و همراه با تصاویر رنگی و جذاب باشد و همچنین این کتاب‌ها در دسترس باشد کودکان و نوجوانان هم این کتاب‌ها را می‌خرند؛ چرا جایزه‌ای که به بچه‌ها می‌دهند توپ، کفش، لباس ورزشی و... است؟ هر چند که این جوایز خوب است اما در کنار این جوایز می‌توانند کتاب هم به بچه‌ها هدیه بدهند تا بچه‌ها با کتاب و کتابخوانی انس بیشتری بگیرند. متأسفانه امروز متولی کتاب کودک نداریم و کتاب در غربت قرار گرفته است و به سوی مرگ پیش می‌رود؛ به نظر بنده ممکن است روزی برسد که دیگر کسی کتاب چاپ نکند و دیگر کسی نخواهد از کتاب به صورت مکتوب استفاده کند.

چرا؟ با توجه به تجربه چندین دهه‌ای خودتان در حوزه کودک و نوجوان، چه توصیه‌هایی به مؤلفان و ناشران کتاب‌های قرآنی و دینی کودک و نوجوان دارید؟

نخستین محور که مؤلفان چنین کتاب‌هایی باید مورد توجه قرار دهند، محتوا و دومین محور ظاهر کتاب‌ها است. محتوای کتاب‌ها باید متناسب با فرهنگ، سطح معلومات و هوش بچه‌ها باشد چرا که نه کتاب‌های سنگین به درد بچه‌ها می‌خورد و نه کتاب‌های خیلی سبک. همچنین شکل ظاهری کتاب اهمیت بسیاری دارد. باید در شکل ظاهری کتاب‌ها و صفحه‌آرایی از بهترین تصاویر و فونت‌ها استفاده شود و در کنار یک چاپ خوب، کتابی ارائه شود که مورد پسند کودکان و نوجوانان باشد.

چرا؟ با توجه به اینکه امسال جشنواره کتاب‌های رشد به کتاب‌های قرآنی و دینی اختصاص پیدا کرده است برگزاری چنین جشنواره‌هایی را تا چه میزان در تألیف و انتشار هر چه بهتر و بیشتر کتاب‌های قرآنی و دینی مؤثر می‌دانید؟

تنها یک توصیه دارم که اگر چنین جشنواره‌ای برگزار می‌شود فقط منحصر به تهران و برای قشر خاصی نباشد بلکه بهتر است این جشنواره با حجم کوچک‌تر در مدارس و حتی مناطق آموزش و پرورش نیز برگزار شود و آثار ارسال شده به این جشنواره در قالب نمایشگاه‌هایی به نمایش گذاشته شود.



گفت‌وگو با محمود کریمی مؤلف کتاب «قرآن دانش آموز»

آموزش وقتی جذاب می‌شود که با فهم همراه شود

صدیقه رضائزاد

می‌کنیم ولی غافل هستیم از اینکه خلأ اصلی در شیوه آموزش است. دانش‌آموز درس علوم و ریاضی را می‌فهمد اما درس آموزش قرآن کریم را نمی‌فهمد. ما باید فهم را با آموزش همراه کنیم تا برای دانش‌آموز جذاب باشد و با تمرین کم هم یاد بگیرد.

● **اصل تناسب:** آموزش باید مثل درس‌های دیگر ملموس باشد. نباید دنبال تفسیر قرآن برای کودکان باشیم. باید دانش آموز روش را یاد بگیرد تا بفهمد و بخواند.

● **اصل تدریج:** معلم می‌تواند کلاس را با درس قرآن شروع کند و هر روز فقط ۲۰ دقیقه به کودکان آموزش دهد. با این روش آموزش تدریجی و زمان کم، در زمینه قرآن کریم، آموزش عمیق‌تر می‌شود.

● **اصل تداوم و استمرار:** در تابستان نیز آموزش رها نشود.

● **اصل تشویق و تثبیت:** تشویق ظاهری مثل دادن هدیه باعث پیشرفت دانش‌آموز می‌گردد. تشویق در فهم آموزش قرآن سبب می‌شود دانش‌آموز علاقه‌مند شود بیشتر آموزش ببیند.

چرا در این کتاب همکاری مادران را در آموزش مؤثر دانسته‌اید؟

وقتی دانش‌آموز از مدرسه به خانه می‌آید اگر از روی کتاب برای مادرش بخواند و برای او تعریف کند که امروز در کلاس چه درسی گفته شده است سبب بازآموزی می‌شود که در درک بهتر قرآن کریم مؤثر است. مانند مباحثه در آموزش حوزوی، یا تدریس دانش‌آموز قوی به دانش‌آموز ضعیف‌تر. در درس‌های دیگر همراهی مادر و خانواده را داریم اما در درس قرآن همراهی خانواده‌ها را نداریم. یا اینکه برای این درس کاربرگ‌های مختلف، مثل درس‌های دیگر نداریم به همین علت ضعیف و قوی بودن دانش‌آموز مشخص نمی‌شود.

● **چرا با توجه به اینکه این کتاب برای دانش‌آموزان سال اول ابتدایی است که هنوز با حروف آشنا نیستند، آیا ضرورت کتاب راهنمای معلم احساس نمی‌شود؟**

محمود کریمی کارشناس ارشد علوم و قرآن و سطح یک حوزه و حافظ کل قرآن کریم است. ایشان در پست معاون آموزشی مؤسسه مهد قرآن کریم، که یک مؤسسه کشوری است، مشغول به کار است. وی یکی از سه مؤلف کتاب «قرآن دانش‌آموز» است که از سوی گروه دآوری «حفظ و آموزش قرآن» جشنواره دوازدهم نامزد دریافت جایزه اعلام شده است؛ گرچه مرحوم آقای سیدهادی محدث را که در سال گذشته به رحمت خدا رفته است، محور اصلی تألیف این کتاب می‌دانند. دیگر همکاران ایشان در تألیف این کتاب سید محمود چاوشی و وحید نیک‌دهقان بوده‌اند. آقای علی محمدی، برای کتاب تصویرگری کرده‌اند و ناشر آن نشر دانش‌آموز است.

چرا هدف شما از تألیف این کتاب برای پایه اول ابتدایی چه بوده است؟

موضوع آموزش قرآن برای کودکان سال‌ها دغدغه ذهن مرحوم آقای محدث، من و همکارانم بود؛ چون در این زمینه خلأ جدی وجود داشت و همین موجب شد دست به این کار بزنیم. می‌دانید که بهترین سن شروع آموزش قرآن کریم همان سال اول ابتدایی است.

چرا کتاب قرآن دانش‌آموز چه ویژگی دارد که آن را برای دانش‌آموزان سال اول ابتدایی جذاب می‌کند؟

اول نقاشی و گرافیک کتاب است که برای دانش‌آموز سال اول جذاب است که بعد ظاهری این کتاب است و بعد پنهان آن هم بخش زبان‌آموزی فارسی است که دست معلم را برای آموزش باز می‌گذارد، مثل ترکیب ن و الف که دانش‌آموز می‌تواند «نا» را بخواند. ویژگی‌های دیگر کتاب توانایی خواندن، درک معنا و تصویرهای مناسب است.

روش آموزش این کتاب و اصول یادگیری آن را اصلاً توضیح بفرمایید؟

● روش آموزش اصول یادگیری: ما گاهی حجم کتاب را زیاد

جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد هم بودید. کیفیت کتاب‌های جشنواره قرآنی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

کتاب‌ها خیلی متنوع بود؛ از کتاب‌های سطح پایین تا متوسط و خوب وجود داشت. مخاطبان بیشتر معلمان بودند تا دانش‌آموزان. سطح علمی کتاب‌ها خیلی بالا بود؛ برای مخاطبان خاص، مثل دانشجویان مناسب بود. کتابی که برای دانش‌آموز تألیف می‌شود باید جذاب و به‌روز باشد و سطحی نباشد. به‌نظر می‌رسد نیازسنجی صحیح انجام نشده بود.

چرا؟ نیازسنجی در حوزه کتاب‌های آموزش قرآن کریم چگونه باید انجام شود؟

دبیرخانه باید نیازسنجی بکند. دو مخاطب اصلی این جشنواره دانش‌آموزان و معلمان‌اند. نیاز دانش‌آموز با نیاز معلم فرق می‌کند. یک کتاب ممکن است سطح علمی خوبی داشته باشد اما برای معلم و دانش‌آموز مفید نباشد. ما باید کتابی را به معلم بدهیم که وقتی می‌خواند با فهم خودش مطالب کتاب را دریافت کند تا بتواند به دانش‌آموز هم آموزش دهد.

چرا؟ نیازسنجی را با چه روش‌هایی انجام بدهیم؟

با دادن پرسش‌نامه‌های میدانی به دانش‌آموزان و معلمان. مثلاً پرسیم در حوزه خاص قرآن چه مسائلی را در آموزش قرآن طلب می‌کنند. سؤالات دانش‌آموزان در مورد مسائل آموزش قرآن چیست. از معلمان پایه ابتدایی و معلمان قرآن هم در این نظرسنجی‌ها سؤال شود که چه کتابی تهیه بشود که در کارشان برای آموزش به درد بخورد و بازخورد خوبی داشته باشد.

خیر؛ راهنمای معلم خیلی نیاز نیست. البته اگر راهنمای معلم در کنار این کتاب باشد بهتر است. ولی فعلاً با برگزاری دوره‌های توجیهی و آموزشی فشرده این نیاز برطرف می‌شود. محور کلمات قرآن است. تصویر برای آموزش زبان استفاده می‌شود، اما در زمینه قرآن خیلی استفاده نمی‌شود که باید این کار انجام شود.

چرا؟ روش آموزش در مدارس قرآنی چگونه است و شما چه پیشنهادی برای این مدارس دارید؟

آموزش‌ها به صورت پراکنده و جزیره‌ای است. کلاس‌های تجوید و روخوانی هم در این مدارس آموزش داده می‌شود. سطح‌بندی در مدارس قرآنی انجام بشود بهتر است و در عمل بازخورد بهتری برای دانش‌آموزان دارد.

باید آموزش همراه با فهم کلمات باشد. اگر دانش‌آموز متن را بخواند و نفهمد علاقه‌مندی او را کم می‌کند. از سال اول ابتدایی به بعد، هرچه دانش‌آموز از درس عربی و قرآن فاصله می‌گیرد علاقه‌مندی‌اش کم‌تر می‌شود مگر آنکه ریشه مذهبی داشته باشد. به‌طور عمومی در همه دانش‌آموزها یادگیری اتفاق نمی‌افتد و این به‌خاطر یادگیری متن بدون فهم کلمات است. در آموزش رسمی قرآن کریم کمتر به دو مقوله معنا و همراهی تصویر توجه شده است که اگر این امر انجام شود آموزش را شیرین‌تر می‌کند.

چرا؟ هدف اصلی این کتاب برای آموزش قرآن کریم چیست؟

هدف این کتاب معرفی روش است. اگر دانش‌آموزان آشنایی نسبی با آموزش قرآن داشته باشند، روش را می‌گیرند. مهم این است که روش کار صحیح پایه‌گذاری شود تا حجم آموزش را کم کند و کیفیت آموزش را بالا ببرد.

چرا؟ شما داور گروه تفسیر و ترجمه دوازدهمین





گفت‌وگو با احمدرضا اخوت، مؤلف کتاب‌های
روش‌های تدبر در قرآن

آموزش تفکر در قرآن

اشرف حمیدی

چرا؟ دو جلد کتاب شما که مورد بحث ماست، در زمره کتاب‌های آموزشی به حساب می‌آید و از حیث قالب در گروه کتاب‌های مهارتی طبقه‌بندی می‌شود و افزایش توانمندی علمی مخاطبان را در موضوع «تدبر در قرآن»، به‌عنوان اساسی‌ترین هدف دنبال می‌کند. لطفاً بفرمایید که ایده اولیه تألیف به خودتان باز می‌گردد یا اینکه تألیف به شما سفارش داده شده است؟

این دو اثر محتوایی در طی ده سال آموزش عملی موضوع «تدبر در قرآن» تولید شده است و بی‌شک دانشجویان و قرآن‌پژوهانی که در این کلاس‌ها شرکت کرده‌اند در شکل‌گیری این اثر بسیار نقش داشته‌اند. پس باید بگویم که این اثر سفارشی نبوده و از متن دانشگاه و کلاس درس جوشیده است.

چرا؟ به نظر می‌رسد این مجموعه به دو جلد محدود نیست. لطفاً در این ارتباط و همچنین عناوین هر جلد توضیح فرمایید.

بله، برداشت درستی داشته‌اید. این مجموعه در ده جلد تولید و چاپ شده است. در ضمن دو جلد از محتوای مرتبط هنوز چاپ نشده است. هر یک از این ده جلد به مهارت‌های مختلفی از تدبر می‌پردازد. عناوین این ده جلد به ترتیب عبارتند از: جلد اول مقدمات تدبر در قرآن، جلد دوم نقش تفکر در تدبر، جلد سوم تدبر در کلمات قرآن، جلد چهارم تدبر در سوره، جلد پنجم تدبر قرآن به قرآن، جلد ششم تدبر در سوره‌های مکی، جلد هفتم تدبر در سوره‌های مدنی، جلد هشتم و نهم تدبر ادبی، جلد دهم تدبر روایی. همچنین یک اثر در مورد تعریف تدبر و چگونگی آن تألیف شده است، زیرا به‌نظر می‌رسید که ابتدا باید خود تدبر را معنا کرد.

چرا؟ در ارتباط با ساختار کلی، شیوه ارائه بخش‌ها و فصل‌های کتاب، توضیحات ضروری را به اختصار بیان

اشاره

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، قرآن و عترت را به‌عنوان دو امانت گران‌بها در بین امت اسلامی به ودیعه گذاشت و جدایی‌ناپذیر بودن آن‌ها از هم را، در پرتو تمسک به آن دو، گواهی داد و اعلام کرد که این تمسک مانع از گمراه شدن مردم از مسیر سعادت و سلامت خواهد شد.

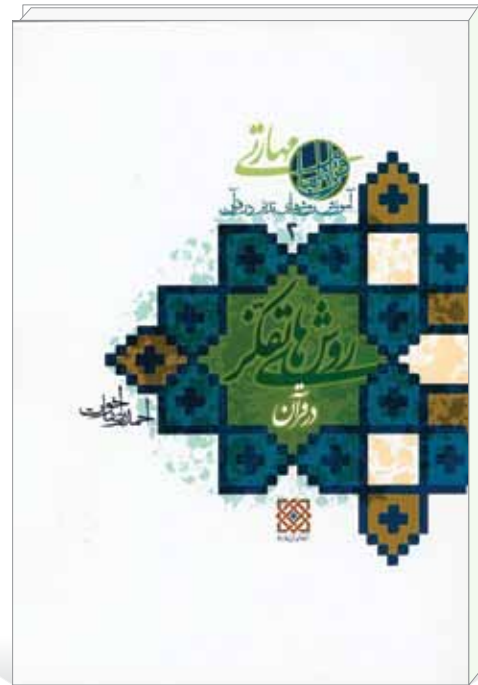
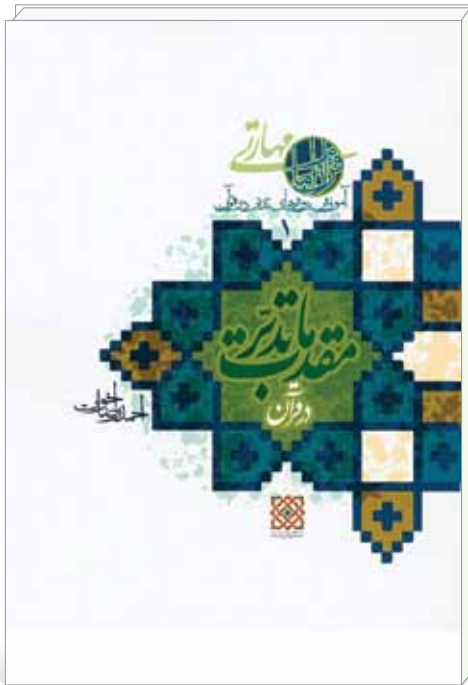
تدبر در قرآن و سایر آیات الهی در سوره‌های مختلف سفارش شده است. به همان نسبت در سیره و احادیث نبوی و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) نیز شاهد همین توصیه هستیم.

احمدرضا اخوت متولد ۱۳۴۷، محقق و مدرس دانشگاه تهران، از نویسندگان حوزه آموزش‌های قرآنی، به‌ویژه موضوع «تدبر در قرآن» است.

متن پیش‌رو حاصل گفت‌وگو با ایشان پیرامون دو جلد از مجموعه کتاب‌های «آموزش روش‌های تدبر در قرآن» است.

چرا؟ جناب آقای اخوت، ابتدا به جهت اینکه جلدهای اول و دوم مجموعه کتاب‌های «آموزش روش‌های تدبر در قرآن» در دوازدهمین دوره جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد، در بخش کتب قرآنی، مورد توجه داوران قرار گرفته است تبریک ما را بپذیرا باشید. در آغاز سخن به منظور آشنایی هرچه بیشتر مخاطبان ارجمند جوانه شرحی اجمالی از مطالعات، پژوهش‌ها و آثار خود به‌ویژه در حوزه «آموزش قرآن» ارائه فرمایید.

من طلبه و کارشناس ارشد علوم گیاهی دانشگاه تهران هستم. ولسی با توفیق الهی، در حوزه مباحث قرآنی هم تاکنون ۸۰ اثر داشته‌ام. هم‌اکنون در دانشگاه تهران، دانشکده زیست‌شناسی، واحد درسی آزمایشگاه زیست‌گیاهی را تدریس می‌کنم و در زمینه گیاهان دارویی در هرباریوم مرکزی دانشگاه تهران به تحقیق و پژوهش اشتغال دارم. همچنین مسئولیت اداره مجتمع مدارس دانشجویی قرآن و عترت دانشگاه تهران برعهده من است.



فرمایید.

در کتاب مقدمات تدبیر سعی بر این بوده است تا فرد به یک برنامه‌ریزی مشخصی برای خواندن قرآن همراه با تعمق و ژرف‌نگری دست یابد و بتواند در راستای مفاهیم متعالی قرآن زندگی خود را تنظیم نماید. در جلد دوم هم سعی شده است تا فرد به مهم‌ترین ابزارهای تفکر مجهز شود.

چوایه ۱ آیا این مجموعه در مکانی مشخص و در فرآیند آموزشی معینی، به عنوان منبع و مرجع، مورد استفاده قرار گرفته یا در آینده مورد استفاده قرار خواهد گرفت؟
بله، این دو کتاب به‌طور مشخص در دانشگاه تهران، در مدرسه دانشجویی قرآن و عترت وابسته به دانشگاه تهران و نیز برخی از دانشگاه‌های دیگر و حوزه‌های علمیه شهرستان‌ها مانند برازجان و... تدریس می‌شود و به‌صورت مجازی هم در سیستم آموزش‌های الکترونیک (مجازی) دانشگاه تهران تدریس می‌شود.

چوایه ۲ آیا در ارتباط با تحقق اهداف آموزشی متصور در تألیف این کتاب‌ها، ارزشیابی قابل استنادی صورت پذیرفته است؟

در جواب این سؤال عرض می‌کنم که این کتاب مورد تأیید اداره فوق برنامه دانشگاه تهران است.

چوایه ۳ همان‌طور که فرمودید، عنوان جلد دوم این مجموعه «روش‌های تفکر در قرآن» است. با عنایت به

اهمیت اندیشه و تفکر در آموزه‌های اسلامی، لطفاً درباره میزان توجه آموزش و پرورش به تفکر و پرورش مهارت‌های تفکر کردن در دانش‌آموزان، نقطه‌نظرات و نیز پیشنهادهای خود را بیان فرمایید.

این جلد از کتاب برای پایه‌های آخر در دوره متوسطه دوم مناسب است. برای آموزش تفکر در پایه‌ها و دوره‌های دیگر تحصیلی هم کتاب‌های مناسب دیگری در دست طراحی و تولید داریم. ما برای مشارکت و همکاری با آموزش و پرورش در تولید محتوا در این حوزه اعلام آمادگی می‌کنیم. تلاش‌ها و تولیدات آموزش و پرورش در حوزه تفکر و آموزش مهارت‌های تفکر کردن قابل تقدیر است.

چوایه ۴ از این‌که به ما فرصت گفت‌وگو دادید سپاسگزاریم.

من هم مجدداً از شما تشکر می‌کنم.

در کتاب مقدمات تدبیر سعی بر این بوده است تا فرد به یک برنامه‌ریزی مشخصی برای خواندن قرآن همراه با تعمق و ژرف‌نگری دست یابد و بتواند در راستای مفاهیم متعالی قرآن زندگی خود را تنظیم نماید. در جلد دوم هم سعی شده است تا فرد به مهم‌ترین ابزارهای تفکر مجهز شود



گفت‌وگو با علیرضا شاهسونی مؤلف کتاب «حفظ آسان قرآن»

روش‌های آسان و کاربردی برای حفظ قرآن

سودابه درخشنده

علاقه‌مندان به حفظ.

چواین؟ روش حفظ معرفی شده توسط جناب عالی در این نوشتار چه امتیازی به روش‌های دیگر استادان حفظ دارد؟

ایجاد مؤسسه قرآنی - فرهنگی بیت‌الاحزان حضرت زهرا(س) با توجه به سابقه طولانی که در برگزاری کلاس‌های تخصصی و عمومی حفظ قرآن کریم دارد، خودش حاصل سال‌ها تجربه در زمینه کلاس‌داری و مدیریت در کلاس‌های حفظ به صورت عملی و کاربردی است. لذا در این کتاب روش‌هایی که آزمون‌های عملی و علمی را با موفقیت پشت سر گمارده‌اند و تجربه شده‌اند، در این کتاب جمع‌آوری شده است.

چواین؟ با روش‌های معرفی شده در این کتاب، فراگیران و قرآن‌آموزان در چه مدت می‌توانند نسبت به حفظ یک جزء یا حتی تمام قرآن موفق شوند؟

با روش‌های معرفی شده در این کتاب علاقه‌مندان می‌توانند طی دوره‌های تخصصی یک ساله و یا نیمه تخصصی دو ساله کل قرآن کریم را حفظ کنند.

چواین؟ چه تألیفات دیگری داشته‌اید؟

روخوانی قرآن کریم ویژه بزرگسالان، چند کتاب برای مهد و پیش‌دبستانی (شامل روخوانی قرآن جلد ۱ و ۲) با همکاری هیئت مؤلفین مؤسسه بیت‌الاحزان حضرت زهرا(س).

چواین؟ موضوع کتاب شما حفظ قرآن کریم است. با توجه به فعالیت‌هایی که در مدرسه حفظ قرآن کریم بیت‌الاحزان حضرت زهرا(س) دارید فکر می‌کنید فرمایش رهبر معظم انقلاب برای تربیت ده میلیون حافظ قرآن چه وقت تحقق می‌پذیرد؟

حجت‌الاسلام علی‌رضا شاهسونی در سال ۱۳۵۴ در روستای محمدآباد، که امروزه به قرآن‌آباد ایران معروف شده است، از توابع استهبان فارس متولد شد. وی با ورود به حوزه علمیه، همزمان حفظ قرآن کریم را آغاز کرد و پس از ده سال موفق به حفظ کل قرآن کریم شد. راهاندازی مؤسسه بیت‌الاحزان حضرت زهرا(س) - که هم‌اکنون بیش از ۱۴۷ شعبه در ۱۲ استان کشور و ۷ مدرسه شبانه‌روزی حفظ و تفسیر یک‌ساله کل قرآن کریم و ۲ حوزه علمیه با محور قرآن کریم دارد - تربیت ۱۱۹۷ حافظ کل قرآن کریم و بیش از ۲۰ هزار حافظ اجزاء و کارآفرینی فرهنگی قرآنی برای بیش از ۱۰۰۰ حافظ و فعال قرآنی و تربیت ۷ حافظ کل قرآن در خانواده، از دستاوردهای حجة‌الاسلام شاهسونی است. گفت‌وگوی ما را با ایشان می‌خوانید.

چواین؟ لطفاً کتاب «حفظ آسان» را به صورت مختصر برای ما معرفی بفرمایید.

کتاب حفظ آسان قرآن کریم دارای ۵ فصل است و دارای پیشنهادها و رهنمودهایی جهت حفظ قرآن کریم و مشتمل بر مباحثی از جمله: هدف و انگیزه، روش حفظ، روش کلاس‌داری و مانند این است. این کتاب ماحصل تجارب ۱۹ ساله حقیق و کمک‌های فکری برخی از دوستان در مدارس حفظ تخصصی قرآن کریم و شعب مؤسسه بیت‌الاحزان حضرت زهرا(س) است و می‌توان آن را کتابی مرجع جهت حفظ قرآن برشمرد.

چواین؟ کتاب حفظ آسان برای چه مخاطبانی تدوین شده است؟

برای دو گروه فراگیران و مربیان است.

چواین؟ کتاب شما در مدت کوتاهی به چاپ مجدد رسیده؛ علت توفیق این کتاب را در چه می‌دانید؟ در روش آسان و کاربردی آن جهت حفظ قرآن کریم برای

این کارزار وارد شوند.

چوایه فعالیت‌های قرآنی حوزه‌های مختلف از طرف وزارت ارشاد و مؤسسات قرآنی و ... را چگونه ارزشیابی می‌کنید؟

بحمد... طی چند سال اخیر با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی روند برنامه‌های قرآنی بهتر شده است؛ ولی هنوز تا رسیدن به هدف، راه درازی در پیش است.

چوایه به نظر شما جشنواره کتاب رشد چه تأثیری بر روی فعالیت‌های قرآنی، خصوصاً تولید کتاب‌های قرآنی دارد؟

نفس این عمل که دوازدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد، به‌طور کامل به رقابت کتاب‌های قرآنی اختصاص یافته است خود تأثیر مطلوبی در مهجوریت‌زدایی از ساحت مقدس قرآن کریم خواهد داشت. قطعاً معرفی کتب برتر در زمینه‌های مختلف قرآنی و دعوت از ناشران، پدیدآورندگان کتاب‌های قرآنی، مسئولان و دست‌اندرکاران امر نشان از اهمیت موضوع برای مسئولان این جشنواره دارد و از تک‌تک مسئولان و مساعدت‌کنندگان در برگزاری این جشنواره تشکر می‌نمایم.

انشاء... ما تا ۱۵ سال آینده با ادامه روند طرح حفظ یک‌ساله و طرح رحله (حفظ ۴ جزء از قرآن کریم در ۲ ماه تابستان) به این مهم جامه عمل خواهیم پوشاند. با توجه به اینکه تربیت ده میلیون حافظ در ایران اسلامی یک راهبرد تأثیرگذار فرهنگی در کشور است، به‌نظر حقیر می‌بایست ستادی با فعالیت‌های جهادی و حضور خودجوش مردم جهت پیگیری این مهم راه‌اندازی شود.

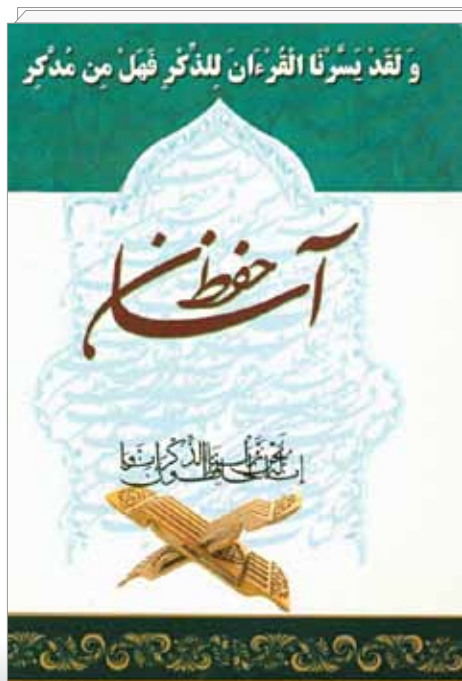
چوایه درباره مشکلات و تنگناهای تألیف در حوزه قرآنی نظر تان را بفرمایید. به عبارت دیگر به نظر شما نشر معارف قرآنی و ترویج فرهنگ قرآنی چقدر در رسانه‌ها و مکتوبات ما موفق بوده است؟

متأسفانه عملکرد در این زمینه خیلی ضعیف بوده است. در زمینه چاپ و نشر عمدتاً با مشکل مالی روبه‌رو هستیم، همچنین نهاد، رسانه و یا سایتی به‌صورت ویژه در زمینه معرفی تألیفات قرآنی وجود ندارد. ما در قالب مؤسسه بیت‌الاحزان با نیروهای کارآمد و متخصص، توانایی تولید محتوا در سایر بخش‌های آموزشی قرآن کریم را داریم اما متأسفانه مشکلات مالی مانع از فعالیت این کارگروه شده است.

چوایه به نظر شما فعالیت‌های در حال انجام در حوزه دین و نشر معارف دینی، چقدر می‌تواند پاسخ‌گوی نیاز نسل پرسشگر امروز باشد؟

متأسفانه در این زمینه کم‌کاری شده است. جهت نیل به تمدن درخشان اسلامی مطلوب قرآن کریم که از فرمان‌های رهبر معظم انقلاب است، مسئولین مربوطه باید با قدرت و قوای بیشتری در

نفس این عمل که
دوازدهمین جشنواره
کتاب‌های آموزشی
و تربیتی رشد، به
رقابت کتاب‌های قرآنی
اختصاص یافته است
خود تأثیر مطلوبی در
مهجوریت‌زدایی از
ساحت مقدس قرآن
کریم خواهد داشت





گفت‌وگو با علیرضا افشاری، مؤلف کتاب
«قرآن، کودک و سرگرمی»

دین را در قالب‌های شاد به کودک یاد بدهیم

نجوا اسپوند

همه کتاب‌های من جنبه آموزشی دارند. در تحقیقاتی که داشتم پی بردم که آموزش مفاهیم دینی باید تفکر محور و در قالب‌های شاد، سرگرم‌کننده و جذاب باشد تا بتوان ابعاد مختلف دین را به کودکان آموزش داد.

چوایه آیا فکر می‌کنید مخاطبان شما به خوبی با این کتاب‌ها ارتباط برقرار می‌کنند؟
از نظر آماری اطلاع ندارم. هدف ما این بود که کتاب در ساعات پرورشی معرفی و استفاده شود. فعلاً آموزش و پرورش قم از ورود کتاب کمک‌آموزشی به مدارس ممانعت می‌کند.

چوایه امیدواریم با نامزد شدن کتاب شما در جشنواره که به معنای تأیید کتاب و مناسب بودن آن است، این مشکل حل شود و کتاب اجازه پیدا کند به مدرسه برود. اما فرموده‌اید این کتاب براساس مبانی روان‌شناسی کودکان تدوین شده است. مقصودتان کدام مبانی است؟
همه کتاب‌های چاپ شده من مبتنی بر مبانی روان‌شناسی است. برای تألیف یک کتاب ابتدا کتاب‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی را مطالعه می‌کنم. سپس طرح‌ها و روش‌های گوناگون ارائه مطلب را همراه با مطالعه منابع مرتبط در نظر می‌گیرم، آن‌گاه محتوا را براساس این موارد به اضافه نظرات خود در تألیفات ارائه می‌دهم. در کتاب‌های جدید تألیف از منابعی که در مورد آموزش رفتارهای اجتماعی کودکان نوشته شده است استفاده می‌کنم. در این منابع ۷ اصل حاکم بر تغییر رفتار کودکان بیان می‌شود. اگر کتاب براساس مبانی روان‌شناسی نباشد اثری مفید و قوی نخواهد بود؛ زیرا هدف ما خدمت به جامعه است. مؤلف باید مطالعات متعددی در این زمینه داشته باشد تا بتواند کتاب مناسبی تألیف کند.

اشاره

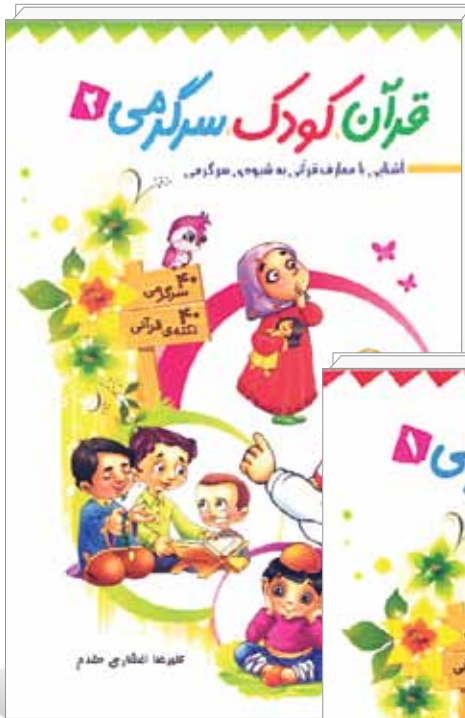
علیرضا افشاری مقدم متولد ۱۳۵۵، مؤلف اثر سه جلدی «قرآن، کودک و سرگرمی» از طلاب حوزه علمیه قم است. این کتاب در گروه دانستنی‌ها و لطایف قرآنی نامزد دریافت جایزه شده است. علیرضا افشاری ۳ سال به صورت تخصصی در تفسیر قرآن در محضر آیت‌... مکارم شیرازی فعالیت داشته و ۸ سال است در زمینه کار کودک و نوجوان فعالیت دارد. وی در سال ۱۳۸۶ کار کودک را با حجة الاسلام راستگو آغاز کرد. در سال ۹۰ نیز مجری یکی از برنامه‌های تلویزیونی کودکان در شبکه قرآن بود. او مؤلف کتاب «سرگرمی‌های مهدویت» و داستانی تفکر محور با عنوان «زنبور عجیب» در سال ۹۳ است. وی در سال جاری مشغول تکمیل کتاب «مسابقات دینی کودکان و نوجوانان» در قالب ۳۰ نوع مسابقه برای مربیان است و همچنان به تحقیق در کار کودک و نوجوان ادامه می‌دهد.

چوایه چه چیز باعث شد شما به فکر استفاده از قالب‌های سرگرم‌کننده برای مفاهیم و موضوعات قرآنی بیفتید؟

کلاً رویه من به گونه‌ای است که مفاهیم دینی را با روش‌های شاد و مفرح ارائه می‌دهم و همین امر سبب شده که به سمت روش‌های سرگرم‌کننده و جذاب بروم. کتاب‌هایی هم که در حال تألیف داریم همه براساس این اصل است که باید دین را در قالب شاد به بچه‌ها آموزش داد.

چوایه مفاهیم قرآنی در قالب سرگرمی چقدر می‌تواند برای کودکان نقش آموزشی داشته باشد؟

اکثر کتاب‌هایی که در حوزه‌های قرآن و دینی تولید می‌شود، منجر به رفتار دینی نمی‌شود و صرفاً جنبه خواندنی دارد



مشغول کار بر روی طرحی به روش نوین با عنوان نقاشی آسان و آموزش مفاهیم در قالب داستان‌های اهل بیت (ع) هستیم که با ۵ شکل هندسی ساده به کودکان آموزش داده می‌شود.

چرا؟ چه پیشنهادی برای کسانی دارید که می‌خواهند در تألیف آموزش مفاهیم قرآنی برای کودکان وارد شوند؟ قبل از تألیف هر کتاب مطالعه کافی در آن زمینه داشته باشند و مسائل علوم تربیتی را در کتاب خود لحاظ کنند و این نکته را هم در نظر داشته باشند که برای چه گروه سنی دارند کتاب می‌نویسند.

چرا؟ به نظر شما کلاً چه خلأهایی در حوزه کتاب‌های قرآنی کودکان وجود دارد؟

اکثر کتاب‌ها در این زمینه رفتار ساز نیست و تغییر رفتار در کودکان ایجاد نمی‌کند و صرفاً جنبه خواندنی دارد. در کتاب‌های قرآنی ذکر بعضی مسائل دینی جایز نیست؛ مثلاً از آوردن آیاتی در مورد جهنم که موجب دین‌گریزی در کودکان می‌شود باید اجتناب شود. آموزش و پرورش در خصوص مسائل دینی کودکان الی ماشاء... جا برای کار و پیشرفت دارد.

چرا؟ هم‌اکنون روی چه طرحی کار می‌کنید؟

حجت‌الاسلام علیرضا سبحانی نسب مدیر انتشارات جمال:

مهارت قرآنی زیستن

مهم‌تر از مهارت قرائت قرآن است

سمانه آزاد

یعنی نه خودشان در بخش معارف دینی از دانش‌چندانی برخوردارند و نه برای پرسش‌های فرزندان خود پاسخی دارند. شاید به آنچه می‌گویند ایمان داشته باشند اما آنچه را که باید بگویند نمی‌دانند. لذا اگر پدر یا مادری برخی از آثار ما را بخوانند ممکن است به پاسخ پرسش‌های خود هم برسند.

چرا؟ حضورتان در نمایشگاه‌های بین‌المللی به‌عنوان ناشر چگونه بوده است؟

چند بار در نمایشگاه‌های بین‌المللی به‌عنوان عرضه‌کننده کتاب شرکت کرده‌ام، اما عمده حضورم به‌عنوان بازدیدکننده بوده است. در حقیقت نمایشگاه بین‌المللی تعریفی دارد؛ به این ترتیب که ناشر باید ۳۶۰ روز سال را در دفتر خود کار بین‌المللی کند و در پنج روز وضعیت و حاصل کار خود را در نمایشگاه رصد کند. در ایران هنوز این تعریف پذیرفته شده نیست و گاه ناشران می‌خواهند طی پنج روز کار همه سال را انجام دهند که شدنی نیست. با توجه به اینکه ما در انتشارات جمال واحد رسمی بین‌المللی نداشتیم توفیقات زیادی هم در این زمینه کسب نکردیم. از حضورم در نمایشگاه‌های بین‌المللی بیش از آنکه برای فروش حق امتیاز کتاب‌ها استفاده کرده باشم، بیننده‌ای هستم که آثار تولید شده را رصد می‌کند و در واقع از فواید جانبی صنعت نشر بهره می‌برم و به دنبال کتاب‌های خوب در این زمینه هستم. از نمایشگاه‌هایی مانند بولونیا آثار زیادی را در زمینه معارف دینی جمع‌آوری کرده‌ام. در کتابخانه مونیخ هم از کتاب‌های بسیاری تصویربرداری کرده و در اختیار نویسندگان و تصویرگران ایرانی قرار داده‌ام تا با روش‌های گوناگون ارائه معارف آشنا شوند. البته هنوز هم دنبال کتاب‌های مناسب در عرصه بین‌المللی در زمینه معارف خصوصاً آشنایی با خدا هستم.

چرا؟ در انتشارات جمال نیازسنجی برای انتشار کتاب چگونه صورت می‌گیرد؟

اشاره

در نشست «انتظارات آموزش و پرورش از ناشران قرآنی» که در حاشیه جشنواره کتاب‌های قرآنی برگزار شد، چند تن از ناشران این حوزه حضور داشتند. یکی از ناشران، حجت‌الاسلام علیرضا سبحانی نسب مدیر مسئول انتشارات جمال بود. این ناشر از سال ۱۳۷۹ فعالیت خود را در زمینه نشر کتاب‌های دینی و قرآنی آغاز کرده است. گرچه تعداد آثاری که این ناشر برای بزرگسالان منتشر کرده کم نیست اما به دلیل موفقیت‌هایی که در حوزه کتاب کودک و نوجوان داشته، بیشتر به‌عنوان ناشر کودک و نوجوان شناخته می‌شود. خلأهایی که در زمینه انتشار و تولید کتاب دینی و قرآنی برای این مخاطبان وجود دارد سبحانی نسب را بر آن داشته تا به طور جدی وضعیت انتشار این آثار را نه تنها در ایران بلکه در نمایشگاه‌های بین‌المللی رصد کند. برای آشنایی با فعالیت‌ها و تجربه‌های این ناشر با ایشان به گفت‌وگو نشستیم که حاصل آن را می‌خوانید.

چرا؟ آقای سبحانی نسب! گرچه شما آثاری برای بزرگسالان هم تولید کرده‌اید اما بیشتر به‌عنوان ناشر آثار کودکان و نوجوانان شناخته می‌شوید. آیا این انتخاب خودتان بوده است؟

تقریباً عمده آثار و تولیدات ما برای کودکان و نوجوانان است، چرا که خلأ حوزه کودک و نوجوان در عرصه معارف دینی بیشتر است. البته آثاری هم برای مخاطبان بزرگسال تولید کرده‌ایم اما حجم تولیداتمان در بخش کودک و نوجوان بیشتر و متنوع‌تر است. افتخاراتی هم که در جشنواره‌ها کسب کرده‌ایم بیشتر متعلق به کتاب‌های این حوزه است. در واقع ما در گذشته غفلت کردیم و پرسش‌های کودکان را جدی نگرفتیم و پاسخ‌های درخور و مناسب به آن‌ها ندادیم. به همین دلیل چه‌بسا امروز افراد بزرگسالی باشند که سؤالات کودکی‌شان هنوز همراهشان است و این باعث شده در زمینه معارف دینی کودک باقی بمانند.

با توجه به اینکه من طلبه‌ام و ربع قرن طلبگی کرده‌ام در موضوعات دینی فعالیت می‌کنم، در زمینه نشر هم لزوماً در حوزه‌ای کار می‌کنم که با دین پیوند خورده باشد. البته موضوعات درون دینی بسیارند لذا ما باید بر چند موضوع تمرکز کنیم. از این رو طی سال‌های گذشته چند زمینه را انتخاب و درباره آن با مخاطبان و مربیان گفت‌وگو کرده‌ایم و از صد بازار کتاب هم غافل نیستیم. اگر احساس کنیم کتابی برای تولید در نشر ما مفید است آن را جزء لیست نیازها قرار می‌دهیم، درباره آن با پدیدآورندگان گفت‌وگو می‌کنیم تا در نهایت به محصول نهایی تبدیل شود.

چرا؟ آیا برای توانمند کردن اولیا در پاسخ‌گویی به سؤالات فرزندان خود در زمینه معارف دینی برنامه‌ای دارید؟

نیازهای انسان‌ها از خردسالی تا بزرگسالی در بخش فهم معارف دینی یکسان است اما عمق‌شان متفاوت است. ما باید به مرور به دانش و ایمان مخاطب بیفزاییم و عاطفه‌اش را در این زمینه تقویت کنیم. ما هم در انتشارات جمال سعی کرده‌ایم این روند را پی بگیریم. حتی گاهی اتفاق افتاده کتابی را برای کودکان و نوجوانان منتشر کرده‌ایم اما بیشتر مورد استقبال بزرگسالان و اولیا هم قرار گرفته است. لذا در بسیاری زمینه‌ها مانند صحیفه سجادیه هم برای کودکان و هم اولیا آثاری را منتشر کرده‌ایم. آرزو و دغدغه ما آن است که همه دوره‌های زندگی انسان را نسبت به این موضوعات پوشش دهیم. ولیکن با دو محدودیت روبه‌رو هستیم. نخست منابع مالی و دیگری محدودیت نیروی انسانی و نویسندگان. از این رو به نظر می‌رسد در راه رسیدن به اهدافمان نمی‌توانیم به میزان علاقه و نیاز و دغدغه‌مان پیش برویم. در واقع با توجه به محدودیت‌های موجود باید به تدریج حرکت کنیم.

چرا؟ در انتشار آثار دینی و قرآنی به ویژه برای کودکان و نوجوانان که کتاب با تصویر همراه است با چه دشواری‌ها یا محدودیت‌هایی روبه‌رو هستید؟

یکی از مشکلاتی که در این حوزه دیده می‌شود ساده‌انگاری موضوع در بخش نگارش و تألیف است. برخی گمان می‌کنند چون مطالب کتاب کودک باید کودکانه باشند نوشتن برای کودک ساده است و هر فردی می‌تواند در این زمینه فعالیت کند. در حالی که اطلاعات عمومی نباید به کتاب کودک تبدیل شود؛ بلکه باید اطلاعات تخصصی بسیار عمیق، با ادبیات کودکانه به مخاطب ارائه شود. آنچه اکنون به عنوان اطلاعات عمومی - که همه والدین آن را می‌دانند- به کتاب کودک تبدیل می‌شود بخش زرد کتاب کودک است. ما در بخش نویسندگی به افرادی متخصص نیازمندیم که با ادبیات کودک آشنایی دارند تا آثاری عمیق به زبان کودک تولید کنند. در بخش تصویرگری کتاب دینی کودک و نوجوان

هم بیش از آنکه سخن از محدودیت‌ها و مشکلات باشد، سخن از نیاز به خلاقیت است. ما محدودیت‌هایی در تصویرگری این حوزه داریم که قابل انکار نیست، اما این محدودیت‌ها تهدید نیستند بلکه فرصتی هستند برای تصویرگر که قابلیت‌های خود را ارتقا دهد و به خلاقیت برسد. به عنوان مثال ما نمی‌توانیم تصویر چهره معصومین(ع) را نشان دهیم. سال‌ها از نور به جای چهره استفاده می‌شد که اکنون چندان مورد اقبال و حتی فهم مخاطبان نیست. به‌خصوص با آنچه در رسانه‌های دیگر می‌بیند دیگر استفاده از این تکنیک مضر است و باید از تکنیک‌های جدید استفاده کرد. یا باید از استعاره‌هایی استفاده کنیم که مجبور نباشیم صورت معصومین(ع) را نشان دهیم. البته این‌ها قابلیت‌هایی نیست که بی‌انتهای باشد ولی در عین حال باید خلاقیت به خرج دهیم و محدودیت‌ها را به فرصتی برای نوآوری تبدیل کنیم.

چرا؟ با توجه به اینکه سال‌هاست در حوزه نشر آثار دینی و قرآنی برای کودکان و نوجوانان فعالیت می‌کنید، فکر می‌کنید برای جذاب کردن این

کتاب‌ها چه عناصری مهم هستند؟ شما به عنوان ناشر به چه عناصری توجه دارید؟ شاید با توجه به محدودیت‌هایی که داریم به همه آنچه که می‌خواستیم نرسیده باشیم؛ اما آرزوی ما این است که همه کتاب‌های این حوزه بیش از آنکه جنبه دانش‌افزایی داشته باشند، ایمان‌افزایی کنند به طوری که مخاطب قبل از آنکه نکته‌ای راجع به خدا بداند عاشق خداوند شود و بیش از آنکه شناسنامه اهل بیت را

ما غفلت کرده‌ایم و پرسش‌های کودکان را جدی نگرفته و پاسخ‌های درخور و مناسب به آن‌ها نداده‌ایم





ما انتظار داریم در عرصه کتاب‌های دینی و قرآنی انسان‌سازی قرآن بر قاری‌سازی و حافظ‌سازی قرآن مقدم شود

بداند عاشق آن‌ها شود. همچنین پیش از آشنایی با قرآن این باور را در مخاطب ایجاد کنیم که قرآن کتابی زندگی‌ساز و نقشه راه زندگی ماست. این‌ها از جمله موضوعات و فاکتورهایی است که ما با نویسندگان مان مطرح کرده‌ایم تا آثارمان بیش از آگاهی‌بخش بودن، بارورکننده ایمان باشند. ما انتظار داریم در عرصه کتاب‌های دینی و قرآنی انسان‌سازی قرآن بر قاری‌سازی و حافظ‌سازی قرآن مقدم شود. اولویت تربیتی قرآن تشخیص داده و اعمال شود. به نظر من در این زمینه باید کاری کنیم تا اگر فردی به هر دلیلی در طول مسیر آموزش ما نتوانست قاری خوبی شود، بتواند با قرآن انس داشته باشد و به آن عمل کند. ما مرتباً به آداب قرآن داشته باشیم خیلی بهتر از آن است که تعداد قاریان ما بیشتر باشد. اگر به‌گونه‌ای عمل کنیم که در مدرسه‌ای همه دانش‌آموزان عاشق راستگویی شده باشند خیلی بهتر از آن است که قاریانی داشته باشیم که عامل به قرآن نباشند. از این رو یکی از مهم‌ترین رویکردهایی که سعی کردیم در انتشارات جمال پیگیری کنیم آن است که «ابعاد تربیتی قرآن» را به عنوان خط مقدم آموزش مطرح کنیم. به نظر می‌رسد این موضوع سیاستی است که حتی بخش‌هایی مانند آموزش و پرورش که به طریقی هدایت این جریان را بر عهده دارد می‌تواند از طریق کتابنامه پیگیری کند. در کتاب‌های درسی هم باید قرآن‌آموزی را بعد از شیرین کردن کام کودکان به قرآن بیاموزیم. از طریق داستان‌ها، معارفی را که دانش‌آموزان به آن‌ها نیاز دارند -مانند راستگویی، احترام به والدین و...- به آن‌ها آموزش دهیم تا به عنوان دستورالعمل قرآنی در زندگی اجرا کنند. وقتی این شیرینی‌ها به کام‌شان آمد مسائلی مانند قرائت، فهم و تدبر را به عنوان مهارت‌های دیگر بیاموزیم. لذا بزرگ‌ترین مهارتی که انسان باید بیاموزد قرآنی زیستن است نه قرائت قرآن. ما قرآن محبوب لازم داریم. قرآنی که خوانده شود ولی به آن عمل نشود قرآن در دست خوارج است. بنابراین این موضوع باید به صورت جدی در نظام آموزشی از یک سو و در سیستم تولید کتاب‌های قرآنی از سوی دیگر مورد توجه قرار بگیرد. حال اینکه ما چقدر در این زمینه موفق بوده‌ایم را باید بررسی کرد.

عنوان خط مقدم آموزش مطرح کنیم. به نظر می‌رسد این موضوع سیاستی است که حتی بخش‌هایی مانند آموزش و پرورش که به طریقی هدایت این جریان را بر عهده دارد می‌تواند از طریق کتابنامه پیگیری کند. در کتاب‌های درسی هم باید قرآن‌آموزی را بعد از شیرین کردن کام کودکان به قرآن بیاموزیم. از طریق داستان‌ها، معارفی را

که دانش‌آموزان به آن‌ها نیاز دارند -مانند راستگویی، احترام به والدین و...- به آن‌ها آموزش دهیم تا به عنوان دستورالعمل قرآنی در زندگی اجرا کنند. وقتی این شیرینی‌ها به کام‌شان آمد مسائلی مانند قرائت، فهم و تدبر را به عنوان مهارت‌های دیگر بیاموزیم. لذا بزرگ‌ترین مهارتی که انسان باید بیاموزد قرآنی زیستن است نه قرائت قرآن. ما قرآن محبوب لازم داریم. قرآنی که خوانده شود ولی به آن عمل نشود قرآن در دست خوارج است. بنابراین این موضوع باید به صورت جدی در نظام آموزشی از یک سو و در سیستم تولید کتاب‌های قرآنی از سوی دیگر مورد توجه قرار بگیرد. حال اینکه ما چقدر در این زمینه موفق بوده‌ایم را باید بررسی کرد.

چگونه به‌عنوان ناشر آثار قرآنی و دینی وضعیت نشر این گروه از کتاب‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نخستین نکته‌ای که به نظر می‌رسد آن است که تعداد آثار موجود زیاد و قابل توجه است اما بسیاری از آن‌ها دیده نشده‌اند. ما در انجمن ناشران کودک و نوجوان استان قم بیش از سه هزار کتاب موجود را شناسایی کرده‌ایم که بخش عمده‌ای از آن‌ها کتاب‌های دینی خوبی هستند. موضوع بعدی در حوزه نشر کتاب‌های دینی و قرآنی کودکان و نوجوانان نیازسنجی است. باید مجموعه یا نهادی نیازسنجی انجام دهد و به درخت‌واره

نیازسنجی رسیده باشد و آن را در دسترس ناشران، نویسندگان و پدیدآورندگان قرار دهد. این یکی از خلأهایی است که دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی و طرح سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی با توجه به کارشناسان متعددی که دارد می‌تواند آن را انجام و در دسترس ناشران قرار دهد. اما از آنجا که چنین نیازسنجی صورت نگرفته به معضلی رسیده‌ایم که همان تراکم و تورم در بخش‌هایی از نشر است. تورم به معنای کتاب‌های تکراری، هم‌شکل و همسان که ارزش جدیدی نمی‌افزایند. بنابراین به نظر می‌رسد یکی از آفت‌های این حوزه، عدم نیازسنجی در میان ناشران و گروه‌هایی است که می‌توانند در این زمینه کمک کنند. علاوه بر این‌ها، ضعف در ادبیات مناسب، ضعف در تصویرگری، عدم تناسب با نیازهای جامعه، عدم تطابق ادبیات با سن مخاطب و نیز عمومی‌نویسی به جای تخصصی‌نویسی در بخش نویسندگی از دیگر موضوعاتی است که حوزه نشر آثار دینی برای کودکان و نوجوانان دچار آن‌هاست.

چگونه طی سال‌های فعالیت‌تان، تعاملات شما با بخش سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی چگونه بوده است؟

هر زمان که فراخوانی اعلام شده و تعاملی لازم بوده است ما دریغ نکرده‌ایم. ما به سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی هم ارج نهاده‌ایم و آثارمان را برای بررسی به دبیرخانه می‌فرستیم. در سایت انتشارات هم بخش ویژه‌ای را برای کتاب‌های تأیید شده در کتاب‌نامه اختصاص داده‌ایم. در آینده هم اگر نیاز به همفکری و همکاری باشد ما آمادگی داریم چرا که در نهایت همه این فعالیت‌ها به سرمایه‌های ملی تبدیل می‌شوند که به رشد نشر کشور کمک می‌کنند.

شما نقش جشنواره کتاب رشد را در هدایت ناشران برای تولید کتاب در راستای برنامه‌های درسی و نیازهای مخاطبان، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ببینید! بزرگ‌ترین مشکل چنین جشنواره‌هایی پشت پرده بودن زحماتی است که همکاران به‌عنوان کار کارشناسی می‌کشند. شما باید تا حدودی برای رشد دادن ناشران جسارت به خرج دهید و نتایج کارشناسی را چه به صورت خصوصی و چه عمومی منتشر کنید. حق ناشران است که بدانند کتاب‌هایشان بر چه اساسی رد شده است. حتی در این صورت ناشران به اهداف جشنواره نزدیک‌تر می‌شوند. وقتی ناشر بداند در چه زمینه‌ای امتیاز لازم را کسب نکرده سعی می‌کند در چاپ‌های بعدی یا کتاب‌های دیگرش این موضوعات را رعایت کند.

اطلاعات شفاف باید در اختیار ناشران قرار بگیرد که بتوانند خود را ارتقا دهند و همه بتوانند در این رقابت سهیم باشند. ما در جشنواره‌هایی جایزه گرفته‌ایم اما نمی‌دانیم کتابمان بر پایه چه معیارهایی داوری شده است. همچنین در جشنواره‌هایی موفق نبوده‌ایم و باز هم نمی‌دانیم بر اساس چه معیاری بوده است. در واقع معیارها مشخص نیستند و به همین دلیل احساس می‌شود

در این صورت ناشران می‌توانند طبق نقشه راه چند ساله‌ای، همراه با جشنواره قدم بردارند. حتی اگر لازم باشد می‌توان ناشران مستعد را شناسایی و از آن‌ها حمایت کرد تا در تأمین کتاب‌های مورد نیاز فعالیت کنند. از سوی دیگر توزیع‌کنندگان کتاب هم باید با اطلاعات فنی و کارشناسی سامان‌دهی آشنا شوند. به طوری که توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان کتاب به یافته‌های سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی اعتماد و در خرید کتاب‌ها از آن بهره ببرند. در حال حاضر متأسفانه نه در تولید و نه در توزیع به اندازه کافی از این اطلاعات استفاده نمی‌شود. البته در تبلیغات، ناشران از این اطلاعات استفاده می‌کنند که فی‌نفسه موضوع بدی نیست ولی به نظر می‌رسد برای ترویج کم‌کاری شده است. سیستم سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی باید تدابیری را اتخاذ کند که مخاطبان به ویژه والدین و دانش‌آموزان به صورت جدی با کتاب‌های مورد اعتماد و تأیید این بخش آشنا شوند. در نهایت آنکه در عالم کارهای درستی هستند که درشت نیستند اما نتایج درستی دارند. به نظرم کار درست را هر چند خرد باید جدی گرفت تا به نتیجه درست و درشت رسید.

در داوری‌ها سلیقه دخالت دارد. حال آنکه حتماً بدون معیار و سنجه نبوده است. در هر حال اگر بخواهیم جشنواره را کارساز بدانیم در وهله نخست باید معیارها و امتیازها را در اختیار ناشران قرار دهیم و در پایان هم داوری‌ها و امتیازات هر ناشر به اطلاع او رسانده شود، به طوری که ناشر بداند نقاط قوت و ضعفش در چه بخش‌هایی بوده است. اگر این بخش‌ها شفاف باشند هدف جشنواره که همان ارتقای سطح کیفی کتاب‌هاست تأمین خواهد شد.

چگونه فکر می‌کنید سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی باید چه راهی را در پیش بگیرد تا همگام با ناشران خلأهای موجود در بازار کتاب‌های دینی و قرآنی کودکان و نوجوانان را پر کند؟

به نظر می‌رسد باید در دو بخش تولید و توزیع فعالیت‌هایی صورت گیرد. در بخش تولید باید خلأهایی که بخش سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی شناسایی می‌کند به همراه استانداردهای جشنواره به‌طور شفاف و یکسان در اختیار همه ناشران قرار گیرد.



خانم دکتر اعظم فعال، مدیر نشر فعال:



ادب اسلامی را برای بچه‌ها از قرآن استخراج کردم

صدیقه رضائزاد

لحاظ شود؟

اعتقاد ما این است که انسان نماینده خدا بر روی زمین است؛ بنابراین آن صفاتی را که خدا دارد، من هم باید داشته باشم. مثلاً یکی از ویژگی‌های خداوند مهربان بودن است؛ پس من هم می‌توانم مهربان باشم. من هم می‌توانم بخشنده، سازنده یا خلاق باشم. فقط یک فرق با هم داریم؛ آنچه را که ما می‌سازیم مبتنی بر سابقه است و نمونه‌هایی از آن یا مشابه آن را قبلاً دیده‌ایم و یا حداقل مواد آن قبلاً وجود داشته است؛ اما خداوند آنچه را که خلق می‌کند قبلاً نبوده است. او «بدیع السموات و الارض» است؛ ولسی ما تکرار می‌کنیم خلق خداوند را؛ در هر حال ما می‌توانیم خودمان را به خداوند نزدیک کنیم.

اولین کار قرآنی من برای بچه‌ها قرآنی بود با سوره حمد و آیاتی منتخب از دیگر سوره‌ها. آیات همه از آیات رحمت بود و نقاشی‌های آن هم مبتنی بر تفاسیر معتبر بود. آن قرآن یک ویژگی دیگر هم داشت که قابل شست‌وشو بود. یعنی بچه‌ها حتی اگر بستنی خود را روی کتاب می‌ریختند، می‌توانستند کتاب را شست‌وشو دهند و تمیز کنند. سلفونی هم روی مقوا کشیده شده بود، در نتیجه خط‌خطی یا به سادگی پاره نمی‌شد. خط کشیدن، کثیف کردن و پاره کردن جزء طبیعت بچه‌هاست. با این خلاقیت کاری کردیم که هم بچه قرآن بخواند و لذت ببرد و هم حرمت قرآن حفظ شود.

بچه‌ها به نظر شما، آیا آموزش قرآن برای کودکانی که هنوز حروف را به طور کامل یاد نگرفته مفید است؟

به اعتقاد من، قرآن را باید در چند سطح آموزش داد که اول از همه سواد قرآنی است؛ یعنی برخورداری از قدرت خواندن. پس از آن است که بعضی می‌خواهند قرآن را حفظ کنند، بعضی می‌گویند از داستان‌های قرآن آغاز کنیم و آن‌ها را به بچه‌ها یاد بدهیم، بعضی می‌گویند روی مفاهیم و آموزه‌های قرآنی کار کنیم و ... همه این موارد برای آموزش قرآن خوب است اما آیا ضرورت همه آن‌ها یکسان است؟ نه. هیچ‌کس مخالف خواندن قرآن نیست. قرائت و حفظ قرآن کار ارزشمندی است؛ اما عمل

دکتر اعظم فعال دارای کارشناسی ارشد در رشته برنامه‌ریزی درسی و دکترا در رشته فلسفه تعلیم و تربیت است و در کارنامه خود ۲۸ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش دارد. وی در همه دوره‌های تحصیلی تدریس کرده و از سال ۱۳۷۶ مدرس روش‌های نوین تدریس و ارزیابی طرح‌های جدید کشوری خدمت معلمان بوده است. دو بار به عنوان معلم نمونه استانی و یک بار به عنوان معلم نمونه کشوری انتخاب شده است. در سال‌های قبل همراه با مؤلفان روش تدریس علوم و فارسی ابتدایی جدیدالتألیف، با دفتر تألیف همکاری کرده است. اکنون ضمن آنکه مدیر «انتشارات فعال» است، کارشناس دارالقرآن مرکزی کشور و کارشناس خلاقیت صدا و سیماست. از تألیفات او می‌توان به مجموعه کتاب ۱۳ جلدی مفاهیم پیش‌دبستان از انتشارات مهاجر، و کتاب ۶ جلدی طرح قرآنی شمیم بهشت اشاره کرد.

بچه‌ها چه طور شد شما در زمینه تألیف کتاب‌های آموزش قرآن به کودکان، احساس ضرورت کردید؟

من به دنبال بررسی علت بداخلاقی بچه‌ها بودم. حس می‌کردم اشتباهات جوانان و نوجوانان زیاد شده و ریشه بسیاری از آن‌ها هم به دوران کودکی برمی‌گردد. پس اگر بتوانیم جلوی این اشتباه‌ها را از کودکی بگیریم، خیلی بهتر است. می‌دانیم که قرآن کریم یک منبع خوب برای آداب مورد نیاز بچه‌هاست. اسلام تنها دینی است که حتی برای جزئی‌ترین امور از جمله شستن دست هم برنامه دارد. این باعث شد که من به بررسی آداب اسلامی در قرآن بپردازم و چون خودم معلم پیش‌دبستان و کلاس اول بوده‌ام، به نظرم آمد که آموزش مفاهیم کاربردی قرآن را در پیش‌دبستان شروع کنم. این اتفاق، ۲۵ سال پیش، یعنی اوایل خدمت من رخ داد و اولین کارهایم مربوط به مفاهیم کاربردی و آموزه‌های کاربردی قرآن کریم بود.

بچه‌ها برای جذاب بودن کتاب‌های قرآنی در دوره پیش‌دبستان و ابتدایی چه ویژگی‌هایی در کتاب‌ها باید

به قرآن و فهم آن، شاید ارزش آن را چند برابر بکنند. پس باید بکوشیم قرآن را برای کودکان قابل فهم کنیم.

چوایه مخاطبان خود را چگونه نیازسنجی می‌کنید؟

من یک معلم هستم و باید به شاگردانم ادب بیاموزم. وقتی به زمان گذشته نگاه می‌کنم، احساس می‌کنم در زمان کودکی من، جامعه به ما آدابی را می‌آموخت که امروزه به کودک آموخته نمی‌شود. ما در زمان حاضر ثروتمندتریم و از امکانات آموزشی بهتر و رسانه‌های آموزشی جدیدتری برخورداریم، اما نسل جدید چیزی کم دارد و آن ادب است.

به باور من ریشه این تفاوت، دور شدن از اسلام و آداب دینی و اخلاقی منبعث از آن است. کتاب خدا برنامه زندگی اسلامی است. من چیزهایی را که یک کودک برای برخورداری از زندگی اسلامی لازم دارد، از قرآن استخراج کردم و همان را برای بچه‌ها به تصویر کشیدم.

چوایه دقیقاً فرمودید نیازهای مخاطبان خود را از چه منابعی به دست می‌آورید.

اولین منبع برای نیازسنجی، جامعه است. هم خانواده‌ها و هم معلمان بر این باورند که بچه‌ها گستاخ‌تر شده‌اند. دومین منبع خود بچه‌ها هستند. وقتی که دقیق‌تر نگاه کنیم، آن‌ها از فقری معنوی رنج می‌برند. بچه‌ها تکیه‌گاهی ندارند و نباید آن‌ها را این‌طور رها کرد. من گاهی از آرزوها و خواسته‌های بچه‌ها می‌پرسم و به آن‌ها می‌گویم آن را از چه کسی می‌خواهی، می‌گویند از مامان.

چوایه کتاب قرآنی برای کودک چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

خواندنش ساده باشد؛ دارای تصاویر جذاب و واقعاً کودکانه باشد؛ سبک و کم‌ورق باشد؛ در عین حال از کاغذ محکم برخوردار باشد و به آسانی پاره نشود و با کشیدن لایه‌های شفاف روی خطوط آن در هنگام چاپ، نداشتن وضو مشکلی برای بچه‌های کوچک ایجاد نکند.

همچنین قطع کتاب بهتر است کوچک و خود کتاب به سادگی قابل حمل باشد. به خاطر حفظ حرمت قرآن، بهتر است از تولید آن‌ها در قطع‌های بزرگ و دسته‌دار خودداری کرد.

تصویر جلد این کتاب‌ها هم خیلی مهم است. تصویر جلد در مواقعی که نمی‌توان چهره را ترسیم کرد، باید به گونه‌ای طراحی شود که اصلاً نیاز به کشیدن چهره نباشد.

چوایه شما برای جذاب‌تر کردن کتاب‌هایتان چه می‌کنید؟

اگر مشکل مالی در میان نباشد، تقریباً همه کارهایی را که گفتم، انجام می‌دهم. یکی از پیشنهادهای من در نشست هم‌اندیشی انتظارات و نیازهای آموزش و پرورش این بود که ناشران در تولید کتاب‌های قرآنی با هم مشارکت کنند. از این طریق می‌توانند

سرمایه بیشتری را به میدان بیاورند، از مشورت یکدیگر بهره گیرند و کتاب‌های بهتری تألیف کنند.

چوایه به نظر شما فعالیت‌های سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی چه تأثیری در تولید کتاب‌های مناسب قرآنی توسط ناشران داشته است؟

فعالیت این بخش باعث می‌شود ناشران و مؤلفان، از کتاب‌های دیگر ناشران هم اطلاع پیدا کنند. این رقابت که در بخش سامان‌دهی اتفاق می‌افتد به ما کمک می‌کند تا تولیدات دیگران را هم ببینیم. اگر عقب هستیم خودمان را تقویت کنیم و رشد بدهیم و اگر جلو هستیم، جلوتر برویم.

چوایه جشنواره کتاب‌های رشد چه تأثیرات مطلوبی را بر پدیدآورندگان و ناشران کتاب‌ها و معرفی کتاب‌های مناسب می‌تواند بگذارد؟

موضوع دیگر حمایت از ناشران کوچک است. ناشران بزرگ و قوی باید با ناشران نوپا کتاب‌های مشترک تولید کنند تا ناشران کوچک هم رشد کنند. جشنواره موقعی خوب است که به این همکاری‌های مشترک بینجامد؛ و الا اگر صرفاً رقابت و تکروری باشد به نظرم خیلی مفید نیست.

چوایه چه پیشنهادی برای بخش سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی دارید؟

ارزیاب کتاب قرآنی در درجه اول باید خودش متخصص قرآن و در درجه دوم متخصص کودک باشد. تکرار و تمرین طبیعت بچه است؛ این ویژگی‌ها قبل از تولید کتاب باید برای ناشران و مؤلفان بیان شود. ضمناً ملاک انتخاب یک کتاب خوب، ظاهر زیبا و

شمارگان بالای آن نباشد. اگر یک انتشاراتی کتاب خوبی منتشر کرده است، دلایل خوب بودن آن به اطلاع ناشران و مؤلفان دیگر هم برسد.

همچنین ما نباید به این بسنده کنیم که فقط یک کتاب مناسب داشته باشیم؛ ما

مسئول فهم مطالب کتاب به کودک هم هستیم.

این رقابت که در بخش سامان‌دهی اتفاق می‌افتد به ما کمک می‌کند تا تولیدات دیگران را هم ببینیم. اگر عقب هستیم خودمان را تقویت کنیم و رشد بدهیم و اگر جلو هستیم، جلوتر برویم



گفت‌وگو با عبدالعظیم فریدون، مدیرعامل انتشارات محراب قلم



وقتی جاده باریک می‌شود

نگاهی به چند و چون آثار قرآنی

سمانه آزاد

تولید کتاب نتیجه خوبی نخواهد داشت. در تولید این گروه از آثار قصد بر این نیست که آموزش‌های دینی مستقیم داشته باشیم؛ چون تأثیرگذاری خود را از دست می‌دهد. از سوی دیگر نمی‌توان مانند کتاب‌های داستان و رمان وارد حوزه تخیل شد. همین محدودیت‌ها باعث می‌شود ناشران و نویسندگان با احتیاط وارد این حوزه شوند. ما هم جدا از این گروه نیستیم. لذا تولید کتاب‌های دینی و قرآنی، در انتشارات محراب قلم، که تعداد کمی هم نیستند همیشه با احتیاط همراه بوده و تلاش کرده‌ایم به آثار قرآنی نگاه آموزشی صرف نداشته باشیم

و از طرفی خطوط قرمز امور مقدس را هم رعایت کنیم.

چوایه آقای فریدون به نظر شما

اثر مطلوب قرآنی برای کودکان و نوجوانان چه ویژگی‌هایی دارد؟ باید محدودیت‌ها را رعایت کنیم. یعنی آموزش مستقیم دینی مدنظرمان نباشد و بهره‌گیری از تخیلات به مغایرت با واقعیات تاریخی و دینی منجر نشود. ویژگی‌های دیگر در کتاب‌های حوزه دیگر مشترک‌اند. ساختار منسجم، نشر و تصویر زیبا، چاپ مناسب و... هم باید رعایت شود. تلاش ما

اشاره

عبدالعظیم فریدون، مدیرعامل انتشارات محراب قلم معتقد است در حوزه آثار دینی و قرآنی نباید از روش آموزش مستقیم استفاده کرد؛ چرا که تأثیرگذاری کمتری بر مخاطب دارد. به جای آن، باید با رعایت خطوط قرمز و ایجاد جاذبه‌های تصویری، فرایند انتقال پیام را سریع‌تر و دلنشین‌تر کرد. این ناشر توجه عام به برنامه‌های درسی هر حوزه را یکی از راه‌های تعمیق مفاهیم دروس در تولید کتاب‌های کمک آموزشی می‌داند.

چوایه ایده تولید کتاب‌ها در انتشارات محراب قلم

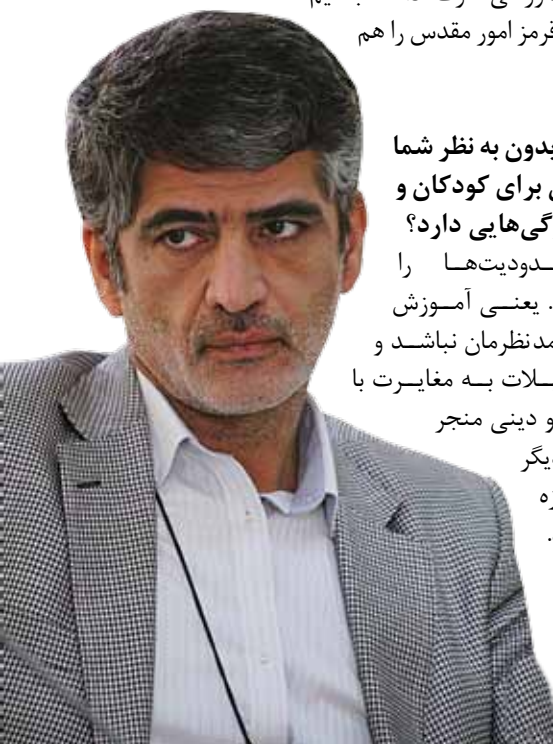
چگونه شکل می‌گیرد؟

بخشی از تولیدات ما مبتنی بر تجربیات سی‌ساله در حوزه نشر آموزش و پرورش است. بخش دیگر در برخورد چهره‌به‌چهره با مخاطبان در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و نمایشگاه‌های استانی شکل می‌گیرد و بخشی هم از طریق مشتریانی که به فروشگاه‌های ما مراجعه می‌کنند. در واقع هم ارتباطات چهره‌به‌چهره با مخاطبان و هم تجربه معلمی موجب می‌شود که نه تنها در تولید آثار قرآنی بلکه در بقیه آثار هم به موضوعاتی بپردازیم که مورد نیاز مخاطبان است.

چوایه به نظر شما تولید آثار قرآنی

به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان با چه دشواری‌ها و محدودیت‌هایی روبه‌روست؟ معمولاً امور دینی با برخی محدودیت‌ها در تألیف، در تصویرگری و در نوع ارائه روبه‌روست که اگر آن‌ها را نشناسیم

به نظر می‌رسد طرح سامان‌دهی، در مسیر قرار گرفته است و ناشران برای تولید منابع آموزشی و تربیتی به معیارهای آن توجه دارند اما برای رسیدن به اهداف، به زمان نیاز دارد



بر این است که این ویژگی‌ها را در کتاب‌های این حوزه بیشتر از حوزه‌های دیگر رعایت کنیم تا جذاب‌تر بنمایند. از سوی دیگر با رعایت این نکات، انتقال پیام‌ها به مخاطب سریع‌تر، مطلوب‌تر و دلنشین‌تر می‌شود.

۹۹۱۹ با توجه به تجربه‌هایی که دارید وضعیت نشر کتاب‌های کودک و نوجوان را در حوزه قرآنی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

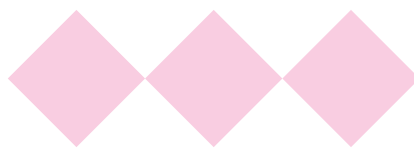
اگر با بخش بزرگ‌سال مقایسه کنیم می‌بینیم که محدودیت‌های بیشتری در حوزه کودک و نوجوان هست. عمده این محدودیت‌ها به دلیل نوع مخاطب است. در آثار مربوط به بزرگسالان این محدودیت‌ها کمتر است، چون قوه تشخیص بالاتر است. از این رو ناشر کودک و نوجوان با احتیاط بیشتری فعالیت می‌کند که خود باعث کند شدن حرکت ناشران این حوزه است. از سوی دیگر ناشران اصولاً به سمت انجام کارهایی می‌روند که سهل‌الوصول باشد؛ و تولید آثار قرآنی از این دست نیست. لذا نسبت کتاب‌های مناسب و خوب دینی در مقایسه با حوزه‌های دیگر خیلی کم است.

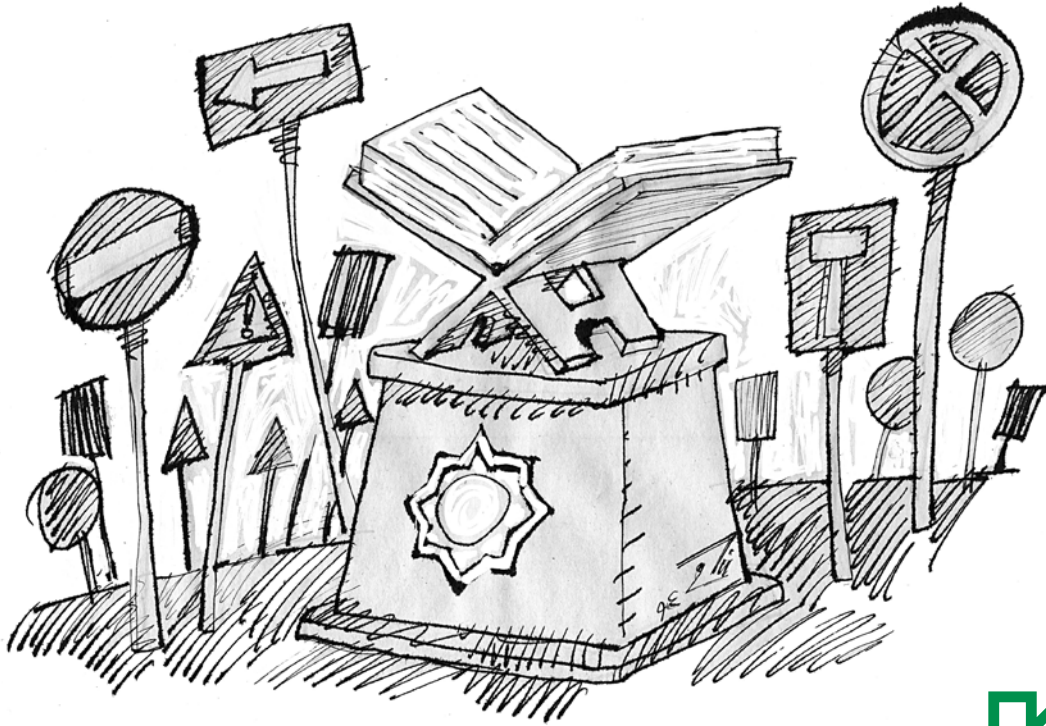
۹۹۱۹ یکی از مهم‌ترین معیارهای جشنواره تطابق کتاب‌های قرآنی با برنامه درسی است. آیا شما هم در تولیدات خود به برنامه توجه دارید؟

بله؛ البته ما نگاه عام به برنامه درسی و کتاب‌های درسی داریم. چون تولید کتاب با نگاه خاص به کتاب درسی، آن را تبدیل به کتاب کمک‌درسی می‌کند؛ اما به معنای عام به پیام‌های برنامه درسی، موضوعات و مفاهیم آن دقت داریم. کتاب‌های درسی به دلیل محدودیت‌هایی که دارند به سطوحی خاص از مفاهیم می‌پردازند. ما سعی داریم به طور عمیق به این مفاهیم بپردازیم. لذا حتماً با نگاه تعمیق به مفاهیم درسی حرکت می‌کنیم.

۹۹۱۹ یکی از مهم‌ترین اهداف جشنواره، سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی است که به مدارس راه پیدا می‌کنند. فکر می‌کنید جشنواره تا چه حد به هدف خود رسیده است؟

به نظر می‌رسد در مسیر قرار گرفته است. به هر حال برخی ناشران برای تولید برخی کتاب‌ها نگاهی به سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی و معیارهای آن دارند. اما به نظر می‌رسد برای رسیدن به اهداف به زمان نیاز دارد.





چه چیزی آموزش قرآن نیست؟

باورهای غلط در حوزه آموزش و فعالیتهای قرآنی

رضانباتی

کارشناس آموزش قرآن دفتر برنامه‌ریزی و تألیف

مقدمه

بحث را از یک باور غلط قدیمی شروع می‌کنیم که البته امروزی‌ها چیزی درباره آن نمی‌دانند و احتمالاً از شنیدن آن تعجب می‌کنند و شاید هم بخندند. تا چند دهه قبل، در برخی از نقاط کشور رسم بود افرادی که قاری قرآن بودند پس از قرائت هر سوره کوچک یا یک رکوع از سوره، نفسی عمیق می‌کشیدند و سپس داخل مشک خالی فوت می‌کردند و درش را فوری می‌بستند و باز سوره دیگری را... تا اینکه مشک پر از هوا می‌شد. آن‌گاه به قبرستان می‌رفتند و قرآن فوتی را به صاحبان مرده می‌فروختند. صاحبان مرده هم سر مشک را روی سنگ قبر قرار می‌دادند و باز می‌کردند و باد آن را نثار مرده می‌کردند! به این قضیه «قرآن فوتی» می‌گفتند. این قضیه در عین خنده‌دار بودن، عبرت‌آموز است و این سؤال را مطرح می‌کند: آیا آیندگان هم درباره برخی از باورهای ما

اشاره

برگزاری دوازدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد با موضوع کتاب‌های قرآنی، بهانه خوبی است تا در این ویژه‌نامه مؤلفان کتاب‌های آموزشی و کمک‌آموزشی و تولیدکنندگان محصولات قرآنی در جریان برخی تغییر و تحولات در حوزه آموزش و فعالیتهای قرآنی قرار گیرند. شاید این نوشته بتواند افکار و دغدغه‌های برنامه‌ریزان، ناشران و نویسندگان این عرصه را به هم نزدیک کند.

آن‌چه می‌خوانید دغدغه‌های رضانباتی از کارشناسان گروه قرآن و معارف و کتاب‌های درسی قرآن است. وی معتقد است اگر این تعامل، در مراحل اولیه بین برنامه‌ریزان درسی و تولیدکنندگان کتب و ابزارهای آموزشی و کمک‌آموزشی انجام گیرد، محصولات و تولیدات قرآنی در جهت تقویت برنامه‌های درسی قابلیت استفاده بیشتری خواهند داشت.

چنین قضاوتی خواهند داشت؟

به کجا چنین شتابان؟!

آیه ۵ سوره جمعه در مذمت قوم یهود که حقیقت دعوت پیامبر اکرم صلی... علیه و آله را می‌دانستند، اما از پذیرش آن سرباز می‌زدند، آن‌ها را به چارپایانی که کتاب حمل می‌کنند، تشبیه می‌کند؛ این سزای قومی است که کتاب آسمانی خود را مقدس می‌شمارند، ولی به آن عمل نمی‌کنند!

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ، ثُمَّ لَمْ يُحْمِلُوهَا،

كَمَثَلِ الْحِمَارِ، يَحْمِلُ أَسْفَارًا

بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ...،

وَ... لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

مثل کسانی که تورات بر آنان بار شد (و به آن مکلف گردیدند) آن‌گاه آن را به کار نیستند،

هم‌چون خری است که کتاب‌هایی را بر پشت می‌کشد؛

[و] چه زشت است، وصف آن قومی که آیات خدا را به دروغ گرفتند.

و خدا مردم ستمگر را راهنمایی نمی‌کند.

همواره باید از چنین آیاتی درس گرفت و با خود حدیث نفس کرد که «ما با کتاب خدا چه می‌کنیم؟ این همه تلاش و شتاب برای چیست و دیگران را با خود به کجا می‌بریم؟!»

آنچه بیان می‌شود از باب «وَوَدَّعَزَّوَجَرُّ، فَإِنَّ الدَّكْرَةَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» (ذاریات/ ۵۵) است؛ لذا امیدوارم سروران و دوستان محترم این نوشته را دقیق بخوانند و البته نقد منصفانه هم داشته باشند. این هم که از بعد سلبی به موضوع نگاه شده، از باب «تَعْرِفُ الْأَشْيَاءَ بِأَضْدَادِهَا» ست تا بدانیم که «همیشه تربیت و آموزش، اضافه کردن نیست؛ بلکه گاهی کاهش موانع و خلوت کردن حواشی و اصلاح وضعیت موجود نیز مسیر رشد و بالندگی آموزش و تربیت را هموار می‌کند.»

با وجود هزینه‌های فراوانی که در حوزه آموزش و فعالیت‌های قرآنی کشور در طول سال‌های متمادی شده و می‌شود (که البته کافی نیست)، این امر در ایران با وقفه علمی و رکود فکری نسبتاً شدیدی روبه‌رو بوده است. دلایل بسیاری بر این مسئله مترتب است. از جمله وجود باورهای غلط فرهنگی به ارث مانده از گذشته‌های نه‌چندان دور. بسیاری از روش‌های کنونی ما در آموزش قرآن اگر در گذشته، به دلایل فرهنگی آن روزگار تا حدودی نیازهای جامعه دینی را اقماع می‌کرد، امروز دیگر پاسخ‌گوی نیاز و ذائقه جامعه و به ویژه کودکان و نوجوانان نیست. از این رو نگاهی دوباره به آموزش قرآن و فعالیت‌های قرآنی ضرورت دارد. به‌ویژه که در سال‌های اخیر شاهد تولید، تصویب و ابلاغ اسناد تحولی گوناگونی در این حوزه بوده‌ایم و دیگر نمی‌توانیم با نگاه صرفاً سلیقه‌ای دست به تألیف و تولید اثر بزنیم.

اولین قدم؛ پذیرش اشتباه‌ها و اعتراف به وجود نواقص

بهتر است مهم‌ترین چالش در حوزه آموزش قرآن و فعالیت‌های قرآنی کشور را از زبان بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی بخوانیم. امام خمینی (ره) در کتاب «آداب الصلوة» چنین می‌نویسد: «یکی دیگر از حُجَب که مانع استفاده از این صحیفه نورانیه است اعتقاد به آن است که جز آنکه مفسرین نوشته یا فهمیده‌اند کسی را حق استفاده از قرآن شریف نیست و تفکر و تدبیر در آیات شریفه را با تفسیر به رأی که ممنوع است، اشتباه نموده‌اند و به واسطه این رأی فاسد و عقیده باطل، قرآن شریف را از جمیع فنون استفاده عاری و آن را به کلی مهجور کرده‌اند. در صورتی که استفاده اخلاقی و ایمانی و عرفانی به هیچ‌وجه مربوط به تفسیر نیست تا تفسیر به رأی باشد. مثلاً اگر کسی از قول خدای تعالی «الحمد لله رب العالمین» - که حصر جمیع

محامد و اختصاص تمامی آن است به حق تعالی - استفاده توحید افعالی کند و بگوید از این آیه شریفه استفاده می‌شود که هر کمال و جمال و هر عزت و جلالی که در عالم است، از حق تعالی است و هیچ موجودی را از خود چیزی نیست. این چه مربوط به تفسیر است؟! تا اسمش تفسیر به رأی باشد یا نباشد...»

امام راحل و در همین کتاب در باب مهجوریت قرآن در بلاد اسلامی در رد تفکر اخباری‌گری چند سده گذشته خاطر نشان می‌کنند: «آیا اگر غالب عمر خود را صرف در تجوید و جهات لغوی و بیانی و بدیعیته آن کردیم، این کتاب شریف را از مهجوریت بیرون آوردیم؟ آیا اگر قرائات مختلفه و امثال آن را فرا گرفتیم، از ننگ هجران از قرآن خلاصی پیدا کردیم؟ آیا اگر وجوه اعجاز قرآن و فنون محسنات آن را تعلم کردیم، از شکایت رسول خدا(ص) مستخلص شدیم؟ هیهات! که هیچ‌یک از این امور مورد نظر قرآن و مُنزل عظیم‌الشان آن نیست.»

امروز که ۳۷ سال از پیروزی شکوهمند نظام جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد، می‌توان این سؤال را مطرح کرد که چرا هنوز هم تفکر ناب شیعی، از آن دست که امام راحل می‌فرماید، بر آموزش و فعالیت‌های قرآنی این کشور حاکم نیست؟

براساس آیه دوم سوره جمعه، مبنای تفکر ما باید در حوزه آموزش و فعالیت‌های قرآنی، خود قرآن باشد؛ یعنی از قرآن درآمد باشد. این آیه به خوبی سیر تعالی آموزش‌ها و فعالیت‌های قرآنی کشور را ترسیم می‌کند: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ، يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يَرْكَبُهُمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ،...»

با عنایت به این آیه شریفه آیا تلاوت قرآن نباید اثربخش و

بسیاری از روش‌های کنونی ما در آموزش قرآن اگر در گذشته، به دلایل فرهنگی آن روزگار تا حدودی نیازهای جامعه دینی را اقماع می‌کرد، امروز دیگر پاسخ‌گوی نیاز و ذائقه جامعه و به ویژه کودکان و نوجوانان نیست



معنادار باشد (تزکیه)؟ آیا حکمت - که به تعبیر امیرالمؤمنین (ع)، «گمشده مؤمن» و میوه درخت تعلیم و تربیت است - نباید مورد توجه جدی در رویکرد برنامه‌ها و فعالیت‌های قرآنی کشور قرار گیرد؟

نخ تسبیح

نادیده گرفتن هدف «هدایت» به‌عنوان نخ تسبیح همه برنامه‌ها و فعالیت‌های قرآنی، یک خطای راهبردی در حوزه آموزش و فعالیت‌های قرآنی است. البته اگر عده‌ای بگویند: این هدف، از پیامدهای آموزش و فعالیت‌های قرآنی است، ضمن تأیید کلی این مطلب، سؤال مطرح می‌شود و آن این است که آیا این کار - یعنی واگذار کردن هدف «هدایت» به خود شخص و پیامد آموزش - کافی است و یا باید از ابتدا برای آن برنامه مشخص و مدوّن داشته باشیم؟

تلاوت یا قرائت قرآن، یعنی خواندن همراه با فهم و تفکر

در محافل و مجالس و همایش‌ها، قاریان و حافظان، قرآن را به‌صورت ترتیل و تحقیق می‌خوانند و دیگران هم فقط گوش می‌دهند و اغلب چیزی از آیات خوانده شده نمی‌فهمند. درحالی‌که اگر به مفهوم واژه «تلاوت» در تفاسیر معتبر - چون المیزان - نگاه کنیم خواهیم دید تلاوت یعنی خواندن و فهمیدن و عمل کردن. (المیزان - در تفسیر آیه ۲ سوره جمعه) همین تفکر - یعنی جدایی آموزش مهارت‌های قرآنی از هدایت و معارف قرآنی - موجب شده که موضوع انس مستمر فرد با قرآن کریم در اغلب افراد اتفاق نیفتد و از عواقب آن، این است که آموزش روخوانی قرآن از پیش‌دبستانی تا دانشگاه ادامه یافته است.

امام خمینی (ره) در معرفی قرآن، تعبیر زیبایی دارند که می‌تواند مبنای تعلیم کتاب ا... باشد: «قرآن کریم، کتاب الهی است و در آن شئون الهیت است؛ قرآن حیل متصل بین خالق و مخلوق است و به‌وسیله تعلیمات آن باید رابطه معنوی و ارتباط غیبی بین بندگان خدا و مربی آن‌ها پیدا شود. از قرآن باید علوم الهیه و معارف لدنیه حاصل شود. رسول خدا(ص) به حسب روایت کافی شریف فرموده: «لِنَمَّا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ: آيَةٌ مُحْكَمَةٌ وَ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ وَ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ»

آموزش اگر پیش‌برنده نباشد، واژگون‌کننده است

آموزش مکرر قواعد روخوانی (حروف، حرکات، علائم و نمادهای خط قرآن) در مقاطع مختلف از دیگر روش‌های غلط در آموزش قرآن است؛ چرا که مسیر تکراری، حس پیشرفت را می‌گیرد و این نوع یادگیری، محکوم به فنا است؛ مگر آنکه بین آن‌ها پل زده شود. به‌عنوان مثال، بچه‌ها دست‌کم یک بار روخوانی و روان‌خوانی را در مدرسه یاد گرفته‌اند، پس نباید مطالب برای آن‌ها تکرار شود و حتی به غیر از آموزش و پرورش که متولی

آموزش روخوانی و روان‌خوانی قرآن به تمامی دانش‌آموزان کشور است، نباید هیچ ارگان و مؤسسه قرآنی دیگری به این موضوع به‌صورت رسمی بپردازد. پس هر دستگاهی باید به مأموریت ذاتی و وظیفه اصلی خود عمل کند.

معلمان قرآن در امر تدریس به «صلاحیت‌های حرفه‌ای» فراوانی نیاز دارند که علاوه بر دانش مفهومی، دانش روشی آن‌ها را هم تأمین کند. استفاده از فناوری‌های روز نیازمند دقت کافی است تا در کنار استفاده صحیح، آسیب‌های آن را به حداقل برسانند؛ زیرا سیستم‌ها اگر قابلیت تطابق با یادگیرنده را نداشته باشند، مخرب فرایند آموزش معلم و نیز یادگیری دانش‌آموز خواهند بود.

چالش مزمن روخوانی

دلیل طولانی شدن آموزش روخوانی از پیش‌دبستانی تا دانشگاه، غیرعلمی بودن اغلب آموزش‌های روخوانی قرآن در کشور است؛ زیرا آموزش روخوانی که یک «تجربه دیداری» است، با استفاده از «روش‌های شنیداری» نه تنها محقق نمی‌شود، بلکه فرد را دچار ناتوانی مزمن کلی خوانی می‌کند که اغلب تا آخر عمر همراه اوست و گذشت زمان هم سن یادگیری مهارت دیداری خواندن را از فرد سلب می‌کند و از این‌رو ناتوانی روخوانی به‌عنوان یک چالش جدی در کشور لاینحل می‌ماند.

تفکر، پشتوانه عمل

تبدیل افراد به رایانه‌ای دارای پوست و گوشت، به نام حافظ قرآن، بدون توجه به ابعاد تربیتی و هدایتی، نگاهی نیست که اسلام عزیز به دنبال آن است. تربیت ۱۰ میلیون حافظ قرآن بدون پشتوانه تفکر، کاری نافرجام است. از باورهای غلط این است که اگر یک «طرح ملی قرآنی» و پول باشد، می‌توان همه کشور را حافظ قرآن کرد؛ مانند کشور لیبی که به لقب کشور حافظان قرآن معروف است.

هر ساله ده‌ها طرح ملی جدید متولد و به همین اندازه، ده‌ها طرح ملی قبلی تعطیل می‌شود؛ غافل از اینکه اصل باید بر سیاست تمرکززدایی باشد؛ زیرا طرح‌های ملی بودجه‌های کلان را می‌بلعند و در عوض رقبای ضعیف را از بین می‌برند و چیزی جز کشتن استعدادها و انگیزه‌ها و ایجاد انتظارات بی‌پاسخ هر چیزی به ارمغان نمی‌آورند.

در واقع این هم از باورهای غلط است که همیشه خواسته‌ایم یک‌شبه به همه اهداف آرمانی برسیم و در عین حال برای برنامه‌ریزی و مشاوره هزینه نکنیم، زیرساخت‌ها را آماده نسازیم و فرهنگ جامعه را در پذیرش و مشارکت در آن در نظر نگیریم. نتیجه اینکه، پس از گذشت چندین دهه، در بسیاری از موارد هنوز در آغاز راه هستیم و نتایج جالب و قابل لمس دیده نمی‌شود. در کشور فرصت‌های عظیمی وجود دارد که بدون توجه و استفاده رها شده است؛ در حالی‌که با مطالعه دقیق و کمی حمایت و توجه می‌توان جهشی عظیم و ماندگار در فعالیت‌های قرآنی کشور ایجاد کرد.

راهکار اساسی

باید عقلای تعلیم و تربیت دینی و علمای یادگیری و کارشناسان قرآنی در مجامع علمی مشترک بنشینند و آیات و فرازهای شریف قرآن کریم را «براساس نیاز گروه‌های سنی» دسته‌بندی کنند و فرازهایی را که برای مخاطبان خاص، «معنادار» (یعنی مبتنی بر نیازهای امروزی) است، احصا و اولویت‌بندی کنند و آن‌گاه برای آموزش این فرازها، آیات و سوره، ظرفیت مورد نظر را هم از حیث طراحی محتوا و هم روش آموزش، تولید و تدوین کنند. در حال حاضر برخلاف چنین رویه‌ای عمل می‌شود و طبیعی است که نتیجه‌ای عاید نخواهد شد.

پرهیز از نگاه تک‌ساحتی به قرآن

عدم موفقیت برخی از برنامه‌ها و آموزش‌ها که ناشی از پافشاری در حفظ این باورها از یک‌سوست، و وجود نگاه تک‌بعدی (فارغ از فهم و تدبیر و هدایت) از سوی دیگر، از دیگر باورهای غلط در آموزش قرآن است. با توجه به ضرورت اصلاح رویه‌های موجود امید است در اسرع وقت در این باره تجدید نظر لازم صورت گیرد، چرا که اگر قرآن کریم را صرفاً یک کتاب مقدس بدانیم و فقط برای کسب ثواب آن را بخوانیم، در واقع این کتاب الهی را از جایگاه اصلی آن یعنی هدایت، به کسب ثواب تقلیل داده‌ایم؛ و این ظلم به قرآن کریم است.

قرآن، کتابی برای همه فصول

بخش مهمی از کارکرد قرآن کریم در جامعه امروز، نسبت به صدر اسلام و زمان اهل‌بیت (ع) تغییر کرده است. شواهد نشان می‌دهد که در برنامه‌های فعلی ما، از همان ابتدای آموزش خواندن، سوگیری ما به جای پرداختن به آموزش عمومی قرآن و استفاده از قرآن کریم به‌عنوان کتاب زندگی، پرداختن به تربیت قاری و حافظ قرآن کریم، یعنی قهرمان‌پروری است. در واقع قرائت و حفظی که باید هدف آلی (ابزاری) ما باشد، به هدف غایی و آرمانی ما تبدیل شده است و این از باورهای غلط است. نظریه «هوش‌های یادگیری» (هوارد گاردنر) ثابت می‌کند که هدف قهرمان‌پروری در حد خود می‌تواند موفق باشد، اما قابلیت تعمیم‌پذیری ندارد؛ به عبارت دیگر قهرمانان همیشه در فکر شکست دیگران هستند. تجربه جمهوری اسلامی نشان می‌دهد نگاه تک‌ساحتی به فعالیت‌های قرآنی، مدال‌های رنگارنگ قهرمانی جهانی را برای متسابقین قرآنی به ارمغان آورده است؛ اما آیا در کنار این رویش‌ها هرگز به ریزش‌ها و علل آن توجه کرده‌ایم؟

توجه به مطالبات قرآن درباره خودش

آیات متعددی در قرآن وجود دارد که به انتظار قرآن از مسلمانان درباره قرآن کریم اشاره دارد. این انتظارات و مطالبات باید مورد نظر برنامه‌ریزان و معلمان قرآن باشد؛ مانند تلاوت و قرائت، تفکر و تدبیر، عمل، آموزش، رعایت آداب تلاوت، حفظ، تأثیرپذیری و... در مورد این مطالبات که در قالب اهداف آموزش عمومی قرآن

کشور هم به تصویب رسیده و ارائه شده، اولاً باید از نگاه تک‌بعدی پرهیز کرد و ثانیاً باید مبانی و مبادی این اهداف را مشخص نمود.

پرهیز از نگاه تربیتی غربی به فعالیت‌های قرآنی

با توجه به هجسه فرهنگی و رسانه‌ای غرب و تعبیر مقام معظم رهبری مبنی بر اینکه «ما در حال گذر از یک پیچ تاریخی هستیم»، ما نیاز داریم این پیچ تاریخی را با بصیرت و به سلامت طی کنیم. متأسفانه در چند دهه اخیر در آموزش و فعالیت‌های قرآنی کشور، به‌صورت خواسته یا ناخواسته دچار یک عقب‌ماندگی تاریخی شده‌ایم. علت این عقب‌ماندگی را نیز می‌توان در تقلید از سیستم‌های نادرست آموزشی و تربیتی غرب و بی‌توجهی به موضوعاتی چون «فطرت»، «حکمت»، «معرفت» و ارزش‌های والای الهی - انسانی که همه منبعث از قرآن کریم است، دانست. در واقع ما به جای آنکه با مطالعه دقیق دستاوردهای علمی، از

این دستاوردها استفاده سنجیده‌ای داشته باشیم و به تعبیر صحیح‌تر آن را بومی کنیم، اغلب مغلوب فرهنگ غرب شده و چشم و گوش بسته آن را پذیرفته‌ایم و در فعالیت‌های قرآنی هم از چنین دیدگاه‌هایی بهره می‌جوییم. حاصل چنین رویه‌ای، بروز تضادهای تربیتی در جامعه، به‌خصوص در میان قشر جوان و تحصیل کرده است.

طبق فرمایش پیامبر اعظم (ص) که می‌فرمایند، «فَإِذَا التَّبَسَّطَ عَلَیْكُمْ الْفَتْنُ كَقَطْعِ اللَّیْلِ الْمُظْلِمِ، فَعَلَّیْكُمْ بِالْقُرْآنِ» (هنگامی که فتنه‌های

زمانه، مانند پاره‌های شب تار، شما را در بر گرفت، به قرآن کریم چنگ زنید و از آن کمک بگیرید). باید از قرآن استعانت بجوییم؛ اما «به‌راستی آیا امروز آموزش‌ها و فعالیت‌های قرآنی کشور، توان چنین کمکی را به دین خدا دارد؟!»

ثواب محرک است نه پاسخ

طبق نظریه «محرک و پاسخ» که در حوزه روان‌شناسی یادگیری، از آن به‌عنوان شرطی‌سازی در حوزه آموزش یاد می‌کنند. (مانند اسکینر و پاولف) اگر بخواهیم علاقه و انگیزه فرد را نسبت به یادگیری تقویت کنیم، لازم است از محرک استفاده کنیم. پس می‌توان جایزه را به‌عنوان «محرک» و نتیجه عمل را به‌عنوان «پاسخ» در نظر گرفت. این نظریه که کاربردهای فراوانی در آموزش و یادگیری دارد، در واقع اولین بار در ادیان الهی مانند اسلام مطرح شده است، یعنی «ثواب» همان محرک است و عمل صالح همان پاسخ. اما متأسفانه به‌دلیل استحاله فرهنگی در جوامع اسلامی به این قاعده برعکس عمل می‌شود و به یک باور غلط تبدیل شده است.

برای روشن شدن موضوع مثالی می‌زنم. شما برای اینکه فرزندان نماز (پاسخ) بخواند به او جایزه (محرک) می‌دهید تا

اگر قرآن کریم را صرفاً یک کتاب مقدس بدانیم و فقط برای کسب ثواب آن را بخوانیم، در واقع این کتاب الهی را از جایگاه اصلی آن یعنی هدایت، به کسب ثواب تقلیل داده‌ایم؛ و این ظلم به قرآن کریم است



تشویق شود. این خیلی عالی است؛ اما اگر این کار را آن قدر تکرار کنید تا جایزه به هدف تبدیل شود، آن گاه فرزند شما شرطی می‌شود؛ یعنی او نماز می‌خواند تا جایزه بگیرد و این یعنی نوعی انحراف و خطر برای بروز انحطاط در عرصه تربیت دینی جامعه. یکی دیگر از باورهای غلط جامعه دینی ما نگاه کمی به جای نگاه کیفی به مسائل اعتقادی است، یعنی فقط برای کسب ثواب بیشتر؛ و این یعنی محدود کردن دین به عنوان یک امر اخروی. از شما خواننده محترم می‌پرسم آیا کیفیت خواندن و بهره‌مندی شما از قرآن نسبت به مثلاً ۱۰ سال قبل بهتر شده یا ثابت مانده است؟ اگر جامعه ما نسبت به سال‌های قبل پیشرفت محسوس و قابل قبولی را نشان دهد، معلوم است که ما در سیر کمال طی طریق کرده‌ایم و آلا خیر. تقلیل ارزش‌های دینی مانند انس با قرآن کریم و ائمه معصومین (ع)، نماز و روزه و... در حد فقط ثواب، نمی‌تواند نقش مؤثری در اصلاح الگوی زیستی ما داشته باشد.

در مقابل این باور غلط، نگاه حکیمانه مقام معظم رهبری در طرح الگوی سبک زندگی اسلامی مطرح می‌شود؛ یقیناً تحقق چنین امری در بازگشت دوباره به قرآن کریم و معارف اهل بیت (ع) است.

اصلاح در رویکردهای آموزشی

امام خمینی فرمودند: «تربیت، باید قرآنی باشد و بچه‌های ما باید تربیت قرآنی بشوند.» با عنایت به این گونه تعبیر، که در اسناد تحولی به کسرات مورد تأکید قرار گرفته، رویکردهای آموزشی کنونی باید اصلاح شود؛ «رویکرد» چتر حاکم بر برنامه‌های درسی و آموزشی اعم از اهداف، محتوا، روش آموزش، ارزش‌یابی و... است. یکی از باورهای غلط در حوزه آموزش قرآن، اتخاذ رویکرد آموزش روخوانی و روان‌خوانی کل قرآن در (مثلاً) ۲۰ جلسه است. این رویکرد که در تمامی

آموزش‌های قرآن کشور مطرح می‌شود، از نظر منطق برنامه و هدف‌نویسی «نه ضرورت» دارد و «نه امکان» اما به دلیل موروثی بودنش همیشه مطرح است.

و نیز از آنجا که «خواندن» و «فهمیدن» دو روی یک سکه هستند، ولی ما به اشتباه این دو را از هم جدا می‌دانیم، مهم‌ترین کاری که در زمینه آموزش قرآن باید صورت پذیرد این است که در برنامه‌ریزی‌ها در کنار توجه به آموزش مهارت‌های خواندن، مانند قرائت و حفظ، موضوع «تربیت» هم به‌عنوان محور برنامه‌ریزی و هدف‌نویسی مورد توجه قرار گیرد.

نگاه فرهنگی به آموزش و فعالیت‌های قرآنی

ما ناتوانی مردم در خواندن قرآن کریم را همواره ناشی از نحوه

آموزش و روش‌های یاددهی - یادگیری آن می‌دانیم، غافل از اینکه اغلب مردم ما در دوران مدرسه با روخوانی قرآن آشنا شده و دوره دیده‌اند. پس لزومی به تکرار آموزش ندارند. در حقیقت هزینه کردن حتی یک ریال برای آموزش روخوانی قرآن اسراف بیت‌المال محسوب می‌شود؛ زیرا مشکل اصلاً در اینجا نیست، بلکه این مشکل یک مشکل فرهنگی است؛ یعنی نخواندن قرآن و عدم انس با قرآن کریم؛ و این مشکل با آموزش حل نمی‌شود. این مشکل ریشه در کم‌توجهی معلمان و متولیان قرآنی به موضوع فرهنگی انس دائمی با قرآن کریم دارد. در این زمینه چقدر کار کرده‌ایم؟ شاید تنها برنامه مؤثر در این زمینه «طرح تلاوت نور مساجد» باشد و نیز تلاوت روزانه قرآن کریم در ماه مبارک رمضان؛ که البته با توجه به مسائلی که گفته شد به دلیل موردی، یا محدود و تک ساحتی بودن هریک از آن‌ها، توفیق آن‌ها نیز در سایر زمان‌ها چندان مشهود نیست.

آموزش با پیوست پژوهش

هر عملی باید مبتنی بر پژوهش و کاربست نتایج آن باشد. اما این اصل مسلم عموماً در آموزش‌ها و فعالیت‌های قرآنی به درستی مورد توجه قرار نمی‌گیرد. همین مسئله است که موجب تحمیل هزینه‌های سنگین و در عوض نتایج ضعیف می‌شود. این مشکل در اثر وضعیت فرهنگی حاکم بر جامعه که بر حفظ داشته‌های غلط گذشته تأکید دارد، خواسته یا ناخواسته زمینه بروز مقاومت فرهنگی را به وجود می‌آورد.

از این رو «استحاله» خطری است در کمین طرح‌ها و برنامه‌های فرهنگی و قرآنی و نیز اسناد تحولی کشور. راه برون‌رفت از این وضعیت توجه به همه ابعاد برنامه آموزشی یعنی برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی است که جز با مراقب و حمایت به نتیجه نمی‌رسد.

خانواده، مسئول اصلی آموزش قرآن

آموزش‌وپرورش یاور خانواده و متقابلاً خانواده یاور آموزش‌وپرورش در تحقق تعلیم‌وتربیت اسلامی است. پس فعالیت‌های قرآنی نباید تنها بر دوش معلمان و آموزش‌وپرورش سنگینی کند؛ بلکه خانواده‌ها نیز باید وظیفه خود را در این خصوص انجام دهند. بی‌تردید یکی از مهم‌ترین آسیب‌های فعلی در آموزش قرآن، عدم مشارکت عملی از سوی والدین است که در این زمینه به بازی گرفته نمی‌شوند. باید این باور غلط خانواده‌ها اصلاح شود که تربیت اخلاقی و اسلامی فرزندان‌شان تنها وظیفه مدرسه و جامعه اسلامی است. از این‌رو در وهله اول نهاد خانواده باید هم‌پای معلم در فعالیت‌ها مشارکت کند و در وهله دوم این امر نیازمند آموزش و فرهنگ‌سازی است.

سخن پایانی این که اگر این نوشته توانسته باشد فقط تلنگری در ذهن و فکر خوانندگان بزند همه ما نزد خدا مأجوریم. امید که صاحبان اندیشه این مطالب را بدون هیچ ملاحظه‌ای نقد کنند؛ البته نقد عالمانه و منصفانه.

از آنجا که «خواندن» و «فهمیدن» دو روی یک سکه هستند، ولی ما به اشتباه این دو را از هم جدا می‌دانیم، مهم‌ترین کاری که در زمینه آموزش قرآن باید صورت پذیرد این است که در برنامه‌ریزی‌ها در کنار توجه به آموزش مهارت‌های خواندن، «تربیت» هم به‌عنوان محور برنامه‌ریزی و هدف‌نویسی مورد توجه قرار گیرد



قلب این کتاب‌ها تندتر می‌تپد

رقابت ۳۱ عنوان کتاب برای تصاحب عنوان برگزیده و تقدیری

دبیرخانه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی

اینک، در این گزارش کوتاه اجمالاً به معرفی نامزدهای هر گروه می‌پردازیم. در مرحله بعد، چالش داوران محترم این خواهد بود که معلوم کنند کدام یکی از این نامزدها، استحقاق کسب عنوان برگزیده یا تقدیری جشنواره دوازدهم را دارند.

در آینه آمار

۲۱۴ کتاب مناسب راه یافته به جشنواره دوازدهم، متعلق به ۷۷ ناشر است. از این تعداد ۳۴ ناشر (۴۴ درصد) شهرستانی و بقیه تهرانی‌اند. از نظر تعداد کتاب‌ها نیز ۸۸ عنوان (۴۱ درصد) در شهرستان‌ها چاپ و منتشر شده که به نظر می‌رسد نسبت قابل توجهی است.

در شش گروه جشنواره، مجموعاً ۳۱ عنوان کتاب نامزد دریافت جایزه شده‌اند. این عنوان‌ها، به ۲۶ ناشر تعلق دارند که ۱۱ ناشر آن شهرستانی هستند. به این ترتیب می‌توان گفت سهم ناشران شهرستانی از کتاب‌های نامزد شده، اندکی بیش از ۴۲ درصد است. در صورتی که موارد تکرار شده را هم در نظر بگیریم، این رقم به ۳۵ درصد کاهش پیدا می‌کند، زیرا از برخی ناشران تهرانی بیش از یک مورد نامزد معرفی شده است. انتشارات مدرسه با سه

کوتاه تا به امروز

دوازدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی، به جشنواره‌ای ویژه کتاب‌های قرآنی تبدیل شد تا بدین وسیله، اهتمام ویژه ناشران و مسئولان مربوطه بیش از پیش به مسئله تولید و انتشار کتاب‌های قرآنی، خصوصاً برای مخاطب دانش‌آموز، جلب شود.

به این منظور تقریباً با تمام ناشرانی که در فاصله چهار ساله ۹۳-۱۳۹۰ کتابی در حوزه قرآن منتشر کرده بودند، تماس گرفته و خبر برگزاری جشنواره تلفنی به آن‌ها اطلاع داده شد.

از میان کتاب‌های قرآنی رسیده، در نهایت ۲۱۴ عنوان آن‌ها برای مخاطب دانش‌آموز و معلم مناسب و مفید تشخیص داده شد و با این تعداد کتاب رقابت‌های جشنواره دوازدهم کلید خورد. کتاب‌های مناسب به شش گروه تقسیم و برای داوری هر گروه، سه داور دعوت شدند. هر گروه داوری، در وهله نخست بخشی از کتاب‌ها را از غربال گذراند. سپس برای تک‌تک کتاب‌هایی که باقی مانده بود، فرم ارزیابی تکمیل شد و هر کتاب که براساس میانگین نمرات سه داور، بالاتر از بقیه قرار گرفت، براساس نظر گروه به عنوان نامزد دریافت عنوان برگزیده تعیین شد.



کنار گذاشته شدند: اولی کتابی بود از انتشارات طلایی با عنوان «سرود آسمانی: آموزش قرآن و زبان وحی» و دیگری کتابی از انتشارات مدرسه با عنوان رنگین کمان. در هر حال پنج عنوان کتابی که در نهایت برای کسب عنوان برگزیده در این گروه نامزد شدند از این قرار بودند:

- **ادبستان قرآن**، غلام عباس سرشور خراسانی / محمد قدوسی / محمدجعفر محبی / سیدهدادی محدث / رضا نباتی / مسعود وکیل / انتشارات محراب قلم
- **حفظ آسان قرآن**، علی رضا شاهسونی / انتشارات فجر قرآن
- **قرآن دانش آموز** (سال اول)، سیدهدادی محدث، محمود کریمی، سیدمحمود چاوشی / انتشارات دانش آموز
- **کتاب کار آموزش قرآن پایه هشتم (و هفتم)**، علیرضا لکزایی / انتشارات بخشایش
- **معلم یار دین و زندگی ۲** / تألیف مریم حجت و فرشته قاسم‌زاده / انتشارات ضریح آفتاب و نیز
- **معلم یار دین و زندگی ۳** / از همین مؤلفان / انتشارات کتابدار توس.

۳. گروه دانستنی‌ها و لطایف قرآنی

در این گروه داوری که یاسین شکرانی، سیدسجاد طباطبایی‌نژاد و رضا نباتی کار قضاوت را در آن بر عهده داشتند از ۲۱ عنوان کتاب راه یافته به جشنواره دوازدهم، چهار عنوان برای برگزاری دور نهایی رقابت‌ها معرفی شدند. این گروه در بین گروه‌های شش‌گانه جشنواره کمترین تعداد کتاب‌های رسیده را داشت.

- چهار کتاب برگزیده عبارت بودند از:
- مجموعه سه جلدی آشنایی با معارف قرآنی به شیوه سرگرمی: **قرآن، کودک، سرگرمی**، علیرضا افشاری‌مقدم / انتشارات جمال
- **مجموعه پنج جلدی پنجره‌ای به روشنی**: گامی نو در جهت حفظ و شناخت قرآن برای دبستانی‌ها، محمد سهیلی‌پور /

عنوان، بیشترین تعداد نامزدهای معرفی شده را دارد و پس از آن امیرکبیر، خانه کتاب، طلایی، قدیانی و کانون اندیشه جوان هر کدام دو عنوان از کتاب‌های معرفی شده را به خود اختصاص داده‌اند. در ادامه به معرفی هر گروه و کتاب‌های نامزد شده از سوی آن می‌پردازیم.

۱. گروه تفسیر و ترجمه قرآن

- در این گروه آقایان حجت‌الاسلام سید جواد بهشتی، محمود کریمی و سید محمدحسین میرباقری، در مرحله غربالگری به ۱۴ عنوان از ۳۲ عنوان کتاب رسیده اجازه عبور دادند. سپس ۶ عنوان از کتاب‌ها را برای دریافت کسب عنوان برگزیده و تقدیری نامزد کردند. عناوین نامزدهای این گروه از این قرارند:
- **تفسیر قرآن و روش‌های آن**، عزت‌ا... مرتضایی / انتشارات خانه کتاب
- **تفسیر معین: راهنمای مفاهیم قرآن کریم**، تألیف محمد هویدی، ترجمه احمدبرادری و دیگران / انتشارات مدرسه
- **دایرةالمعارف موضوعی قرآن مجید**، اسماعیل لطفی / انتشارات ارون
- **علوم قرآنی**، کریم دولتی / انتشارات خانه کتاب
- **فرهنگ‌نامه سوره‌های قرآن به زبان ساده**، غلامرضا حیدری ابهری / انتشارات قدیانی
- **قرآن شناخت**، محمدعلی اسدی نسب / انتشارات کانون اندیشه جوان

۲. گروه حفظ و آموزش روخوانی

در گروه حفظ و آموزش روخوانی، آقایان **علی اصغر امینی**، سیدمه‌دی سیف و احمد شاه‌علی با بررسی ۳۴ عنوان کتاب به فهرست نهایی، شامل ۵ کتاب، دست یافتند. شایان ذکر است که در این گروه دو عنوان از کتاب‌های منتخب چون در جشنواره‌های پیشین (دهم و یازدهم) نیز حضور داشتند و جایزه هم کسب کرده بودند از فهرست نامزدهای دریافت جایزه

انتشارات نوشته

- **بچه‌ها سلام: آشنایی با آداب سلام، حجت‌الاسلام** والمسلمین راستگو، معاونت پژوهش مؤسسه فرهنگی یاسین / انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری یاسین امین
- **قرآن خودمونی: دعاهای قرآنی، حسین زمانی / انتشارات احسان**

ناصر نادری و حبیب یوسفزاده از بین ۳۳ عنوان کتاب داستان، به چهار عنوان اجازه دادند دور آخر رقابت‌ها را برگزار کنند. نیمی از این چهار عنوان سهم انتشارات مدرسه و نیمی سهم انتشارات طلایی است. گروه قصه‌های قرآنی را نیز می‌توان سریع‌ترین گروه جشنواره در داوری دانست. چهار نامزد گروه از این قرار بودند:

- **راه و چاه: قصه‌های قرآنی، شهرام شفیعی / انتشارات طلایی**
- **قصه‌های بهشتی: زندگی حضرت نوح(ع)، سوسن طاقدیس / انتشارات مدرسه**
- **مجموعه ۱۲ جلدی قصه‌های خدا، بهروز رضایی کهریزی / انتشارات طلایی**
- **مجموعه پنج جلدی قصه‌های شیرین قرآن (مجموعه)، مهری ماهوتی / انتشارات مدرسه**

۴. گروه قرآن و سبک زندگی

از ۴۱ عنوان کتابی که در گروه قرآن و سبک زندگی به داوری گذاشته شد، ۱۴ عنوان از مرحله غربالگری عبور کردند که پس از بحث و بررسی آقایان **محمد مهدی اعتصامی، احمد برادری و محمدرضا عاقلزاده**، هفت عنوان به جمع نامزدهای کسب عنوان برگزیده راه یافتند. گروه قرآن و سبک زندگی را می‌توان دست و دل‌بازترین گروه جشنواره دوازدهم در معرفی نامزدها دانست.

۶. گروه مفاهیم و معارف قرآن کریم

- در این گروه خانم **فاطمه فاخر** و آقایان **علی فرخی و مسعود وکیل** با بررسی ۴۴ عنوان کتاب، ابتدا به ۱۴ عنوان، مجوز عبور از مرحله غربالگری را دادند. سپس پنج عنوان از کتاب‌ها را برای رقابت بر سر عنوان برگزیده به دور نهایی فرستادند. پنج نامزد گروه داوری مفاهیم و معارف نیز از این قرارند:
- **ارتباط نهج‌البلاغه با قرآن، مجید معارف، حامد شریعتی نیاسر / انتشارات بنیاد نهج‌البلاغه**
 - **تحلیل دعوت حضرت ابراهیم علیه‌السلام در قرآن کریم با رویکرد تربیتی، سید محمد دلبری / انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)**
 - **فرجام فرخنده: پژوهشی در اصالت خاتمیت، مهدی حبیبی / انتشارات گوی**
 - **نقش تاریخی زن از دیدگاه قرآن، سیدابراهیم حسینی / انتشارات کانون اندیشه جوان**
 - **همه به جهنم می‌روند، حتی... بازخوانی داغ‌ترین آیه قرآن، علیرضا برازش / انتشارات امیرکبیر**

گفتنی است در لابه‌لای صفحات این شماره از جوانه، شماری از کتاب‌های نامزد شده، به منظور آشنایی بیشتر و بهتر شما با آن‌ها، به نقد و بررسی گذاشته شده‌اند؛ همچنین با پدیدآورندگان برخی از این آثار گفت‌وگوهایی ترتیب داده شده که خواندن آن‌ها خالی از لطف نیست.

برای دانستن نتیجه نهایی داوری‌ها، تا عصر روز ۲۹ آذرماه ۱۳۹۴ باید صبری به خرج داد. خوانندگان محترم جوانه نیز برای شناختن برگزیدگان، باید تا انتشار شماره بعدی جوانه، ندان بر جگر بگذارند و در انتظار بمانند.

- **آداب معاشرت در اسلام، ناصر مکارم شیرازی، تهیه و تنظیم: ابوالقاسم علیان‌نژاد دامغانی / انتشارات امام‌علی‌بن‌ابی طالب(ع)**
- **مجموعه دو جلدی آموزش روش‌های تدبیر در قرآن (ج ۱: مقدمات تدبیر در قرآن / ج ۲: روش‌های تفکر در قرآن) احمدرضا اخوت / انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت(ع) و همشهری**
- **امر به معروف و نهی از منکر در آینه قرآن کریم، محمد عابدی میانجی / انتشارات معروف**
- **فرهنگ‌نامه سبک زندگی: آموزه‌هایی از قرآن و اهل‌بیت(ع)، غلامرضا حیدری ابهری / انتشارات قدیانی**
- **مجموعه ده جلدی سبک زندگی با عناوین ازدواج، خانواده، مسائل تربیتی کودک، احترام به والدین، کودکان یتیم، کمک به بیمار، هدیه در اسلام، انفاق و بخشش، مشارکت اجتماعی و اشتغال و کارآفرینی. این مجموعه حاصل قلم آقای میثم طاهرآبادی (با مشارکت مهرناز رسولزاده و علیرضا احمدی) و آقایان علی روایی و سید علی موسوی است و از سوی مؤسسه ندای قرآن منتشر شده است.**
- **نگرشی دیگر به قرآن (همراه با کارگاه آموزشی نگرشی دیگر به قرآن، مهدی نخاوی / انتشارات مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلامی**
- **همه را دوست بداریم، علیرضا برازش / انتشارات امیرکبیر**

۵. گروه قصه‌های قرآنی

داوران گروه قصه‌های قرآنی، متشکل از آقایان **پرویز آزادی**،



تطبيق با متن قرآن

چند نکته قابل توجه درباره کتاب قصه‌های قرآنی راه و چاه

دکتر پرویز آزادی

را آفرید.»

این عبارت اشاره به آیه آغازین سوره نساء دارد که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا»

در اینجا منظور از «خَلَقَ مِنْهَا» خلق همسر آدم از آدم نیست بلکه منظور این است که خدا انسان و همسرش را از «نفس نوع» آفرید نه اینکه «حوّا» را از «آدم» آفرید. این بیان بیشتر با تعالیم توراتی و اسرائیلیات سازگار است نه با تعالیم اسلامی. همین موضوع بار دیگر در صفحه ۱۳ تأیید شده است. جایی که مؤلف می‌نویسد:

«آدم تنها بود. خدا حوّا را از همان گل آفرید و او را همسر آدم کرد.»

از این عبارت چنین برداشت می‌شود که خدا حوّا را از باقی مانده همان «گل آدم» آفریده است نه از جنس همان گل که باز اشکال فوق بر آن وارد است.

ب. در صفحه ۱۲ آمده است:

«شیطان گفت امروز روز جان گرفتن خاک است. اما انسان‌ها بار دیگر به خاک خاموش باز می‌گردند. در قیامت، تو دوباره به خاکیان جان خواهی داد. من تا آن

کتاب «راه و چاه» نگاشته آقای شهرام شفیعی اثری قابل توجه در حیطه داستان‌های قرآنی است. زحمات زیادی از سوی مؤلف و ناشر محترم (نشر طلایی) جهت ارائه این اثر به جامعه صورت گرفته است. از مزیت‌های قابل تقدیر آن قلم خاص و کتاب‌سازی ویژه آن است که جای تحسین دارد.

اما از آنجا که این اثر در حیطه داستان‌های قرآنی نوشته شده و این عنوان بر پیشانی کتاب نیز حک شده است جا دارد از جهت میزان سازگاری آن با قرآن کریم مورد بررسی قرار گیرد، چرا که مخاطب، بیان این کتاب را همان بیان قرآن و واقعیت‌هایی می‌داند که قرآن کریم بیان کرده است. در این نوشتار، اثر فوق صرفاً از یک جهت و آن «تطبيق با متن قرآن» مورد بررسی قرار می‌گیرد و شایسته است از جهات دیگر و از سوی متخصصان امر مورد نقد واقع شود تا در تولیدهای بعدی مؤلف و سایر مؤلفان این حیطه، آثار فاخرتری تولید گردد.

تفسیر نادرست آیات قرآنی

الف. در صفحات ۸ و ۹ به این صورت به آفرینش اشاره شده است:

«و خداوند انسان را از یک تن آفرید و آن یک تن را که آدم نام داشت از خاک آفرید. و از آن یک تن همسرش

روز از تو مهلت می‌خواهم. و خدا تا روز قیامت به او مهلت داد. تا لحظه‌ای معلوم که کسی جز خدا نمی‌داند.» خداوند به شیطان تا «روز قیامت» مهلت نداده است بلکه تا روز «وقت معلوم» به او مهلت داده است که مؤید آن آیات ۳۶ تا ۳۹ سوره حجر و نیز ۷۹ تا ۸۵ سوره ص است:

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغَوِّيَهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ (ص / ۷۹-۸۵)

مؤلف به اشتباه تا لحظه مشخص را تعریف روز قیامت گرفته است در صورتی که این‌ها دو وقت جدای از هم هستند.

ج. در صفحه ۱۶ آمده است:

«پس به سوی درخت بزرگ دویدند و میوه ممنوع را به دهان گذاشتند. آن گاه، زن به مرد گفت: ای آدم، من از این میوه خوردم و به خدا قسم که تا امروز چیزی به این خوبی نخورده بودم. این طعم گناه بود. همان که شیطان برای گناه کاران، مانند عسل، شیرین می‌کند.»

خداوند می‌فرماید:

و يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ فَوَسَّوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ فَذَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَ نَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَ أَقُلْتُ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَ إِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَ تَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (اعراف / ۱۹-۲۳)

بنابراین آیات و آیات دیگر، اول حوا میوه را نخورده است؛ بلکه آدم و حوا باهم میوه را خوردند. اینکه بپذیریم اول حوا میوه را خورد و بعد برای همسرش تعریف کرده است، مؤید این آموزه توراتی است که زن موجب فریب انسان است و عامل ابتلای اوست؛ بنابراین زن همواره شر است. در صورتی که خداوند به زن هیچ‌گاه این‌گونه نگاه نکرده است و او را موجودی هم‌رتبه مرد می‌داند.

همچنین در عبارت مؤلف آورده شده است: «این طعم گناه بود. همان که شیطان برای گناه کاران، مانند عسل، شیرین می‌کند.» عبارت تداعی‌گر این است که آدم و حوا از اینکه این کار را کردند خوشحال بودند و یا گناه بسیار شیرین است و خداوند انسان را از دست یافتن به شیرینی بازداشته است. در صورتی که آیه می‌گوید آدم و حوا بلافاصله بعد از خوردن پشیمان شدند و دیدند که فریب شیطان را خورده‌اند و لذا به هیچ‌وجه از شیرینی یا طعم میوه تعریف نکردند.

این اشتباه در تصویرگری صفحات ۱۴ و ۱۵ نیز تکرار شده

است. در این تصویر آدم و حوا به صورت لخت کشیده شده‌اند که با تعلیم قرآن سازگار نیست؛ چون بر اساس آیات قرآن آن‌ها لباس بر تن داشتند و بعد از خوردن میوه بود که لباس از تنشان ریخت؛ ولی در تورات گفته شده است که تازه متوجه شدند لخت هستند؛ یعنی از اول لباسی نداشتند و لذا در تصویرگری‌های مبتنی بر تورات هم مکرر همین را تصویر کرده‌اند. همچنین در این تصویر حوا به آدم میوه را تعارف می‌کند؛ میوه سیب را که نماد طغیان انسان در برابر خداوند است!

د. در صفحه ۱۷ آمده است:

«پس، پشیمان از گمراهی خود، نشستند تا خداوند عاقبت کار را چه سازد. اما خدا توبه آن دو را پذیرفت. زیرا که توبه دری است باز شدنی. و خدا این در را از مهربانی ساخته است. پس مرد و زن پیمانشان را با خدا محکم کردند. مانند گرهی که سخت‌تر از قبل بسته شود. آن گاه خدا کلماتی به آدم و حوا آموخت. و آن دو را به زمین فرستاد.»

خداوند می‌فرماید:

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَ قُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَ مَنَآعٌ إِلَى حِينٍ فَتَلَقَى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (بقره / ۳۶-۳۸)

براساس آیات فوق خداوند برای اینکه آدم و حوا بتوانند توبه کنند کلماتی را به آنان آموخت نه اینکه برای زندگی در زمین به آنان کلماتی بیاموزد. مؤلف این مورد را جابه‌جا کرده است.

ه. در صفحه ۱۱۴ از زبان عزیر پیامبر نقل می‌شود
«آیا پس از مرگ حیاتی دیگر هست؟»

در صورتی که قرآن کریم از زبان عزیر این‌گونه نقل می‌کند:
«... أَنِّي يُحْيِي هَذِهِ أُمَّةً بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَّا هَؤُلَاءِ مِائَةٌ عَامٍ...» (بقره / ۲۵۹)

عزیر پیامبر در معاد شک نداشت؛ فقط می‌خواست بداند که خداوند چگونه مردگان را مبعوث خواهد کرد. عبارت مؤلف نشانگر تردید این پیامبر در اصل معاد است که حرف صحیحی نیست.

و. در صفحه ۱۱۵ بعد از نقل ماجرای زنده شدن عزیر آمده است:

آن‌گاه به فرمان خداوند رهگذری از عزیر پرسید: ای مرد، چه مدت در کنار این درخت خفته بودی؟ گفت: یک روز یا قسمتی از یک روز. خداوند با دل عزیر گفت: به

آیه می‌گوید آدم و حوا بلافاصله بعد از خوردن پشیمان شدند و دیدند که فریب شیطان را خورده‌اند و لذا به هیچ‌وجه از شیرینی یا طعم میوه تعریف نکردند

راستی تو صد سال در اینجا خفته بودی.»

متن فوق به نحوی نقل شده است که گویا بار اول رهگذر با عزیر صحبت می‌کند و در وهله دوم با خداوند؛ در صورتی که در نقل قرآنی در هر دو بار خداوند با عزیر سخن می‌گوید، همان طور که می‌فرماید:

أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْبَةٍ وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ... بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ (بقره / ۲۵۹)

شاید گفته شود که مؤلف خواسته است سخن گفتن خداوند با عزیر را به نحوی توجیه کند که در مرحله اول رهگذر را آورده و در مرحله دوم با دل سخن گفتن را، در صورتی که تصریح آیه فوق سخن گفتن خداوند با عزیر است حال به هر شکلی که بوده باشد از طریق دل یا شنیدن صدا و یا به نحوی که خداوند خواسته باشد؛ مهم نقل صحیح مطلب است.

ز. در صفحه ۱۲۷ در داستان یونس آمده است:

«اکنون به شهر خود باز می‌گردم و...»

اشاره شده است که حضرت یونس بعد از اینکه از شکم ماهی بیرون آمد به میان قوم خود بازگشت در صورتی که قرآن کریم می‌فرماید:

«وَأَنْبَأْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقُوتَيْنِ (۱۴۶) وَ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ (۱۴۷) فَأَمَّنُوا فَمْتَغْنَاهُمْ إِلَى حِينِ (۱۴۸)» (صافات)

خداوند درباره اینکه یونس به میان قوم خود بازگشت ساکت است و حتی ظاهر آیه بر این دلالت دارد که خداوند یونس را به پیامبری قوم دیگری برانگیخت که صد هزار نفر یا بیشتر جمعیت داشت. اگر این قوم دیگر، قوم خود یونس بود صرفاً با عبارت ساده «و ارسلاها الی قومه» می‌توانست مطلب را بیان کند.

ترجمه غیر فنی و صحیح

الف. در صفحه ۱۰۶ آمده است:

«گفتند هدهد از غائب‌شدگان است ... و هیچ کس نمی‌داند که اکنون در کدام آسمان است.»

بخش اول عبارت، برگرفته از بخش آخر آیه ذیل است که می‌فرماید:

«وَوَقَّعَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ» (نمل / ۲۰)

ترجمه درست عبارت «كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ» «غائب است» می‌باشد نه عبارت نامأنوس «از غائب‌شدگان است». شاید گفته شود این کتاب زبان خاص دارد؛ ولی زبان خاص نیز باید حدود زبان اصلی را رعایت کند و به خاطر خاص شدن نباید از زبان دیگر به شیوه نامأنوس گرت‌برداری کند که البته یک عرب نیز عبارت قرآنی را این‌گونه درک نمی‌کند.

ب. در صفحه ۱۰۲ آمده است:

«و خداوند ریزبین و آگاه است»

همان‌طور که مشخص است ریزبین توصیف مثبتی نیست و خصوصاً امروزه به معنای منفی به کار می‌رود. مترجمان قرآن نیز این‌گونه معنی نکرده‌اند. با جست‌وجویی که در سوره لقمان صورت گرفت این ترجمه می‌تواند به احتمال قوی معادل عبارت «علیم خبیر» (لقمان / ۴۸) باشد که در هر صورت ترجمه صحیحی نیست.

افزودن مطالب غیر قرآنی به داستان

الف. در صفحه ۱۰ آمده است:

«خدا خواست تا آدم را خلق کند. پس به فرشتگان گفت: به زودی موجود تازه‌ای می‌آفرینم. او در زمین جانشین من خواهد بود. فرشتگان گفتند: ما می‌هراسیم... از آنکه او ظالم باشد. و آستینش با خون دیگران سرخ شود. و چشمه‌های آب را از سنگ پر کند. و تاریکی را به جای نور دوست بدارد.»

اشاره به خلقت انسان است.

خداوند می‌فرماید:

«وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره / ۳۰)

طبق این آیه خداوند می‌خواهد آدم را خلیفه خود در زمین قرار دهد نه اینکه می‌خواهد او را بیافریند. این دو موضوع جد است، زیرا خداوند قبل از این بحث، آدم را آفریده است. علاوه بر این فرشتگان نگفتند که ما می‌ترسیم؛ حرفی از ترس نیست، چرا که اصلاً اینجا مقام ترس نیست؛ بلکه گفتند او در زمین فساد می‌کند و می‌خواستند بدانند خداوند چرا با علم به اینکه آدم در زمین فساد خواهد کرد او را به خلافت برمی‌گزیند؛ که خداوند فرمود: من چیزی را می‌دانم که شما نمی‌دانید. همچنین مطالبی به فرشتگان نسبت داده شده است که در آیه به هیچ وجه اشاره‌ای به آن نیست؛ همانند «و چشمه‌های آب را از سنگ پر کند. و تاریکی را به جای نور دوست بدارد.» به نظر می‌رسد مؤلف محترم یا از منبع دیگری به غیر از قرآن استفاده کرده است و یا صرفاً خواسته است عبارت پردازی کند. در هر صورت در اینجا مطلبی به نادرست به فرشتگان نسبت داده می‌شود.

ب. در صفحه ۳۸ آمده است:

«و چون جمعی از مردم از صالح نشانه‌ای خواستند، خداوند او را نشانه‌ای داد. اکنون تیشه‌ات را بردار و بر آن صخره ماده شتری بتراش. پس صالح چنین کرد و آن شتر سنگی به فرمان خداوند عطسه‌ای کرد و دست و پای زد تا قدم‌هایش به خاک رسید. آن گاه از دل سنگ بیرون شد و رفت تا از آن چشمه زلال سیراب شود.»

خداوند می‌فرماید:

«وَ يَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةٌ... لَكُمْ آيَةٌ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ... وَ لَا

تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ» (هود/۶۴)

«قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (شعراء ۱۵۵-۱۵۶)

«فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا» (شمس / ۱۳-۱۴)

در کلام خداوند سخنی از نحوه اعطای ناقه به صالح وجود ندارد؛ در صورتی که مؤلف محترم نحوه تراشیدن ناقه بر روی صخره را بیان کرده است. آن چیزی هم که در روایات وجود دارد شکافته شدن دل کوه و بیرون آمدن ناقه از آن است نه نقشی که بر روی صخره کشیده شود و بعد تجسم بیابد و زنده شود.

ج. در صفحه ۵۵ آمده است:

«با خداوند دوستی کردی. و هر زمان در پی پروردگارت رفتی. مانند انگشتر که با انگشت می‌رود. اکنون تیغ از گلوئ اسماعیل دور کن. و بر جای آن گوسفندی را از پهلو بر زمین بخوابان. و این برای تو و آیندگان آزمایشی آشکار بود. پس باشد که نام تو و فرزندت تا همیشه نیک بماند.»

مطالب فوق به خداوند نسبت داده شده است در صورتی که خداوند می‌فرماید:

«فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ... مِنْ الصَّابِرِينَ (۱۰۲) فَلَمَّا أَسْلَمَا وَ تَلَّهُ لِلْجَبِينِ (۱۰۳) وَ نَادَيْتَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ (۱۰۴) قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۱۰۵) إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ (۱۰۶) وَ قَدَّيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ (۱۰۷) وَ تَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ (۱۰۸) سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ (۱۰۹) كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۱۱۰) إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (۱۱۱)» (صافات)

شاید گفته شود این از باب داستان سرایی و اقتضای کار داستان است در صورتی که بیان به نحوی است که مخاطب آن را کاملاً از کلام خداوند می‌داند. ما در آیات قرآنی نظیری برای عبارات «از پهلو بر زمین بخوابان» «و این برای تو و آیندگان آزمایشی آشکار بود.» و «پس باشد که نام تو و فرزندت تا همیشه نیک بماند» نداریم که در بهترین حالت باید گفت سوء برداشت از عبارات قرآنی است.

د. در صفحات ۱۳۲ و ۱۳۳

در بیان داستان اصحاب کهف گفته شده است که آن‌ها، به علت آزار و اذیت مردم، از دو جنبه، هم استقبال شدید و هم اظهار تنفر از اصحاب کهف، آرزوی مرگ کردند؛ در صورتی که قرآن کریم در این مسئله کاملاً ساکت است و در روایات نیز چنین مطلبی وجود ندارد؛ قرآن کریم می‌فرماید:

«فَقَالُوا أَتُوبُوا عَلَيْهِمْ بُنْيَانًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا» (کهف/۲۱)

با توجه به شأن اصحاب کهف می‌توان گفت آنان شوق دیدار خداوند را داشتند و از زیستن در زمانه‌ای که قبلاً در آن زیسته بودند، آکراه داشتند همان‌طور که تفاسیر نیز این موضوع را تأیید می‌کنند.

ه. در صفحه ۱۴۰ در داستان زکریا آمده است که خداوند به او فرمود:

«نشانه تو این است که زبانت سه روز در سکوت می‌رود. و در آن سه روز، در دل با خدای خود سخن می‌گویی. و با مردم جز با اشاره چشم و ابرو، سخن نتوانی گفت. و در این سه روز، هیچ آسیبی به تو نرسد و در دکان نجاریات، میخی جابه‌جا نشود. و تو از هر گزندی در امانی.»

عبارات فوق می‌تواند ترجمه شده عبارات قرآنی زیر باشد که می‌فرماید:

«قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْزًا وَاذْكُرْ رَبَّكَ كَثِيرًا وَاَسْبِغْ بِالْعَيْسِيِّ وَاإِنْكَارِ» (آل عمران/۴۱)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در عبارت قرآنی حرفی از جابه‌جا شدن میخ در دکان نجاری یا نرسیدن آسیب به زکریا نیست. نقل مطلب به این نحو شاید از جنبه پرداخت داستانی باشد؛ ولی باید توجه داشت مطلبی که به خداوند نسبت داده می‌شود برای مخاطب این سؤال را ایجاد می‌کند که خداوند به چه علت از جابه‌جا نشدن میخ سخن گفته است؟ اگر مطلب از غیر قرآن باشد و یا از کسی غیر خداوند و پیامبران نقل شود راحت می‌توان به آن پر و بال داد؛

ولی حساس بودن نقل از قرآن می‌طلبد در به کار بردن این روش مقداری احتیاط کرد. از این موارد در کتاب فراوان وجود دارد که از نقل آن‌ها جهت طولانی‌تر نشدن مطلب پرهیز شد.

جابه‌جا کردن گوینده سخن

الف. در صفحه ۱۲ آمده است:

«شیطان گفت امروز روز جان گرفتن خاک است. اما انسان‌ها بار دیگر به خاک خاموش باز می‌گردند. در قیامت، تو دوباره به خاکیان، جان خواهی داد. من تا آن روز، از تو مهلت می‌خواهم. و خدا تا روز قیامت به او مهلت داد. تا لحظه‌ای معلوم که کسی جز خدا نمی‌داند.»

عبارات «شیطان گفت امروز روز جان گرفتن خاک است. اما انسان‌ها بار دیگر به خاک خاموش باز می‌گردند. در قیامت، تو دوباره به خاکیان، جان خواهی داد» کلام شیطان نیست؛ بلکه مضمون کلام الهی است که در موارد متعددی در قرآن آمده و در اینجا به نادرست به شیطان نسبت داده شده است.

خداوند می‌فرماید:

«وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ» (یس/۵۱)

عزیر پیامبر در معاد

شک نداشت؛ فقط

می‌خواست بداند که

خداوند چگونه مردگان

را مبعوث خواهد کرد.

عبارت مؤلف نشانگر

تردید این پیامبر در

اصل معاد است که حرف

صحیحی نیست

حُشَعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنتَشِرٌ
(قمر/۷)
يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَى نُصَبٍ يُوْفِقُونَ
(معارج/۴۳)

تحریف داستان قرآنی

الف. در صفحه ۵۴ آمده است:

«تا اسماعیل به سن نوجوانی رسید و دل ابراهیم برای فرزند بسیار تنگ بود. پس شبی خداوند به ابراهیم گفت: ای مرد برگزیده به دوستی خداوند، اکنون به آن صحرای گرم بازگرد. و کارد تیز بر گلوی اسماعیل بگذار و او را در راه خدایت قربانی کن.»

این مطلب بعد از این بیان شده است که ابراهیم سال‌ها همسر و فرزندش را ندیده بود و حال، بعد از اینکه فرزند را در طفولیت، در بیابان رها کرده بود، می‌رود تا پسرش را قربانی کند. این تصویر فردی بی‌رحم و دور از عطف است

که برای فرزندش جز بدبختی و سختی نمی‌آورد؛ در صورتی که طبق آیه قرآنی، ابراهیم مدتی بعد از نوجوانی اسماعیل با او زندگی کرد و بعد از آن بود که این دستور خداوند آمد. همچنان که می‌فرماید:

«فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ... مِنْ الصَّابِرِينَ» (صافات / ۱۰۲)

این موضوع از عبارت شریفه «بلغ معه السعی» به خوبی روشن است.

این نکته صرف‌نظر از این است که بپرسیم آیا آوردن داستان ذبح اسماعیل برای این سن واقعاً مناسب است یا نه. آیا ضرورت دارد تمامی محتوای قصص قرآنی برای نوجوانان گفته شود به گونه‌ای که احتمالاً منجر به نفی انبیا و منفور شدن آنان در ذهن نوجوان می‌شود. تمام مطالب قرآن برای تمامی افراد نیست و هر کسی در هر شرایطی در سطحی از قرآن قرار دارد که با آن رشد می‌کند و به مراتب بالاتر می‌رود.

ب. در صفحه ۸۶ آمده است:

«آن‌گاه جادوگران هر چه از جادو داشتند، آشکار کردند. آن‌گاه موسی عصایش را بر زمین انداخت. و آن عصا ماری شد. بعد از آن دستش را در گریبان کرد و چون دست را بیرون آورد، مانند آفتاب می‌درخشید. آن‌گاه جادوگران فرعون به سجده افتادند.»

در عبارت فوق اشاره شده که بعد از اینکه عصای موسی مار شد او دست خود را در گریبان کرد، در صورتی که در داستان قرآنی این معجزه موسی به هیچ وجه در مقابل ساحران ارائه نشد و ساحران صرفاً در قضیه مار شدن عصا به مبارزه با موسی

آمده بودند و نه چیز دیگر، و به خاطر معجزه عصای موسی ایمان آوردند و نه دست نورانی او؛ در صورتی که مطلب فوق القاهر این مطلب است که ساحران هر دو معجزه را یک جا دیدند و ایمان آوردند. همان‌طور که قرآن کریم می‌فرماید:

«قَالَ لَهُمْ مُوسَى أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ (۴۳) فَأَلْقَوْا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ (۴۴) فَأَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ (۴۵) فَأَلْقَى السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ (۴۶) قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۴۷) رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ» (۴۸) (شعراء)

ج. در صفحه ۹۶ چنین آمده است:

«پس داود با آنان گفت که دعوایشان را بگویند. اما در آن ساعت، خواب مانند پرده نازکی پیش چشمان داود آمد و داوران را خواب سزاوار نیست (تا اینکه در صفحه ۹۷ ادامه می‌دهد) ... و من در پرده نازک خواب بودم پس با شتاب داوری کردم.»

در اینجا علت داوری اشتباه داود به خواب نسبت داده شده، در صورتی که در آیات قرآنی مطلب به نحو دیگری بیان شده است. آن‌گونه که می‌فرماید:

«اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَادْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ (۱۷) إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإشْرَاقِ (۱۸) وَ الطَّيْرِ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوَّابٌ (۱۹) وَ شَدَدْنَا مُلْكَهُ وَ آتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَ فَضَّلْنَا الْخَطَّابَ (۲۰) وَ هَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَضَمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمَحْرَابَ (۲۱) إِذْ دَخَلُوا عَلَىٰ دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغِي بَعْضُنَا عَلَىٰ بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَ لَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ وَ هَدْنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ (۲۲) إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَ تِسْعُونَ نَعْجَةً وَ لِي نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَ عِزَّتِي فِي الْخَطَّابِ (۲۳) قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجَتِكَ إِلَىٰ نَعَاجِهِ وَ إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ قَلِيلٌ مَا هُمْ وَ ظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَ خَرَّ رَاكِعًا وَ أَنَابَ (۲۴) فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ وَ إِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَ حُسْنَ مَآبٍ» (۲۵) (ص)

بنابراین خواب عامل داوری نادرست نبود؛ بلکه خداوند او را در حالت هوشیاری مبتلا کرده بود و داود به اشتباه خود پی‌برد و استغفار کرد. در واقع داود پذیرفت که از سر آگاهی ولی با عجله داوری کرده است.

د. در صفحه ۱۱۸ در بیان داستان اصحاب باغ که عنوان «سه باغ» برای آن انتخاب شده آمده است:

پس پدر پیرشان، با آنان گفت: پیش از آن که نور چراغ بپذیرد، با شما سخنی دارم. ای پسران من ...

در این داستان به پدر پیر اشاره شده است که فرزندان را نصیحت می‌کند، در صورتی که در مضمون قرآنی چنین مطلبی وجود ندارد؛ همان‌طور که می‌فرماید:

«إِنَّا بَلَوْنَا هُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ (۱۷) وَ لَا يَسْتَنْتُونَ (۱۸) فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِنْ رَبِّكَ»

هَمْ نَائِمُونَ (۱۹) فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ (۲۰) فَتَنَادُوا مُصْبِحِينَ (۲۱) أَنْ ائْتُوا عَلَيَّ حَرْتِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَارِمِينَ (۲۲) فَانطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ (۲۳) أَنْ لَا يَدْخُلْنَهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ (۲۴) وَ عَدُوا عَلَيَّ حَزْدٍ قَادِرِينَ (۲۵) فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُونَ (۲۶) بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ (۲۷) قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْ لَا تَسْبِحُونَنِي (۲۸) قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ أَنْ كُنَّا ظَالِمِينَ (۲۹) فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَيَّ بَعْضٌ يَتَلَؤْمُونَ (۳۰) قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنْ أَنْ كُنَّا طَاغِينَ (۳۱) عَسَى رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ (۳۲) كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَ الْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۳۳) (قلم)

در جوامع روایی ما نیز مطلب عکس آن چیزی است که مؤلف بیان کرده است و آن اینکه بعد از آنکه پدرشان از دنیا رفت فرزندان تصمیم گرفتند دیگر از میوه‌های باغشان به فقرا ندهند نه اینکه پدر زنده بود و آنان چنین کردند. علاوه بر این بخش داستان، در صفحات بعد نیز از پدر این سه برادر سخن به میان آمده است.

هـ. در صفحه ۱۳۸ در داستان زکریا آمده است:
«پس روزی در دکان نجاری اش نشست و با خداوند خود چنین گفت: ای پروردگار مهربان...»

محل دعا دکان نجاری بیان شده است در صورتی که در آیات، محراب ذکر شده است؛ البته می‌توان گفت در دکان نجاری هم محراب وجود داشته است؛ ولی اصطلاح محراب بر مکان خاصی در دین یهود اشاره دارد که در کنیسه است و مخصوص افراد خاص و بزرگان است همان‌طور که قرآن کریم می‌فرماید:
«هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ (۳۸) فَنادته الملائكة وهو قائم يصلي في المحراب أن... يُبَشِّرُكَ بِخَبْرٍ مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنْ آ... وَ سَيِّدًا وَ حَسْرًا وَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ (۳۹) قَالَ رَبِّ أَنْتَ يَكُونُ لِي غَلَامًا وَ قَدْ بَلَغَنِي الْكِبَرَ وَ امْرَأَتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذَلِكَ آ... يُفَعَّلُ مَا يَشَاءُ (۴۰)» (آل عمران)

حذف مضامین قرآنی از درون داستان

الف. در صفحه ۸۴ آمده است:

«ای موسی من خدای یکتا، همان پروردگار جهانم... اکنون عصایت را بر زمین بینداز. موسی عصا را انداخت. و آن عصا ماری شد و به پیچ و تاب افتاد. پس موسی گریخت و هیچ به پشت سر نگاه نکرد. ای موسی دست در پیراهنت فرو بر و باز بیرون آور. موسی چنین کرد و دستش مانند خورشید می‌تابید.»

در عبارت فوق گفته می‌شود هنگامی که عصای موسی از دها می‌شود او فرار می‌کند ولی باز نمی‌گردد؛ در صورتی که در آیه قرآنی خداوند از موسی می‌خواهد باز گردد و نترسد چرا که پیامبران نزد خداوند نمی‌ترسند. همان‌طور که قرآن کریم می‌فرماید:

وَ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَ لَمْ يُعَقِّبْ

يَا مُوسَى لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَى الْمُرْسَلُونَ (۱۰) إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلْ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۱) وَ أَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضًا مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَى فِرْعَوْنَ وَ قَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (۱۲) (نمل)

بنابراین در اینجا افتادگی وجود دارد که موجب ابهام مطلب می‌شود و توالی منطقی مطلب را از بین می‌برد. اگر موسی فرار کرد و دیگر بازنگشت خداوند چگونه او را مأمور رسالت کرد و چگونه معجزه دیگری به او داد؟

ب. در صفحه ۸۶ آمده است:

«فرعون گفت: ... آفتاب صحرا تو را دیوانه کرده است. جادوگران گفتند: اگر بر موسی پیروز شویم ما را پاداش دهی؟ گفت پاداش‌های نیکو.. و شما به پایه‌های تخت من نزدیک‌تر خواهید نشست.»

در اینجا میان گفته‌های فرعون و گفته ساحران ابهام به وجود آمده است و این ناشی از جافتادن بخشی از داستان است که قرآن کریم این‌گونه می‌فرماید:

«قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ (۱۰۹) يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ فَمَا ذَا تَأْمُرُونَ (۱۱۰) قَالُوا أَرْجِهْ وَ أَخَاهُ وَ أَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ (۱۱۱) يَا تُوَكَّ بَلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ (۱۱۲) وَ جَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ (۱۱۳) قَالَ نَعَمْ وَ إِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ» (۱۱۴) (اعراف)

که در آیه قرآنی اشاره به دستگیری موسی و برادرش و بعد جمع کردن ساحران و بعد از آن سخن ساحران به میان می‌آید که از فرعون می‌پرسند آیا ما پاداشی خواهیم داشت. در صورتی که با افتادگی این مطلب در داستان ابهام ایجاد می‌شود.

ج. در صفحه ۸۶ آمده است:

«.. و شما ای جادوگران! دست راست و پای چپتان را خواهیم برید. پس موسی عصایش را در دست گرفت. و پیروانش سوار بر خران لاغر، به صحرا رفته‌اند. پس در پی آنان می‌رویم و صحرا را از خونشان سرخ می‌کنیم.»
در این سیر داستانی بلافاصله بعد از غلبه موسی بر ساحران گفته شده است که موسی با پیروانش از مصر خارج شدند در صورتی که میان این دو اتفاق، سالیان درازی فاصله بوده و در این میان اتفاقات فراوانی رخ داده است که در آیات ۸۰ تا ۸۹ سوره یونس به آن‌ها اشاره دارد. همان‌طور که می‌فرماید:

اگر قرار بر خلاصه کردن بود می‌بایست به نحوی خلاصه شود که مخاطب به اشتباه نیفتد و توضیح هر چند مختصری داده می‌شد. ولی سیر داستانی فوق، القا کننده داستان اشتباه است و خواننده داستان را طور دیگری می‌آموزد.



حساسیت‌های زبانی و تصویری در قصه‌های قرآن

نگاهی به مجموعه «قصه‌های خدا» از انتشارات طلایی

ناصر نادری

کیفیت هنری باشند و در ضمن با اصول ذوقی و زیبایی‌شناسی مخاطب تلفیق شوند، اثرگذار و در غیر این صورت، تولید آن‌ها بی‌فایده و حتی موجب اتلاف سرمایه‌ها و زبان‌بخش خواهد بود. در آثار مکتوبی که برای کودکان نوشته می‌شود، استفاده از دو عنصر «زبان» و «تصویر» تعیین‌کننده است و رعایت آن در حوزه آثار قرآنی، به‌ویژه قصه‌های قرآن، از حساسیت بیشتری برخوردار است. نکته مهم این است که در بازنویسی یا بازآفرینی قصه‌های قرآن، در استفاده از تخیل، «محدودیت» وجود دارد. بنابراین باید با وسواس بیشتر، ضمن رعایت فضای قدسی متن، با رعایت اصول درست‌نویسی به جذابیت و آهنگینی متن افزوده شود. انتخاب واژگان مناسب و ساده و ترکیب‌بندی و نحو صحیح جمله‌ها، ضمن ایجاد کشش و تعلیق، از دشواری فهم متن خواهد کاست. تقریباً همین وسواس، البته به شکل دیگر، در حوزه تصویرگری قصه‌های قرآن نیز وجود دارد. به همین دلیل، نوشتن و تصویرگری برای موضوع‌های دینی و مذهبی و از جمله قصه‌های قرآن کریم، کار حساس و پیچیده و ظریفی است و دانش و تجربه و درایت خاصی را می‌طلبد.

در دوره‌ای که زندگی می‌کنیم که به «عصر دیجیتال» شهرت یافته است. با وجود این، گاهی در حوزه نشر کاغذی، آثاری خلق می‌شود که بیانگر ظرفیت‌های متنی و تصویری این حوزه است. مجموعه ۱۲ جلدی «قصه‌های خدا» نوشته بهروز رضایی کهریز و با تصویرسازی نیلوفر برومند و طراحی گرافیک کاظم طلایی که در سال ۱۳۹۳ توسط نشر طلایی برای گروه ب منتشر شده است، یکی از این نمونه‌هاست.

این مجموعه، به نوعی، بازآفرینی دوازده قصه قرآن کریم برای کودکان است. مؤلف در عین وفاداری به چارچوب قصه‌ها، به تناسب ذهن و زبان کودکان از حجم قصه‌ها کاسته و در شرح حوادث و توصیف شخصیت‌ها و...، دخل و تصرفاتی صورت داده است. به عبارت دیگر، در این اثر سعی شده به تناسب ظرفیت‌های ذهنی و دایره واژگانی مخاطب، اطلاعات دست‌چین شود و در عین رعایت اسلوب زبان فارسی، به اصل «ساده‌نویسی» کاملاً وفادار بماند.

به‌طور کلی باید دانست، این دست آثار که در حوزه «ادبیات تعلیمی-تذهیبی» می‌گنجد و برای تبیین و تشریح ارزش‌ها و تلقی‌های دینی تولید می‌شوند، اگر دارای زبان سالم و جذاب و

اطلاعات است. همچنین، حضور تصویرگر واحد در عین ایجاد یکدستی و هماهنگی در مجموعه، منجر به احساس یکنواختی در بیننده شده است. دارای چهره‌پردازی و طراحی پوشش‌های واحدند. عدم تنوع در چهره‌پردازی‌ها و به‌ویژه یکنواختی در پوشش‌ها در مجموعه، به راحتی احساس می‌شود.

واقعیت این است که مجموعه «قصه‌های خدا» دارای ویژگی‌های ارزشمند متنی و گرافیکی و به لحاظ اصول کتاب‌سازی و چاپ،

واقعیت این است که مجموعه «قصه‌های خدا» دارای ویژگی‌های ارزشمند متنی و گرافیکی و به لحاظ اصول کتاب‌سازی و چاپ، مجموعه‌ای درخور توجه است. هر چند می‌توان گفت برای مخاطبان گریزپای امروز، به شکل جامع پاسخ‌گو نیست

مجموعه‌ای درخور توجه است. هر چند می‌توان گفت برای مخاطبان گریزپای امروز، به شکل جامع پاسخ‌گو نیست. جا داشت با استفاده از برخی شگردهای فنی و هنری، به جذابیت‌های ضمیمه‌های آن (شنیداری - دیداری) افزوده می‌شد. برای مثال:

- ایجاد فضای سه‌بعدی در تصویرسازی و گرافیک برخی صفحات؛

- استفاده از قابلیت‌های صداگذاری در برخی صفحات برای پخش گفت‌وگوهای شخصیت‌های داستان و یا افکت‌های خاص طبیعی در فضا‌سازی داستان با افزودن امکانات الکترونیکی؛

- ساختن عروسک برخی شخصیت‌های مؤثر قصه‌های قرآن یا حیوانات مرتبط با حوادث و ضمیمه کردن آن به مجموعه.

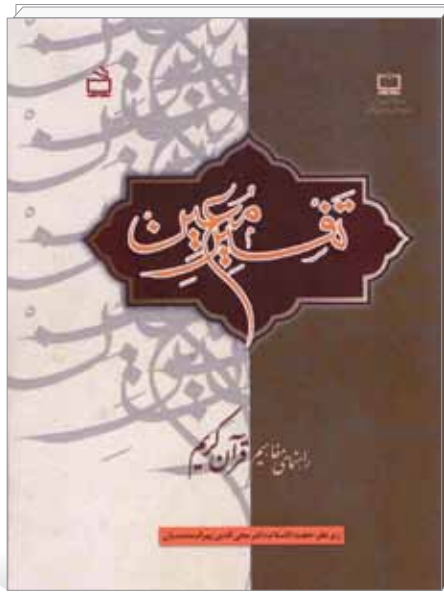
و البته گرچه می‌دانیم که این موارد، هزینه و حوصله فراوان و محاسبه‌گری بازار فروش و تخصص‌های گوناگون فنی و هنری بسیاری را می‌طلبد، ولی تعلیق به محال نیست!



در مورد مجموعه حاضر، بدون اغراق، اولین نکته‌ای که جلب نظر می‌کند توانایی ناشر در حوزه گرافیک است. بنابراین، مجموعه «قصه‌های خدا» را می‌توان نمونه بارزی از تصویرگری و صفحه‌آرایی حرفه‌ای و مطلوب قلمداد کرد.

متن اثر نیز دارای زبان و نثر ساده و روان است. با این حال، نویسندگان ارزانده اثر، بهروز رضایی کهریز، ناگزیر از بازنویسی و بازآفرینی برخی از رخدادها و حوادث مهم قصه‌های قرآن کریم، به‌خاطر محدودیت ذهنی و زبانی مخاطبان شده، که این امر، در کل مجموعه، منجر به ارائه محدود و ناقص اطلاعات تاریخی شده است. شاید اگر، در بدو تألیف، مخاطبان اثر را برای گروه سنی ب و ج در نظر می‌گرفتند، ضمن افزودن دامنه مخاطبان کتاب، امکان پردازش اطلاعات تاریخی بیشتر و کامل‌تری فراهم می‌شد تا خواننده تصویری روشن‌تر از حوادث در ذهنش شکل گیرد. افزودن کادرهای توضیحی کوچک در کنار برخی مدخل‌ها در حین روایت قصه، روش پیشنهادی مناسب برای رفع کمبود





کوششی برای تفسیر مختصر قرآن

نگاهی به کتاب تفسیر معین، نوشته محمد هویدی

بهروز رضایی

قدری دور از ذهن به نظر آید. تفسیر معین از زمره تفاسیر موجز و بسیار مختصر است. محمد هویدی، مؤلف کتاب، چنان که در مقدمه کتاب تأکید می‌کند این تفسیر را برای خواننده عادی نگاشته است، نه برای پژوهشگران. از نظر او تفسیرهای مفصل گاه سبب می‌شوند خوانندگان عادی عطای تفسیر را به لقای آن ببخشند و اساساً به خواندن قرآن‌هایی رو بیاورند که فاقد تفسیرند. از همین روست که وی، در بیان نکات تفسیری درباره آیات، به حاشیه صفحات قرآن بسنده کرده است. حاشیه‌ای که تقریباً یک سوم از صفحه این تفسیر را به خود اختصاص می‌دهد و البته در اغلب موارد حتی همین مقدار هم به صورت کامل پر نمی‌شود. روش مؤلف چنین است که برای توضیح مطلب، ابتدا شماره آیه، سپس عبارت قرآنی و بالاخره نکته تفسیری خود را بیان می‌کند. شماره آیات درون کروش قرار گرفته و عبارات قرآنی، با قلم ضخیم‌تر، از متن متمایز شده‌اند. تفسیر معین ویژگی مهم دیگری هم دارد که آن را از کتاب‌های مشابه خود متمایز می‌کند. نویسنده با همان رویکرد اختصارگرای خود، از هر صفحه از صفحات قرآن کریم، موضوعی را برمی‌گزیند و بدون توضیح اضافی، احادیثی را پیرامون موضوع مذکور، با قید مأخذ ذکر می‌کند. این موضوعات که شمار آن‌ها در نهایت به بیش از ۵۰۰ فقره می‌رسد، گاه مانند صلاة، حج، رزق، جهاد و علم همان کلمات قرآنی هستند و گاه مانند حقد یا کینه، تاریخ، فرصت، تجربه و غیرت از مفهوم آیات برگرفته شده‌اند.

«تفسیر معین: راهنمای مفاهیم قرآن کریم» یکی از پنج نامزد دریافت جایزه از گروه تفسیر و ترجمه دوازدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد است. این کتاب زیر نظر حجت‌الاسلام دکتر محی‌الدین محمدیان، توسط آقایان احمد برادری (جزءها ۴-۱۰)، حمیدرضا حیدری (جزءهای ۱۶-۲۰ و ۲۶-۳۰)، فضل‌الله خالقیان (جزءهای ۱۵-۱۱ و ۲۱-۲۵) و مختار محمدیان (جزءهای ۱-۳) ترجمه و در سال ۱۳۹۱ توسط انتشارات مدرسه منتشر و تا به امروز چهار بار چاپ شده است. در این نوشته، به این کتاب پرداخته‌ایم.

ویژگی‌های تفسیر معین

تفسیر معین، یک کتاب تفسیر، به معنایی که اغلب ما در ذهن داریم نیست. در سایه آفرینش تفاسیر با شکوهی چون تفسیر گران‌سنگ المیزان، در ۲۰ جلد، از علامه سید محمدحسین طباطبایی، تفسیر راهنما در ۲۱ جلد از آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی، تفسیر نمونه در ۲۷ جلد از آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نور در ۱۰ جلد از حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قرائتی و از همه جدیدتر، تفسیر ارزشمند تسنیم از آیت‌الله عبدالجواد آملی که تا کنون ۳۴ جلد آن منتشر شده است و بر اساس شنیده‌ها قرار است به ۸۰ جلد بالغ شود (و عنوان مفصل‌ترین تفسیر قرآن کریم در طول تاریخ اسلام را به خود اختصاص دهد)، سخن گفتن از تفسیر یک جلدی، طبیعی است

احادیث منقول نیز که به‌طور متوسط در هر موضوع، بالغ بر ۱۰ مورد می‌شوند، می‌توان گفت تقریباً از ترتیبی تاریخی برخوردارند؛ یعنی هر موضوع با حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آغاز و سپس سخنان پیشوایان معصوم شیعه، علیهم‌السلام، به ترتیب تولدشان آورده می‌شود.

با این وصف می‌توان گفت این کتاب به لحاظ سبک تفسیری، در شمار تفسیرهای میتنی بر روایت و حدیث قرار می‌گیرد.

دلیل انتخاب کتاب برای ترجمه

ترجمه تفسیر معین، در اوایل دهه ۸۰ با این هدف آغاز شد که مورد مطالعه معلمان و دانش‌پژوهان جوان قرار گیرد: «هرچند استاد هویدی این تفسیر را بیشتر برای وعاظ، خطبا و مخاطبان عام - که در مجالس وعظ حضور پیدا می‌کنند - تألیف کرده است، اما با نگاهی اجمالی می‌توان دریافت که این تفسیر می‌تواند راهنمای معلمان و دانش‌پژوهان جوان نیز قرار گیرد.» (مقدمه ناظر علمی، ص ۱)

مترجمان بر این باورند که شیوه به‌کار گرفته شده در کتاب، از آنجا که فاقد ترجمه و شرح کامل آیات است، مخاطب را وادار به فعالیت می‌کند و در نتیجه موجب ماندگاری و پایداری مطالب آموخته شده در ذهن او می‌شود؛ همان چیزی که می‌توان آن را «روش یادگیری فعال» خواند. با توجه به مؤثر بودن این روش،

ترجمه آن به فارسی پیشنهاد شده است (همان‌جا).

مشخصات ترجمه فارسی

در تفسیر معین، از آنجا که کتاب برای مخاطب عرب‌زبان تدوین شده است، مؤلف بنا را بر وضعیت جامعه عربی گذاشته است. از این‌رو به واژه‌های رایج در زبان عربی امروز، که اغلب عرب‌زبان‌ها با آن آشنا هستند، اشاره‌ای نکرده و درباره آن‌ها توضیحی نداده است. بنابراین دور از ذهن نیست که برای یک فارسی‌زبان که معنای واژه‌های عربی را نمی‌داند، درک معنای آیات قدری دشوار باشد. البته مؤلف نیز ترجیح داده است، تا حد امکان، توجه خود را مصروف آیات و عباراتی کند که ساختشان با زبان رایج و عادی تفاوت‌هایی دارد؛ یا واژه‌هایی را شرح دهد که امروزه کمتر

به‌کار می‌روند و یا واجد چند معنا هستند و احیاناً معنای آن‌ها در زمان نزول قرآن قدری متفاوت از امروز بوده است. از همه مهم‌تر، این توجه شامل آیاتی شده است که از نظر مؤلف نکته‌ای برای تفسیر و جایی برای چند و چون درباره آن‌ها وجود دارد.

شاید اگر یک مؤلف ایرانی به تدوین این کتاب همت می‌گماشت و معنای کلمات را بر اساس نیاز خواننده ایرانی توضیح می‌داد، خواسته مترجمان اثر به‌نحو کامل‌تری حاصل می‌شد. بی‌گمان از همین‌روست که مترجمان محترم گاه واژه‌ها یا عباراتی را که در اصل کتاب وجود نداشته، به تشخیص خود و به فراخور نیاز خواننده فارسی‌زبان، به ترجمه کتاب افزوده‌اند.

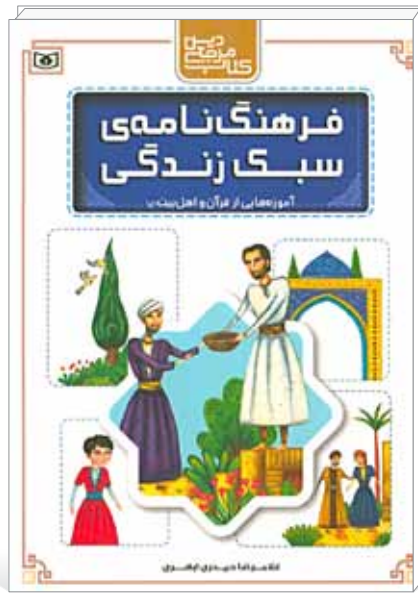
با این توضیحات، روشن می‌شود که خواننده فارسی‌زبان برای استفاده از کتاب، دست‌کم، نیازمند حداقلی از آشنایی با زبان عربی است یا آنکه باید در کنار آن، یکی از ترجمه‌های فارسی قرآن را نیز در دسترس داشته باشد. گفتنی است که در ترجمه احادیث نیز، مترجمان به ترجمه فارسی بسنده و از آوردن متن آن خودداری کرده‌اند. شاید اگر نگرانی ناشر از حجیم شدن کتاب نبود می‌شد اصل احادیث را نیز در کتاب نقل کرد، که در این صورت به ارزش کتاب افزوده می‌شد.

نسخه عربی تفسیر معین، بارها، از سوی ناشران گوناگون در کشور ما منتشر شده و مورد استقبال شایان و استفاده طلاب و آشنایان به زبان عربی قرار گرفته است؛ اما انتشار چندین و چند باره ترجمه آن را نیز می‌توان نشانه خوبی از استقبال خواننده فارسی‌زبان دانست، گرچه تعداد چهار چاپ، گواه محکمی برای این ادعا به‌شمار نمی‌آید؛ به هر حال، همین حد از استقبال را نیز می‌توان دلیلی شمرده برای آنکه کتاب برای برخی از خوانندگان فارسی‌زبان خالی از فایده نبوده است.

مترجمان بر این باورند که شیوه به‌کار گرفته شده در کتاب، از آنجا که فاقد ترجمه و شرح کامل آیات است، مخاطب را وادار به فعالیت می‌کند و در نتیجه موجب ماندگاری و پایداری مطالب آموخته شده در ذهن او می‌شود؛ همان چیزی که می‌توان آن را «روش یادگیری فعال» خواند



← صفحه‌ای از کتاب تفسیر معین



با خدا و خلقت، خلق خدا و خویشتن

بررسی فرهنگ‌نامه سبک زندگی نوشته غلامرضا حیدری ابهری

فریده نورمحمدی

سبک زندگی ارائه شده در این کتاب به مشام می‌رسد. در این کتاب در وسط هر مبحث سفره حدیث را می‌کشاید تا با استناد به آن‌ها مباحث مطرح شده را قوام بخشد و آموزه‌های اهل بیت را یادآوری کند که هر کدام دایرة‌المعارفی از حکمت و اخلاق و نوع‌دوستی و اصول انسان‌ساز تربیتی است و همه ارزش‌های گمشده‌های بشر امروز را به او معرفی می‌کند. به نمونه‌ها و مصادیق روزمره هر بحث اخلاقی نیز اشاره شده است، برای مثال در بحث رعایت حق مردم صدمه نزدن به اموال عمومی را با نمونه‌های بسیار عنوان کرده است که قابل توجه و از نقاط قوت این فرهنگ‌نامه است.

بخش اول

فارغ از دنیای پرهیاهو شلوغ سود و سودگرایی و خودبینی و تکبر و نخوت با یاد یگانه بی‌همتا، هر آنچه غیر اوست را به فراموشی می‌سپاریم و در رود پر برکت نماز و روح‌وروان خود را شست‌وشو می‌دهیم و زنگارهای غفلت را می‌زداییم و هر روز برای تکرار شکوه و عظمت و یگانگی‌اش به نماز می‌ایستیم و همچنین برای کسب سکینه و آرامش قلب و برای دریافت نور معنویت در دریای پر تلاطم زندگی و ورود به دنیای کسب‌وکار و تلاش خود

اشاره

در جهانی که زر و زور و تزویر بر آن است تا انسان را از خود تهی کند و به بیراهه بی‌هویتی بکشاند، کوشش برای دعوت انسان به سبکی از زندگی که بر اساس وحی و آموزه‌های دینی مدون شده است نوری است در تاریکی. به‌خصوص که این دعوت فارغ از هر گونه هیاهوی بی‌اساس و صرفاً با هدف هدایت و راهنمایی باشد. این نکته بی‌تردید فطرت انسان را نشانه می‌گیرد، تا به پیمانی که بشر در روز خلقت به هنگام نوشیدن جام‌الست با خدای خویش بسته است وفا کند.

کتاب نخستین بار در سال ۱۳۹۳ توسط نشر قدیانی در ۱۷۶ صفحه منتشر شده است.

این کتاب مرجع، برای کودکان و نوجوانان نوشته شده است گرچه برای تمام افراد جامعه نیز قابل استفاده است. این کتاب در چهار بخش با عنوان‌های: با خدا، با خلق خدا، با خویشتن و با خلقت نوشته شده است. ادبیات بسیار ساده و با طراحی لطیف و هنرمندانه داخل متن و فونت کلمات و کوتاه بودن پاراگراف‌ها و عنوان‌بندی مطالب با تیتروهایی با کادر رنگی ملایم آن را برای خواننده جذاب و دوست‌داشتنی کرده است. هنگام خواندن آن حس قشنگی به خواننده القا می‌شود و بوی آرامش و رضایت از

هدیه می‌دهد و از خطاهایشان چشم‌پوشی می‌کند. همچنین به طبیعت و حیوانات احترام می‌گذارد. از سفره پربرکت احادیث در این زمینه به سخن پیامبر گرامی اشاره می‌کند که هر کس به لاشه گنجشگی رحم کند خدا در قیامت به او رحم می‌کند. با بیان نمونه‌های فراوانی از این دسته از احادیث الگویی دوست داشتنی از زندگی را به افراد جامعه معرفی می‌کند الگویی انسانی در عصری که بشریت بر سر منافع شخصی و نامهربانی با هم یکدیگر را تکه‌پاره می‌کنند تا سود بیشتری کسب کنند. جنگ‌هایی خونین و نسل‌کشی‌هایی که به راه می‌افتد تا منافع صاحبان زر و زور و تزویر را تأمین کند این الگو از زندگی مانند آبی است گوارا در صحرایی سوزان برای انسانی تشنه که در بیابانی سرگردان شده است. همچنین در زمینه خوش‌رویی و خوش‌اخلاقی از حضرت فاطمه (س) نقل می‌کند که فرمود: بهترین شما کسی است که در برخورد با مردم نرم‌تر و مهربان‌تر باشد.

و در ادامه از خوش‌رویی، خوش‌اخلاقی، تشکر و قدردانی و نیز راه‌های شاد کردن دیگران سخن به میان می‌آورد. انتخاب به‌جا و زیبای احادیث جذابیت این کتاب را دوچندان کرده است. در این کتاب آمده است که شاد کردن دیگران پاداش بهشت است. نویسنده اینجا با ذکر حدیثی از پیامبر اسلام (ص) با عنوان خانه شادی، ارزش این مؤلفه اخلاقی را برای کودکان و نوجوانان و سایر خواننده‌گان جا می‌اندازد. در این زمینه حضرت فرموده است: در بهشت خانه‌ای است که به آن خانه شادی

می‌گویند. فقط کسانی وارد این خانه می‌شوند که کودکان را شاد کرده باشند. واقعاً اوج زیبایی یک مرام و روش زندگی در این حدیث گنجانده شده است در زمانی که کودکان مورد ظلم و ستم بردگی کار در نظام‌های ظلم و سرمایه‌داری قرار می‌گیرند و قربانیان واقعی بی‌عدالتی‌های خانمان‌سوز هستند و قبل از این نیز مورد ستم از جنس دیگر قرار می‌گرفتند ندای آسمانی پیامبر انسان‌ساز چه زیبا موسیقی شادی و نوع دوستی را در گوش بشریت نجوا می‌کند. در ادامه بخش دوم از بردباری در مقابل رفتار بد دیگران، امانت و رازداری، رعایت حق‌الناس، خدمت به مردم، عفو و گذشت، امر به معروف و نهی از منکر، وفای به عهدها و عمل به وعده‌ها، برآورده کردن درخواست‌ها و نیازهای دیگران، سلام کردن، دست دادن، رعایت نوبت، دوست داشتن مؤمنان و دیدار آن‌ها، ایثار، کمک در خانه و برنامه‌های دسته‌جمعی، کمک به نیازمندان و صدقه دادن، احترام به مردم، شاد کردن مردم با شوخی‌های خوب، هدیه دادن، آزار و اذیت نکردن دیگران، خشمگین نشدن و ... به همان شیوه با احادیث و آیات زیبا و دوست داشتنی سخن به میان آورده است.

را به سلاح آرامش و ایمان که گمشده دنیای امروز است مجهز می‌کنیم. در این بخش با سه‌عنوان از نماز سخن به میان می‌آورد. از نمازگزار واقعی می‌گوید و او کسی است که بدقولی نکند، امانت مردم را پس بدهد و به فقیران و نیازمندان یاری رساند. همچنین به اتاق نماز اشاره و بیان می‌کند که اتاق نماز حضرت علی (ع) خیلی خلوت و ساده بود. سپس در این بخش به فراگیری قرآن و خواندن آن اشاره می‌کند و در باب آداب تلاوت قرآن از قول پیامبر اسلام (ص) نقل می‌نماید که فرمود: «ای مردم! در قرآن تدبیر کنید و آیه‌های آن را بفهمید» و با دندان‌های مسواک زده قرآن بخوانید در این بخش نیز به گوهر دعا و راه‌های اجابت آن اشاره و بیان می‌نماید که نباید به بهانه دعا دست از تلاش و کوشش برداریم و اشاره می‌کند دعا ایمان ما را بالاتر می‌برد و امید ما را بیشتر می‌کند و روح ما را صفا می‌دهد. از امام صادق (ع) نیز نقل می‌کند که فرمود: «دعا کنید؛ زیرا با هیچ چیز مانند دعا به خدا نزدیک نمی‌شوید» و از پیامبر اسلام نقل می‌کند که: «از خدا بخواهید و فراوان هم بخواهید، زیرا هیچ چیز برای او بزرگ و زیاد نیست.» از دیگر مباحث این بخش در باب یاد اهل بیت و ابراز دوستی به ایشان است. دوستی با اهل بیت سبب می‌شود که اخلاق و رفتار ما کم‌کم به آن‌ها نزدیک شود. از کتاب‌های اهل بیت که به یادگار مانده نهج‌البلاغه را معرفی می‌کند. در تمام این مباحث آنچنان از کلام و احادیث کوتاه و شیوای معصومین بهره می‌برد که موجب خرسندی خواننده و موجب یادگیری شیوه زندگی این بزرگان دین می‌شود. در این بخش به مباحث دیگری از جمله شکرگزاری و حقیقت آن که همه نعمت‌ها از آن خداست و نباید نعمت‌های او را در راه گناه به کار بگیریم تأکید می‌کند. در قسمت پایانی این بخش از پرهیزگاری و توبه می‌گوید و در تعریف اشاره می‌کند که: تقوی عبارت است از دوری از گناه و انجام واجبات. در این زمینه احادیث زیاد از جمله این حدیث از امام علی (ع) را نقل می‌کند «از گناهان پرهیزید زیرا هیچ بلایی رخ نمی‌دهد و هیچ رزقی کاهش نمی‌یابد مگر به خاطر گناه». از توبه و پشیمانی از گناه به توبه نصوح و خالصانه اشاره می‌کند که سبب می‌شود خدا گناهان فرد را هم به‌عنوان کارهای نیک او ثبت کند. آنچه در این بخش برای خواننده حاصل می‌شود دستیابی به سبکی آرام و بی‌دغدغه از زندگی است مباحثی که امروزه در کتاب‌هایی تحت عنوان رازهای آرامش و خوشبختی و موفقیت به جامعه عرضه می‌شود و کتاب‌های بسیار خوبی هم هستند. در این کتاب با استفاده از تعالیم دینی این مباحث به‌صورت کامل بیان شده است.

بخش دوم

این بخش با مهربانی و ترحم به همه آفریده‌های خدا شروع می‌شود. الگویی از یک انسان ایده‌آل رانشان می‌دهد، یعنی کسی که با مردم خوشرو است به حرف آن‌ها گوش می‌سپارد، نیازهای آن‌ها را برطرف می‌کند، در گفت‌وگو با آن‌ها ادب و اخلاق را رعایت می‌کند. عیب‌هایشان را نادیده می‌گیرد، به آن‌ها

در بهشت خانه‌ای است که به آن خانه شادی می‌گویند. فقط کسانی وارد این خانه می‌شوند که کودکان را شاد کرده باشند. واقعاً اوج زیبایی یک مرام و روش زندگی در این حدیث گنجانده شده است

بخش سوم

با خویشتن: می‌توان گفت ارتباط با خویشتن و روشن شدن تکلیف انسان با خودش در بعد روحی و جسمی و مراقبت از روح و جسم از خوردن و خوابیدن و ورزش کردن و مسواک زدن گرفته تا کار و کوشش و سخن‌نیکو گفتن و شتاب در نیکی‌ها که از کلیدی‌ترین نکات تربیتی است در این کتاب به شایستگی از آن صحبت شده است.

بخش چهارم

با خلقت: در عصری که مشکل محیط‌زیست دردی است در کنار سایر آلامی که بشر از آن رنج می‌برد، در این سبک از زندگی ستم کردن به حیوانات و محیط‌زیست مانند ظلم به انسان‌ها مورد نكوهش قرار می‌گیرد و احترام به حیوانات و سایر مواهب محیط‌زیست و سرزنده نگه‌داشتن آن عبادت محسوب می‌شود. از جمله احادیث و نکات تربیتی فوق‌العاده در این بخش نیاززدن حیوانات و تمیز نگه داشتن آغل و طولیله آن‌ها، سیر کردن به موقع حیوانات و محبت به آن‌هاست، همچنین قطع نکردن درختان را با ذکر این حدیث گوهر بار از پیامبر اسلام که فرمود: اگر نهالی در دست یکی از شما بود و قیامت برپا شد و به اندازه کاشت آن فرصت داشت آن را بکارد. همچنین نقل داستان شکایت گنجشک به امام (رضاع)، اسراف نکردن و احترام به نان در این بخش برای کودکان و بزرگ‌ترها بسیار جذاب و قابل توجه است. حال اگر این ادبیات زیست‌محیطی در نظام تربیتی نهادینه شود جامعه از نتیجه عملی این نوع تربیت در توسعه تمدنی بسیار بهره خواهد برد، همانگونه که در سایر مباحث

ارائه شده نیز این موضوع صادق است.

در نهایت در عصر بی‌هویتی و به تاراج رفتن اخلاق و انسانیت، نامهربانی انسان‌ها با هم، ترور و کشتار انسان‌های بی‌گناه، منفعت خواهی، قدرت‌طلبی و تخریب محیط‌زیست، دارا بودن این الگو از زندگی مرحمی است بر زخم عمیق بشر تا التیام‌بخش و خط پایان درد و رنج او باشد. پس بشارت باد بندگان که گوش می‌سپارند به ندای جان آفرین قرآن و اهل‌بیت که در هر عصر و زمان و مکانی همواره بر ارزش‌های الهی و انسانی تأکید می‌کنند. در اینجا یادآوری می‌شود:

۱. عناوین تربیتی این کتاب از نظر نگارنده که سی و اندی سال در ارتباط تنگاتنگ با مسائل تربیتی در آموزش و پرورش بوده، برای تربیت کودکان و نوجوانان بسیار مناسب است. ضمن اینکه معتقد نیز هست که ادبیات بیان مطالب برای کودکان و نوجوانان مستلزم اصولی است که بدون تردید در انتقال و تأثیر مثبت

یا منفی بر روی آن‌ها بسیار تأثیرگذار است که مستلزم توجه نویسندگان محترم کتاب کودک و نوجوان از جمله نویسنده محترم این کتاب به ادبیات کودک و نوجوان است. ۲. فهم این دایرةالمعارف بعضاً برای کودکان سنگین است. کلمات و عناوینی مانند دنیای تفاسیر، اسوه ادب، ویژگی منافقان، ابلیس، محروم از شفاعت، اجابت دعا، ليله المیت و ... به لحاظ معنا و مفهوم برای آن‌ها قابل درک نیست ولی برای نوجوانان مناسب و برای بزرگسالان بسیار مناسب است.

۳. استفاده از آیات شریف و نکاتی در صفحه ۱۶ کتاب که بیشتر جنبه انذار دارند برای کودکان مناسب نیست. زیرا با لطافت و حسن کلام و چینش احادیث و ادبیات لین و زیبای احادیث آن ضرورتی ندارد در اولین قسمت کتاب که مدخل بحث نماز است از جهنم صحبت کنیم. به‌نظر می‌رسد آیات و احادیثی که جنبه انذار دارند برای کودکان و بعضاً نوجوانان مناسب نیست. بهتر است از این آیات در سنین بالاتر و برای بزرگ‌ترها استفاده شود. ۴. تصویر جلد به تناسب زمان طراحی نشده است. مثلاً تصویر روی جلد می‌توانست چنین درون مایه‌هایی داشته باشد: وقتی چکی بین دو نفر ردوبدل می‌شود؛ پیامکی برای فردی ارسال می‌شود؛ ریختن زباله توسط یک شهروند در سطل آشغال؛ کاشت یک نهال توسط افراد یا کمک به نابینا یا فرد سالمندی برای عبور از خیابان یا مهربانی کردن با یک حیوان؛ طرحی از یک فعالیت و کار و کوشش برای کسب درآمد و مسائلی از این قبیل با نشانه‌هایی از رعایت اصول اخلاقی و رفتار شهروندی در جامعه اسلامی. به‌نظر می‌رسد استفاده از تصاویر روی جلد با نمادهای قدیمی و خارج از نمادهای تمدنی امروز این نکته را به ذهن متبادر کند که لازمه این سبک از زندگی بازگشت به گذشته و واپس‌گرایی است، هرچند ممکن است این تصویر آرامشی را که بشر در گذشته داشته است نیز به ذهن متبادر نماید که بی‌تردید این نکته از اهداف موردنظر نویسنده نیست. به‌هر حال این‌گونه به‌نظر می‌رسد که قول اول قوی‌تر است. نهایتاً تصویر روی جلد گویای سبک زندگی امروزی نیست و در آن اثری از پرتاب بشر گذشته به امروز، یعنی به دنیای که با رسانه و تکنولوژی محاصره شده است نیست.

۵. ممکن است توجه به مواردی از نقاط ضعف و قوت این کتاب از نظر نگارنده مغفول مانده باشد که بدون تردید مورد نقد واکاوی مثبت یا منفی سایر خوانندگان قرار خواهد گرفت. در بیان نگارنده این سطور دو نکته را یادآوری می‌کند که با این همه حکمت و معرفت ارزشمندی که در ادبیات قرآن و اهل‌بیت وجود دارد چرا بعضاً در عمل در حوزه تربیت نسل جوان آن‌گونه که مورد نظر است موفق نبوده‌ایم و در آینده چگونه عمل کنیم که نسلی براساس اصول تربیتی قرآن و اهل‌بیت تربیت کنیم که با خدا، خلقت، خلق خدا و خویشتن ارتباط درست و موفقی داشته باشند؟ دوم نقش روش‌های تربیتی مبتنی بر ادبیات و روان‌شناسی کودکان و نوجوانان در این زمینه چه میزان است؟

در نهایت در عصر بی‌هویتی و به تاراج رفتن اخلاق و انسانیت، نامهربانی انسان‌ها با هم، ترور و کشتار انسان‌های بی‌گناه، منفعت خواهی، قدرت‌طلبی و تخریب محیط‌زیست، دارا بودن این الگو از زندگی مرحمی است بر زخم عمیق بشر تا التیام‌بخش و خط پایان درد و رنج او باشد



پیوند دین و زندگی



نقدی بر مجموعه کتاب «سبک زندگی» از انتشارات ندای ملکوت

نصرالله دادار

در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.» بدون شک پرداختن به موضوع ازدواج که رکن اصلی زندگی هر فرد است، به‌ویژه از دیدگاه قرآن و اسلام، کاری بسیار ارزشمند است اما نکته‌ای که می‌توانست بر ارزش این کار بیفزاید، پرداختن به مسائل روز و نگاه‌های جدید در مسئله ازدواج است. امروز محققان علوم اجتماعی و روان‌شناسی مطالعات بسیار ارزشمندی درباره ازدواج کرده‌اند که باید به آن‌ها توجه شود.

خانواده عنوان جلد دوم این مجموعه است و در پنج فصل تدوین شده است: جایگاه و اهمیت نظام خانواده، تربیت دینی و معنوی خانواده، نقش و جایگاه صلۀ ارحام در تحکیم خانواده، عوامل تحکیم و استحکام خانواده از منظر اهل بیت (ع)، حقوق خانواده در بیان امام سجاد (ع). پرداختن به موضوع «خانواده» در عصر ما که متأسفانه مورد کم‌توجهی است، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. اما برای صحبت درباره چگونگی استحکام خانواده، نیازمند مطالعات جدی‌تری در این زمینه مانند مسائل عصر جدید، اقتصاد، مسائل اجتماعی، تهاجم فرهنگی هستیم که متأسفانه در این کتاب مورد غفلت قرار گرفته است. کتاب «خانواده» به کوشش میثم طاهرآبادی تهیه شده است.

عنوان جلد سوم، **مسائل تربیتی کودک** است و به اهتمام میثم طاهرآبادی و مهرناز رسول‌زاده تألیف شده است. مفهوم تربیت، اصول تربیتی، ارتباط مطلوب با فرزندان و اهمیت و نقش بازی، محورهای اصلی مطالب جلد سوم است. این جلد از کتاب

«سبک زندگی» عنوان اصلی یک مجموعه ۱۰ جلدی کتاب است که مبتنی بر آیات قرآن کریم، و احادیث و روایات تهیه شده است و می‌تواند راهنمای زندگی، برای مردم به‌خصوص جوانان، باشد. این مجموعه توسط گروه مطالعاتی مؤسسه قرآنی «ندای ملکوت» تدوین و منتشر شده است. انتشار کتاب «سبک زندگی» اقدام بسیار باارزشی است از آن جهت که بین قرآن و معارف دینی با زندگی ارتباط برقرار کرده و خود می‌تواند گام بلندی در راستای ترویج فرهنگ دینی در زندگی مردم باشد.

عناوین کتاب ۱۰ جلدی سبک زندگی به شرح زیر است:

۱. ازدواج، ۲. خانواده، ۳. مسائل تربیتی کودک، ۴. احترام به والدین، ۵. کودکان یتیم، ۶. کمک به بیمار، ۷. هدیه در اسلام، ۸. انفاق و بخشش، ۹. مشارکت اجتماعی، ۱۰. اشتغال و کارآفرینی. نویسندگان همکار کتاب آقایان میثم طاهرآبادی، علی روایی، علیرضا احمدی و سیدعلی موسوی، و نیز خانم مهرناز رسول‌زاده هستند. البته بخش زیادی از مجموعه را آقای میثم طاهرآبادی نوشته است.

عنوان جلد اول مجموعه سبک زندگی، **ازدواج** است. کتاب ازدواج در چهار فصل با عناوین: نظام زوجیت، ازدواج سنت الهی، اهداف و آثار ازدواج و موانع ازدواج تنظیم شده است. محور اصلی کتاب، آیه شریفه ۲۱ سوره روم است که می‌فرماید: «و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خود شما برایتان آفرید تا در کنار آن‌ها آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد.

می‌توانست در کتاب «خانواده» ادغام شود، زیرا یکی از مسائل اساسی خانواده، تربیت کودک است.

عنوان مجلد چهارم مجموعه، **احترام به والدین** است. احترام به والدین، رفتار شایسته فرزند با پدر و مادر، احترام به والدین در بیان معصومین(ع) و آثار احسان به والدین، سرفصل‌های اصلی این کتاب هستند. این جلد را نیز میثم طاهرآبادی تألیف کرده است. محور و اساس تبیین این کتاب، چندین آیه قرآن مانند آیات ۱۵۱ سوره انعام، ۲۳ سوره اسراء، ۳۶ سوره نساء، ۱۵ سوره احقاف و ۸۳ سوره بقره است. در این کتاب بر ضرورت احترام فرزندان به والدین تأکید شده است. این کتاب هم می‌توانست بخشی از کتاب خانواده باشد و بهتر بود که در کنار مسائل خانواده دیده می‌شد. ضمناً نویسنده می‌توانست به عوامل بی‌حرمتی فرزندان نسبت به والدین در عصر جدید نیز بپردازد.

جلد پنجم مجموعه سبک زندگی، **کودکان یتیم** نام دارد و علی‌روایی نویسنده آن است. فصول اصلی کتاب شامل معنای یتیم از منظر اسلام، تشویق الهی به سرپرستی و تکریم یتیمان، ضرورت رعایت عدالت در ازدواج با دختران یتیم و یتیم‌نوازی ائمه اطهار(ع) می‌باشد. محتوای کتاب براساس آیات و روایاتی است که در آن به یتیمان توجه شده و می‌تواند مشوق مردم برای رسیدگی به امور ایتم قرار گیرد. در این کتاب هم مسائل گوناگونی مانند معیشت یتیمان، آموزش آن‌ها، وظیفه دولت در قبال آن‌ها و... مورد غفلت قرار گرفته است.

نام جلد ششم **کمک به بیمار** است و نویسندگان آن آقایان میثم طاهرآبادی و علیرضا احمدی هستند. بیماری و عیادت از بیمار، کمک به بیماران، آداب عیادت و جایگاه پرستاری، مباحث اصلی این کتاب هستند. این کتاب مانند سایر مجلدات مجموعه مبتنی بر آیات و روایات تهیه شده است و به‌طور کلی مردم را تشویق به عیادت از بیماران می‌کند که یک امر اخلاقی پسندیده است.

جلد هفتم **هدیه در اسلام** نام دارد و به کوشش سیدعلی موسوی تهیه شده است. مفهوم هدیه، هدیه در اسلام، انواع هدیه‌ها، و آداب و ارزش هدیه از جمله مطالبی است که نویسنده کتاب به شرح آن‌ها پرداخته است. در بخشی از این کتاب به نقل از امام محمدباقر(ع) آمده است: «رسول خدا هدیه را می‌پذیرفت ولی از گرفتن صدقه پرهیز می‌کرد و می‌فرمود: «به همدیگر هدیه دهید؛ زیرا هدیه دلخوری‌ها را برطرف می‌سازد و کینه‌ها و دشمنی‌های دیرین را از بین می‌برد.» در این کتاب، مانند سایر مجلدات، متأسفانه هیچ اشاره‌ای به نحوه دادن هدیه در جامعه امروز نکرده است، در صورتی که دادن هدیه مانند پاره‌ای از امور دیگر شکل تجملی و تشریفاتی پیدا کرده به‌طوری که خیلی اوقات مردم از دادن هدیه عاجز هستند.

عنوان جلد هشتم مجموعه، **انفاق و بخشش** است که باز

به کوشش میثم طاهرآبادی تهیه شده است. موضوع «انفاق و بخشش» یکی از مسائل مورد نیاز امروز جامعه با توجه به رشد تورم و مشکلات اقتصادی و معیشتی جامعه ماست و پرداختن به این مسئله بسیار ارزشمند است.

بیشتر مطالب این جلد در مزایای انفاق و بخشش از دیدگاه قرآن و روایات است و مشوق مردم به انجام این کار خداپسندانه، اخلاقی و انسانی است. ویژگی‌های انفاق‌کنندگان، آداب انفاق، آثار انفاق و موانع انفاق و پیامدهای آن از جمله مطالبی است که به آن پرداخته شده است.

نویسنده کتاب می‌توانست در کنار این کار به آثار اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و... گسترش فرهنگ انفاق و بخشش در جامعه بپردازد.

جلد نهم **مشارکت اجتماعی** نام دارد. تعاون و مشارکت، پایبندی به عهد و پیمان، و رقابت و تعاون عناوین اصلی فصول این کتاب هستند. میثم طاهرآبادی، نویسنده کتاب، ضمن ارائه تعریف تعاون و مشارکت از دیدگاه قرآن و روایات، به تشریح مسائل گوناگون مشارکت، مانند شریک شایسته، بهترین نوع تعاون و همکاری، تعاون در مدیریت، تعاون در نیکی، رقابت و تعاون در نظام اقتصادی اسلام، و احکام و قواعد اخلاقی رقابت و تعاون پرداخته است. به اعتقاد من عنوان خوبی برای این کتاب انتخاب نشده است. زیرا اکثر مطالب آن درباره تعاون در اسلام است، زیرا تعاون تنها یک نوع از ده‌ها فعالیت است که می‌توان به عنوان مشارکت اجتماعی به آن‌ها پرداخت. آیا بهتر نبود عنوان کتاب «تعاون در اسلام» انتخاب می‌شد؟

و بالاخره جلد دهم مجموعه **اشتغال و کارآفرینی** نام دارد و آقایان: میثم طاهرآبادی و علیرضا احمدی نویسندگان آن هستند. این کتاب در چهار فصل با عنوانین: کار و تلاش، اخلاق در تجارت، کارآفرینی و تلاش، و اشتغال و اهمیت آن تدوین شده است. انتقادی جدی که به این جلد وارد است اینکه محتوای کتاب با عنوان اصلی کتاب یعنی «اشتغال و کارآفرینی» مطابقت ندارد. در صورتی که عنوان اصلی هر کتاب باید اصلی‌ترین موضوعی باشد که در کتاب به آن پرداخته شده است و در حالی که در همین جلد دهم، در کتاب هیچ اشاره‌ای به مسئله «کارآفرینی» که عنوان کتاب است، نشده است. نکته دیگر اینکه این کتاب به موضوع بیکاری و فرهنگ کار که یکی از مسائل اساسی امروز جامعه ماست، هیچ اشاره‌ای نکرده است.

نگاهی کلی به مجموعه سبک زندگی

الف: پرداختن به مسائل گوناگون جامعه مانند: ازدواج، خانواده، تربیت کودک، احترام به والدین، کودکان یتیم، کمک به بیمار، هدیه در اسلام، انفاق و بخشش، مشارکت اجتماعی و اشتغال و کارآفرینی، آن هم از دیدگاه قرآن و روایات یک کار بسیار باارزش اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی است و باید از همه نویسندگان و مؤلفان آن‌ها تشکر کرد.

ب: بدون شک هیچ کاری بدون ایراد و ضعف نیست و کتاب

ایراد دیگر اینکه در این مجموعه از مطالعات روز و جدید، به خصوص دانشگاهی، در زمینه مسائل اجتماعی، روان‌شناسی، تربیتی و... هیچ استفاده‌ای نشده است

«سبک زندگی» هم نمی‌تواند از برخی ضعف‌ها به دور باشد؛ از جمله:

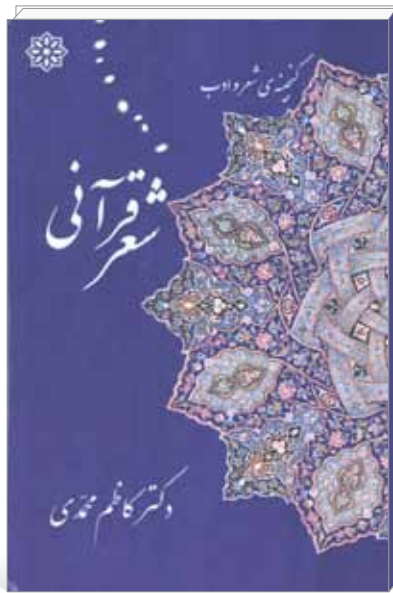
۱. عنوان اصلی مجموعه «سبک زندگی» است. در صورتی که در این کتاب هیچ صحبتی یا تعریفی از سبک (style) به مفهوم روش، شیوه و طرز ارائه نشده است و مطالبی که به آن‌ها پرداخته شده، مانند ازدواج، خانواده، اشتغال، هدیه و... بیشتر اشکال زندگی هستند و نه روش یا سبک زندگی. منظور از سبک زندگی می‌تواند سنتی، مدرن، ساده‌زیستی، تجملاتی، اخلاقی، غیراخلاقی و... باشد.
۲. عنوان جلد دهم مجموعه را «اشتغال و کارآفرینی» نام گذاشته‌اند بدون اینکه در کتاب هیچ توضیحی درباره «کارآفرینی» آمده باشد.
۳. ایراد دیگر اینکه در این مجموعه از مطالعات روز و جدید، به‌خصوص دانشگاهی، در زمینه مسائل اجتماعی، روان‌شناسی،

تربیتی و... هیچ استفاده‌ای نشده است.

۴. جلد‌های اول تا چهارم این مجموعه (ازدواج، خانواده، تربیت کودک و احترام به والدین) می‌توانست در یک مجلد با عنوان خانواده کار شود، همان‌طور که جلد‌های پنجم تا هشتم (کودکان یتیم، هدیه در اسلام، کمک به بیمار، انفاق و بخشش) را می‌شد در یک جلد و با یک عنوان کار کرد.
۵. عناوین جلد‌های مختلف کتاب هم‌وزن نیستند مثلاً موضوع خانواده، ازدواج، تربیت، اشتغال یا مشارکت اجتماعی که از مسائل بسیار مهم و پیچیده‌اند قابل مقایسه با کمک به بیمار، هدیه و انفاق و بخشش از نظر سطح و وزن نیستند.

در پایان برای نویسندگان و تهیه‌کنندگان این مجموعه ارزشمند که تلاش کرده‌اند، اثر مفیدی در جهت توسعه فرهنگ دینی در زندگی مردم عرضه کنند آرزوی سعادت و موفقیت داریم.





قرآن، در آینه شعر

نقدی بر کتاب شعر قرآنی نوشته دکتر کاظم محمدی

معصومه شجاعی

«نقل است هنگامی که عمرو بن سالم بر پیغمبر وارد شد و شعر خود را خواند حضرت فرمود: حقا که ما را یاری نمودی، خدا یار تو باشد. شعر او چنین شروع می‌شود:

پروردگارا! من با محمد، سوگند خود را با پدر پیشین او خاطر نشان ساختم و اینکه ما فرزند توایم و به اسلام گراییده و از تو دست بردار نیستیم. خداوند! محمد را یاری کن و بندگان را به یاری او فرست. (اسدالغابه، ج ۳ صص ۷۲۳-۷۲۲)».

نویسنده در ادامه به موردی دیگر اشاره می‌کند و می‌گوید: «در مستدرک حاکم آمده که چون کعب قصیده خود را در حضور حضرت خواند به این شعر رسید که:

ان الرسول لسیفٌ یستضاء به
و صارم من سیوف ا... مسلول

همانا محمد پیامبر خدا چون شمشیری است که بدان کسب روشنی می‌شود و شمشیر برنده‌ای است از شمشیرهای کشیده شده در راه خدا... کعب مصراع آخر را «من سیوف الهمد» سروده بود. پیغمبر فرمود: «من سیوف ا...».

دکتر کاظم محمدی ضمن اشاره به شاعران پارسی‌گویی که از قرآن کریم تأثیر پذیرفته‌اند و واژگان و اصطلاحات یا مضامین قرآنی را در شعر خود به کار برده‌اند، ابیاتی از ۷۲ نفر از آنان را که ملهم از آیات نورانی قرآن کریم هستند ذکر می‌کند. نکته جالب

جامع‌ترین برنامه زندگی بشر، کتاب آسمانی قرآن کریم است که علاوه بر معانی بدیع، در سبک بیان هم بی‌نظیر است. نه تنها مسلمانان، بلکه بسیاری از پژوهشگران سایر ادیان نیز در هر عصری متناسب با ذوق و سلیقه و اندیشه خود در قرآن تدبیر کرده‌اند. کتاب «شعر قرآنی» عنوان اثری از دکتر کاظم محمدی، محقق و نویسنده و استاد فلسفه و عرفان است، که از سوی انتشارات نجم کبری در ۲۳۸ صفحه به چاپ رسیده است.

نویسنده در کتاب «شعر قرآنی» ابتدا از قرآن به عنوان یک کلام آسمانی نام می‌برد که ضمن بلاغت و فصاحت و داشتن ایجاز و برخوردار از آرایه‌های ادبی، نثری ادیبانه و شعرگونه دارد، اما نه شعری که از ذهن بشر تراویده باشد بلکه کلامی موزون که از حد و اندازه بیان بشر بیرون است؛ چنان که در مقدمه می‌نویسد: «قرآن به تمامی وحی بود، نه نظم و نثر، بلکه «وحی»، یعنی گونه‌ای خاص و ویژه از سخن گفتن که در انحصار عالم قدس و حضرت حق است».

نویسنده، سپس به ذکر وضعیت شاعران زمان حیات رسول اکرم (ص) و روایت‌هایی از شعرای عرب هم عصر با پیامبر (ص) و رویه‌ای که در همراهی یا تقابل با اسلام در اشعار خود برگزیدند، پرداخته و تأثیر اشعار آن‌ها را در وضعیت موجود آن زمان بیان کرده و پاره‌ای از اشعار آن‌ها را نیز درج نموده است. از جمله:

«آرایهٔ درج»، اصل آیه و یا به واسطه «آرایه حل»، معنی آن را در شعر خود آورده است، بیان می‌نماید.

هر چند نویسنده در ذکر اشعار و آیات مربوط به آن زحمت فراوانی متحمل گردیده و اشعار را به شیوهٔ مشاعره چیدمان نموده است، اما از توضیح صنایع ادبی و آرایه‌های سخن و اینکه هر بیتی تلمیحی است به آیه‌ای از قرآن کریم که هر یک از شاعران به فراخور حال، در اشعار خویش از مضامین و مفاهیم بدیع قرآن و معارف قرآنی استشهاد جسته‌اند و با تلمیح، تضمین، اقتباس، حل و درج، سعی کرده‌اند آیات و پاره‌هایی از سوره‌های قرآن را در کلام خود بگنجانند، خودداری کرده است.

به هر حال قرآن کریم نسخه حیات‌بخش بشر است و شایسته است دیگر صاحب‌نظران و اندیشمندان نیز چون آقای دکتر کاظم محمدی از این دریای ذخائر علم و کمال و معرفت در آثار منظوم و منثور خویش بهره‌برداری کنند تا آثار خیر آن بیش از پیش در جامعه متجلی گردد. ان‌شاء... تعالی.

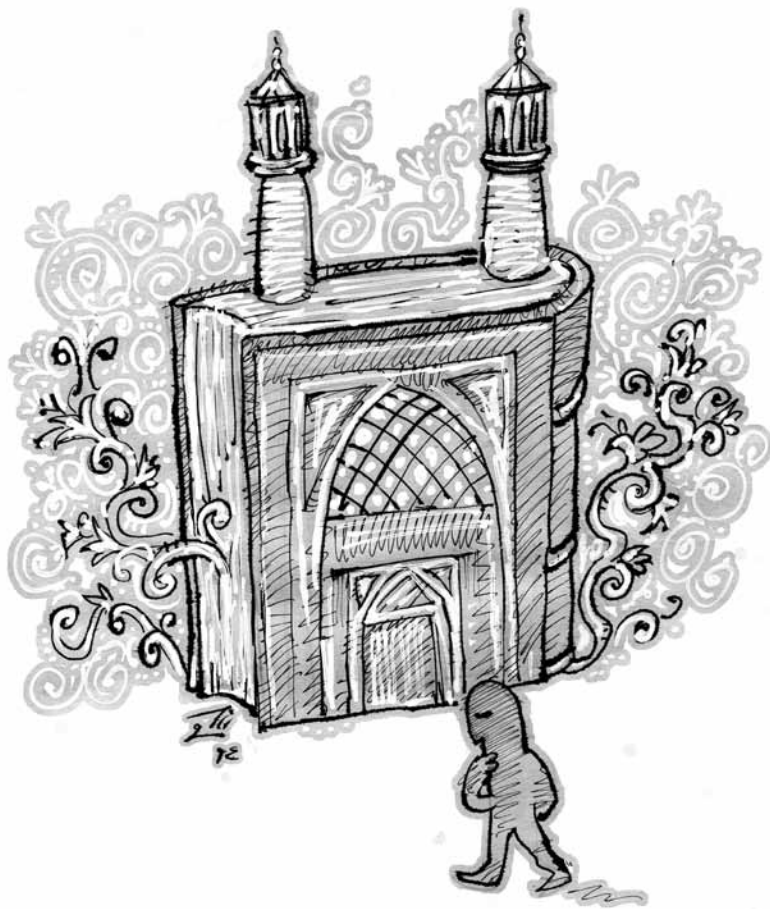
هر یک از شاعران به
فراخور حال، در اشعار
خویش از مضامین و
مفاهیم بدیع قرآن و
معارف قرآنی استشهاد
جسته‌اند

توجه این است که حسن مطلع و حسن ختام اشعار انتخاب شده به ابیات جناب مولانا جلال‌الدین معروف به مولوی اختصاص دارد به طوری که از بین ۵۰۴ بیت انتخاب شده بیشتر اشعار متعلق به اوست. از بین اشعار به‌عنوان نمونه می‌توان به این ابیات اشاره کرد:

مولانا: در جنت چو تنگ آمد مثال چشمه سوزن
اگر خواهی چو پشمی شو «لتغزل ذاک تغزیلا» (سوره اعراف آیه ۴۰)

عمادالدین نسیمی: ای ز رخسارت الی الرحمن «علی العرش» السبیل

انّ حیّاً فی هواها، کلّ من کان القتیل (سوره طه آیه ۵)
فریدالدین عطار: «لعمرك» تاج فرق مشکبارش
«الم نشرح» طراز روزگارش (سوره حجر آیه ۷۲)
حکیم سنایی: شبستان مقامت «قاب قوسین»
در درگاه تو بطحا و زمزم (سوره نجم آیه ۹)
خواجوی کرمانی: میری که یافت مُلکت ایمان ازو نظام
«ذوالنون» ز حرف آخر نامش گرفته نام (سوره انبیا آیه ۸۷)
دکتر کاظم محمدی در قسمت پی‌نوشت کتاب، عین آیات و معانی را که در هر بیت، شاعر از آن‌ها الهام گرفته و به‌واسطهٔ





در گفت‌وگو با دکتر اعتصامی، سرگروه داوران حوزه «قرآن و سبک زندگی» مطرح شد:

جای خالی روش‌های جدید آموزشی

معمولاً سبک‌های مختلف زندگی برگرفته از مبانی فکری هر فرد است. اگر کسی معتقد به آخرت شد به‌طور طبیعی در تصمیم‌گیری‌هایش اثر می‌گذارد و خودبه‌خود روش و سبک خاصی در زندگی را در پیش می‌گیرد. سبک زندگی قرآنی یعنی ما قرآن را بپذیریم و بر اساس آن مبانی، روش خاص زندگی را که قرآن پیشنهاد می‌کند پیش بگیریم و در زندگی به کار بندیم. از آنجا که مبانی سبک زندگی قرآنی مبتنی بر غیب‌گرایی، خداگرایی و آخرت‌گرایی است ممکن است با مبانی زندگی که در جهان امروز پذیرفته شده و توجه‌اش بیشتر به زندگی دنیایی و تأمین و رفاه آن است متفاوت باشد. در واقع قرآن ما را به سبک خاصی از زندگی دعوت می‌کند و از مسلمان‌ها می‌خواهد که این سبک را در پیش بگیرند.

قرآن‌شناسان معمولاً توجه به سبک زندگی قرآنی و ارائه آن به جوانان و نوجوانان را به‌عنوان یک وظیفه می‌دانند. اما مشکل بزرگ ما در این زمینه آن است که زبان روز و مناسب و همچنین شیوه‌های به‌روز و جلب و جذب‌کننده مخاطبان که پاسخ‌گوی اقتضائات زمان باشند کمتر دیده می‌شود. در نتیجه آثاری که درباره سبک زندگی تولید می‌کنیم در رقابت با کتاب‌های مشابه ضعف دارد.

سبک زندگی قرآنی برای ناشران متعهد و مسلمان ما که دغدغه ارتقای فرهنگی و تربیتی کشور را دارند، یک موضوع بسیار مهم

عدم استفاده از روش‌های جدید آموزشی و ناآشنایی با شیوه‌های جذاب برای جلب مخاطب از جمله نکاتی است که دکتر محمد مهدی اعتصامی داور «گروه قرآن و سبک زندگی» در بررسی آثار این گروه به آن اشاره دارد. این مؤلف کتاب‌های درسی معتقد است گرچه به‌نظر می‌رسد سبک زندگی از جمله مفاهیم جدید باشد اما در آموزه‌های دینی ما به آن اشاره شده است. از این رو سبک زندگی قرآن نیازمند توجه جدی و سرمایه‌گذاری ناشران و مؤلفان است.

جوانه آقای اعتصامی! شاید بهتر باشد ابتدا منظور تان را از سبک زندگی قرآنی بیشتر توضیح دهید.

گرچه اصطلاح سبک زندگی از لحاظ ترجمه‌ای اصطلاح جدیدی است ولی قدمتی به اندازه قرآن کریم دارد. در واقع منظور از سبک زندگی همان است که در عربی به آن «سیره» می‌گوییم. سیره به معنای سبک خاص زندگی است که شهید مطهری سال‌ها پیش در سیره نبوی به آن اشاره کرده است. ایشان، آنجا که سیره نبوی را توضیح می‌دهد، می‌گوید سیره از کلمه سیر گرفته شد که به معنی رفتن است. سیره یعنی سبک خاصی از رفتن و زندگی رفتن یک راه و مسیر است. زندگی پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) با سبک خاصی از زندگی همراه است.

است که نیازمند توجه و سرمایه‌گذاری جدی از سوی ناشران و مؤلفان است.

چگونه کیفیت کتاب‌های رسیده به این گروه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

تعداد کتاب‌ها بسیار اندک بود. در واقع با توجه به اهمیت موضوع هم از نظر تعداد و هم از نظر کیفیت ضعف داشتند. نویسندگان بزرگ ما به‌خصوص اسلام‌شناسان، حوزه علمیه و مبلغان باید این کمبود را جبران کنند.

چگونه این کمبودها ناشی از چیست؟

در واقع تعداد کتاب‌هایی که در حوزه دین در کشور تولید می‌شوند کم نیستند. اما تعداد کتاب‌هایی که به نحو مناسب تولید شده باشند اندک است. یعنی معمولاً آثاری که سطح کیفی بالایی داشته باشند، با فعالیت علمی جدی تولید شده باشند و قابل رقابت با آثار مشابهی باشند که سبک زندگی سکولار را تبلیغ می‌کنند، اندک هستند. شاید علت اصلی این باشد که گرچه ما مفاهیم دینی را می‌شناسیم ولی از روش‌های متنوع استفاده نمی‌کنیم. روش‌های جدیدی که در آموزش و تربیت مطرح است کمتر در تولید این آثار دیده می‌شود.

چگونه کیفیت آثار راضی‌کننده بودند؟

کتاب‌هایی که به‌عنوان آثار برگزیده و تقدیری انتخاب شدند، استانداردهای پایه را رعایت کرده بودند؛ اما در مجموع کتابی که امتیاز خیلی بالایی دریافت کند وجود نداشت. در واقع آثار از حداقل استانداردها برخوردار بودند. در انتخاب و داوری آثار برگزیده و تقدیری خیلی کار سختی در پیش نداشتیم و احساس نمی‌کردیم قرار است میان تعداد زیادی از کتاب‌های مطلوب دست به انتخاب بزنیم. در واقع فاصله کتاب‌ها زیاد بود.

چگونه کتاب مناسب و مطلوب در حوزه سبک زندگی قرآنی چه ویژگی‌هایی دارد؟

در وهله اول باید به لحاظ مبنایی و پایه‌های فکری، مبنایی درستی داشته باشد. حتی ممکن است کتابی در زمینه سبک زندگی روایتی داستانی داشته باشد اما متفکر و اندیشمند متوجه می‌شود که زیربنای این داستان چه فکر و اعتقادی است. پس از آن باید متناسب با نیازها، دغدغه‌ها و چالش‌هایی باشد که نوجوان‌ها و جوانان با آن روبه‌رو هستند. یعنی وقتی مخاطب اثر را مطالعه می‌کند ناخودآگاه احساس کند به دغدغه‌هایش پاسخ داده می‌شود گرچه ممکن است پاسخ مستقیم و صریح نباشد. علاوه بر این‌ها، باید زبان راحت، آسان و جذابی داشته باشد. به‌طوری‌که جاذبه متنی مخاطب را به دنبال خود بکشاند اما نه آن‌گونه که دست و پا گیر شود. در نهایت آنکه در کتاب مطلوب

باید از شیوه‌های آموزشی مناسب استفاده شده باشد. به‌طوری‌که وقتی مخاطب کتاب را مطالعه می‌کند متوجه شود که گرچه کتاب آموزشی نیست اما قواعد و معیارهای آموزشی در آن رعایت شده است. مثلاً اگر کتاب برای مخاطب دوره ابتدایی نوشته شده، در آن ظرفیت ذهن مخاطب در نظر گرفته شده باشد.

چگونه آیا در میان کتاب‌هایی که بررسی کردید، نوآوری خاصی دیده می‌شود؟

اکثر آثار تکراری بودند و اثر برجسته و بزرگ واقعاً دیده نشد. اما حداقل استانداردها وجود داشت.

چگونه فکر می‌کنید جشنواره در هدایت ناشران برای تولید آثار متناسب با برنامه درسی و نیازهای مخاطبان تا چه حد موفق عمل کرده است؟

ما باید روش‌های دقیق‌تری را برای جذب ناشران و مخاطبان داشته باشیم. یعنی با همه کمبودهایی که در این زمینه وجود دارد، باز هم همه کتاب‌ها در اختیار جشنواره قرار نمی‌گیرد. در جامعه ناشران، جریان‌هایی وجود دارد که ناشران مشهوری نیستند اما آثار خوبی در ارتباط با جوانان تولید می‌کنند.

از سوی دیگر نهادهای آموزشی ارتباط پیوسته با جریان نشر کشور ندارند تا داد و ستد علمی در طول سال به‌تدریج صورت بگیرد. اگر چنین اتفاقی بیفتد جریان نشر به سمت نیازهای آموزشی واقعی سوق پیدا می‌کند. الان بیشتر جریان نشر در حوزه آموزش به تولید کتاب‌های کنکور

مشغول‌اند. نخبگان کنکور و کسانی که در این زمینه توانایی دارند در آن فعالیت دارند چون جریان تعریف‌شده‌ای وجود دارد. ولی در حوزه‌های اصلی آموزش این اتفاق و داد و ستد علمی رخ نمی‌دهد تا ناشران به توانایی تولید کتاب‌های قوی در این زمینه برسند. اکنون افراد بیشتر به صورت خودجوش و بر اساس ذوق و سلیقه خود کتاب تولید می‌کنند.

در این میان نقش جشنواره بیشتر از زمینه فعالیت رسمی و ارتقای کیفی، نقش تبلیغی و زمینه ایجاد انگیزه است. ارتقای کیفی امری تدریجی و درازمدت است که جشنواره‌ها یا پایان آن هستند و یا آغاز آن. یعنی یا پایان یک فعالیت کیفی هستند که قرار است ارائه دهند و یا برای ایجاد انگیزه برگزار می‌شوند. این رو تداوم آن اهمیت دارد. یعنی دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی باید ارتباط دائمی با مخاطبان خود داشته باشد و با برگزاری نشست‌ها و گفت‌وگوها نیازهای خود را اعلام کند تا این جریان به‌صورت دائمی استمرار داشته باشد.

نهادهای آموزشی ارتباط پیوسته با جریان نشر کشور ندارند تا داد و ستد علمی در طول سال به‌تدریج صورت بگیرد اگر چنین اتفاقی بیفتد جریان نشر به سمت نیازهای آموزشی واقعی سوق پیدا می‌کند



دکتر سیدمهدی سیف سرگروه داوران حوزه «حفظ و روخوانی قرآن» مطرح کرد:

احیای محورهای مغفول در آموزش قرآن

شیوه‌ها و روش‌های گوناگون و سازنده مزین نمی‌کند و آموزش قرآن را ارتقا نمی‌دهد، در حالی که تجربیات و نظرات و تألیفات باید آموزش قرآن را یک گام به پیش ببرند و اشکالات و خلأهای موجود را جبران کنند. ما امیدواریم و آرزو داریم در آینده شاخص‌ها و ضوابطی برای تولید آثار قرآنی داشته باشیم تا شاهد تکرار مکررات نباشیم. در صورت ترسیم چنین مسیری است که به سمت پویایی و ارتقا حرکت می‌کنیم در غیر این صورت درجا می‌زنیم.

چگونه فکر می‌کنید برای ایجاد تغییر و تحول در تولید آثار قرآنی و ارائه شیوه‌های جدید در آن‌ها، ناشران و تشکیلات سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی چه وظیفه‌ای دارند؟

در قدم اول باید برنامه‌ریزان اعم از آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و یا هر نهادی که متولی این امر است چارچوب‌ها و برنامه‌های تولید این کتاب‌ها را تعیین کند. استانداردها و ضوابط تولید اثر قرآنی مناسب باید تدوین و در اختیار ناشران و مؤلفان قرار داده شود به طوری که آن‌ها تألیفات

سید مهدی سیف سرگروه داوران حفظ و روخوانی معتقد است برای ایجاد تغییر و تحول در تولید کتاب‌های قرآنی، در گام اول برنامه‌ریزان و متولیان امر باید چهارچوب‌ها و ضوابط تولید این کتاب‌ها را تدوین کنند و در اختیار ناشران و مؤلفان قرار دهند.

چگونه آقای سیف، ارزیابی کلی شما درباره کتاب‌هایی که در حوزه حفظ و آموزش روان‌خوانی بررسی کردید چیست؟

موضوع و روش برخی کتاب‌ها تکراری بود. مثل آن بود که کتاب‌های قبلی به نوعی بازنویسی شده باشند. در واقع روش و برنامه و شیوه جدیدی به جامعه قرآنی ارائه نشده بود. البته برخی کتاب‌ها از نظر حروف‌چینی، استفاده از رنگ یا انتخاب تمرین‌ها نوآوری‌هایی داشتند. اما اغلب از نظر موضوع و شیوه بیان تکراری بودند. در واقع موضوع جدیدی در این حوزه رویت نمی‌شد.

می‌توان گفت برای تألیف در کتاب‌های آموزشی قرآنی استاندارد و ضوابط روشنی وجود ندارد و هرکس مطابق سلیقه و تجربیات شخصی خود اقدام به تألیف کتاب می‌کند. این‌گونه تألیفات هدفمند و اثربخش نخواهد بود چون بازار کتاب را به

خود را در این چارچوب قرار دهند. در این صورت دیگر وقت و نیرو و امکانات را هدر نمی‌دهیم و به سمت تولید آثار اثربخش حرکت می‌کنیم. مثلاً درباره حفظ قرآن استادان بسیاری کتاب تألیف کرده‌اند اما وقتی آن‌ها را مرور می‌کنیم می‌بینیم که در ۸۰ درصد مطالب مشترک هستند. نویسندگان این حوزه باید محورهایی را که مغفول مانده‌اند بررسی و احیا کنند. این نوآوری‌هاست که برنامه را پویا می‌کند و ارتقا می‌دهد.

چرا به نظر می‌رسد برای جلوگیری از تکرار موضوعات و شیوه‌های قبلی باید نیازسنجی انجام گیرد.

بله. باید افراد یا نهادی این حوزه را مدیریت و جغرافیای فعالیت آموزشی قرآنی را مشخص کنند تا مشخص شود پیشینه این زمینه چیست، وضعیت موجود چگونه است و چه نیازهایی برای آینده داریم. یعنی باید مشخص باشد که برای ارتقا و پیشرفت در زمینه‌های مختلف آموزش قرآن باید به چه قسمت‌هایی بپردازیم. البته این کار به‌طور مختصر انجام شده اما باید کامل‌تر، کارشناسی‌شده‌تر و عالمانه‌تر باشد.

چرا یک کتاب مناسب در زمینه آموزش حفظ و روان‌خوانی قرآن، چه ویژگی‌هایی دارد؟

این موضوع بستگی به مخاطب کتاب دارد. اگر مخاطب دانش‌آموز دوره ابتدایی است باید جنبه‌های کاربردی، محور و اساس کتاب باشد نه مباحث نظری و حفظ‌کردنی که باعث شود دانش‌آموز یک سلسله اصطلاحات و شرح و توضیحات را حفظ کند. پس اصل مهم در کتابی که برای دوره ابتدایی نوشته می‌شود توجه به جنبه کاربردی و مهارتی است. در دوره متوسطه یا معادل آن می‌توان به درصد کمی از مباحث نظری بپردازیم اما باز هم مباحث کاربردی اولویت دارند. اکثر آموزش‌های ما جنبه

شعاری دارند یعنی بیشتر اصطلاح، قاعده، شرح و توضیح آموزش می‌دهیم ولی به مهارت و کاربرد کمتر توجه می‌کنیم. به‌عنوان مثال در کتاب‌هایی که موضوع آن‌ها روان‌خوانی یا تجوید است قاعده‌ای را آموزش می‌دهیم اما مثال‌های قاعده را از جمله‌های مبتلابه و مورد نیاز مخاطب انتخاب نمی‌کنیم. باید در کتاب‌ها مواردی را در میان درس‌ها بگنجانیم که واقعا مبتلابه است و به آن نیاز داریم. اما این مهم کمتر در کتاب‌ها دیده می‌شود. مثال‌های کتاب‌ها معمولا کارشناسی‌شده نیستند و گاه حتی دیده می‌شود که مؤلف موضوع را به حالتی نقل می‌کند که مغایر با نوشته اصل قرآن است. یعنی در اصل قرآن به‌گونه‌ای آمده و در کتاب به شکلی دیگر. البته این ماهیت امر را عوض نمی‌کند اما به هر حال مؤلف به آنچه در مصحف شریف است پای‌بند نبوده است. این‌ها موضوعاتی است که در یک کتاب مناسب باید مدنظر قرار گیرد.

چرا جای چه موضوعات و مباحثی در کتاب‌ها خالی بود؟

آسیب‌شناسی آموزش قرآن یکی از موضوعات بکری است که بسیار مورد نیاز معلمان است. آسیب‌شناسی یادگیری قرآن به این معناست که معلوم کنیم در آموزش قرآن با چه آسیب‌هایی روبه‌رو هستیم. این آسیب‌ها در سه حیطه قرائت، درک و فهم و حفظ قابل بررسی هستند. ما در هر سه حیطه با آسیب‌های جدی مواجه هستیم که باعث ریزش کلاس‌ها و افت بازدهی دوره‌ها و کتاب‌ها می‌شود. این حوزه، زمینه بسیار مهم و اثرگذاری است که مؤلفان به آن نپرداختند و جای خالی آن احساس می‌شود.

نویسندگان این حوزه
باید محورهایی را
که مغفول مانده‌اند
بررسی و احیا کنند.
این نوآوری‌هاست که
برنامه را پویا و قابل ارتقا
می‌کند



در گفت‌وگو با فاطمه فاخر، عضو گروه داوری «مفاهیم و معارف قرآن» مطرح شد:

گذر از نظر

آیاتی از قرآن که به این موضوع پرداخته است و همچنین ارتباط میان قرآن با نهج البلاغه در واقع کتاب‌های این گروه موضوعات عمومی‌تری را نسبت به گروه‌های دیگر شامل می‌شد.

چرا ارزیابی کلی شما نسبت به وضعیت کتاب‌هایی که بررسی کردید چیست؟

یکی از نقاط قوت این آثار استنادات خوبی بود که به آیات و احادیث داشتند. ترویج ارزش‌های دینی، اجتماعی و فرهنگی هم از دیگر موضوعاتی بود که به خوبی در کتاب‌ها پرداخته شده بود. از سوی دیگر خوشبختانه ما با کتاب‌هایی در گروه مواجه بودیم که مورد سؤال جوانان هستند و در زندگی امروز کاربرد دارند. از سوی دیگر آثاری هم بودند که واقعاً نمی‌توان نام کتاب را بر آن‌ها گذاشت. به طوری که نخستین موضوعی که حتی در یک مقاله باید آن را رعایت کرد - مثل ارجاع - در آن‌ها رعایت نشده بود. از سوی دیگر یکی از مهم‌ترین معیارهای جشنواره تطابق کتاب‌ها با برنامه‌ی درسی حوزه قرآن است. متأسفانه در اکثر آثار این معیار در نظر گرفته نشده بود. فکر می‌کنم باید ناشران و

فاطمه فاخر عضو گروه داوری مفاهیم و معارف قرآن این دوره از جشنواره است. وی معتقد است گرچه میان آثار رسیده به این گروه و برنامه درسی پیوند ضعیفی برقرار شده، اما نکته مثبت آن‌ها کاربردی بودن موضوعات در زندگی مخاطبان است؛ موضوعاتی که دغدغه ذهنی و سؤال مخاطبان امروز است و در زندگی عملی آن‌ها کاربرد دارد. البته رسیدن به چنین نقطه‌ای نیازمند آن است که از مخاطبان امروز شناخت کافی داشته باشیم. این مهم به دست نمی‌آید مگر آنکه دست‌اندرکاران بخش‌های گوناگون آموزش و پرورش و حتی ناشران خود را جدا از مدرسه و دانش‌آموزان ندانند.

چرا کتاب‌هایی در گروه مفاهیم و معارف دینی داوری می‌شود؟

کتاب‌های دینی، اجتماعی و فرهنگی که قابل استفاده عمومی باشد. در واقع شامل مهم‌ترین موضوعات قرآنی است که از بعد اجتماعی، تربیتی و... بررسی می‌شوند. مثلاً در گروه ما کتاب‌های زیادی به موضوع تربیت و روان‌شناسی تربیت مرتبط بودند، یا حقوق زنان و

چرا که اگر با دانش‌آموزان در ارتباط نباشیم نمی‌توانیم نیازهای آن‌ها را درک کنیم. اگر این هماهنگی صورت گیرد ناشران و نویسندگان به سمت و سویی حرکت می‌کنند که در راستای نیازهای واقعی دانش‌آموزان باشد.

چگونه نقش جشنواره آثار قرآنی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

برگزاری جشنواره آثار قرآنی جای خوشحالی دارد. جشنواره می‌تواند به نزدیک شدن و همفکری صف و ستاد کمک کند.

جشنواره رسالت بزرگی دارد چرا که کتاب‌های معرفی شده در آن فقط جنبه تبلیغی ندارند. وقتی کتاب‌های مناسب مشخص شوند انگیزه ناشران دیگر برای حرکت در این راه بیشتر می‌شود. گرچه جشنواره‌های قرآنی زیادی در سطح دانشجویی برگزار می‌شود اما این اولین جشنواره در سطح آموزش و پرورش است و جای خوشحالی دارد.

مؤلفان را نسبت به برنامه درسی توجیه کنیم تا کتاب‌هایشان همسو با آن باشد؛ به طوری که وقتی دانش‌آموز یا معلم کتاب را می‌خواند بتواند آن را با کتاب و برنامه درسی پیوند دهد.

چرا بنابر این به نظر شما جنبه کاربردی یک کتاب اهمیت بیشتری برای مخاطبان دارد؟

بله. کتاب‌ها باید با موضوعات روز سر و کار داشته باشند، جنبه کاربردی موضوعات در نظر گرفته شود و متناسب با نیازهای روز مخاطبان باشد. یعنی از حالت سنتی صرف و تئوری خارج شوند. صرفاً با مباحث نظری تکراری نمی‌توان مخاطبان را جذب کرد.

چگونه فکر می‌کنید برای تشویق ناشران به حرکت در راستای برنامه درسی و تولید کتاب متناسب با آن باید چه کرد؟

به نظر من در این موضوع باید صف و ستاد هر چه بیشتر به هم نزدیک شوند. ما و ناشران باید حضور بیشتری در مدارس داشته باشیم. حتی این مباحث باید در کمیسیون آموزش عمومی قرآن هم مطرح شود. در واقع نباید خودمان را جدا از مدرسه بدانیم

نباید خودمان را جدا از مدرسه بدانیم چرا که اگر با دانش‌آموزان در ارتباط نباشیم نمی‌توانیم نیازهای آن‌ها را درک کنیم





مسعود وکیل سرگروه داوران حوزه «مفاهیم و معارف قرآنی»:

بر استفاده از روش‌های فعال دانش آموز محور تأکید کنیم

چرا؟ در برنامه درسی جدید قرآن و دینی چه رویکردهایی مورد توجه قرار گرفته است؟ رویکردی که بر محتوا و اهداف برنامه حاکم است، «جامعیت آموزش قرآن» است. یعنی ما باید هدف‌گذاری، انتخاب و سازمان‌دهی محتوای آموزش قرآن را به گونه‌ای پیش ببریم که همه اهداف، مهارت‌های اولیه و پایه و دانش لازم که فرد در نسبت با قرآن نیاز دارد، به دست آید. یعنی فقط بر یکی از چندین هدف پافشاری نکنیم. به‌عنوان مثال در جامعه ما از گذشته تاکنون، روخوانی قرآن اهمیت داشته و دارد. اما رویکرد جامع ما را مکلف می‌کند که در برنامه‌ریزی آموزشی، انتخاب و سازمان‌دهی محتوای آموزشی قرآن، علاوه بر کسب توانایی خواندن قرآن که مهم است، به آنچه که به فهم قرآن، انس با قرآن و تدبر در آیات قرآن می‌انجامد نیز به عنوان هدف و محور آموزش بپردازیم.

همچون گذشته، رویکرد حاکم بر روش‌های ما بهره‌گیری از روش‌های فعال و دانش‌آموز محور است. یعنی باید فرایند یاددهی یادگیری و نیز محتوا و فعالیت‌های مختلف آموزشی را به نحوی طراحی کنیم که دانش‌آموز محور آموزش باشد و

«آشنایی بیشتر با برنامه درسی قرآن و دینی و نیز بررسی نیاز مخاطبان دو موضوعی است که باید برای ارتقای کمی و کیفی کتاب‌های حوزه مفاهیم و معارف قرآنی مدنظر قرار بگیرد.» این را مسعود وکیل کارشناس قرآن دفتر تألیف کتاب‌های درسی آموزش و پرورش و سرگروه داوران مفاهیم و معارف قرآنی می‌گوید.

چرا؟ آقای وکیل! با توجه به تغییرات برنامه درسی ملی، برنامه درسی قرآن و اهداف آن، از همان اول با آنچه در برنامه درسی ملی حوزه قرآن مورد تأکید قرار گرفته، سازگاری‌های زیادی داشته است. از این رو ما در برنامه و اهداف قرآن با تغییر زیادی روبه‌رو نیستیم. نکته مهم این است که امید داریم نواقص و خلأهایی که از گذشته در آموزش قرآن وجود داشته، به دنبال تحول و تحقق برنامه درسی ملی برطرف شود. به‌طور خلاصه در اهداف و برنامه درسی قرآن مواردی تغییر کرده اما اساسی نبوده است. انتظار داریم با برنامه‌ریزی در راستای تحقق اهداف برنامه درسی ملی، فرصت خوبی برای پر شدن خلأها به وجود آید.

به این موضوع توجه زیادی نداشتند و نوآوری خاصی در آن‌ها دیده نمی‌شد.

چرا؟ پیشنهاد شما برای ارتقای کیفیت آثار این حوزه چیست؟

به نظرم موضوعی که می‌تواند برای آینده توصیه و پیگیری شود شناسایی سؤالات و نیازهای قرآنی مربوط به مفاهیم و معارف قرآن کریم در میان دانش‌آموزان و معلمان است. پس از جمع‌آوری، جمع‌بندی و موضوع‌بندی آن‌ها، ناشران و مؤلفان باید به تولید و انتشار اثر در این زمینه ترغیب شوند. مطمئناً وقتی موضوعات واحد باشند، رقابت خوبی میان ناشران ایجاد می‌شود. علاوه بر این، دو نکته مهم را در تولید کتاب در این حوزه باید مدنظر قرار داد. نخست آشنایی

با برنامه درسی قرآن و دینی است به طوری که به توسعه این حوزه و موضوعات آن منجر شود. دومین نکته نیاز مخاطبان است که احتیاج به نیازسنجی دارد. در این زمینه، هم دفتر تألیف و دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی می‌توانند اطلاعاتی را در اختیار ناشران قرار دهند و هم خود ناشران می‌توانند با روش‌هایی از نیاز معلمان و دانش‌آموزان مطلع شوند.

چرا؟ فکر می‌کنید جشنواره چه نقشی در ارتقای کیفیت کتاب‌های قرآنی دارد؟

به نظرم تأثیرگذاری خوبی خواهد داشت. به خصوص که دست‌اندرکاران جشنواره، در نظر دارند در حاشیه جشنواره، موضوعات و مسایلی را با ناشران در میان بگذارند. در این صورت مطمئناً ناشران ترغیب می‌شوند تا در سال‌های آینده بخشی از تألیفات خود را به این حوزه اختصاص دهند.

معلم حتی الامکان در کلاس متکلم وحده نباشد. در این صورت دانش‌آموزان در خواندن و معنا کردن و تدبر و اندیشه در آیات، باید پیشگام باشند. البته در همه این بخش‌ها معلم به عنوان هدایت‌کننده و راهنمای اصلی، مسیر را هدایت می‌کند.

چرا؟ لطفاً به عنوان سرگروه داوران مفاهیم و معارف قرآنی درباره فرایند داوری کتاب‌ها و معیارهای آن بفرمایید.

بیش از ۴۰ عنوان کتاب در این حوزه در اختیار گروه داوری قرار گرفت. معیارها هم قبلاً توسط جشنواره تعیین شده بود. جذابیت و طراحی ظاهری، تناسب موضوع با نیازهای مخاطب در زمینه مفاهیم قرآن، نحوه ارائه مطالب و ... از جمله این معیارها بود.

چرا؟ یکی از مهم‌ترین معیارهای جشنواره، تناسب محتوای کتاب‌های رسیده با برنامه درسی قرآن است. کتاب‌هایی که شما بررسی کردید تا چه اندازه مقید به رعایت این معیار بودند؟

متأسفانه چون ناشران از قبل در ارتباط با این موضوع توجیه نشده بودند و امسال نخستین بار است که کتاب‌های قرآنی به‌طور مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرند، شاید بتوان گفت بیشترین ضعف در رعایت همین معیار بود. البته ما در این زمینه ناشران را، به دلیلی که گفتیم، مقصر نمی‌دانیم. از این رو در اعمال این معیار سخت‌گیری زیادی نکردیم. در واقع بیشتر به این نکته توجه کردیم که کتاب به‌طور کلی چقدر پاسخ‌گوی نیاز دانش‌آموزان و معلمان است.

چرا؟ آیا نوآوری چشمگیری در کتاب‌ها دیده می‌شد؟

برخی از ناشران به ظاهر کتاب‌هایشان توجه ویژه‌ای کرده بودند تا با سلیقه جوانان و نسل امروز نزدیک‌تر باشد. اما بیشتر کتاب‌ها

ناشران در تولید کتاب‌های قرآنی باید دو نکته را مدنظر قرار دهند: نخست آشنایی با برنامه درسی قرآن و دینی، دوم نیازسنجی



محمد رضا عاقل‌زاده، عضو گروه داوری «قرآن و سبک زندگی»:

آفت کلیشه‌ها در نشر کتاب‌های قرآنی

گفت‌وگو با داوران: سمانه آزاد

البته تعداد آثار آن‌قدر زیاد نبود که بتوان نتیجه ارزیابی را به همه کتاب‌های این حوزه تعمیم داد؛ اما در مجموعه آثاری که بررسی کردیم، کتاب‌های خوبی هم دیده می‌شد که مورد توجه داوران قرار گرفت و امتیازهای خوبی هم دریافت کردند.

چرا عمده مخاطبان کتاب‌ها چه گروهی بودند؟

بیشتر کتاب‌ها برای همکاران فرهنگی و بزرگسالان بودند. البته در گروه سبک زندگی، ما بیشتر جامعه بزرگسالان اعم از معلمان و والدین را مورد توجه قرار می‌دهیم. سبک زندگی یکی از موضوعات مهم و مورد توجه ما در تعلیم و تربیت است که به بخش تربیت فرزندان و دانش‌آموزان مرتبط می‌شود. از این رو بیشترین مخاطبان بزرگسالان هستند؛ چه خانواده‌ها و چه همکاران فرهنگی ما. در واقع این گروه هستند که باید این سبک قرآنی را فرابگیرند و در تربیت فرزندان و دانش‌آموزان‌شان آن را مورد توجه قرار دهند. ما مقوله سبک زندگی را به شکلی برای مخاطبان بزرگسال ارائه می‌دهیم که لازم نیست با همان ترتیب دانش‌آموزان را وارد این مقوله کنیم. برای دانش‌آموزان باید فضاهای دیگری مانند انس و علاقه و آشنایی با قرآن مدنظر قرار بگیرد. وقتی به این موضوعات توجه شود به‌طور غیرمستقیم به سبک زندگی قرآنی هم می‌رسند. البته در گروه، آثاری از ناشران و مؤلفان گوناگون برای دانش‌آموزان

سبک زندگی قرآنی از دغدغه‌های مؤلفان و ناشران حوزه آثار قرآنی است. ارائه سبک مناسب قرآنی به دانش‌آموزان و والدین و هم‌چنین دست‌اندرکاران آموزش و پرورش به منظور اشاعه بیشتر مبانی فکری زندگی قرآنی نیازمند شناخت روحیات، سلائق، نیازها و دغدغه‌های مخاطبان امروز است. اما به اعتقاد محمد رضا عاقل‌زاده، معاون اداره کل قرآن، عترت و نماز، محققان و مؤلفان این حوزه شناخت چندانی از نیازها و ذائقه مخاطبان ندارند. وی که در «گروه قرآن و سبک زندگی» به داوری آثار پرداخته، معتقد است مؤلفان، ناشران و نیز پژوهشگران باید از ظرفیت‌های آموزش و پرورش در نیازسنجی مخاطبان و زمینه‌های فعالیت‌های خود بهره بگیرند.

چرا آقای عاقل‌زاده، کتاب‌های رسیده به گروه قرآن و

سبک زندگی را چه‌طور دیدید؟

در درجه اول به نظر می‌رسد همه آثار تولید شده در کشور در این زمینه، وارد جشنواره نشدند و در مجموعه آثاری که ما بررسی کردیم حضور نداشتند. شاید اگر آثار بیشتر و متنوع‌تری وارد جشنواره می‌شد، روند انتخاب کتاب هم بهتر صورت می‌گرفت. امیدوارم این جشنواره و نتایج داوری آن باعث شود که این آثار مورد توجه مخاطبان به‌ویژه دانش‌آموزان و معلمان قرار بگیرد.

وجود داشت که به نظر می‌رسید آثار قابل توجهی هم باشند.

چگونه فکر می‌کنید باید برای تشویق ناشران به تولید آثار با کیفیت‌تر در این حوزه، چه رویکردی را پی بگیریم؟

من معتقدم در این زمینه نباید کار فرمایشی کرد. ناشران باید فعالیت‌های خود را داشته باشند. مخصوصاً در حوزه تحقیق و تالیف؛ محققان و پژوهشگران باید به سمتی که یافته‌ها و علم‌شان نشان می‌دهد حرکت کنند. کاری که اکنون در دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی صورت می‌گیرد، یعنی انتخاب آثار مورد نیاز جامعه فرهنگی و دانش‌آموزان، بهترین تصمیم است. یعنی ما باید از مجموعه آثار تولید شده در نشر، آنچه را که به نظرمان می‌رسد مورد نیاز مخاطبان ماست جدا و معرفی کنیم. چه در بعد امور فرهنگی و چه هنری، ارائه سفارش اثر را عمیق و مناسب نخواهد کرد.

چگونه در حوزه کتاب‌های قرآن و سبک زندگی چه اثری را می‌توان اثر مطلوب ارزیابی کرد؟

معتقدم هر اثر و محتوایی که مبتنی بر آیات قرآن تألیف شده باشد فی‌نفسه دارای ارزش ذاتی است. البته سلیقه‌ها و نوع دریافت‌ها در این موضوع تأثیرگذار است. ما متأسفانه گاهی دریافت‌های غلط و اشتباه از آیات قرآن داریم. اما در مجموع آنچه که در این حیطه بسیار اهمیت دارد قالب کتاب‌هاست. متأسفانه در کتاب‌هایی که بررسی کردیم اثر درخوری از حیث قالب که با محتوا هم‌خوانی داشته باشد ندیدم. چه در طراحی جلد، چه در عنوان‌گذاری، صفحه‌آرایی و در کل کتاب‌سازی اثر قابل توجهی نبود. برخی کتاب‌ها محتوای فوق‌العاده‌ای دارند اما مخاطب با دیدن ظاهر کتاب آن را کنار می‌گذارد، مخصوصاً اگر مخاطب کتاب دانش‌آموز باشد و یا معلمی که قرار است در فرصت کوتاهی کتاب را تورق و یافته‌ها و اطلاعاتی را کسب کند. من واقعا از طراحان جلد و گرافیک‌ها گله‌مندم که چرا در همه آثار دینی و قرآنی فقط از یک سلسله کلیشه استفاده می‌کنند که تکراری شده است. به نظر قالب کتابی که قرار است سبک زندگی قرآنی را ترویج کند و یا هر اثر فرهنگی و هنری دیگری، بسیار اهمیت دارد.

پس از قالب باید محتوای کتاب را مدنظر قرار داد. در این زمینه به نظر می‌رسد محققان و مؤلفان ذائقه مخاطبان امروز را نمی‌شناسند. مخاطبان امروز چه در بخش بزرگ‌سال و چه دانش‌آموزان ذائقه‌های بسیار متفاوتی نسبت به گذشته دارند. متأسفانه محققان و مؤلفان تحقیقاتی پیرامون سلیقه و ذائقه مخاطبان امروز انجام نمی‌دهند تا متناسب با این یافته‌ها محتوا تولید کنند.

به نظر من این دو نکته می‌تواند در تولید اثر مطلوب در زمینه سبک زندگی مفید واقع شود.

چگونه پس در این حوزه شاهد نوآوری خاصی نبودید؟

نه، متأسفانه. بخش نوآوری در کتاب‌های این گروه نمره کمی

داشت. محتوا، مستندسازی محتوا با آیات قرآن، مرجع‌ها و ... خیلی خوب ارائه شده بودند اما در نوآوری ضعیف بودند. قرآن کتابی است که قرار است تا آخر خلقت از مفاهیم آن استفاده کنیم. آیا هنوز در رابطه با قرآن باید به شیوه گذشته عمل کنیم؟ آن هم در حالی که نیازها، رفتارها و تفکرات تغییر کرده است؟

چگونه به نظر می‌رسد برای تشخیص ذائقه و نیازهای مخاطبان باید فرایند نیازسنجی صورت گیرد. آیا اداره کل قرآن، عترت و نماز از پژوهشگرانی که قصد این نیازسنجی و پژوهش را داشته باشند حمایت می‌کند؟

قطعاً. ببینید سر و کار ما با دانش‌آموزان در حوزه قرآن است. از یک سو دانش‌آموزانی که به‌طور آشکار و مستقیم در حوزه قرآنی فعالیت می‌کنند مانند قاریان و حافظان قرآن. ما در مسابقاتی که اداره کل قرآن، عترت و نماز برگزار می‌کند سالانه تعداد زیادی

از دانش‌آموزان نخبه قرآنی را شناسایی می‌کنیم که می‌توانند مخاطب محققان و پژوهشگران قرار بگیرند تا نیازهای آن‌ها را بشناسند. از سوی دیگر دانش‌آموزانی که در این حوزه‌ها فعالیت نمی‌کنند هم می‌توانند مخاطب قرار بگیرند. همکاران و مربیان پرورشی می‌دانند که چرا دانش‌آموزان میل و رغبتی برای فعالیت در حوزه قرآنی ندارند. این همکاران هم می‌توانند به محققان کمک کنند تا موانع فعالیت‌های قرآنی برطرف شود. به نظر می‌رسد جامعه محققان ما از ظرفیت‌های آموزش و پرورش کم‌تر استفاده می‌کنند.

چگونه شاید این ظرفیت‌ها به خوبی شناسایی و معرفی نشده باشد.

این محقق است که باید ظرفیت‌ها را شناسایی کند. شناختی که ما به وسیله برنامه‌های فوق برنامه از مسائل دانش‌آموزان در حوزه قرآن داریم شاید معلم قرآن نداشته باشد. در واقع شناختی که ما از نوع نگاه دانش‌آموزان و معلمان نسبت به این موضوع داریم متفاوت است. محققان باید از این ظرفیت‌ها که در آموزش و پرورش وجود دارد استفاده کنند.

چگونه جشنواره امسال به آثار قرآنی اختصاص دارد. فکر می‌کنید تا چه حد در اهداف خود موفق بوده است؟

موضوعی که به نظر می‌رسد هنوز جای کار دارد اطلاع‌رسانی است. احساس می‌کنم اطلاع‌رسانی خوبی در ارتباط با جشنواره قرآنی صورت نگرفته است. یعنی حتی همکاران حوزه قرآنی ما از این اتفاق مبارک در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی اطلاع ندارند. اگر در رسانه‌ها تبلیغ بیشتری صورت می‌گرفت حتماً با استقبال بیشتری هم از سوی ناشران روبه‌رو می‌شد.

قرآن کتابی برای همه زمان‌هاست. آیا هنوز در رابطه با قرآن باید به شیوه گذشته عمل کنیم؟ آن هم در حالی که نیازها، رفتارها و تفکرات تغییر کرده است؟



سید محمد حسین میرباقری عضو گروه داوری تفسیر، ترجمه و موضوعات قرآن

برای دانش آموزان هم می‌توان تفسیر نوشت

چوایه کتاب‌ها بیشتر برای چه مخاطبانی بودند؟
بیشتر آثار برای دبیران، محققان قرآن و دانشجویان علوم قرآنی نوشته شده بودند. واقعاً برای مخاطبان دانش آموز کتاب‌های کمی داشتیم. آن آثاری هم که برای این گروه نوشته شده بود چندان قابل توجه نبود. این از نکاتی است که باید به‌طور جدی به آن توجه کرد. امیدوارم این جشنواره بتواند انگیزه خوبی را برای تألیف کتاب در این زمینه، در نویسندگان قرآنی، فراهم کند.

چوایه آیا کمبود و خلأ دیگری هم در کتاب‌ها دیده می‌شد؟

همان‌طور که گفتیم، علاوه بر کمبود آثار ویژه دانش‌آموزان، کتاب‌هایی هم که برای این گروه سنی نوشته شده بودند چندان تناسبی با مخاطبان نداشتند. این در حالی است که باید زمینه‌های فهم قرآنی برای دانش‌آموزان میسر شود. البته اکنون در کتاب‌های دوره متوسطه اول، کم و بیش به این موضوع پرداخته شده است. باید مؤلفان به این نکته توجه داشته باشند که دانش‌آموزان هم توانایی فهم قرآن را دارند و با رعایت شرایطی می‌توان آثاری را برای آن‌ها تولید کرد. گرچه نمی‌توان گفت هر کس با اندک مطالعه‌ای می‌تواند کار قرآنی انجام دهد. اما از سوی

ورود به حوزه تفسیر قرآن از آن دسته موضوعاتی است که شاید به گمان برخی مناسب ظرفیت ذهنی دانش‌آموزان نباشد. اما سید محسن سید محمد حسین میرباقری، عضو گروه داوران حوزه تفسیر، ترجمه و موضوعات قرآنی معتقد است می‌توان با رعایت شرایطی کتاب‌هایی در حوزه تفسیر تولید کرد تا زمینه فهم قرآن برای دانش‌آموزان فراهم شود. به گفته وی باید راه‌های جدیدی پیدا و آثاری جذاب تولید کرد تا دانش‌آموزان به فهم بیشتر قرآن ترغیب شوند.

چوایه آقای سید محمد حسین میرباقری روند داوری کتاب‌های گروه تفسیر و ترجمه چگونه بود؟

در مرحله اول، حدود ۳۳ عنوان کتاب به دست ما رسیده بود که پس از بررسی‌های اولیه ۱۴ عنوان از آن‌ها به مرحله بعد راه پیدا کرد و با بررسی مجدد فقط شش عنوان کتاب به مرحله نهایی رسید. در بررسی نهایی هم، یک کتاب به‌عنوان اثر تقدیری و یک کتاب به‌عنوان اثر برگزیده انتخاب شد. خوشبختانه مخاطب اثر برگزیده دانش‌آموزان بودند و جای خوشحالی است که می‌بینیم کتاب قابل قبولی در این حوزه برای مخاطبان دانش‌آموز تألیف شده است.

حوزه صورت نگرفته است.

چرا؟ به نظر می‌رسد کتاب‌های این حوزه نیاز به نوآوری دارند. در آثاری که بررسی کردید نوآوری‌هایی دیده شد؟ نوآوری کم دیده شد. کتابی که به‌عنوان برگزیده معرفی شده، تقریباً از نوآوری برخوردار بود. به‌طوری که ۱۱۴ مبحث از ۱۱۴ سوره قرآن کریم را ارائه و نکات قابل توجهی را بیان کرده بود. البته ناشران همه آثار خود را به جشنواره نفرستاده بودند. بنابراین می‌شود گفت ممکن است در بازار کتاب‌های دیگری در این حوزه وجود داشته باشد که وارد جشنواره نشده‌اند.

چرا؟ با توجه به اینکه شما نمونه‌ای از کتاب‌های منتشر

شده در حوزه تفسیر و ترجمه را بررسی کرده‌اید، برای ارتقای کیفیت آن‌ها چه پیشنهادی دارید؟

به نظر می‌رسد ناشران می‌توانند با ایجاد زمینه‌ها و شرایط مناسب، مؤلفان را به تألیف در این حوزه به‌خصوص برای دانش‌آموزان تشویق کنند. مؤلفان هم باید این نکته را در نظر داشته باشند که تولید اثر تفسیری برای دانش‌آموزان امری شدنی است. موضوع تفسیر منحصر به علما و طلاب نیست و عموم مردم باید به تدریج با این موضوعات آشنا شوند. باید ابتدا این باور در نویسندگان ایجاد شود، پس از آن راه‌ها باز می‌شود و خلاقیت‌ها جلوه می‌کند.

دیگر نویسنده‌ها باید بدانند که بسیاری از مباحث قرآن برای عموم قابل استفاده است. بنابراین باید با خلق اثر جذاب، خواننده دانش‌آموز را به این سمت‌وسو هدایت کرد، به‌طوری که از قرآن لذت ببرد و علاقه‌مند شود و بیش از پیش از آن بهره‌مند گردد.

چرا؟ برخی معتقدند که تفسیر مناسب سن و ظرفیت ذهنی دانش‌آموزان نیست. اما شما معتقدید با رعایت شرایطی می‌توان اثر مناسبی برای آن‌ها تولید کرد. منظورتان چه شرایطی است؟

باید کار را از موضوعات متناسب با سن دانش‌آموزان آغاز کرد و به تدریج تدبیر و تفکر در قرآن را آموزش داد. مثلاً تدبیر در موضوعاتی مانند اینکه وقتی صفات خداوند در انتهای آیه‌ای ذکر می‌شود چه ارتباطی با محتوای آیه دارد؟ یا نکات پنهان در آیه‌ها، را بیان کنیم. نباید فقط سعی کنیم به آخر آیه، سوره و جزء قرآن برسیم. اگر این موضوعات به تدریج و با زبان ساده در کتاب‌ها بیان شود، دانش‌آموزان هم علاقه‌مند می‌شوند. مطمئناً برای آشنا کردن این گروه سنی با تفسیر راه‌هایی هست؛ فقط باید دنبال راه‌های جدیدتر و بهتر بود. مثلاً بسیاری از نکات ظریف اخلاقی و تربیتی در قرآن ضمن داستان‌ها بیان شده است؛ از این رو می‌توان از آن‌ها برای ایجاد جذابیت استفاده کرد. اگر پرداخت خوبی در اثر تفسیری وجود داشته باشد، دانش‌آموزی که مستعد پذیرش است، شیفته آن خواهد شد، پس بر این اساس می‌توان برای دانش‌آموزان کتاب تدوین کرد. به هر حال تجربه ما و نیز بررسی آثار رسیده نشان می‌دهد که متأسفانه کار عمیقی در این

اگر پرداخت خوبی در اثر تفسیری وجود داشته باشد، دانش‌آموزی که مستعد پذیرش است، شیفته آن خواهد شد



یاسین شکرانی سرگروه داوران حوزه «دانشتینی‌ها و لطائف قرآنی»:

ما و ناشران به تعامل بیشتری نیاز داریم

به طور کلی هر کتابی که کمک کند آگاهی مخاطب نسبت به قرآن، برکات و تأثیرات قرآن افزایش یابد و با علوم قرآنی آشنایی بیشتری پیدا کند می‌تواند در این حوزه قرار بگیرد.

چرا؟ روند داوری کتاب‌هایی که در این حوزه به گروه شما رسیده بودند چگونه بود؟

حدود ۲۰ عنوان کتاب در حوزه دانشتینی‌ها و لطائف قرآنی به دست ما رسیده بود که در دور اول داوری ۱۵ عنوان از آن‌ها از روند بررسی و داوری خارج شدند. در جلسه دوم از میان پنج کتاب باقی‌مانده یک کتاب تقدیری و یک کتاب برگزیده را انتخاب کردیم.

چرا؟ مخاطب کتاب‌ها عمدتاً چه گروهی بودند؟

اکثر کتاب‌ها برای دانش‌آموزان دوره‌های مختلف تحصیلی نوشته شده بودند. کتاب‌های تقدیری و برگزیده هم برای این سطح منتشر شده‌اند.

چرا؟ گروه داوری برای انتخاب اثر برگزیده چه معیارهایی را مدنظر داشت؟

چند معیار برای ما مهم بود. نخستین معیار که برای ما از همه مهم‌تر بود هماهنگی با برنامه درسی حوزه قرآن بود. دوم آنکه

حوزه دانشتینی‌ها و لطائف قرآنی حوزه پرطرفداری - هم از سوی مؤلفان و هم از سوی مخاطبان - است و آثار زیادی هم هر ساله در این حوزه منتشر می‌شوند. با وجود این تعداد کتاب‌هایی که در این حوزه به دبیرخانه دوازدهمین دوره کتاب‌های آموزشی رشد - ویژه آثار قرآنی - رسیده، تنها ۲۱ عنوان است. یاسین شکرانی سرگروه داوران «دانشتینی‌ها و لطائف قرآنی» معتقد است این تعداد کتاب یا ناشی از عدم اطلاع ناشران است و یا عدم استقبال و شرکت آن‌ها در جشنواره. وی مهم‌ترین اقدام در جهت افزایش کیفیت آثار این حوزه را تعامل بیشتر ناشران با گروه درسی قرآن می‌داند؛ چرا که تنها در این صورت شاهد تولید آثاری متناسب با نیاز مخاطبان و اهداف برنامه درسی حوزه قرآن خواهیم بود.

چرا؟ آقای شکرانی چه کتاب‌هایی در دایره موضوعی دانشتینی‌ها و لطائف قرآنی قرار می‌گیرند؟ در واقع وقتی از این حوزه صحبت می‌کنیم منظورمان چگونه آثاری است؟

حوزه «دانشتینی‌ها» گسترده است و می‌تواند به موضوعاتی درباره اعجاز علمی و معنوی قرآن مربوط باشد. کتاب‌هایی که در حیطه دانشتینی‌ها قرار می‌گیرند بر معلومات دانش‌آموز نسبت به قرآن می‌افزایند و مخاطب را با سوره‌ها و آیه‌ها آشنا می‌کنند.

کتاب باید انس و علاقه دانش‌آموز را نسبت به قرآن جلب کند به طوری که گرایش قلبی مخاطب نسبت به آموزه‌های قرآن بیشتر شود. سومین معیار وجود خلاقیت در فرایند تولید و تدوین کتاب بود به طوری که روش جدیدی را در تولید به کار گرفته باشد.

چوبه ارزیابی کلی شما درباره کتاب‌هایی که بررسی کردید چیست؟

تعداد کتاب‌ها خیلی کم بود. گرچه در این حوزه آثار زیادی منتشر می‌شود ولی آنچه به دست ما رسیده بود بسیار کم بود. ممکن است ناشران از جشنواره اطلاعی نداشته‌اند و یا اگر مطلع بوده‌اند اقدامی نکرده‌اند. ۲۱ عنوان کتاب نسبت به آنچه که در بازار نشر شاهد آن هستیم خیلی کم است. باید راهکاری پیدا کرد که خبر برگزاری جشنواره به اطلاع همه ناشران این حوزه برسد تا سال‌های بعد شاهد افزایش تعداد کتاب‌ها باشیم. نکته بعدی درباره کیفیت کتاب‌هاست. ما در همان غربال‌گری اولیه ۱۵ عنوان کتاب را کنار گذاشتیم. گرچه ممکن است این کتاب‌ها هم آثار خوبی باشند اما در حوزه برنامه درسی نبودند یعنی نه کمکی به دانش‌آموز می‌کردند و نه یاری‌رسان معلم در فرایند یاددهی یادگیری بودند. موضوعات برخی از آن‌ها هم تکراری بود. به نظر می‌رسد چون مخاطب آثار جشنواره معلمان و دانش‌آموزان هستند، ناشران پیش از انتشار کتاب باید با اهداف و معیارهای جشنواره و نیز اهداف برنامه و کتاب درسی آشنایی داشته باشند تا بتوانند در این راستا آثاری را تولید کنند. عمده مشکلی که در کتاب‌ها وجود داشت عدم هماهنگی با برنامه درسی قرآن بود و در واقع اکثر کتاب‌ها به موضوعاتی پرداخته بودند که در حیطه آموزش و پرورش نبود.

چوبه از آنجا که حوزه دانستنی‌های قرآنی حوزه عمومی تری به نظر می‌رسد، انتظار تولید کتاب‌های بیشتری در این حوزه هست. وقتی کتاب‌های بیشتری تولید شوند انتظار نوآوری در این زمینه هم بیشتر می‌شود. آیا در میان کتاب‌ها نوآوری خاصی دیده می‌شد؟ بله. کتابی که به عنوان اثر برگزیده انتخاب کردیم این ویژگی را داشت که صرفاً از حیطه نوشتاری خارج شده بود. به این ترتیب که قلم هوشمندی در کنار کتاب طراحی شده بود و وقتی روی متن قرار می‌گرفت صدای متن از آن شنیده می‌شد. مثلاً اگر در کتاب مطلبی راجع به فضیلت یک سوره نوشته شده بود، مخاطب می‌توانست با قرار دادن قلم روی متن، سوره را هم بشنود. این تأثیر فرایند آموزشی را خیلی بهتر می‌کند.

چوبه یکی از مهم‌ترین معیارهای بررسی کتاب‌ها در جشنواره، تناسب محتوا با نیازهای مخاطبان است. کتاب‌ها تا چه حد این نیاز را پوشش داده بودند؟

متأسفانه در این زمینه کتاب‌ها خیلی ضعیف بودند. این نکته‌ای است که در بیانیه هم به آن اشاره کرده‌ایم. بیشتر کتاب‌ها نه به دانش‌آموزان کمکی می‌کنند و نه به معلمان. کتاب‌ها بیش از

آنکه واقعاً مطابق با نیازهای مخاطبان باشند بر اساس تشخیص مؤلف یا ناشر تولید شده‌اند. به طوری که گروه داوری از میان ۲۱ کتاب، فقط پنج کتاب را برای دبیر یا دانش‌آموز مناسب تشخیص داد. در واقع داوری اصلی ما فقط در میان پنج عنوان کتاب صورت گرفت. ۱۵ کتاب دیگر به راحتی کنار گذاشته شدند چون محتوای آن‌ها متناسب با نیاز مخاطب و برنامه درسی قرآن نبود.

چوبه پیشنهاد شما برای افزایش کیفیت آثار این حوزه چیست؟

بخشی از این موضوع به عهده دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی است که بین گروه‌های درسی و ناشران ارتباط برقرار کند. به طوری که گروه‌های درسی قرآن و دینی، خواسته‌ها، انتظارات و نیازهای خود را در حوزه دانش‌آموزان و معلمان با ناشران در میان بگذارند. هم‌چنین گروه‌های درسی می‌توانند موضوعاتی را که مغفول مانده‌اند و کتاب‌های کمی در آن حیطه منتشر شده‌اند به ناشران گوشزد کنند تا ناشران روی این موضوعات متمرکز شوند. ما حتی می‌توانیم کارگاه‌های آموزشی برای ناشران برگزار کنیم تا آن‌ها را با اهداف برنامه درسی دینی و قرآن طی ۱۲ سال تحصیلی آشنا کنیم. ناشران هم با کسب این آشنایی متوجه خواهند شد که باید چه اقداماتی انجام دهند. اگر بین مؤلفان کتاب‌های درسی و گروه‌های درسی با ناشران تبادل نظر به وجود آید مطمئناً سطح آثار خیلی بهتر خواهد شد و از کتاب‌ها هم استقبال بیشتری صورت می‌گیرد.

چوبه فکر می‌کنید برای رسیدن به هدف جشنواره که همان سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی قرآن است باید چه کرد؟

چند راهکار را می‌توان پیش گرفت. نخست آنکه نظارتی قوی بر کتاب‌هایی که وارد مدرسه‌ها می‌شوند وجود داشته باشد. اکنون بر اساس قانون هر منبع آموزشی و تربیتی که قرار است وارد مدرسه شود باید تأییدیه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی را داشته باشد. با وجود این، هنوز کتاب‌هایی که امتیاز لازم را کسب نکرده و تأیید نشده‌اند به راحتی وارد مدرسه می‌شوند. از سوی دیگر باید تعامل بیشتری با ناشران برقرار کرد. ناشران می‌توانند طبق طرح درهای باز سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به دفتر تألیف آمده و با گروه‌های درسی مختلف آشنا شوند. در این بازدیدها که با مؤلفان کتاب‌های درسی آشنا می‌شوند، هم حرف‌های آنان را می‌شنوند و هم می‌توانند دغدغه‌های خود را مطرح کنند. به نظر می‌رسد اگر تعاملات ناشران و گروه‌های درسی بیشتر باشد به طوری که هر دو طرف خواسته‌های خود را در میان بگذارند، گام مفیدی برای پیشبرد اهداف جشنواره خواهد بود.

اگر بین مؤلفان کتاب‌های درسی و گروه‌های درسی با ناشران تبادل نظر به وجود آید مطمئناً سطح آثار خیلی بهتر خواهد شد



ناصر نادری، سرگروه داوران حوزه «قصه‌های قرآنی» تأکید کرد:

فضای قصه‌های قرآنی را بهتر بشناسیم

خیر. البته دلایل گوناگونی داشت؛ از جمله اینکه تعداد آثار به اندازه‌ای نبود که برای معرفی اثر برگزیده احساس نیاز کنیم. کتابی هم که به‌عنوان اثر تقدیری انتخاب شد هم به لحاظ فرم و چاپ و هم به لحاظ محتوا و زبان، اثر ارزشمندی است ولی در عین حال، تا اوج قله و ایده‌آل فاصله وجود داشت. تقریباً بین همه هواداران گروه اتفاق نظر بود که ما فقط اثر تقدیری انتخاب کنیم. خوشبختانه این اثر در هر دو وجه محتوایی و ظاهری اثر قابل‌اعتنایی است و برای مخاطبان گروه سنی (ب) نوشته شده است.

چرا؟ راجع به معیارهای داوری آثار توضیح می‌دهید؟
معیارهای گزینش آثار دو دسته بود. یک دسته جنبه‌های کتاب‌سازی را مدنظر داشت، مانند تصویرسازی، طراحی گرافیک، صفحه‌آرایی و چاپ، دسته دیگر معیارها بر ساختار محتوایی اثر تأکید داشت. به‌ویژه سندیت و صحت اطلاعات، وفاداری به نوع نگاه و تلقی قرآنی و جنبه‌های زبانی اثر مانند رعایت ظرفیت ذهن و زبان مخاطب، پیراستگی، سلیس بودن و سادگی نثر و زبان.

چرا؟ در میان کتاب‌های گروه، بیشتر چه گروه سنی مخاطبان آثار بودند؟
خوشایندترین و لذت‌بخش‌ترین شکل روایت متن قرآنی به‌ویژه

ناصر نادری، سرگروه داوران حوزه قصه‌های قرآنی است که خود نیز دستی به قلم دارد. وی معتقد است یکی از عمده مشکلاتی که در حوزه قصه‌های قرآنی به چشم می‌خورد عدم اشراف علمی برخی نویسندگان به موضوعات و قصه‌های قرآنی و بیگانگی با ویژگی‌ها و فضای قصه در قرآن است. نادری به مؤلفان و ناشران این حوزه توصیه می‌کند پیش از نگارش و چاپ داستان‌های قرآنی به پژوهش و مطالعه منابع قرآنی بپردازند و از مشاوران مسلط به قرآن کمک بگیرند تا بعداً شاهد کاستی‌ها و کمبود علمی در تولید اثر قرآنی خود نشود.

چرا؟ لطفاً به‌عنوان سرگروه داوران قصه‌های قرآنی، از روند داوری کتاب‌ها برایمان بگویید.
این برای نخستین بار است که کتاب‌های حوزه قصه‌های قرآنی در آموزش و پرورش و در یک جشنواره مستقل بررسی می‌شوند. لابد می‌دانید که در این جشنواره فقط کتاب‌های منتشر شده طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ پذیرفته می‌شد، به همین دلیل آثار محدودتری به دبیرخانه رسید. در حوزه قصه‌های قرآنی حدود ۳۰ عنوان کتاب برای داوری به دست ما رسید که در ریزش اولیه به ۵ اثر کاهش یافت. از این ۵ اثر، ۴ کتاب نامزد دریافت جایزه شدند و یک اثر هم به‌عنوان اثر تقدیری انتخاب شد.

چرا؟ بنابراین کتاب برگزیده در این حوزه معرفی نشد؟

برای کودکان و نوجوانان قصه است. لذا عمده کتاب‌ها در حوزه قصه‌های قرآنی معطوف به گروه کودک و نوجوان بود. البته آثاری هم برای بزرگسالان وجود داشت اما به لحاظ کتاب‌سازی و معیارهای دیگر قابل توجه نبودند.

چرا خلاصه‌ها و کاستی‌هایی در بررسی آثار به چشم می‌خوردند؟

در هر دو بخش از معیارها - کتاب‌سازی و محتوا - به شکل کلی خلاصه‌هایی وجود داشت. در بخش محتوا به نظر می‌رسید برخی از نویسندگان این آثار اشراف علمی لازم را به موضوع قرآنی نداشته‌اند. در واقع نوعی خلأ پژوهشی که نخستین گام برای نوشتن هر اثری است احساس می‌شود. این در حالی است که ضرورت دارد نویسندگان قبل از اینکه داستانی را بنویسند حتماً منابع معتبر قرآنی و پژوهشی را مطالعه کنند و یا حداقل مشاور قرآنی داشته باشند تا این کاستی‌ها و کمبود علمی در تولید اثر احساس نشود. از سوی دیگر به نظر می‌رسید نویسندگان، با فضای قصه و ویژگی‌های آن در قرآن بیگانه‌اند. جالب است بدانید که ما در قرآن چیزی به نام قصه و یا «قصص» نداریم. در قرآن تعبیری که به معنای رساندن این مفهوم است تعبیری مانند «قصص» است. در قرآن کریم کلمه قصص شش بار و مشتقات آن ۲۷ بار ذکر شده که به معنای سرگذشت، خبر و پی‌جویی است. از سوی دیگر باید به این موضوع توجه داشت که قصص قرآنی با قصص پیامبران متفاوت هستند. وقتی از قصص پیامبران صحبت می‌کنیم منظور ۲۵ قصه است که درباره پیامبران است و احوال و حوادث آن‌ها را بیان می‌کند. حدود ۲۰ قصص هم در قرآن کریم وجود دارد که راجع به اشخاصی غیر از پیامبران است. غیر از تعبیر قصص، گاهی واژه‌هایی نظیر «حدیث» یا «نبأ» و «آیه» نیز آمده است که به معنای سرگذشت است. لذا بهترین تعبیر «سرگذشت‌های قرآنی» است.

این در حالی است که در واژه قصه یا قصص که منظور داستان است، عنصر خیال‌پردازی و تخیل وجود دارد که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در ادبیات داستانی به‌شمار می‌رود، یعنی فضای قصه ساختگی است. حتی در قصه‌های رئالیستی هم گرچه ذهن قصه‌نویس از واقعیت وام می‌گیرد ولی با پردازش ذهنی، لایه‌هایی از ذهن و خیال خود را هم می‌گنجاند. لذا اصلی به نام «آشنایی زدایی» در قصه‌نویسی وجود دارد که براساس آن نویسنده سعی می‌کند در عین وفاداری به واقعیت، نوعی حس بیگانگی نسبت به واقعیت ایجاد کند تا باعث شگفتی در خواننده شود. اما در قرآن کریم چیزی به نام قصه که مایه گرفته از خیال و خیال‌پردازی باشد وجود ندارد. با وجود این در برخی از آثار، نویسندگان به خود اجازه داده که با خیال‌پردازی برخی مسائل را حتی بدون استفاده از روایات وارد داستان کنند. چرا که بعد از قرآن، تنها منبعی که می‌توانیم در فضا‌سازی قصه‌ها از آن استفاده کنیم احادیث و روایات است. همه این‌ها به معنای کمبود پژوهش و اطلاعات و عدم درک فضای قصه‌های قرآنی است.

چرا در بخش کتاب‌سازی و معیارهای ظاهری، کتاب‌ها چه وضعیتی داشتند؟

باید به این موضوع توجه داشت که بخشی از نشر کتاب، شکل و فرم آن است. مخصوصاً برای مخاطبان کودک و نوجوان که در کتاب‌های مربوط به آن‌ها از تصویرسازی استفاده می‌شود. تصویرسازی‌های قرآنی هم باید خیلی دقیق و با رعایت همه مستندات قرآنی باشد. همچنین باید ظرافت‌هایی هم که در متون روایی ما آمده و حدود را مشخص کرده است رعایت شود. بخشی از کاستی‌هایی که در کتاب‌های گروه قصه‌های قرآنی به چشم می‌خورد، ناشی از تصویرسازی‌های ضعیف و چاپ ناشایست آثار بود. لذا اثری که به‌عنوان کتاب تقدیری انتخاب شد گرچه یک تصویرگر واحد داشت اما تلاش کرده بود به جنبه‌های خلاق، فرهنگ پوششی بستر داستان و محیط طبیعی حوادث وفادار باشد.

چرا پس فکر می‌کنید نوآوری خاصی در کتاب‌های این گروه نبوده است؟

من معتقدم نشر جریان پیچیده‌ای است که نیازمند همکاری چند دانش و تخصص است. در گام نخست ناشر باید چند نکته را رعایت کند از جمله نیازسنجی مخاطب، درک دقیق از بازار نشر، دقت بر کسب اطلاعات و پژوهش اولیه، دقت در انتخاب نویسندگان و شگردهای خلاق نوشتن، دقت در انتخاب تصویرگر و طراح گرافیک، دقت

در صفحه‌آرایی، دقت در نظارت بر چاپ، توزیع و دریافت بازخورد از اثر. اگر ناشر بتواند این فرایند جامع و کامل را به خوبی انجام دهد، آن اثر، ایده‌آل و با کیفیت خواهد بود. به نظر من در گروه هر کدام از آثاری که همه این عناصر را مورد توجه قرار داده بود، به همان میزان موفق بود. اما اگر یکی دو مورد از این زنجیره هم مورد غفلت واقع شود کتاب دچار مشکل می‌شود. مثلاً برخی از ناشران به ویرایش زبانی و نیز علمی محتوایی کتاب‌های حوزه داستان‌های قرآنی بی‌توجه‌اند. همین موضوع باعث ایجاد کاستی‌هایی در اثرشان می‌شود.

چرا پیشنهاد شما برای کمتر کردن این کاستی‌ها چیست؟

ما به‌عنوان سازمان آموزش و پرورش باید نقش هدایتی و حمایتی داشته باشیم. اصل جریان آفرینش توسط ناشران و پدیدآورندگان ایجاد می‌شود. برخی از عناصر مهم در این زمینه به پدیدآورنده‌ها معطوف است؛ مانند افزایش سواد علمی در حوزه قصه‌های قرآنی؛ وسواس و دقت نسبت به ویرایش و پیرایش زبانی آثار؛ درک جنبه‌های روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و زیبایی‌شناختی. بخش‌هایی مانند توجه به جنبه‌های ویرایش فنی و صوری و

در بخش محتوا به نظر می‌رسید برخی از نویسندگان این آثار اشراف علمی لازم را به موضوع قصه‌های قرآنی نداشته‌اند. در واقع نوعی خلأ پژوهشی که نخستین گام برای نوشتن هر اثری است احساس می‌شود.

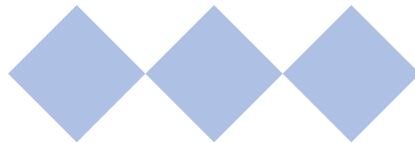


ساختاری و انتخاب تصویرگر و مدیر هنری حرفه‌ای هم به عهده ناشران است. ناشران باید در ارائه فرم چاپ خلاقیت به خرج دهند. ما غیر از متن و تصویر می‌توانیم با شگردهای فنی و کارهای حجمی گرافیکی به اثر جذابیت ببخشیم. اما احساس می‌شود در شکل ارائه از لحاظ چاپ هم چنان رویه سنتی و معمول را ادامه می‌دهیم.

چرا فکر می‌کنید برای اثربخشی بیشتر جشنواره در این حوزه باید چه کرد؟

جشنواره که نمادی از تشویق و حمایت مادی و معنوی از پدیدآورندگان است باید همواره مانند رودخانه‌ای در بستر زمان تأثیر نافذ و به دور از هیاهو داشته باشد. ما باید با نشست‌های علمی، در عین خاموشی، ولی با عمق، کارشناسان مجرب حوزه‌های قرآنی از جمله قصه‌های قرآنی را دعوت کنیم. در این

نشست‌ها باید عناصر کیفیت‌بخشی این‌گونه آثار مورد بررسی قرار بگیرند. از جمله پژوهش و اطلاعات، گرافیک و تصویرسازی و روایت و شگردهای داستانی و نیز خلاقیت‌های چاپی، نیازسنجی مخاطب، بازاریابی و بازاریابی آفرینی این آثار و نیز مرور بر تجربه‌های سایر ملل. مرور تجربه‌های ناشران موفق حتی ناشران برگزیده این جشنواره هم می‌تواند به سایر ناشران کمک کننده باشد. در طول زمان باید این امکان فراهم شد که بتوانیم به شکل علمی این آثار را بررسی کنیم تا روابط کاری در تولید آثار قرآنی شکل حرفه‌ای به خود بگیرد. در واقع جان‌مایه روابط حرفه‌ای در تولید آثار قرآنی نگاه علمی به این پدیده است. بنابراین ابتدا باید بسترهای ذهنی لازم درباره این موضوع فراهم شود تا پس از آن کنش‌ها و واکنش‌های حرفه‌ای را به وجود آورد. این موضوع تنها در این جشنواره به دست نمی‌آید. جشنواره بیشتر جرقه حمایتی است اما لازمه‌اش ایجاد نگاه علمی است.



سوابق علمی - اجرایی و بیانیه‌های گروه داوران

دوازدهمین جشنواره
کتابهای آموزشی تربیتی رشد

ویژه
کتابهای قرآنی





گروه تفسیر و ترجمه قرآن

سید جواد بهشتی (۱۳۳۳)

دارای تحصیلات حوزوی تا پایان خارج فقه، مدیرکل دفتر قرآن و عترت وزارت آموزش و پرورش در امور عترت و نماز، و کارشناس بیش از ۱۰۰۰ برنامه در صداوسیما که بیشتر قرآنی بوده و تاکنون بیش از ۱۰ عنوان کتاب به رشته تحریر درآورده است.



بیانیه گروه داوران تفسیر و ترجمه قرآن



دوازدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد ویژه کتاب‌های قرآنی - ۱۳۹۴

این عشق و علاقه، گاه به صورت ترجمه‌های گوناگون از کلام نور رخ عیان کرده است و گاه در قالب تفسیرهای گران سنگی که هر یک از دریچه‌های به دریای نورالهی نگریسته و روزنه‌ای را برای عاشقانش گشوده است.

در سال‌های اخیر، مقوله ترجمه و تفسیر قرآن، همچون سایر حوزه‌ها، از تنوع چشمگیری برخوردار بوده است و سعی مترجمان و مفسران بر آن بوده تا آنجا که ممکن است غرض و مقصود کلام الهی را برای فارسی‌زبانان قابل فهم‌تر و دست‌یافتنی‌تر کنند.

الته باید اذعان داشت، در پی رشد سریع و همه‌جانبه‌ای که در حوزه تفکر و اندیشه و صنعت و فناوری در جهان امروز اتفاق افتاده است، وجود ترجمه و تفسیرهایی به روز و متناسب با نیازها و خواسته‌های این عصر که بتواند پاسخ‌گوی شبهات و سؤالات متعدد افراد و به خصوص نسل جوان پرسشگر باشد، بیش از پیش ضروری می‌نماید.

نکته قابل توجه دیگر در جشنواره، پرداختن به موضوعات قرآنی است که با وجود غنی بودن و کثرت موضوعات و تنوع زیاد آن‌ها، متأسفانه این امر آن‌گونه که شایسته است انجام نگرفته و جای تلاش و رشد بسیاری دارد و می‌طلبد مؤلفان و

حمد و ستایش خداوندی را سزااست که برترین سخن هستی را در قالب تنزیل من رب العالمین بر قلب بهترین بنده‌اش فرو فرستاد تا به وسیله آن کتاب سراسر نور، طالبان حقیقت را از تاریکی‌های جهل و ظلمت به سوی نور و سعادت رهنمون سازد.

با استعانت از خداوند متعال، در راستای گسترش فرهنگ و معارف قرآن و انس بیشتر جامعه فرهنگی مخاطب آموزش و پرورش، اعم از دانش‌آموزان عزیز و معلمان محترم، به منظور تحقق ماده ۵ مصوبه ۸۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش، برگزاری دوازدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد، ویژه کتاب‌های قرآنی، را فرصت مغتنمی می‌دانیم تا مراتب قدردانی و سپاس خود را از مؤلفان ارجمند و ناشران گرانمایه که با تمام توان خود در راستای نشر فرهنگ و معارف ناب قرآنی، تلاشی وافر داشته‌اند ابراز نماییم.

آنچه مسلم است تلاش افرادی خداجوی و عاشق است که در قرون متمادی بر آن بوده‌اند تا از خرمن معرفت کلام الهی خوشه‌ای برچینند و از دریای بیکران علم الهی که در قالب الفاظ سراسر نورانی قرآن کریم در آمده است، قطره‌ای بچشند و خود و دیگران را از این سرچشمه زلال و آب حیات سیراب کنند.



سیدمحمدحسین میرباقری (۱۳۳۲)

کارشناس ارشد قرآن و حدیث، مدیر دارالقرآن بنیاد شهید و از جمله همکاران واحد قرآن دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی. ایشان در زمره مؤلفان کتاب درسی قرآن دوره متوسطه اول بوده است.



محمود کریمی (۱۳۵۰)

فوق لیسانس علوم قرآنی و سطح ۱ حوزه، حافظ کل قرآن کریم و داور مسابقات گوناگون قرآنی، از جمله سومین جشنواره سراسری وبلاگ نویسی قرآنی کشور، معاون فعلی آموزش و پژوهش «مؤسسه مهد قرآن کریم». ایشان تاکنون پنج عنوان کتاب در موضوعات قرآنی تقدیم علاقه‌مندان کرده است.

۱. توجه و پرداختن جشنواره رشد به موضوعات قرآنی و ترجمه و تفسیر قابل تقدیر و تشکر است.
۲. انتخاب دو کتاب به‌عنوان کتاب برگزیده و تقدیری از بین کتاب‌های رسیده، به معنای برتری آن‌ها نسبت به همه کتاب‌های موجود در این حوزه در کشور نیست.
۳. درانتخاب کتاب‌ها به نیاز مخاطبان توجه ویژه شده و کتاب برگزیده مناسب مخاطب دانش‌آموز و همچنین معلمان، به‌عنوان ابزار کمک‌آموزشی است و کتاب قابل تقدیر برای معلمان محترم مناسب است.
۴. توصیه می‌شود دست‌اندرکاران جشنواره تدابیری بیندیشند تا اقبال ناشران نسبت به فراخوان جشنواره بیش از پیش باشد و کتاب‌های بیشتری در چرخه داوری وارد شوند.
۵. با توجه به کتاب‌های رسیده به جشنواره، بیشترین خلأ در حوزه تفسیر، به‌روز نبودن و تناسب نداشتن با مخاطب خاص، یعنی دانش‌آموزان یا فرهنگیان است.
۶. توصیه می‌شود دبیرخانه جشنواره با نیازسنجی از بین مخاطبان خود (معلمان و دانش‌آموزان) و مشورت با گروه‌های داوری، خلأهای موجود را شناسایی و نسبت به تألیف کتاب‌های جدید مورد نیاز، ناشران و مؤلفان را ارشاد، تشویق و حمایت کند. پیشنهاد می‌شود، در جشنواره بخش ویژه‌ای برای تألیفات دانش‌آموزان ایجاد شود. البته باید سازوکار آن و اصول و چارچوب و استانداردهای لازم پیش‌بینی و به اطلاع ایشان رسانده شود. در پایان، توفیق همه خدمت‌گزاران به ساحت مقدس قرآن کریم را از خداوند متعال مسئلت داریم.

ناشران محترم، با بررسی نیازها و خلأهای موجود در مخاطبان، همت خود را صرف تألیف و نشر کتاب‌هایی کنند که پاسخ‌گوی نیاز امروز جامعه باشند.
استفاده از هنر و جذابیت‌های بصری که از گذشته‌های دور در کتابت و آثار قرآنی به‌وفور به چشم می‌خورد، از نکات مهمی است که باید در نشر این‌گونه آثار به آن توجه ویژه‌ای داشت. به‌خصوص برای نسل امروز که با انواع جذابیت‌های کاذب و دروغین مواجه است، باید کتاب‌های مربوط به حوزه قرآن، با بهترین طراحی و گرافیک، بهترین خط و بهترین کاغذ، چاپ و منتشر شوند. امید است که با حمایت مسئولان این حوزه و ذوق و هنرمندی مدیران انتشارات، در آینده‌ای شاهد عرضه کتاب‌های قرآنی با ظاهری زیبا و چشم‌نواز و محتوایی غنی و سرشار از معارف الهی باشیم. ان‌شاء...
از دیگر نقاط قوت دوازدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد، توجه ویژه به کتاب‌های قرآنی است که خود می‌تواند مشوقی باشد برای توسعه و اهمیت دادن ناشران به چاپ کتاب‌های فاخر قرآنی.
تناسب نداشتن برخی آثار ارائه شده به جشنواره با دوره سنی مخاطبان و به‌خصوص دانش‌آموزان، نقاط ضعف آن محسوب می‌شود که لازم است با تبادل نظر و اطلاع‌رسانی بیشتر و مناسب‌تر بین ناشران و مسئولان جشنواره، این ضعف در سال‌های آتی برطرف شود.
هیئت داوران نظر بر گزار کنندگان جشنواره را به نکات زیر جلب می‌کند:



گروه حفظ و آموزش روخوانی قرآن

سید مهدی سیف (۱۳۳۸)

کارشناس علم قرائت، رسم‌الخط و روش تدریس قرآن، کارشناس گروه قرآن دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، و مدرس دانشگاه‌های امام صادق (ع) و علوم قرآنی و دوره‌های ضمن خدمت وزارت آموزش و پرورش. ایشان در تألیف تمامی کتاب‌های آموزش قرآن وزارت آموزش و پرورش، اعم از کتاب دانش‌آموز، راهنمای معلم، مبانی و روش تدریس از اول دبستان تا آخر دبیرستان از سال ۱۳۶۹ تاکنون مشارکت داشته و علاوه بر این کتاب‌های کمک‌آموزشی متعددی را در زمینه آموزش قرآن به چاپ سپرده است.



بیانیه گروه داوران حفظ و آموزش روخوانی قرآن



دوازدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد ویژه کتاب‌های قرآنی-۱۳۹۴

ذکر پنج کتاب به عنوان نامزد براساس امتیاز بسنده شد. پیشنهاد می‌شود مرجعی برای سامان‌دهی تألیفات براساس نیازهای روز مخاطبان، در راستای اهداف آموزش عمومی قرآن کریم، تعیین و مسئولیت هدایت

هیئت داوران از همه مؤلفان گران‌قدری که آثار خود را در اختیار جشنواره قرار داده‌اند، تقدیر به عمل می‌آورد. در واقع همه تألیفات شایسته‌ی قدردانی هستند، اما به دلیل محدودیت در انتخاب و معرفی، تنها به



احمد شاه‌علی فردویی (۱۳۴۰)

دکترای علوم قرآن و حدیث، کارشناس قرآن وزارت آموزش و پرورش، و مدیر مسئول مؤسسه قرآنی ندای رحمت رضوان شهرستان قم. از جمله آثار ایشان کتاب‌های «تصحیح و برگردان تفسیر شریف لاهیجی به فارسی» و «مکالمات روزمره عربی با لهجه محلی» است.



علی اصغر امینی پویا (۱۳۳۵)

دارای مدرک سطح ۳ حوزه (فقه و اصول)، عضو گروه تألیف کتاب‌های درسی قرآن دوره ابتدایی، مسئول مسابقات قرآن و نهج‌البلاغه و پژوهشگر علوم قرآنی با بیش از ۳۰ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش از دبیری دبیرستان تا دبیر ستاد «اعتلا و تعمیق تربیت اسلامی».

قرار گیرد، در نقل روایات درباره موضوعات کتاب‌ها از منابع معتبر استفاده شود، بیان قواعد و توضیحات به زبان ساده و قابل فهم مخاطبان باشد، در دوره اول ابتدایی از شلوغی صفحات اجتناب شود و در نهایت فشرده مطالب مورد نیاز معلم در ابتدای کتاب‌ها آورده شود.

در پایان، هیئت داوران از همه دست‌اندرکاران برگزار کننده جشنواره کتاب‌های قرآنی و شرکت کنندگان، ناشران و مؤلفان فعال در عرصه ترویج و اشاعه فرهنگ قرآنی تقدیر و تشکر می‌کند.

و نظارت بر آثار تألیفی را عهده‌دار شود. در حوزه آموزش حفظ قرآن کریم توصیه می‌شود بیشتر به آیات ساده و پرکاربرد در زندگی روزمره دانش‌آموزان توجه شود تا در مخاطبان انگیزش عمومی ایجاد شود. در بخش آموزش روخوانی و روان‌خوانی بهتر است طراحی محتوای کتاب‌ها بیشتر بر تمرین و تکرار مبتنی باشد و به کسب مهارت، بیشتر از طرح مباحث نظری توجه شود. یکسان‌سازی رسم‌الخط کتاب‌ها، براساس خط رایج کشور و منطبق با محتوای کتاب‌های درسی دانش‌آموزان، مورد توجه و دقت نظر



گروه دانستنی‌ها و لطایف قرآنی

یاسین شکرانی (۱۳۶۰)

دانشجوی دوره دکتری فلسفه اسلامی، کارشناس گروه قرآن و معارف، و عضو شورای برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های دینی دوره‌های ابتدایی و متوسطه اول. ایشان در تألیف چند کتاب پژوهشی در زمینه امور دینی، از جمله کتاب «عاشورا پژوهی» نیز مشارکت داشته و در زمره مؤلفان کتاب‌های هدیه‌های آسمان سال‌های سوم و چهارم ابتدایی و کتاب پیام‌های آسمان پایه نهم بوده است.



بیانیه گروه داوران دانستنی‌ها و لطایف قرآنی



دوازدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد ویژه کتاب‌های قرآنی - ۱۳۹۴

را مصفا کند. در این خصوص، تلاش هنرمندان عرصه کودک و نوجوان ستودنی است، زیرا که ایشان باید کتاب تنزیل را در ظرف وجودی دانش‌آموزان پاک و معصوم چنان بریزند که فطرت تشنه هدایت ایشان را سیراب و شوق حرکت در این مسیر را دو چندان نماید. در این میان، برگزاری دوازدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد با موضوع کتاب‌های قرآنی، پلی است که برقراری ارتباط نویسندگان هنرمند عرصه کودک و نوجوان را با دانش‌آموزان این مرز و بوم و با محوریت قرآن کریم به دلپذیرترین صورت آن ممکن می‌سازد. بدین منظور، این جشنواره افتخار دارد که به گزینش، معرفی و تقدیر از آثار شایسته قرآنی، تکریم و تقدیر از

به نام خداوند لوح و قلم حقیقت نگار وجود و عدم خدایی که داننده رازهاست نخستین سرآغاز آغازهاست.

قرآن کریم سخن خدای رحمان است که همه انسان‌ها را به سوی خود می‌خواند تا با خواندن آن و فهم و تفکر در آن راه سعادت و خوشبختی را بیابند. این کتاب از چنان جذابیتی برخوردار است که حتی بی‌احساس‌ترین افراد را نیز به ابراز احساسات وا می‌دارد. در واقع، تأثیر سخنان قرآن بر افراد چنان عمیق و گسترده است که هیچ کتاب و سخنی را نمی‌توان با آن مقایسه کرد. خدا را شاکریم که به مدد نویسندگان متعهد، بخش‌هایی از این شاهکار الهی در قالب‌های گوناگون و متنوع هنری همچون داستان و شعر به زیور طبع درآمده است تا جان مشتاقان کلام وحی



رضا نیاتی (۱۳۵۰)

فوق لیسانس تعلیم و تربیت اسلامی، مدرس دانشگاه فرهنگیان و مؤلف کتاب‌های درسی قرآن دوره ابتدایی و کتاب «مبانی و روش آموزش قرآن دوره ابتدایی» برای مراکز تربیت معلم. در ضمن دو کتاب «چراهای شگفت‌انگیز قرآن» و «ادبستان قرآن» (ویژه معلمان) از جمله آثار ایشان است.



سیدسجاد طباطبایی نژاد (۱۳۶۴)

دکترای علوم قرآن و حدیث، عضو شورای برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمان (دوره ابتدایی) و پیام‌های آسمانی (پایه هفتم)، مدرس دانشگاه امام صادق (ع) و دانشگاه فرهنگیان، و پژوهشگر موضوعات قرآنی.

این عرصه و نیز حضور بالنده‌تر در عرصه قرآنی کشور، بسیار مناسب است مؤلفان و نویسندگان ارجمند و ناشران گرامی، در آغاز و طی مسیر تولید محصولات، با گروه‌های درسی این سازمان ارتباط داشته باشند تا از این رهگذر شاهد همپوشی آثار تألیفی با محوریت قرآن کریم را و با برنامه‌های رسمی آموزش و تربیتی باشیم.

۲. از آنجایی که آشنایی با برنامه درسی قرآن لازمه حرکت در زمینه تألیف کتاب‌های کمک آموزشی همسو با برنامه است، مطالعه دقیق این برنامه به مؤلفان و ناشران توصیه می‌شود. گروه درسی قرآن و معارف اسلامی این آمادگی را دارد که در صورت نیاز نسبت به برگزاری کارگاه‌هایی با موضوع تبیین جنبه‌های گوناگون راهنمای برنامه درسی قرآن برای ناشران و مؤلفان اقدام کند.

۳. شایسته است ناشران و مؤلفان، با نیازهای دانش‌آموزان در این عرصه آشنا شوند تا مخاطبان آثار آنان را بیش از گذشته و با رغبت بیشتر مطالعه کنند. جایگاه قرآن در میان اندیشمندان غیر مسلمان، معجزات علمی قرآن و پاسخگو بودن قرآن نسبت به همه سؤالات و نیازهای اساسی انسان نمونه‌هایی از این نیازها هستند.

مؤلفان و پدیدآورندگان آثار برگزیده و معرفی آثار برتر به جامعه پرداخته است.

بخش دآوری دانستنی‌ها و لطایف قرآنی جشنواره دوازدهم، با استمداد از ذات اقدس پروردگار و با بهره‌گیری از تجارب گذشته و با همراهی و همدلی هیئت دآوری، کتاب‌های رسیده را بررسی و درباره آن‌ها اعلام نظر کرد.

براساس این بررسی، از میان کتاب‌های ارسالی، تنها بخش اندکی در راستای اهداف برنامه درسی قرآن بودند. علاقه‌مند شدن مخاطبان به انس بیشتر با قرآن، گشودن زوایای بیشتری از معانی بلند و تأثیرگذار قرآن به روی دانش‌آموزان، بیان زیبایی‌ها و لطایف قرآنی به زبان دانش‌آموزی، بخشی از اهداف برنامه درسی هستند که در عرصه دانستنی‌ها و لطایف قرآنی می‌توانستند مورد توجه قرار بگیرند.

هیئت داوران ضمن سپاس بی‌کران از جمیع دوستان و ارادتمندان قرآن و معارف اسلامی به خاطر حضور در این دوره از جشنواره، برای هر چه بهتر شدن تألیف و تدوین کتاب در این عرصه، پیشنهادهایی مطرح می‌کند:

۱. برای استفاده هر چه بیشتر از ظرفیت‌های موجود در



گروه کتاب‌های قرآن و سبک زندگی



محمد مهدی اعتصامی (۱۳۳۵،
برازجان)

دارای دکترای فلسفه است و در دوره‌های راهنمایی و دبیرستان تدریس کرده است. دکتر اعتصامی این همکاری‌ها را با وزارت آموزش و پرورش داشته است: همکاری در گروه دینی و قرآن (دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی) از سال ۱۳۷۳، کارشناس مسئول درس دینی از سال ۱۳۷۴، مدیریت تدوین برنامه جدید دروس دینی دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی و مدیریت تدوین برنامه جدید درس دینی دوره ابتدایی و راهنمایی. وی همچنین به تدریس فلسفه غرب و فلسفه اسلامی در دوره کارشناسی دانشگاه نیز پرداخته است.

تألیف: کتاب درسی «دین و زندگی» برای سال اول متوسطه به همراه راهنما، مشارکت در تألیف کتاب درسی دینی سال دوم ابتدایی با نام «هدیه‌های آسمان» همراه با کتاب معلم و کتاب کار، تدوین و نگارش مجموعه ۵ جلدی درس‌های حرکت و زمان (تدوین متن الاسفار الاربعه)، مدیریت تألیف مجموعه چندجلدی پاسخ به سؤالات اساسی مذهبی ... از تألیفات اوست.



بیانیه گروه داوران کتاب‌های قرآن و سبک زندگی



دوازدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد ویژه کتاب‌های قرآنی - ۱۳۹۴

نشر، توسعه و ارتقای فرهنگ و معارف قرآن کریم تلاش می‌کنند و همت لازم را مبذول می‌دارند، ق‌ردانی و تشکر می‌کنیم. به یقین، راه صحیح و صراط مستقیم تربیت فرزندان این جامعه و اصلاح و ارتقای رفتار نوجوانان و جوانان در گرو شناخت معارف قرآن و سبک زندگی قرآنی است که البته در سیره و رفتار نبی مکرم اسلام و ائمه اطهار (صلوات... علیهم) تجلی یافته است.

از آنجا که قرآن کریم ظرفیت و توانایی ارائه طریق به همه نسل‌ها در همه سرزمین‌ها را دارد و پویایی لازم را برای پاسخ‌گویی به اقتضات و نیازهای همه اعصار داراست، بر اندیشمندان و محققان است که با خلاقیت و نوآوری و بهره‌گیری هوشمندانه از روش‌ها و قالب‌ها و با اجتهاد اصولی و روشمند، از این توانایی پایان‌ناپذیر و ذخیره تمام نشدنی

عنوان ارزشمند و پرمحتوای «قرآن کریم و سبک زندگی» در دوازدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد، ویژه کتاب‌های قرآنی، در بردارنده این پیام است که قرآن کریم سبک خاصی از زندگی را به انسان‌ها عرضه می‌کند و مردم را به انتخاب آن فرامی‌خواند و دعوت می‌کند. در این عصر و دوران که جوان و نوجوان ما با سبک‌های متنوعی از زندگی روبه‌روست، که غالب آن‌ها با زندگی دینی و اسلامی در تقابل و تناقض هستند، اهتمام به معرفی سبک زندگی قرآنی، عمل به رسالتی سنگین و قدم گذاشتن در راهی پرفراز و نشیب است. امید می‌رود این قدم‌ها با استواری برداشته شوند و زیبایی و برتری زندگی قرآنی بر سایر انواع زندگی به‌خوبی به نسل جدید معرفی شود.

از محققان، مؤلفان، ناشران و اهل علم و فرهنگ که برای



احمد برادری (۱۳۴۱)

فوق لیسانس زبان و ادبیات عرب و نویسنده و مترجم حدود ۷۰ عنوان کتاب، از جمله «طعمه نیل، گل‌های باغ خاطره، مجموعه کتاب‌های دینی برای کودکان، و تاریخ اکتشافات جغرافیایی». برادری مدت کوتاهی معاون پرورشی مدرسه و به مدت ۲۶ سال معاون فرهنگی «انتشارات مدرسه» بوده و تاکنون بیش از ۲۰ عنوان کتاب کمک آموزشی در زمینه آموزش عربی دوره دبیرستان تألیف کرده است.



محمد رضا عاقل زاده (۱۳۴۵)

لیسانس علوم تربیتی، مربی پرورشی، معاون ستاد اقامه نماز اداره کل قرآن، عترت و نماز حوزه ستادی، قائم مقام ستاد برنامه ریزی مسابقات کشوری قرآن، عترت و نماز، و عضو کارگروه تدوین پیش نویس سند راهبردی توسعه فرهنگ اقامه نماز. ایشان ۳۱ سال سابقه کار در آموزش و پرورش دارد و مقالات متعددی در حوزه تربیت دینی در مجلات تربیتی به چاپ رسانده است.

۲. پرهیز از تکرار کارهای گذشته و کلی گویی در محتوا و مفاهیم قرآنی و تلاش برای معرفی و ترویج زیبایی‌های بی‌شمار قرآن، در همه جنبه‌های فردی و اجتماعی و پرداختن به مصداق‌های عینی و واقعی که در زندگی روزمره ما از جمله در معاشرت، تجارت، هنر، ورزش، لباس و پوشش، معماری و ساختمان‌سازی، سیاست و تعلیم و تربیت می‌تواند زمینه‌ساز تولید آثاری جذاب و مؤثر برای خوانندگان باشد.

۳. معرفی قرآن کریم به‌عنوان کتابی که برای همه جنبه‌های حیات فردی و اجتماعی انسان برنامه دارد، از دیگر رسالت‌های ماست. در شرایطی که برخی از افراد و مکتب‌ها، به‌خصوص مکاتب سکولار، رسالت دین را در حد امور فردی و امور معنوی و اخروی تقلیل می‌دهند، بزرگان فکری ما که پیشگامان انقلاب اسلامی بودند، تأکید کرده‌اند که «قرآن کریم وارد شده است برای انسان به جمیع شئون که انسان دارد، برای تربیت انسان در جمیع ابعاد که انسان دارد» (صحیفه امام ج ۱۸: ۲۶۳). بر همین مبنا و با پیروی از قرآن بود که علیه ظالم و استکبار قیام کردند تا نوعی زندگی اجتماعی متناسب با اسلام را پایه‌ریزی کنند. لازم است این نگرش همچنان زنده و پویا بماند و نسل‌های امروز و فردا با همین درک درست قرآن را راهنمای حیات فردی و اجتماعی خود بدانند و بدان مراجعه کنند.

حداکثر بهره را ببرند و آثاری در شأن این کتاب الهی و اثرگذار و جذاب برای نسل امروز تولید کنند؛ به گونه‌ای که انتخاب و خواندن آن‌ها در ردیف اول انتخاب‌های فرزندان ما قرار گیرد. بررسی کتاب‌های معرفی شده به جشنواره حاوی نکات برجسته و پیشنهادهای ویژه‌ای است که به شرح زیر تقدیم می‌شود:

۱. روشنگری نسبت به روایت‌های غلط و اشتباه از قرآن و دین، چه روایت‌هایی که قرآن کریم و سیره معصومان را به عصر پیامبر و ائمه محدود می‌دانند و به دنبال الگو گرفتن از دیگران هستند و خودبه‌خود ناتوانی خویش را در بهره‌مندی از قرآن برای عصر حاضر نشان می‌دهند، و چه روایت‌هایی که با زبان روز و مسئله‌های جدید بیگانه‌اند و از مواجهه با آن‌ها طفره می‌روند، از نیازهای اساسی نسل جوان است. محققان و نویسندگان و هنرمندان ما این توانایی را دارند که با تأسی از اسلام‌شناسان معاصر که از رأی متین برخوردارند، با استفاده از زبان روز و در قالب‌های متنوع ادبی و هنری، قدرت تفکر و عقلانیت نسل جدید را ارتقا دهند، نشانه‌ها و علائم روایت‌های غلط و تحریفی از قرآن و اسلام را به صورت تحلیلی آشکار کنند و جوانان را به سوی بهترین انتخاب که قرآن کریم بشارت آن را به متفکران داده است، هدایت کنند.



گروه قصه‌های قرآنی

ناصر نادری (۱۳۴۶)

فوق لیسانس فلسفه و حکمت اسلامی، عضو شورای نویسندگان مسجد جوادالائمه و ناظر محتوایی فصل‌نامه‌های رشد دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی. ایشان که از دهه ۱۳۶۰ تاکنون با اغلب نشریات کودک و نوجوان همکاری داشته و از چند جشنواره ادبی - دینی کشور جوایزی دریافت کرده، مؤلف بیش از ۱۰۰ عنوان کتاب در حوزه کودک، نوجوان و جوان است.



بیانیه گروه داوری قصه‌های قرآنی



دوازدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد ویژه کتاب‌های قرآنی - ۱۳۹۴

مقدمه

قرآن کریم نسخه جاودانه درمانگری و هدایت روح و روان بشر، وحی الهی است و چون باید ظرفیت ذهن و زبان مخاطبان را رعایت کند، علاوه بر «زبان عقل» (استدلال)، گاهی، بنا به ضرورت، به روایت حوادث و سرگذشت پیامبران و اقوام پیشین پرداخته است. و چه بسا با ارائه مثل‌ها و اشاره به پدیده‌های طبیعی، درصدد القای معانی و مفاهیم به شکل محسوس و عینی بوده است.

قصه‌های قرآن کریم، به دلیل نداشتن عنصر تخیل (خیال‌پردازی)، در تعریف علمی ادبیات داستانی امروزی، در زمره قصه، افسانه، حکایت، رمانس و رمان نمی‌گنجد؛ اما تردیدی نیست که یکی از شیواترین و جذاب‌ترین الگوهای

بیانی و کلامی - به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان - قصه است. با وجود پرداختن به قصه‌های پیامبران (قصص الانبیا) و قصه‌های قرآن (قصص القرآن) از قرن‌های چهارم و پنجم، همچنان خلأ بازنویسی و بازآفرینی قصه‌های قرآن و نیز پژوهش در این زمینه به‌خوبی احساس می‌شود.

تحلیل کلی آثار

با توجه به محدوده زمانی چهار ساله جشنواره، در مجموع تعداد ۲۹ جلد کتاب در بخش قصه‌های قرآنی داوری شد. این میزان عنوان کتاب، بیانگر ضرورت توجه بیشتر مدیران فرهنگی و ناشران و پدیدآورندگان به موضوع قصه‌های قرآنی است. البته رعایت اصول علمی و حرفه‌ای و تناسب محتوا



حبیب یوسفزاده (۱۳۴۴)

لیسانس زبان انگلیسی و ناظر محتوایی مجلات رشد که خود سال‌ها مدیر داخلی مجله «رشد نوجوان» و سپس سردبیر رشد نوجوان و رشد معلم بوده است. یوسفزاده که در سه دوره برگزیده جشنواره مطبوعات کودک و نوجوان و در یک دوره برگزیده «جشنواره کتاب معلم» بوده است، داور جشنواره‌های متعدد فرهنگی از جمله جشنواره انتخاب کتاب سال شهید حبیب‌غنی پور است. ایشان زندگی‌نامه بزرگان بسیاری، مانند علی‌اکبر صنعتی و شهید مهدی باکری را به رشته تحریر درآورده و رمان‌های معروفی را از جمله «بی‌خانمان» اثر هکتور مالو، ترجمه کرده است.



پرویز آزادی (۱۳۵۶)

دکترای علوم قرآن و حدیث، معاون پژوهشی دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، عضو شورای علم و دین دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، عضو هیئت تحریریه رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی، مترجم و مؤلف کتاب و مقاله تخصصی در رشته علوم قرآنی و حدیث.

دیداری) و... در تولید بسته‌های قرآنی توجه داشته باشند.
۲. فقر دانش و اطلاعات تخصصی در حوزه موضوعات قصه‌های قرآنی در برخی آثار، گواه ضعف پژوهش، به‌عنوان رکن نخستین در تولید محتوای قصه‌های قرآنی است. شایسته است نویسندگان پیش از نگارش اثر، از منابع مستند یا استفاده از مشاوران خبره قرآنی، اطلاعات خود را کامل کنند.

پیشنهادها

۱. با توجه به خلأ قصه‌های قرآنی، رویکرد تولید قصه‌های قرآنی با رعایت همه اصول علمی و حرفه‌ای در بین ناشران ایرانی، جدی گرفته شود.
۲. به تجربه سایر کشورهای اسلامی و نیز برخی کشورهای خاص آسیایی، اروپایی و غربی - که با تولید مضامین دینی و به‌ویژه کتاب‌های آسمانی همچون انجیل توجه داشته‌اند - با نگاه روشکافانه توجه شود.
۳. در تولید قصه‌های قرآنی از ظرفیت‌های پژوهشی و علمی استادان حوزه و دانشگاه، هوشمندانه استفاده شود.
۴. حضور برخی عناصر حرفه‌ای همچون ویراستار و مدیر هنری در تولید همه آثار و از همه قصه‌های قرآنی ضروری است.

و شکل آثار با نیازهای روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و زیبایی‌شناختی مخاطبان، ضرورتی انکارناپذیر است. در مجموع، هیئت داوران با توجه به معیارهای محتوایی و زبانی و نیز اصول حرفه‌ای کتاب‌سازی و جنبه‌های هنری و فنی، چهار اثر را به‌عنوان «نامزدهای دریافت جایزه» برگزید.

نقاط قوت آثار

حضور چند اثر چشم‌نواز و با کیفیت در حوزه قصه‌های قرآنی بیانگر آن است که مجموعه‌هایی که با نظارت جامع و دقیق کارشناسان در مقوله‌های «شناخت بازار نشر»، «شناخت مخاطب»، «پژوهش علمی»، «تکنیک‌های داستان‌نویسی»، «ویرایش زبانی، ساختاری و تصویری»، «تصویرگری»، «صفحه‌آرایی و طراحی گرافیک»، «نظارت چاپ» و... همراه بوده‌اند، با درجه کیفی نسبتاً مناسب چاپ شده‌اند.

نقاط ضعف آثار

۱. شرایط امروز و افزایش انتظارات زبانی و تصویری مخاطبان می‌طلبد که ناشران، علاوه بر بهره‌برداری از ظرفیت‌های سنتی زبان و تصویر، به سایر شگردها و جذابیت‌های تکمیلی (شنیداری -



گروه مفاهیم ومعارف قرآن کریم

مسعود وکیل (۱۳۳۴)

فوق لیسانس جامعه شناسی و دارای تحصیلات حوزوی تا پایان دوره سطح، کارشناس مسئول گروه قرآن دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی و از جمله نویسندگان کتاب‌های درسی آموزش قرآن و راهنمای معلم آن‌ها از پیش دبستانی تا پایان دبیرستان. علاوه بر کتاب‌های درسی، ایشان کتاب‌های کمک آموزشی متعددی در زمینه آموزش قرآن کریم به رشته تحریر درآورده است.



بیانیه گروه داوران مفاهیم و معارف قرآن کریم



دوازدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد ویژه کتاب‌های قرآنی - ۱۳۹۴

این آموزه بزرگ، از صدر اسلام تاکنون، سرلوحه دانشمندان اسلامی قرار گرفته است که پاسخ سؤالات و مسائل عصر خود را از قرآن کریم بجویند. این امر منشأ پدید آمدن هزاران کتاب و رساله شده است که هر یک به نوعی با خوشه‌چینی از خرمن بیکران قرآن، نیازهای معنوی، علمی و تربیتی مسلمانان را پاسخ داده است. خوشبختانه در دوره معاصر، به دنبال نهضت بازگشت به قرآن، اندیشمندان و نویسندگان در سطوح گوناگون علمی، در تبیین مسائل دینی و دفاع از حریم اعتقادات، نظام فکری و اجتماعی، اخلاق و احکام اسلامی، مباحث خود را بر محور قرآن کریم ارائه می‌کنند.

خدا را سپاس می‌گوییم که دوازدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد به بررسی کتاب‌ها و آثار قرآنی اختصاص یافت. امید است این اقدام ارزشمند موجب غنای بیشتر این گونه آثار، به ویژه برای مخاطبان خاص - یعنی معلمان و دانش‌آموزان - شود و با تلاش و ارشاد مدیران این جشنواره و ارائه تسهیلات و حمایت‌های لازم، در آینده شاهد تألیف و نشر کتاب‌ها و آثار مفیدتر و مناسب‌تر باشیم.

هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین (جمعه/۲)
قرآن کریم از آغاز نزول تاکنون سرچشمه اصلی تمامی علوم و معارف اسلامی بوده است. در تمدن اسلامی، همه اندیشمندان و دانشمندان، مجموعه آثار و اندیشه‌های خود را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، برآمده از هدایت‌ها و اشارت‌های قرآن کریم می‌دانسته‌اند و انتساب اندیشه خود به کتاب الهی را بزرگ‌ترین افتخار و ارزش می‌شمردند.

دومین آیه از سوره مبارکه جمعه، مأموریت اصلی پیامبر اکرم را در تلاوت آیات الهی، تزکیه مردم و تعلیم قرآن کریم و حکمت الهی به آن‌ها خلاصه می‌کند. در صدر اسلام، تبیین معارف قرآنی و نبوی، محور اصلی تعلیم و تربیت و نشر دانش و حکمت بود. پس از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پیشوایان پاک الهی نیز قرآن کریم را منبع اصلی دانش و علم خود می‌دانستند، همه مردم را به اندیشه و تدبیر در آیات آن دعوت می‌کردند و به آن‌ها می‌آموختند که ریشه کلام ایشان در قرآن کریم است.



علی فرخی (۱۳۴۳)

دکترای حقوق، معلم قرآن به طور مستمر از سال ۱۳۶۲، مسئول امور تربیتی منطقه ۲ آموزش و پرورش، مشاور حقوقی چند مؤسسه معتبر فرهنگی و ورزشی کشور.



فاطمه فاخر (۱۳۴۵)

فوق لیسانس علوم قرآن و حدیث، کارشناس قرآن حوزه ستادی و مدرس دانشگاه جامع علمی-کاربردی. ایشان با ۲۸ سال سابقه کار فرهنگی، در مباحث قرآنی، اجتماعی و تربیتی مقالاتی تألیف کرده است.

موضوعات، دسته‌بندی‌های مفیدی ارائه کرده‌اند. در بسیاری از آن‌ها از منابع دست اول و معتبر استفاده شده است؛ هر چند که در برخی کتاب‌ها استفاده از منابع و مآخذ و به‌ویژه شیوه استناد به آن‌ها اشکال‌هایی نیز دارد.

برای ارتقای کیفی و کارآمدی بیشتر آثار در سال‌های آینده، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. انجام اقدامات لازم برای آشنایی بیشتر ناشران با برنامه درسی قرآن و برنامه درسی دینی و اهداف و ویژگی‌های آن‌ها.
۲. شناسایی موضوعات مناسب مخاطبان براساس نیازها و علاقه‌های آن‌ها به منظور معرفی به ناشران برای تولید آثار خاص و زمینه‌سازی برای رقابت‌های سالم میان آن‌ها؛
۳. برگزاری همایش‌ها یا دوره‌های آموزشی برای نویسندگان و ناشران علاقه‌مند؛ به منظور ارتقای توانایی‌های ایشان در ارائه آثار جذاب متناسب با مقتضیات زمان؛
۴. راهنمایی‌ها و توصیه‌های لازم به ناشران به منظور ارائه طراحی و گرافیک جذاب در کتاب‌ها؛
۵. بهره‌گیری از نثر روان و ساده در ارائه موضوعات و مفاهیم اسلامی و قرآنی؛
۶. کاربردی کردن محتوا و مطالب کتاب‌ها به‌منظور استفاده بیشتر مخاطب، به ویژه دانش‌آموزان؛
۷. تعریف سطح‌بندی برای کتاب‌ها و تعیین مخاطب خاص؛ با تشکر مجدد از برگزارکنندگان جشنواره برای همه دست‌اندرکاران، به ویژه ناشران و مؤلفان علاقه‌مند و متعهد در حوزه تعلیم و تربیت و معارف اسلامی، از خدای بزرگ توفیق روزافزون مسئلت دارد.

پس از بررسی‌های اولیه از میان آثار دریافتی، بیش از ۴۰ عنوان کتاب در موضوع مفاهیم و معارف قرآن کریم که یکی از موضوعات شش‌گانه این جشنواره است، انتخاب شد.

کتاب‌های منتخب با توجه به سطح علمی و مخاطب عام، از قوت و غنای نسبتاً خوبی برخوردارند. این آثار، هر چند به‌طور طبیعی «موضوع» محورند، اما متأسفانه کمتر ناظر به مخاطب خاص تألیف شده‌اند. این امر مشکلاتی از جمله ایجاز و اطناب‌های نامناسب، خالی بودن از جذابیت لازم، بی‌توجهی به ظرفیت ذهنی و ویژگی‌های فرهنگی مخاطب خاص را در این کتاب‌ها پدید آورده است. کتاب‌ها عموماً با بیان مستقیم مطالب، کمتر خوانندگان خود را به تفکر و اندیشه هدایت و تشویق می‌کنند. ضعف خلاقیت و نوآوری در این آثار از همه موارد چشمگیرتر است. مباحث کتاب‌ها به جز معدودی - عموماً در قالب زبان و ادبیات دهه‌های گذشته ارائه شده‌اند که برای نسل امروز جذابیت لازم را ندارند.

نکته دیگر که در همه کتاب‌ها مشاهده می‌شود، در نظر نداشتن برنامه درسی قرآن و دینی است. هر چند این امر نمی‌تواند ایراد و نقصی بر پدیدآورندگان این آثار باشد، زیرا تمهیدات آشنایی ایشان با این برنامه‌ها، از قبل فراهم نشده است، ولی به هر حال این کتاب‌ها نمی‌توانند به میزان قابل قبولی گسترش و تعمیق مفاهیم و موضوعات برنامه‌های درسی مذکور را در پی داشته باشند.

از نقاط قوت آثار، برخورداری آن‌ها از چارچوب قابل قبول معرفتی است. مباحث ارائه شده، عموماً با رعایت اعتقادات و باورهای دینی و فرهنگی جامعه، به ترویج آن‌ها پرداخته است. این آثار از آیات و روایات به خوبی استفاده کرده و متناسب با



فراخوان ارسال آثار

۸. ارائه یافته‌های علمی و ایده‌های نو و تجربه‌ها در زمینه فرایند تولید منابع آموزشی مناسب
۹. معرفی دبیرخانه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی و مؤسسه‌های انتشاراتی موفق
۱۰. تبیین روش‌های نوین خودیادگیری و خودارزشیابی
۱۱. مدیریت و مشارکت در تولید منابع آموزشی و تربیتی
۱۲. تبیین راهبردهای برنامه‌ریزی، تولید و ارزشیابی منابع آموزشی
۱۳. چشم‌انداز آینده تولیدات منابع آموزشی و ملزومات آن‌ها
۱۴. تبیین اصول، رویکردها و اهداف نوین حاکم بر تولید منابع آموزشی مناسب
۱۵. مباحث تحلیلی و کاربردی مربوط به کتاب، کتابخانه‌های آموزشی و کتاب‌خوانی دانش‌آموزان
۱۶. ترویج فرهنگ مطالعه، کتاب‌خوانی و دانش‌افزایی (موانع و راهکارها)
۱۷. آشنایی با مقررات و قوانین مرتبط با به کارگیری مواد و رسانه‌ها

- فصل‌نامه آموزشی، تحلیلی و پژوهشی «رشد جوانه» از تمامی صاحب‌نظران، نویسندگان، مترجمان و پدیدآورندگان منابع آموزشی و اندیشمندان علاقه‌مند به مباحث تولید منابع آموزشی و تربیتی دعوت می‌کند نوشته‌های خود را در زمینه‌های موضوعی زیر، برای دبیرخانه سامان‌دهی منابع آموزشی ارسال دارند:
۱. مطالعات تطبیقی (شیوه‌های تولید مواد و رسانه‌های آموزشی جهان)
 ۲. کاربرد انواع فناوری اطلاعات و ارتباطات در تولید منابع آموزشی
 ۳. تبیین و به روز رسانی ویژگی‌ها، استانداردها و معیارهای منابع آموزشی و تربیتی
 ۴. معرفی توصیفی کتاب‌های آموزشی مناسب و برتر
 ۵. معرفی نشریات، منابع علمی و بانک اطلاعات کتاب‌های آموزشی داخل و خارج از کشور
 ۶. کالبد شکافی محصولات آموزشی موجود و نقد و بررسی آن‌ها
 ۷. نیازسنجی آموزشی و مخاطب‌شناسی



راهنمای تهیه آثار

- محل قرار دادن جدول‌ها، نمودارها، سوتیتورها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود.
- «رشد جوانه» در رد، قبول، ویرایش و تلخیص آثار رسیده آزاد و از بازگرداندن آن‌ها نیز معذور است.
- آرای مندرج در «رشد جوانه» ضرورتاً مبین رأی و نظر «دبیرخانه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی» نیست. بنابراین، مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است.
- اطلاعات منابع مورد استفاده برای تدوین اثر، به ترتیب زیر تنظیم شود:
- نام نویسنده، نام اثر، نام مترجم (اگر ترجمه باشد)، نام مجله یا نشریه، شماره مجله، سال نشر، شماره صفحه.
- نوشته را به ضمیمه نام و نام خانوادگی نگارنده یا مترجم، درجه علمی یا سمت، نشانی محل کار یا سکونت و شماره تلفن، به نشانی زیر ارسال کنید:
- تهران، پل کریمخان زند، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ وزارت آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی. صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱، فصل‌نامه «رشد جوانه»
- نشانی پیام نگار (Email) فصل‌نامه جوانه: javaneh@roshdmag.ir

- نشریه آموزشی، تحلیلی و پژوهشی «رشد جوانه» با هدف اطلاع‌رسانی، اشاعه یافته‌های علمی و ایده‌های نو و تبادل نظر و تجربه بین صاحب‌نظران در زمینه مباحث مربوط به فرایند تولید منابع آموزشی مناسب منتشر می‌شود تا از این طریق، پدیدآورندگان در راستای تحقق هدف‌های آموزش و پرورش، به صورت مستمر و پویا بر غنای دانش و تجربه حرفه‌ای خود بیفزایند و با به کارگیری بهینه ظرفیت‌های موجود، کیفیت تولید منابع آموزشی را ارتقا بخشند.
- از استادان، صاحب‌نظران و اندیشمندان محترم عرصه منابع آموزشی و تربیتی که به منظور همراهی با این فصل‌نامه، نوشته‌های خود را برای انتشار در «رشد جوانه» ارسال می‌دارند، تقاضا می‌شود در حد امکان نکات زیر را رعایت فرمایند:
- حجم مطالب از ۶ صفحه تایپ شده و ۱۱ صفحه دست‌نویس تجاوز نکند.
- نوشته حاوی مقدمه‌های کوتاه، سابقه موضوع، نتیجه و جمع‌بندی موضوع باشد.
- نسخه اصلی نوشته ارسال شود.
- نوشته ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشد و متن اصلی همراه آن ارسال شود. چنانچه نوشته را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید.
- نوشته در مجله یا نشریه دیگری به چاپ نرسیده باشد.



جشنواره کتاب‌های قرآنی
در آینه تصویر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
حضرت علیؑ علیه السلام

قرآن مجید کترین کتب

وآخرین پیام خداوند بزرگترین کتب به جای مانده پرسیا مبرکرمی اسلام

سوال کم صلی اللہ علیہ وسلم

سرچشمہ معارف و آفتابوں سیران حیات است نوری است که خاموشی ^{شند}

خداوند آن اباران بہاری ابی الشوان و رہی وسیع کتدر صافراست

مست الابی
علامہ ابی انور

کہ توئی نوای مسلمان زمین
فانش کویم آنچه در دل نصیر است
از تادست بر توجی اردکتا
چون دجان و جان شیرین
نیت مکن جسہ بران پیشین
این کتابی نیست چیرہ گرا
تو از او کامی کہ می خواهی بیا
جان دیگرش ز جهان کشید